

مسیحی مسئلہ

(ایماندار در مقام مباشر امور خدا)

نویسنده: خوزه سیلوا دلگادو

مترجم: آریان رُشدی

ویرایش و انطباق: آرمان رُشدی

انتشارات ایلام - انگلستان ۲۰۰۸

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۱-۹۰۴۹۹۲-۲۵-۷

این کتاب ترجمه‌ای است از کتاب

The Responsible Christian

A Study in Christian Stewardship

Jose R. Silva Delgado

Translated into Persian by: Aryan Roshdi

Edited by: Arman Roshdi

GLOBAL UNIVERSITY
1211 South Glenstone Ave.
Springfield, MO 65804
U.S.A

Published by:
ELAM PUBLICATIONS
P.O. BOX 75
GODALMING GU8 6YP
ENGLAND

Persian Translation Copyright © Elam Ministries 2008

ISBN 978-1-904992-25-7

مسیحی مسئول، دوره خدمات مسیحی

کلیه آیات نقل شده، از کتاب مقدس ترجمه قدیم می‌باشد. در صورتی که این ترجمه برای تان دشوار است، می‌توانید آیه‌ها را از ترجمه جدید «هزاره نو»، «مژده برای عصر جدید» و یا ترجمه «تفسیری» بیابید و بخوانید.

فهرست مطالب

۵	مقدمه
	بخش اول: تعلیم کتاب مقدس در مورد مباشرت
۱۱	درس ۱: خدا، مالک همه چیز
۳۵	درس ۲: انسان، مباشر خدا
	بخش دوم: رابطه مباشر با زندگی و وجود خود
۶۱	درس ۳: زندگی خود را چگونه اداره کنیم؟
۸۷	درس ۴: شخصیت خود را چگونه اعتلا بخشیم؟
۱۱۳	درس ۵: از بدن خود چگونه مراقبت کنیم؟
۱۳۱	درس ۶: امکانات شخصی خود را چگونه به کار بگیریم؟
	بخش سوم: مسئولیت‌های ما در مقام مباشر
۱۵۹	درس ۷: مسئولیت ما در قبال پول و دارایی‌مان
۱۸۷	درس ۸: مسئولیت ما در قبال خانه‌مان
۲۱۳	درس ۹: مسئولیت ما در قبال کلیسایمان
۲۴۱	درس ۱۰: مسئولیت ما در قبال اجتماع خود
۲۵۳	پاسخ خودآزمایی‌ها
۲۶۱	آزمون‌های میانی

توجه

مطالعه و کسب دانش در زمینه کتاب مقدس و الهیات به تنهایی هیچ کس را خادم نمی سازد. فقط کسانی افتخار خدمت به خداوند را دریافت می دارند که حاضر باشند «خدمت» کنند، نه «ریاست»؛ حاضر باشند، آخر باشند، نه اول؛ حاضر باشند افتخار را به دیگران بدهند و از حق خود بگذرند!

آنچه که یک مسیحی را شایسته خدمت به خداوند می سازد، روحیه خدمتکاری است. اگر چنین روحیه ای در وجود مسیحی شکل گرفته باشد، آنگاه، و فقط آنگاه است که دانش الهیات و کتاب مقدس می توانند او را برای خدمت مؤثرتر مجهز سازند.

دعای ما این است که چنین روحیه ای در همه ما شکل بگیرد. آمین!

مقدمه

بدل شدن به مباشری امین

شما در آستانه مطالعه موضوعی بسیار مهم هستید: یعنی اینکه چگونه می توان در تمامی جنبه ها و زمینه های زندگی بدل به مباشری امین گردید.

اما مباشر کیست و مباشرت چیست؟ مباشر کسی است که اموال و امور مالک را اداره و هماهنگ می کند. او از سوی مالک مأمور و مسئول است که دارایی ها و کارهای او را به بهترین نحو اداره کند تا سود مناسب حاصل گردد.

در این کتاب درسی خواهیم دید که مالک همه چیز خدا است و ما مسیحیان مباشرین او می باشیم. خواهیم دید که کتاب مقدس در مورد مباشرت چه می گوید، یعنی اینکه نقش خدا به عنوان مالک چیست و نقش انسان به عنوان مباشر چه می باشد. این کتاب توضیح خواهد داد که یک مسیحی چگونه باید مسئولیت خود را برای اداره امین دارایی ها و منابعی که خدا در اختیار او گذاشته است به جا آورد. همچنین خواهیم آموخت که رابطه مباشر با خانواده، کلیسا، و جامعه اش چگونه باید باشد.

این کتاب به سه بخش تقسیم شده است. در بخش اول، با مفاهیم مالکیت و تعلیم کتاب مقدس در این مورد آشنا می شویم. در دو درس این بخش، توضیحات و نمونه هایی از کتاب مقدس را در مورد این مفاهیم خواهیم یافت. این توضیحات کمک خواهند کرد تا درک کنیم که مالک همه چیز خداست و انسان مباشر او می باشد.

بخش دوم به رابطه مباشر با زندگی و وجود خود می پردازد، یعنی با زندگی، بدن، وقت، و قابلیت هایش. در این بخش فرا خواهیم گرفت که کتاب مقدس در مورد این امکانات چه می گوید. و از آنجا که هر یک از این جنبه های زندگی در واقع دارایی ای است که خدا به ما ارزانی داشته، لازم است بدانیم که چگونه آن را برای جلال او مورد استفاده قرار دهیم. چهار درس بخش دوم راه ها و پیشنهادهایی در مورد نحوه انجام این کار در اختیارمان قرار می دهد.

در بخش سوم، فرا خواهیم گرفت که به عنوان مباشر مسیحی، چه مسئولیتی در رابطه با دیگر جنبه های زندگی مان داریم، جنبه هایی نظیر پول، خانه، کلیسا و جامعه مان. چهار درسی این بخش روش تحقق مسئولیت های تان را در هر یک از این حوزه ها نشان داده، توضیح خواهند داد که کتاب مقدس در مورد هر یک چه می گوید، و کمک خواهند کرد تا اصولی را که باید از آنها پیروی کنیم درک نماییم. باشد که این کتاب درسی به شما کمک کند تا تمام نعمت هایی را که خدا به شما عنایت فرموده، به درستی اداره کنید، طوری که در آن روز بشنوید که ارباب آسمانی به شما می فرماید: «آفرین ای غلام نیک متدین! ... در خوشی خداوند خود داخل شو!» (متی ۲۵: ۲۳).

اهداف کتاب

- پس از مطالعه این کتاب، باید بتوانید:
- ۱- نقش خدا و خود را در ارتباط با مباشرت توصیف کنید.
 - ۲- توضیح دهید که مسئولیت اداره امور به عنوان یک مباشر چه معنایی دارد.
 - ۳- روش انجام هر یک از مسئولیت های مباشرت را بیان کنید.
 - ۴- اهمیت وقف کردن خود و اموال تان به خدا و استفاده از قابلیت های تان را در خدمت به او درک کنید.

درباره نویسنده کتاب

خوزه سیلوا دلگادو (Jose Silva Delgado) به مدت ۲۵ سال در خدمت شبانی بوده است و اکنون نیز در شهر Valdivia در زادگاهش، شیلی، به کار شبانی اشتغال دارد. پس از این ۲۵ سال، پیش از آنکه مجدداً در Valdivia به کار شبانی مشغول شود، در شهرهای مختلف شیلی عهده دار خدمت شبانی بوده است. وی علاوه بر خدمت شبانی، رهبر کلیساهای منطقه ای و ایالتی کشور خود بوده است. او همچنین در مقام استادی کالج های کتاب مقدس خدمت کرده است و در

کنار وظایف شبانی‌اش در Valdivia، به‌طور مرتب برای نشریات مسیحی مقاله می‌نویسد و ترجمه می‌کند.

نحوه مطالعه این کتاب

کتاب حاضر به شیوه‌ای ویژه نگارش یافته است که خواننده بتواند از آن به‌صورت خودآموز استفاده کند.

در مقدمه درس، کلیات و اهداف درس ارائه شده است. سپس قسمت‌های مختلف درس را یک به یک مطالعه نمایید و به سؤالات مطرح شده پاسخ دهید. این سؤالات در لابلای دروس گنجانده شده‌اند. پاسخ‌های صحیح سؤالات را در آخر هر درس خواهید یافت. جواب‌های خود را با آنها مقایسه کنید. برای کمک به خودتان، بهتر است تا زمانی که به سؤالات پاسخ نداده‌اید، به پاسخ‌ها نگاه نکنید.

در پایان هر درس نیز یک خودآزمایی وجود دارد. این خودآزمایی شما را در به‌خاطر سپردن مطالب درس و یادگیری نکاتی که احیاناً توجه نکرده‌اید، یاری می‌دهد. پاسخ صحیح به سؤالات خودآزمایی در پایان کتاب آمده است.

ارزش دانشگاهی این دوره

هر کتاب از دوره «خدمت مسیحی» معادل یک واحد دانشگاهی ارزش دارد (لیسانس الهیات معادل ۱۲۸ واحد می‌باشد). دانشجویان می‌توانند کتاب‌های دوره «خدمت مسیحی» را به سه شیوه مطالعه کنند:

نخست، این کتاب‌ها را می‌توانند فقط برای اطلاعات عمومی و مطالعه شخصی بخوانند؛

دوم، می‌توانند آن را مطالعه کرده، و در پایان فقط آزمون‌های میانی را به‌شرح زیر بگذرانند؛

سوم، می‌توانند پس از گذراندن آزمون‌های میانی، آزمون رسمی و نهایی را طبق توضیحات زیر بگذرانند و یک واحد دانشگاهی اخذ کنند.

آزمون‌های میانی

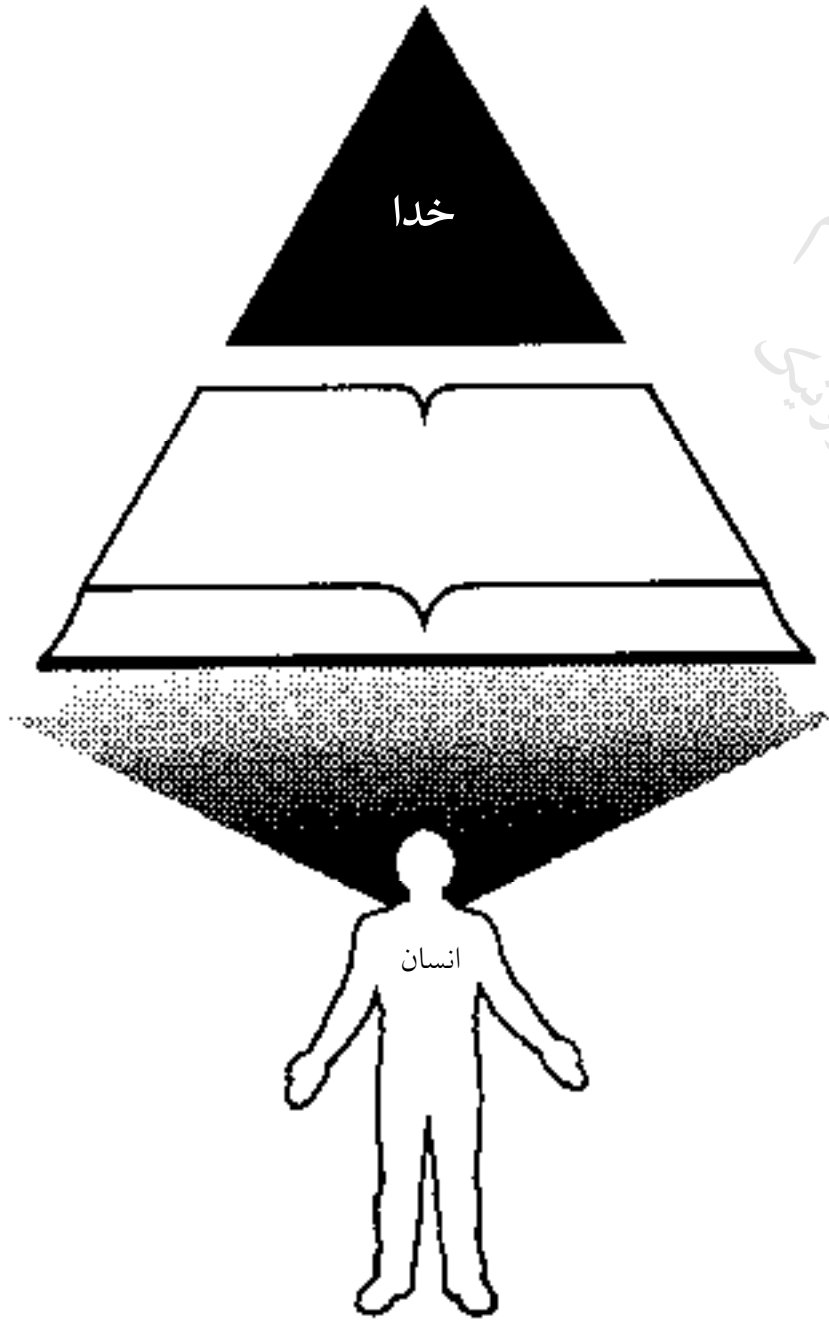
در پایان کتاب، سؤالات مربوط به آزمون‌های میانی را خواهید یافت. نام و نشانی خود را بر روی پاسخنامه ارائه شده بنویسید، و سپس بدون مراجعه به کتاب به سؤالات پاسخ دهید. پس از آن، پاسخنامه را برای ما ارسال دارید تا آن را اصلاح کرده، به شما عودت دهیم. پس از اتمام هجده کتاب دوره «خدمت مسیحی» یک گواهینامه تقدیم دانشجو خواهد شد.

آزمون رسمی (نهایی)

دانشجویانی که مایل باشند، می‌توانند پس از گذراندن آزمون‌های میانی، برای دریافت آزمون رسمی هر کتاب، یک فرم ثبت‌نام رسمی دانشگاه گلوبال را تکمیل نمایند و با پرداخت هزینه مربوطه، آزمون رسمی را بگذرانند. این آزمون از آنجا که ارزش دانشگاهی دارد، باید نزد یک شبان یا خادم رسمی کلیسا گذرانده شود. در صورت موفقیت در این آزمون (امتیاز ۸۰٪ و بالاتر)، دانشجو یک واحد کسب خواهد کرد و گواهی مربوط به آن درس را از دفتر بین‌المللی دانشگاه دریافت خواهد داشت. در صورت تکمیل هجده کتاب دوره «خدمت مسیحی» دانشجو هجده واحد رسمی از ۱۲۸ واحد لازم برای اخذ لیسانس الهیات را کسب می‌کند. در این صورت، دانشجو می‌تواند با ورود به دوره‌های پیشرفته‌تر دانشگاهی، تحصیل الهیات را تا حد فوق دیپلم (۶۴ واحد) یا لیسانس (۱۲۸ واحد) ادامه دهد. قابل ذکر است که واحدهای این دوره برای سطح لیسانس دوم قابل استفاده نخواهد بود. باشد که خداوند شما را به‌هنگام مطالعه کتاب مسیحی مسئول: مطالعه‌ای در مباشرت مسیحی، برکت دهد. دعا می‌کنیم که این مطالعه به زندگی و خدمت مسیحی‌تان غنا بخشیده، به شما کمک کند تا به‌طرز مؤثرتری سهم خود را در بدن مسیح تحقق بخشید.

فصل اول

تعلیم کتاب مقدس در مورد مباشرت



انتشارات ایلام
نسخه الکترونیکی

خدا، مالک همه چیز

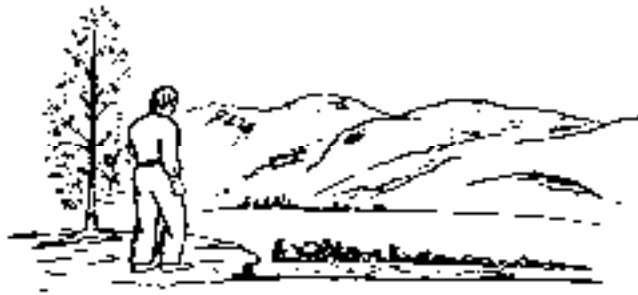
یک مباشر یا مدیر باید بداند برای چه کسی کار می‌کند. در غیر این صورت به چه کسی باید حساب مباشرت خود را پس بدهد؟

هدف ما در این درس، آشنایی با حقیقتی است که شالوده این کتاب درسی را تشکیل می‌دهد. این حقیقت این است که ما مالک آنچه که داریم نمی‌باشیم، زیرا که خدا مالک هر آن چیزی است که وجود دارد.

شما به عنوان یک خادم یا ایماندار مسیحی، لازم است بدانید که نه برای خود، بلکه باید برای مالک و ارباب زندگی و تمام هستی‌تان کار کنید. اگر واقعاً مفهوم این حقیقت را به طور کامل درک کنید، این امر باعث انقلابی در زندگی و خدمت‌تان خواهد شد و بدون شک شیوه اندیشه و زندگی شما را تغییر خواهد داد.

رئوس مطالب

درک مفهوم مالکیت
مالک برحق کیست؟
چرا خدا مالک برحق است؟
چگونه نشان دهیم که خدا مالک برحق ما است؟



اهداف درس

- پس از مطالعه این درس، باید بتوانید:
- تفاوت میان درک صحیح و غلط از مالکیت را دریابید.
- توضیح دهید که کتاب مقدس در مورد هویت مالک حقیقی چه می گوید و مالکیت او به چه معنی است.
- با وقف خود و اموال تان به خدا، خدا را به عنوان مالک حقیقی تصدیق کنید.

فعالیت های یادگیری

- ۱- مقدمه و رئوس مطالب را به دقت بخوانید. اهداف درس را بخوانید. این اهداف به شما می گویند که بعد از مطالعه هر جزء از درس، باید بتوانید چه کاری را انجام دهید. تمرین های داخل درس و خودآزمایی بر پایه این اهداف قرار دارند.
- ۲- متن درس را مطالعه کنید. تمام آیه های کتاب مقدس را که در آن قید شده، بیابید و بخوانید.
- ۳- به تمرین های موجود در متن درس پاسخ دهید. سپس پاسخ های خود را با پاسخ های عرضه شده در انتهای درس مقایسه کنید. هر سؤالی را که پاسخ غلط به آن داده اید، مرور نمایید. اگر سؤالی دارید، آن را یادداشت کرده، برای مسئول دفتر ICI بنویسید یا برای اطلاعات بیشتر از شبان خود سؤال کنید.

۴- پس از اتمام درس، به سؤالات خودآزمایی پاسخ دهید. پاسخ‌های خود را با پاسخ‌های آمده در انتهای کتاب مقایسه نمایید.

متن درس

درک مفهوم مالکیت

درک غلط از مالکیت

قبل از هر چیز، می‌توانیم مطالعه خود را در مورد مباشرت مسیحی با روشن ساختن و توضیح مفهوم حق مالکیت آغاز کنیم. برخی از مردم بر این باورند که صرف برخورداری یا استفاده از چیزی، آنان را مالک آن می‌گرداند. ظاهراً این ادراک در وجود ما ریشه‌ای عمیق دارد - درکی که ما از همان کودکی داشته‌ایم. فقط سعی کنید که چیزی را حتی از یک کودک چهار ساله بگیرید، آن وقت است که گریه اعتراض او بر می‌خیزد! درست است که ما ممکن است چیزی را کرایه یا قرض کنیم و آن را داشته باشیم، اما آن چیز متعلق به ما نیست.

شاید برخی از افراد چیزهایی را که قرض گرفته‌اند، پس نمی‌دهند به‌خاطر آنکه درک روشنی از حق مالکیت ندارند. مرد جوانی نامه‌ای را دریافت کرد که در آن از او خواسته شده بود آکاردئونی را که به او قرض داده شده بود، پس بدهد. وی با خشم به من گفت: «صاحب آکاردئون موسیقی نمی‌داند و به آن هم احتیاجی ندارد. او به اندازه کافی پول دارد که یکی دیگر بخرد. من آکاردئون ندارم و از این هم برای کار خداوند استفاده می‌کنم.» همانطور که حدس می‌زنید، او قصد نداشت که آکاردئون را پس بدهد.

شما باید فرق میان داشتن و حق مالکیت را بدانید تا اصول مباشرت مسیحی را درک نمایید. در کلیسای اولیه، مسیحیان این تفاوت را به‌درستی درک کرده بودند. در

مورد ایشان چنین می‌خوانیم: «هیچ کس چیزی از اموال خود را از آن خود نمی‌دانست» (اعمال ۴: ۳۲).

عنصر اساسی مفهوم مالکیت

شاید از خود پرسید چه امری شخص را مالک چیزی می‌کند؟ جوابش شاید چنین چیزی باشد: اینکه نگذاریم کس دیگری از آنچه که مال ماست، استفاده کند یا مالکش شود. شما ممکن است یک صندلی را در بالکن یا حیات خانه‌تان رها کنید و بگذارید که خورشید و باران آن را از بین ببرد. شما از آن استفاده نمی‌کنید، اما اجازه نمی‌دهید که کس دیگری نیز از آن استفاده کند. اگر کسی آن را به خانه خود ببرد، او را دزد به حساب خواهید آورد و حق هم با شماست و قوانین جامعه نیز از شما پشتیبانی می‌کنند. چنین است زیرا که بر طبق ارزش‌های این جهان، جلوگیری از استفاده از چیزی توسط دیگران، عنصر اساسی مفهوم مالکیت است.

این اندیشه ممکن است خودخواهانه به نظر آید. چنین هم هست. البته چنین درکی، آن مفهومی نیست که کتاب مقدس از مالکیت به دست می‌دهد؛ اما مفهومی است که بر جامعه دنیوی ما مسلط است. مفهوم مالکیت طبق کتاب مقدس را کمی جلوتر مطالعه خواهیم کرد.

۱- محل آیه‌ای از کتاب مقدس را بنویسید که افرادی را معرفی می‌کند که بر خورداری از مال و اموال را با حق مالکیت یکی نمی‌دانستند.

صفات منحصر به فرد یک مالک

مالک دارای صفاتی است، یا بهتر است بگوییم دارای حقوقی است که یک کرایه‌کننده یا قرض‌کننده یا استفاده‌کننده ساده فاقد آن است. ما این صفات یا حقوق را منحصر به فرد می‌نامیم. مالک هر چه که بخواهد می‌تواند با مایملکش انجام دهد. او می‌تواند از آنچه که دارد، درست یا نادرست استفاده کند. او می‌تواند آن را بفروشد یا

تعویض کند یا دور بیندازد. حتی می‌تواند اگر بخواهد، آن را نابود سازد. هیچ کس نمی‌تواند مانع او شود زیرا که متعلق به اوست. این صفت آن چیزی است که می‌توانیم حاکمیت مالک بر مایملک بنامیم.

در دوره‌هایی از تاریخ در نقاط مختلف جهان، برده‌داری وجود داشته است. برده متعلق به مالک یا ارباب خود بود. مالک او می‌توانست او را از بازار برده‌فروشان بخرد، یا به‌عنوان اسیر جنگی صاحب او شود. از آنجا که برده از آن او بود، مالک بر او اقتدار یا خداوندگاری داشت، یعنی این حق را داشت که به برده امر و نهی کند و برده نیز باید اطاعت می‌کرد. بدینسان می‌توان گفت که یک مالک بر تمام اموال بی‌جان خود حاکمیت دارد، اما بر افراد متعلق به خود، اقتدار و خداوندگاری دارد. یک برده ممکن است از اراده یا اقتدار اربابش نافرمانی کند، حال آنکه اموال بی‌جان، تحت کنترل کامل مالک می‌باشند.

در طول درس، صفات مالک را بیشتر بررسی خواهیم کرد.

- ۲- کدام یک از عبارات زیر، یکی از صفات منحصر به فرد مالک را بیان می‌کند؟
- (a) او مدت طولانی از چیزی استفاده کرده یا آن را در اختیار خود داشته است.
 - (b) او می‌تواند با آنچه که دارد هر چه می‌خواهد بکند.
 - (c) شخصی دیگر می‌تواند مانع از این شود که او از مایملک خود سوءاستفاده نماید.

- ۳- شخصی که معنی حق مالکیت را درک می‌کند، چگونه استدلال خواهد کرد؟
- (a) جمشید این پول را به من قرض داد. گرچه او ثروتمند است و به آن نیازی ندارد، باید آن را به او پس بدهم، زیرا این پول به من تعلق ندارد.
 - (b) همسایه من دو چرخه‌اش را در باران رها کرده است. او از آن خیلی خوب نگه‌داری نمی‌کند. پس من آن را بر می‌دارم و خودم از آن استفاده خواهم کرد.

مالک برحق کیست

مالک دروغین

من و شما هر یک چیزهایی داریم که آنها را از آن خود می‌دانیم. اما آیا حقیقتاً مالک آنها هستیم؟ اگر ما مالک آنها نیستیم، پس چه کسی مالک است؟ پیش از پاسخ به این سؤالات، خوب است که به دو نظریه توجه نماییم. این دو نظریه در رابطه با مسأله مالک اصلی اموال ما متضاد هستند.

فرد به عنوان مالک

نظریه‌ای که هزاران سال پا بر جا بوده، اما طی قرن اخیر قویاً مورد تأکید قرار گرفته، این است که فرد، مالک است. نقص عمده این اندیشه این است که خودمحوری طبیعی انسان را توجیه کرده و بی‌عدالتی بسیاری را در جهان حاکم گردانده است. طبق این نظریه، اگر شخصی منابع و امکانات کمک را داشته باشد و نیازهای همسایه‌اش را بداند و نخواهد که کمک کند، نمی‌توان او را مجبور به این کار نمود. او آزاد است که هر طور که می‌خواهد اموالش را به کار ببرد؛ یا اگر بخواهد، آن را میان دیگران تقسیم کند. در حکایتی که عیسی در لوقا ۱۶:۱۹-۲۱ تعریف کرد، آن مرد دولتمند نخواست به ایلعازر فقیر کمک کند؛ نحوه عمل او نشان می‌داد که او خود را مالک می‌پنداشت.

مفهوم مالکیت این اواخر تا حدی تغییر یافته است. در برخی از کشورها قوانینی وجود دارد که اجازه می‌دهد برخی از اموال و املاک برای منافع عمومی اختصاص یابند. این بدین معنی است که ممکن است از یک مالک خواسته شود که اگر ملکش برای جامعه مفید باشد، آن را به دولت بفروشد. اما حتی در این صورت نیز مفهوم مالکیت بسیار متفاوت از آن چیزی است که کتاب مقدس به ما نشان می‌دهد.

جامعه به عنوان مالک

نظریه دیگر این است که مالک جامعه است، نه فرد. برخی ایمانداران علاقه خاصی به این نظریه نشان داده‌اند، زیرا که به نظر آنان دیدگاه مسیحی چنین است. ایشان به اعمال ۴۴:۲-۴۵ اشاره می‌کنند که می‌گوید که مسیحیان اولیه «در همه چیز شریک می‌بودند و املاک و اموال خود را فروخته، آنها را به هر کس به قدر احتیاجش تقسیم می‌کردند.» ایشان همچنین به اعمال ۳۲:۴ رجوع می‌کنند که می‌فرماید: «ایشان همه چیز را مشترک می‌داشتند.» با این حال، قابل توجه است که این آیه‌ها بیشتر گویای این هستند که ایمانداران در موقعیت‌های خاص چه کرده‌اند، نه اینکه به طور کلی پیرو چه نظریه مالکیت بودند. عهد جدید در هیچ جا نمی‌گوید که رسولان، جامعه مسیحی را مالک اموالشان تلقی می‌کردند.

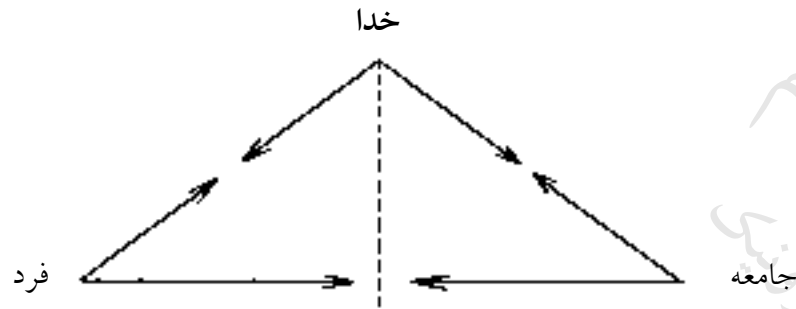
مالک واقعی

چه مالکیت فردی و چه مالکیت جمعی، هر دو نظریه‌هایی هستند که می‌توانند منتهی به نقطه نظرهای افراطی شوند. اما حقیقت معمولاً بیناین دو افراط یافت می‌شود. حقیقت را باید در کتاب مقدس جستجو کرد که نظریه سومی را از مالک به دست می‌دهد.

هویت مالک

بر طبق کتاب مقدس، نه فرد مالک است و نه جامعه، بلکه فقط خدا. این حقیقت نه فقط مابین دو نظریه‌ای است که قبلاً بیان شد، بلکه در واقع فراسوی آنها قرار دارد. افراد و جامعه، فقط انسان هستند. اما خدا مافوق انسان‌ها است. نظریه کتاب مقدس در مورد مالکیت تأکید می‌کند که مالک حقیقی کسی است که چیزی دارد بی‌آنکه آن را از کسی دریافت کرده باشد. مالک حقیقی به چیزی احتیاج ندارد زیرا که همه چیز دارد. تنها خدا واقعاً واجد این شرایط است (اول تواریخ

۱۴:۲۹؛ اعمال ۲۵:۱۷). انسان هر چه دارد، آن را از کسی دریافت کرده است، چه به زور، و چه با رضایت طرف مقابل (اول قرنتیان ۷:۴؛ اول تیموتائوس ۷:۶).



کتاب مقدس می‌فرماید که زمین از آن خداست (خروج ۵:۱۹). انسان‌ها، حیوانات، و هر چیز دیگری که در جهان است به خدا تعلق دارد (مزمور ۱:۲۴؛ ۵۰:۱۰، ۱۲؛ حجی ۸:۲). او مالک مطلق هر چیزی است که وجود دارد زیرا که «همه چیز در آسمان و زمین (از آن اوست)» (اول تواریخ ۱۱:۲۹). در پرتو این آیات، چقدر عبث و جسورانه است که فرد و جامعه سعی کنند آن چیزی را که به آنان تعلق ندارد، از آن خود بدانند؛ آیا چنین نیست؟ خدا هنوز هم مالک همه چیز است.

۴- فرض کنید که به کسی توضیح می‌دهید که خدا مالک حقیقی همه چیز است. کدام دسته از آیه‌ها را انتخاب خواهید کرد؟

(a) مزمور ۱۰:۵۰؛ اعمال ۲۵:۱۷

(b) لوقا ۱۶:۱۹-۲۱؛ اعمال ۲:۴۴-۴۵

(c) اعمال ۳۲:۴؛ اول تیموتائوس ۷:۶

۵- شخصی که می‌داند که مالک حقیقی کیست، مطابق کدام موارد زیر استدلال خواهد کرد؟

(a) همه چیز به جمع تعلق دارد. به این طریق می‌توان نیازهای همه را تأمین کرد و همه از آن نفع خواهند برد.

(b) فرد و جامعه هر دو انسان هستند. خدا مافوق آنهاست و همه چیز در جهان به او تعلق دارد.

(c) افراد کسانی هستند که کار می‌کنند و پول به‌دست می‌آورند تا چیزهایی بخرند و مالک‌شان شوند. لذا هر چه که دارند متعلق به آنهاست.

مالکیت او

خدا به‌راستی مالک عالم است. اما کتاب مقدس به ما می‌گوید که در گذشته‌های دور، مالکیت او مورد اعتراض واقع شد. لوسیفر یکی از زیباترین مخلوقات خدا بر او عصیان کرد و بدل به شیطان یعنی دشمن خدا گردید. او آنچه را که از آن خدا بود غصب کرد؛ به همین دلیل است که شیطان رئیس این جهان خوانده شده است (یوحنا ۱۲:۳۱؛ ۱۴:۳۰؛ ۱۶:۱۱). شیطان انسان را وسوسه کرد تا او نیز بر مالک خود عصیان کند. انسان عصیان کرد و بدینسان تحت سلطه شیطان در آمد. این امر باعث نازل شدن درد و رنج و بی‌عدالتی بسیار بر جهان گردید.

اما خدا نقشه شگفت‌آوری داشت تا آنچه را که از آن اوست، فدیّه دهد و نجات بخشد. نخستین گام برای اجرای این نقشه، انتخاب قوم اسرائیل به‌عنوان قوم خاص خود بود. ایشان از بین اقوام روی زمین خزانه خاص او بودند (خروج ۶:۷؛ ۱۹:۵). بدین طریق بود که بنی اسرائیل قوم خدا شد؛ مسیح، وارث عالم هستی، می‌بایست از قوم اسرائیل برخیزد (لوقا ۱۳:۲۰-۱۴؛ عبرانیان ۲:۱). اما بنی اسرائیل قاصر آمد و نقش خود را به‌عنوان قوم خدا ایفا نکرد (هوشع ۹:۱).

با وجود این، لغزش بنی اسرائیل باعث نشد که نقشه خدا با شکست روبرو شود. خدا در زمان مناسب، پسرش عیسی مسیح را فرستاد. شیطان حکومت بر کشورهای این جهان را به او پیشنهاد کرد - گویی که واقعاً به او تعلق دارند - به این شرط که عیسی او را پرستش کند (متی ۴: ۸-۹). اما عیسی پیشنهاد شرم‌آور غاصب را رد کرد زیرا که با قربانی کردن خود می‌رفت تا جهان را از سلطه شیطان نجات دهد (یوحنا ۸: ۳۴، ۳۶؛ اول پطرس ۱: ۱۸-۱۹).

عیسی همانگونه که وعده داده بود، کلیسایش را بنیان نهاد. کلیسا اکنون قوم خداست (رومیان ۹: ۲۴-۲۵؛ اول پطرس ۲: ۹-۱۰). تمامی ایمانداران به خدا تعلق دارند. وقتی که مسیح کلیسایش را به آسمان ببرد، بسیاری از قوم اسرائیل توبه کرده، به همراه کلیسا قوم خدا خواهند شد (هوشع ۱: ۱۰؛ رومیان ۱۱: ۲۵-۲۷). ایشان همچنین از سلطه شیطان رهایی خواهند یافت.

مکاشفه ۱۵: ۱۱ می‌فرماید که صداهاى بلند در آسمان واقع خواهد شد که خواهند گفت: «سلطنت جهان از آن خداوند ما و مسیح او شد.» هنگامی که نقشه خدا تماماً متحقق گردد، آسمانی جدید و زمینی جدید پدید خواهد آمد (مکاشفه ۲۱: ۱) و تخت خدا و بره یعنی عیسی آنجا خواهد بود (مکاشفه ۳: ۲۲). هر موجود انسانی درک خواهد کرد که خدا، پادشاه و خداوند مقتدر هر آن چیزی است که وجود دارد!



۶- کدام آیه در مورد فداکاری عیسی برای بازخرید ما صحبت می‌کند؟

(a) خروج ۷:۶

(b) یوحنا ۳۰:۱۴

(c) اول پطرس ۱۸:۱-۱۹

(d) مکاشفه ۱:۲۱

۷- کدام عبارت به بهترین وجه آنچه را که کتاب مقدس در مورد حق مالکیت

خدا به ما می‌گوید توصیف می‌نماید؟

(a) شیطان آنچه را که به خدا تعلق دارد غصب کرده است. اما شیطان مغلوب مسیح گشت. سرانجام همگان خواهند دانست که خدا مالک است.

(b) همه چیز به خدا تعلق داشت. اما انسان عصیان ورزید و آنچه را که از آن خدا بود گرفت. انسان تا زمان بازگشت مسیح مالک همه چیز است.

چرا خدا مالکِ برحق است

حق خدا به‌عنوان مالک کاملاً مشروع است. بر اساس توضیحات ذیل، مشاهده خواهید نمود که هیچ کس جز خدا واقعاً حقی بر عالم و خصوصاً بر ما ندارد. دلایل آن از این قرارند:

خدا ما را خلق کرده است

خدا مالک عالم است زیرا که خودش آن را آفریده است (پیدایش ۱:۱؛ یوحنا ۳:۱). زمین به‌همراه تمام چیزهایی که در آن است متعلق به اوست. «زمین و پری آن از آن خداوند است. ربع مسکون و ساکنان آن. زیرا که او اساس آن را بر دریاها نهاد و آن را بر نهرها ثابت گردانید» (مزمور ۲۴:۱-۲). از آنجا که او ما را خلق کرده است، ما نیز به او تعلق داریم (مزمور ۱۰۰:۳). خدا همه چیز را به‌خاطر جلال خود آفرید (اشعیا ۴۳:۷؛ کولسیان ۱:۱۶، مکاشفه ۴:۱۱)، و نیز چون او را چنین پسند آمد (مزمور

۴:۱۴۹). هر آنچه که موجود است به خدا تعلق دارد زیرا که او به عنوان خالق بر آن حق دارد.

خدا به عنوان مالک، بر تمام چیزهایی که آفریده است حق حاکمیت مطلق دارد: «بلکه تو کیستی ای انسان که با خدا معارضه می کنی؟ آیا مصنوع به صانع می گوید که چرا مرا چنین ساختی؟ یا کوزه گر اختیار بر گل ندارد که از یک خمیره ظرفی عزیز و ظرفی ذلیل بسازد؟» (رومیان ۹: ۲۰-۲۱). او به انسان زبان داد، اما از طرفی بعضی را نیز لال آفرید (خروج ۴: ۱۱). آیا شما با نقص عضو به دنیا آمده اید؟ یا کسی از اطرافیان تان نقص عضو دارد؟ در این صورت، در متهم کردن خالق تان عجله نکنید. خدا اربابی ظالم و بی رحم نیست که از زجر مخلوقاتش لذت ببرد. برعکس، او خواهان رفاه و بهزیستی ماست. این امر به واسطه شفاهای بیشمار که عیسی داد، ثابت شده است. اما طبعاً درک این واقعیت که چرا خدا اجازه می دهد بعضی با نقص عضو به دنیا بیایند، مشکل است. اما فراموش نکنیم خدایی که حکیم است، بدون شک دارای هدفی پر جلال و شگفت آور برای این قبیل افراد می باشد.

پولس رسول از اقتدار و حکمت خدا در شگفت بود و اعلام کرد که همه چیز از خداست و او شایسته جلال است (رومیان ۱۱: ۳۳-۳۶).

خدا ما را حفظ می کند

اگر خدا با کلام قدرت خود حافظ همه چیز نبود (عبرانیان ۱: ۳)، هستی ما به کوتاهی هستی یک اخگر می بود. اما به خاطر اوست که همه چیز وجود دارد (مکاشفه ۴: ۱۱) و در اوست که همه چیز پابرجاست و به هم پیوسته می باشد (کولسیان ۱: ۱۶). ما هیچ چیز نداریم که کاملاً از آن ما باشد. ما همه چیز را از خدا دریافت کرده ایم (اول تواریخ ۱۷: ۲۹، اعمال ۱۷: ۲۵، اول قرنثیان ۷: ۴): محل زندگی مان، هوایی که تنفس می کنیم، غذایی که می خوریم، و غیره. اگر زنده هستیم، به خاطر این است که خدا می خواهد زندگی کنیم. و نهایتاً غیر ممکن است که جدا از خدا زیست نماییم زیرا که «در او زندگی و حرکت و وجود داریم» (اعمال ۱۷: ۲۸).

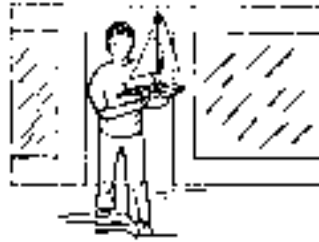
یکی از شگفت‌آورترین تعالیم کتاب مقدس این است که رابطه خدا با ما رابطه‌ای پدرانه است. او به ما همانند فرزندانش می‌نگرد و نه صرفاً به عنوان دارایی و مایملک خود. از آنجا که خدا مالک همه چیز است، ما نیز فرزندان پدری بی‌نهایت ثروتمند و پرشکوه هستیم. او بهتر از هر پدر زمینی است و همواره آماده است که چیزهای نیکو را به فرزندانش بدهد (متی ۹:۷-۱۱). این حقیقت پرشکوه به ما کمک می‌کند که با اعتماد کامل در او زیست نماییم (متی ۳۱:۶-۳۲). یک کودک بی‌سرپرست در فکر این است که از چه راهی خود را زنده نگاه دارد. او باید در فکر محل خواب خود باشد. اما کودکی که تحت سرپرستی والدینش زندگی می‌کند، این دغدغه‌ها را ندارد. من و شما پدر نیکویی داریم یعنی خدایی که ما را حمایت کرده، از ما مراقبت می‌نماید (رومیان ۸:۳۲، اول پطرس ۵:۷).

۸- وقتی که می‌گوییم خدا حافظ همه چیز است، منظورمان چیست؟

خدا ما را بازخريد می‌کند

در روزگار عهدعتیق، اگر یک اسرائیلی آنقدر فقیر بود که برای پرداخت بدهی‌هایش خود را به بردگی می‌فروخت، یکی از بستگان نزدیک او می‌توانست حق انفکاک (یا بازخريد) برای او بپردازد. برای این کار، آن خویشاوند او را از اربابش می‌خرید. این عمل انفکاک یا بازخريد نامیده می‌شد (لاویان ۲۵:۴۷-۴۹). خدا گفته است که اسرائیلیان خادمین او هستند زیرا که ایشان را با بیرون آوردن‌شان از مصر از قید بندگی آزاد ساخت و انفکاک کرد (لاویان ۲۵:۵۵). ما نیز به‌خاطر گناه جد اولیه‌مان، برده شده‌ایم، برده شیطان. از آنجا که قادر نبودیم که خود را بازخريد نماییم، خویشاوند نزدیک ما یعنی مسیح این کار را با فداکاری خود انجام داد (تیتس ۲:۱۴، اول پطرس ۱:۱۸-۱۹). ما دیگر به شیطان تعلق نداریم. اما از طرفی آزاد نیز نیستیم یعنی به خودمان تعلق نداریم (اول قرنتیان ۶:۱۹). از آنجا که خدا ما را «به بهایی، خریداری نموده است» (اول قرنتیان ۶:۲۰)، به او تعلق داریم.

پسرکی که در دهکده‌ای نزدیک اقیانوس زندگی می‌کرد، قایق کوچکی ساخت و آن را به آب انداخت. اما امواج دریا فوراً آن را به نقاط دوردست دریا برد. تمام تلاش‌های پسرک برای نجات قایقش بی‌ثمر ماند. اما چند روز بعد او قایق خود را پشت ویتترین مغازه‌ای یافت که آن را به معرض فروش گذاشته بودند. او با سختی بسیار پول کافی جمع‌آوری کرد و آن را خرید. در حالی که از خوشحالی می‌گریست می‌گفت: «اکنون تو دوباره متعلق به من هستی. زیرا هم تو را ساختم و هم تو را خریده‌ام!» دقیقاً به همین طریق ما نیز به خدا تعلق داریم زیرا که او هم ما را آفریده و هم ما را بازخرید نموده است.



خدا ما را تقدیس کرده است

کلمه تقدیس به معنی جدا کردن یا کنار گذاشتن می‌باشد. سایر کلمات برای بیان همین مفهوم عبارتند از تخصیص دادن و وقف کردن. هنگامی که خدا شخصی یا چیزی را به کاری تخصیص می‌دهد، در واقع آن را برای خود کنار می‌گذارد. از آن پس، آن چیز یا آن شخص، برای آن کار به او تعلق خواهند داشت. پسران نخست‌زاده اسرائیل به خدا تعلق داشتند زیرا که او آنها را تقدیس نموده بود (اعداد ۸: ۱۷). هیکل اورشلیم نیز به همین دلیل بدل به خانه خدا شد (دوم تواریخ ۷: ۱۶). مسیح نه فقط ما را با فداکاری‌اش بازخرید نمود، بلکه ما را وقف و طاهر نیز گردانید (اول قرنتیان ۶: ۱۱، عبرانیان ۱۰: ۱۰). ما به خدا تعلق داریم زیرا که او ما را به‌عنوان قوم خود برگزید - قومی تقدیس شده (اول پطرس ۲: ۹).

۹- در کنار محل آیات، شماره عبارتی را که تعلیم آن را توصیف می کند بنویسید.

(a) پیدایش ۱:۱

(b) یوحنا ۳:۱

(c) اعمال ۲۸:۱۷

(d) اول قرنتیان ۱۱:۶

(e) اول قرنتیان ۱۹:۶-۲۰

(f) عبرانیان ۳:۱

(g) عبرانیان ۱۰:۱۰

(h) اول پطرس ۱۸:۱-۱۹

(۱) همه چیز را خدا آفرید.

(۲) خدا حافظ همه چیز است.

(۳) خدا ما را باز خرید نموده است.

(۴) خدا ما را تقدیس کرده، طاهر گردانیده است.

۱۰- کدام یک از جملات ذیل این دلیل را ارائه می دهند که حقوق خدا بر همه

چیز عالم کاملاً مشروع است؟ (تذکر: همه جملات صحیح می باشند؛ اما همگی

دلایل مربوطه را ارائه نمی دهند).

(a) خدا، خدایی نیکو و پرشکوه است.

(b) خدا هر چه را که وجود دارد آفریده است.

(c) خدا ما را خریده، برای خود کنار نهاده است.

(d) خدا حکیم است و همه چیز را می داند.

(e) خدا می خواهد که فرزندانیش چیزهای نیکویی داشته باشند.

(f) قدرت خدا همان چیزی است که ما را زنده نگاه می دارد.

چگونه نشان دهیم که خدا مالک برحق ماست

اکنون می‌دانید که خدا مالک همه چیز است و او حقی بر اموال شما و مخصوصاً بر خود شما دارد. اما صرف دانستن این امر، بدون عمل کردن به آن ارزش چندانی ندارد. عیسی یکبار فرمود: «هر گاه این را دانستید، خوشابه حال شما اگر آن را به عمل آرید!» (یوحنا ۱۳: ۱۷). لذا نه تنها دانستن اینکه خدا مالک ماست اهمیت دارد، بلکه پذیرش این واقعیت و عمل کردن به آن نیز حائز اهمیت است.

وقف خود و اموال مان

کلمه وقف به معنی کنار نهادن چیزی برای منظوری خاص می‌باشد. وقتی که این کلمه در مورد رابطه مان با خدا به کار برده می‌شود، به معنی اختصاص دادن خودمان و اموال مان به خداست. اگر معتقد باشیم که او مالک است، چیزی عملی‌تر از این وجود ندارد که این حقیقت را با دادن آنچه که از آن اوست تأیید نماییم! خود خدا که به اسرائیلیان آموخت که همه پسران نخست‌زاده از آن او می‌باشند، خواست که آنان را وقف او نمایند (خروج ۱۳: ۱۲). بدین طریق آنان می‌توانستند معرفتی را که دریافت کرده بودند، در عمل پیاده نمایند. عیسی نیز هنگامی که گفت «مال خدا را به خدا بدهید» (متی ۲۲: ۲۱) چیز مشابهی طلب کرد.

حنا، مادر سموئیل نبی، سرمشق زیبایی از وقف به ما ارائه می‌دهد. او دریافت که اگر پسری داشته باشد، به‌خاطر این است که خدا چنین خواسته است. لذا پسر را وقف خدا نمود تا در تمام روزهای زندگی‌اش به او تعلق داشته باشد (اول سموئیل ۱: ۲۷-۲۸). در عهدجدید، مثال ایمانداران مقدونی به همان اندازه، تکان‌دهنده و خارق‌العاده است. ایشان در بحبوحه شرایط دشوار با منابع ناچیزشان، از رسولان حمایت کردند زیرا که «اول خویشان را به خدا دادند» (دوم قرنتیان ۸: ۵)

شکرگزاری

چه مالک شگفت‌آوری است خدا! او مالک همه چیز است، اما در عین حال همه چیز را نیز به بشر می‌بخشد (اعمال ۱۷: ۲۵). او نه تنها قبلاً پسر یگانه خود را داد، بلکه همچنین وعده داده است که با او «همه چیز» را به ما بدهد (رومیان ۸: ۳۲). لذا باید از او سپاسگزار باشیم زیرا با وجود آنکه مالک هیچ چیز نیستیم، او به ما اجازه می‌دهد که به تمام مایملک او دسترسی بیابیم. آیا این را می‌توانیم در مورد کس دیگری بگوییم؟ به علاوه، با شکرگزاری از او، مورد پسند او واقع می‌شویم، زیرا که این اراده او برای ماست (کولسیان ۳: ۱۵، اول تسالونیکیان ۵: ۱۸).

انسان‌ها شرارت ورزیدند، زیرا با وجود اینکه خدا را می‌شناختند، او را چنانکه باید تمجید نکردند (رومیان ۱: ۲۱). ایشان او را به عنوان مالک تصدیق نمودند. ایشان مسلم پنداشتند که آنچه که خدا به ایشان واگذار کرده است، از آن خودشان است. حتی بررسی سطحی کتاب مقدس به ما نشان می‌دهد که شکرگزاری جزئی است حیاتی از زندگی مسیحی.

۱۱- بر طبق رومیان ۱: ۲۱، انسان‌ها شرارت ورزیدند زیرا که

مطیع ساختن خویشان

اگر خدا مالک متعال ماست، درست‌ترین کاری که می‌توانیم بکنیم این است که خود را مطیع او سازیم. گاو مالک خود را می‌شناسد و به همین دلیل خود را مطیع او می‌گرداند. چقدر بیشتر ما که موجودات منطقی هستیم باید مطیع خدا باشیم! باشد که خدا آنچه را که به قوم اسرائیل گفت به ما نگوید یعنی اینکه «ایشان فهم ندارند» (اشعیا ۳: ۱). شاول طرسوسی هنگامی که سعی کرد در برابر خدا مقاومت ورزد، درس دشواری آموخت: لگد زدن بر میخ دشوار است (اعمال ۲۶: ۱۴). بر عکس ما باید با فروتنی به خدا بگوییم که تو سفالگر هستی و من سفال، مرا به هر شکلی که

می‌خواهی درآور. گل در دست کوزه‌گر کار دیگری نمی‌تواند انجام دهد جز اینکه اجازه دهد سفالگر هر چه می‌خواهد از او بسازد.



احترام گذاشتن

در سراسر جهان مرسوم است که به کسانی که بر مسند قدرت هستند، احترام لازم گذاشته شود. هر فرهنگی به طریق خاص خود ادای احترام می‌کند. خدا به عنوان مالک ما، ارباب ما می‌باشد. بنابراین ما باید با سخنان و اعمال خود به او احترام بگذاریم. در ملاکی ۱: ۶-۸ می‌خوانیم که ملاکی نبی، رهبران مذهبی اسرائیل را به خاطر رفتار غیرمحترمانه‌شان نسبت به خدا به سختی سرزنش کرد. قطعاً رفتار ایشان با حکام خود به همان شکل نبود!

اطاعت

خدا به عنوان مالک ما حق حاکمیت خود را بر ما اعمال می‌کند. او خداوند است و ما خادمین او. این بدین معنی است که ما باید از او اطاعت کنیم. اگر از صاحب‌منصبان زمینی اطاعت می‌کنیم، چقدر بیشتر باید از کسی که ارباب ارباب‌هاست، اطاعت کنیم! اما این امکان وجود دارد که شخص خدا را «خداوند» بنامد بی‌آنکه بخواهد از او اطاعت نماید (لوقا ۴: ۴۶). لذا این رفتار هم بر خلاف امانت است و هم فریبکارانه است.

در بین بنی اسرائیل یک خادم در صورتی که اربابش با او خوش‌رفتاری می‌نمود می‌توانست به میل خود غلام بماند (خروج ۲۱: ۵-۶) خدا نشان داده است که برای ما

ارباب خوبی بوده است. در این صورت بسیار منطقی است که ما تا ابد از روی میل خادمین مطیع او باشیم.

۱۲- کدام یک از آیه‌های زیر را به‌عنوان نمونه برای اشاره به شخص یا گروهی از افراد که چیزی را وقف خدا کرده‌اند، به‌کار می‌برید؟

(a) خروج ۵:۲۱-۶

(b) اول سموئیل ۱:۲۷-۲۸

(c) اعمال ۱۷:۲۵

(d) دوم قرنتیان ۸:۵

۱۳- کدام عبارت زیر، نتایج کاربرد شخصی از واقعیت مالکیت خدا را در زندگی‌تان توصیف می‌کند؟

(a) می‌دانم که مالک حقیقی نه فرد است و نه جامعه. من می‌توانم بگویم مالک حقیقی کیست.

(b) من خدا را به‌عنوان مالک حقیقی تصدیق کرده، به او احترام می‌گذارم و از او به‌خاطر آنچه که دارم تشکر می‌کنم. من خود و تمام اموالم را وقف او می‌کنم.

خودآزمایی

۱- چه کسی مفهوم حقیقی مالکیت را درک می کند؟

- (a) ماری دوچرخه‌ای را از دوستش قرض کرد. دوست ماری از او خواهش کرد که شب دوچرخه را در داخل خانه نگاه دارد. ماری نیز این کار را کرد.
(b) پیتر کتابی را از دوستش قرض کرد. دوست پیتر از او نخواست که کتاب را باز گرداند، لذا پیتر آن را دور انداخت.

۲- کدام یک از آیه‌ها مربوط به قوم خدا می شود؟

- (a) خروج ۵:۱۹
(b) یوحنا ۳۰:۱۴
(c) اول پطرس ۹:۲-۱۰
(d) مکاشفه ۱۵:۱۱

۳- عنصر اساسی مفهوم مالکیت چیست؟

- (a) مالک از چیزهایی که دارد به خوبی مراقبت می نماید.
(b) مالک می تواند مانع از این شود که دیگران از وسایل او استفاده کنند.
(c) مالک دارای اموال بسیار زیاد است.

۴- کدام آیه به ما می گوید که وارث حقیقی خدا کیست؟

- (a) هوشع ۹:۱
(b) متی ۸:۴
(c) یوحنا ۱۱:۱۶
(d) عبرانیان ۲:۱

۵- برخی افراد فکر می‌کنند که اعمال ۴۴:۲-۴۵ و اعمال ۳۲:۴ حاوی مفهوم مالکیت جمعی است. کدام عبارت زیر، اشتباه یا خطای استدلال ایشان را به بهترین وجه بیان می‌کند؟

- (a) ایشان استنتاج غلطی کرده‌اند: از آنجا که برخی از شاگردان فقیر بودند، از کسانی که بیشتر داشتند، خواستند که اموال خود را با ایشان تقسیم کنند.
- (b) استنباط ایشان غلط است: از آنجا که شاگردان در همه چیز شریک بودند، ایشان جماعت مسیحی را مالک تلقی کردند.

۶- برای اینکه به کسی نشان دهید که خدا نه فقط ما را آفرید بلکه همچنین ما را بازخرید نمود، کدام آیات را به کار خواهید برد؟

(a) اعداد ۱۷:۸

(b) اول تواریخ ۱۴:۲۹

(c) مزمو ۳:۱۰۰

(d) تیطس ۱۴:۲

۷- بر طبق کتاب مقدس، مالک برحق عبارتست از:

- (a) خدا، زیرا که هیچ کس تا به حال مالکیت او را مورد سؤال قرار نداده است.
- (b) فرد، زیرا که مسئول آن چیزی است که دارد.
- (c) جماعت، زیرا که ایشان می‌توانند به فقرا کمک کنند.
- (d) خدا، زیرا که او چیزی را از هیچ کس دیگر دریافت نکرده است.

۸- اگر قرار بود که به کسی توضیح دهید که چرا باید به مالکیت خدا در زندگی مان واکنش مثبت نشان دهیم، به کدام آیات رجوع می‌کردید؟

(a) پیدایش ۱:۱

(b) متی ۲۱:۲۲

(c) اول تسالونیکیان ۱۸:۵

(d) اول پطرس ۹:۲

۹- عبارات صحیح را مشخص کنید.

- (a) خدا هیچ حقی بر انسان ندارد زیرا که او بر وی عاصی شده است.
- (b) خدا حقی بر ما دارد زیرا که بدون او نمی توانستیم وجود داشته باشیم.
- (c) بعد از آنکه از سلطه شیطان آزاد شدیم، به خودمان تعلق داریم.
- (d) بازخرید کردن به معنی پرداخت هزینه باز پس گرفتن چیزی (یا کسی) می باشد.

۱۰- وقتی شخصاً خدا را به عنوان مالک برحق زندگی تان می پذیرید، چه نتیجه ای را تجربه می کنید؟

- (a) می توانم چند آیه مهم را در مورد مالکیت خدا نقل قول نمایم.
- (b) به خدا اجازه می دهم که زندگی مرا هر طور که می خواهد هدایت کند و اراده اش را برای خود می پذیرم.
- (c) من کاملاً درک می کنم که خدا به عنوان مالک بالاتر از فرد و جامعه است.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

تذکر: پاسخ‌های زیر به صورت نامنظم ارائه شده است. هدف از این کار این بوده است که تا زمانی که به سؤال بعدی پاسخ نداده‌اید، نگاه‌تان به پاسخ آن نیفتد.

۷- (a) شیطان آنچه را که به خدا تعلق دارد غصب کرده است. اما شیطان مغلوب مسیح گشت. سرانجام همگان خواهند دانست که خدا مالک است.

۱- اعمال ۳۲:۴

۸- منظور ما این است که او همه چیز را به واسطه قدرت خود استوار و قائم نگاه می‌دارد.

۲- (b) او می‌تواند با آنچه که دارد هر چه می‌خواهد بکند.

۹- (a) ۱- همه چیز را خدا آفرید.

(b) ۱- همه چیز را خدا آفرید.

(c) ۲- حافظ همه چیز خداست.

(d) ۴- ما را خدا تقدیس کرده، طاهر نمود.

(e) ۳- ما را خدا بازخرید کرده است.

(f) ۲- حافظ همه چیز خداست.

(g) ۴- ما را خدا تقدیس کرده، طاهر نمود.

(h) ۳- ما را خدا بازخرید نموده است.

۳- (a) جمشید این پول را به من قرض داد. گرچه او ثروتمند است و به آن نیازی ندارد، باید آن را به او پس بدهم. زیرا این پول به من تعلق ندارد.

- ۱۰- b) خدا هر چه را که وجود دارد آفریده است.
- c) خدا ما را خریده، برای خود کنار نهاده است.
- f) قدرت خدا همان چیزی است که ما را زنده نگاه می‌دارد.
- عبارات a)، d) و e) مستقیماً مربوط به چهار حقیقتی نمی‌شود که اساس حق خدا را بر ما تشکیل می‌دهند (یعنی آفریدن ما، بازخرید ما، تقدیس ما، و حفظ ما).
- ۴- a) مزمو ۱۰:۵۰، اعمال ۱۷:۲۵
- ۱۱- با وجود آنکه خدا را می‌شناختند، او را تمجید نکردند.
- ۵- b) فرد و جامعه هر دو انسان هستند. خدا مافوق آنهاست و همه چیز در جهان به او تعلق دارد.
- ۱۲- b) اول سموئیل ۱:۲۷-۲۸
- d) دوم قرنتیان ۸:۵
- ۶- c) اول پطرس ۱:۱۸-۱۹
- ۱۳- b) من خدا را به عنوان مالک حقیقی تصدیق کرده، به او احترام می‌گذارم و از او به خاطر آنچه که دارم تشکر می‌کنم. من خود و تمام اموالم را وقف او می‌کنم.
- a) بیشتر به چیزهایی اشاره می‌کند که شما ممکن است بدانید یا درک کنید.
- b) اظهار یعنی پاسخ صحیح به این اشاره می‌کند که شما چگونه به دلیل حقیقتی که می‌دانید، عملاً به خود خدا واکنش نشان خواهید داد.

انسان، مباشر خدا

تا اینجا یک درس را مطالعه کرده‌اید. تبریک می‌گوییم! اکنون شما در می‌یابید که خدا ارباب شما و مالک تمام چیزهایی است که دارید. اما به احتمال زیاد شما کاری بیش از این کرده‌اید! یقیناً تاکنون او را به عنوان خداوند زندگی‌تان تصدیق نموده‌اید. اکنون در این درس، نقش خود را به عنوان مباشر چیزهایی که به خدا تعلق دارد، مطالعه خواهید کرد. اما چگونه باید نقش خود را ایفا کنید؟ در وهله اول، سرمشقی را که زندگی عیسی به ما ارائه می‌دهد، مطالعه کنید. این امر به شما کمک خواهد نمود تا نقش خود را درک کنید. سپس در خواهید یافت که به عنوان مباشر خدا لازم است که چه ویژگی‌هایی داشته باشید و چه مسئولیت‌هایی بر عهده شماست. در ضمن مطالعه درس، متوجه خواهید شد که مباشرت به کل زندگی مسیحی مربوط می‌شود و نه فقط به بخشی از آن. اگر حقایقی را که فرا می‌گیرید، در زندگی‌تان پیاده کنید، آنگاه این کلمات دلنشین را خواهید شنید: «آفرین، ای غلام نیکو و امین.»

رئوس مطالب

مفهوم مباشر بودن
عیسی، سرمشق ما در امر مباشرت
خصوصیات مباشر
مسئولیت‌های مباشر



اهداف درس

پس از مطالعه این درس، باید بتوانید:

- توضیح دهید که مباشر خدا بودن برای یک ایماندار به چه معنا است.
- تشریح کنید که یک مباشر خوب چه نوع انسانی است و وظایف او از چه قرارند.

فعالیت‌های یادگیری

- ۱- مقدمه، رئوس مطالب، و اهداف درس را بخوانید.
- ۲- متن درس را مطالعه کرده، آیه‌های قید شده را یافته، تمرین‌ها را انجام دهید و پاسخ‌های خود را کنترل کرده، درس را مرور نمایید. سپس به خودآزمایی پرداخته، پاسخ‌های خود را با پاسخ‌هایی که در انتهای این کتاب آمده‌اند، مقایسه کنید.
- ۳- بعد از اتمام درس و خودآزمایی، بخش ۱ را (دروس ۱ و ۲) مرور نمایید. سپس آزمون میانی ۱ را بگذرانید و برگه پاسخ خود را به مسئول ICI بفرستید.

مفهوم مباشر بودن

مفاهیم کلی

در کاربرد امروزی، واژه مباشر مفاهیم مختلفی دارد و همه آنها به طریقی مربوط به شخصی می‌شوند که عهده‌دار کار مشخص مدیریت می‌باشد. بر طبق این گفته، یک شخص می‌تواند مباشر خانه‌ای بزرگ، مزرعه، اتومبیل یا کامیون یا یک دفتر تجاری باشد. مباشر خودش مالک نیست، بلکه کسی است که توسط مالک استخدام شده تا بخشی یا تمامی اموالش را اداره کند.

در کتاب مقدس کلمه مباشر معمولاً به غلامی اشاره می‌کند که ملک اربابش را اداره می‌کند (پیدایش ۱:۴۴، متی ۸:۲۰، لوقا ۱:۱۶). مباشر از اعتماد کامل اربابش برخوردار است. او شخصی است که قابل اعتماد بودنش به اثبات رسیده، و به همین جهت، آن مسئولیت بر عهده او نهاده شده است (پیدایش ۲:۱۵-۳؛ ۴:۳۹). مقامی که ملک یک پادشاه را اداره می‌کرده نیز مباشر خوانده می‌شده است (اول پادشاهان ۹:۱۶، اول تواریخ ۱:۲۸، لوقا ۳:۸). در چنین مواردی، مباشر دیگر برده نیست، بلکه خادم معتمد پادشاه است.

مفهوم مباشرت را هنگامی به‌طرزی روشن‌تر درک خواهیم کرد که آن را با مفهوم مالکیت مقایسه نماییم، زیرا که تفاوت اساسی میان آن دو وجود دارد. نمودار ذیل این واقعیت را نشان می‌دهد:

مباشر	مالک
باید ملک را آن‌طور که مالک می‌خواهد مورد استفاده قرار دهد.	مختار است که هر طور که می‌خواهد ملک خود را مورد استفاده قرار دهد.
باید در مورد نحوه استفاده از ملک به مالک حساب پس دهد.	برای نحوه استفاده‌اش از ملک خود به کسی حساب پس نمی‌دهد.

- ۱- کدام یک از این اشخاص به عنوان مباشر عمل کرده اند؟
- (a) ستاره تصمیم می گیرد که قالیچه ای را که بافته است، بفروشد.
- (b) منوچهر به مالک گزارش می دهد که چه مقدار سیب زمینی برداشت شده است.
- (c) جمشید دستوراتی در مورد چگونگی استفاده از زمینش می دهد.

مفهوم خاص مباشرت در مسیحیت

آگاهی عمومی از معنی مباشرت کافی نیست! از نقطه نظر مسیحی، هر شخصی، مخصوصاً یک فرد مسیحی، مباشر مایملک خداست. از آنجا که خدا مالک تمام چیزهایی است که وجود دارد، هدف بنیادین ما مادامی که بر روی زمین هستیم، اداره کردن اموالی است که او طبق اراده اش در اختیار ما گذاشته است.

اگر دارایی چندانی ندارید، ممکن است از خود بپرسید که کدامند آن اموالی که باید اداره کنید؟ در پاسخ، باید گفت که این اموال عبارتند از تمام چیزهایی که از خدا دریافت کرده اید. طبق فرمایش عیسی، جان ما یکی از اموالی است که بیش از تمام دنیا ارزش دارد (متی ۱۶: ۲۶). خدا به ما بدن، وقت، استعداد، و انجیل را داده است تا بر طبق اراده او اداره نماییم.

ما نه فقط جزو مایملک خدا هستیم، بلکه مباشرین او نیز می باشیم. البته مفهوم مباشر خدا بودن انسان، مفهومی جدید نیست، زیرا آن را در عهدعتیق نیز می یابیم. با این حال هنگامی که عهدجدید را مطالعه می کنیم، می بینیم که این عیسی بود که کامل ترین مفهوم آن را ارائه داد. بدینسان می توانیم دو جنبه عمده در مکشوف شدن آن را مورد توجه قرار دهیم.

در عهدعتیق

اصل مباشرت انسان، همانند سایر اصول روحانی، در عهدعتیق به طور کامل مکشوف نشده است. با این حال در آنجا نیز نشانه‌هایی به چشم می‌خورد دال بر اینکه انسان مباشر خدا بوده است.

۱- خدا مسئولیت اداره باغ عدن را بر عهده انسان نهاد. خدا آدم را آنجا گذاشت تا از باغ مراقبت و محافظت نماید (پیدایش ۲: ۱۵). خدا به او دستورات خاصی داد مبنی بر اینکه در آنجا چگونه رفتار نماید (پیدایش ۲: ۱۶-۱۷). هنگامی که آدم در قبال مسئولیتش قصور ورزید، می‌بایست به خدا حساب اعمالش را پس می‌داد (پیدایش ۳: ۲۳-۲۴).

۲- انسان از همان ایام اولیه، دانست که نمی‌تواند هر طور که می‌خواهد زندگی کند. این امر از این واقعیت مشهود می‌شود که انسان در ایام خاصی می‌بایست خود را به حضور خدا معرفی می‌کرد. او هرگز نمی‌توانست این کار را با دستان خالی انجام دهد (تثنیه ۱۶: ۱۶). این واقعیت که قائن و هابیل با هدایایی نزد خدا آمدند، نشان می‌دهد که حتی انسان‌های اولیه نیز از این امر آگاه بودند (پیدایش ۴: ۳-۴).



۳- قائن پی برد که آزاد نیست که هر چه می‌خواهد با زندگی برادرش بکند. هنگامی که او هابیل را کشت می‌بایست برای جنایتش به خدا پاسخ می‌داد (پیدایش ۴: ۹-۱۰).

۴- هر فرد اسرائیلی، مانند قوم خدا در تمامیتش، مباشر زمینی بود که خدا به وی داده بود (تثنیه ۱۱: ۸-۳۲؛ ۱۹: ۳۰-۲۰). از آنجا که اسرائیلیان به طریقی که خدا به ایشان گفته بود، بر روی زمین زندگی نکردند، خدا ایشان را از آنجا بیرون راند.

در عهدجدید

عیسی در مَثَل دهقانان شریر به روشنی تعلیم می‌دهد که قوم اسرائیل یک مباشر بوده است (متی ۲۱: ۳۳-۴۳). در این مَثَل، مالک زمین معرف خداست و دهقان یا مباشر اسرائیل است و تاکستان (ملکوت) ملک است. از آنجا که قوم اسرائیل حق مالکیت خدا را تصدیق نکرد، خدا ملکوت را از او برگرفت. اما در متی ۲۵: ۱۴-۳۰ عیسی این تعلیم را نیز داد که هر موجود انسانی یک مباشر است. بر طبق این مَثَل، انسان مالک زندگی‌اش نمی‌باشد. او یک مباشر است و در قبال مالک حقیقی در مورد نحوه اداره آن مسئول است.

رسولان علاوه بر این واقعیت که هر انسانی مباشر خداست، تأکید کرده‌اند که هر مسیحی نیز یک مباشر است (اول پطرس ۴: ۱۰). هر یک از ما عطایای را از خدا دریافت کرده‌ایم. اما بر خلاف هدایایی که از انسان‌ها دریافت می‌کنیم و می‌توانیم هر طور که میل داریم آنها را مورد استفاده قرار دهیم، هدایای خدا به معنی اخص کلمه، امانت یا ودیعه‌ای است که ما باید مطابق میل او آنها را اداره کنیم.

۲- کتاب مقدس در مورد نقش ایماندار به عنوان یک مباشر چه تعلیمی می‌دهد؟

(a) فقط ایمانداران ثروتمند باید بکوشند مباشران خوبی باشند.

(b) یک ایماندار آزاد است که عطایای خدا را هر طور که میل دارد به کار ببرد.

(c) ایمانداران باید به خدا، مالک حقیقی اموال‌شان، جوابگو باشند.

۳- فرض کنید که تعلیم مسیح را دربارهٔ نقش ما به عنوان مباشر به کسی توضیح می‌دهید. بهترین آیه‌ای که در این مورد می‌توان به کار برد کدام است؟

(a) لوقا ۸: ۹-۱۵

(b) لوقا ۱۱: ۳۳-۳۶

(c) لوقا ۱۱: ۳۲-۱۵

(d) لوقا ۱۱: ۲۷-۱۹

عیسی، سرمشق ما در امر مباشرت

تا اینجا ما دو حقیقت مهم را مورد ملاحظه قرار دادیم: (۱) اینکه خدا مالک همه چیز است و (۲) انسان، مباشر مایملک خداست. اکنون می‌خواهیم بدانیم که چگونه باید نقش خود را به عنوان مباشر ایفا نماییم. برای درک این نکته، آنچه که بیش از هر چیز دیگری نیاز داریم، سرمشق خوبی است تا از آن پیروی نماییم. و کدام سرمشق بهتر از سرمشق خداوند عیسی است؟ او مباشر ایده‌آل است.

مدیر امور الهی

عیسی از همان کودکی می‌دانست که زندگی زمینی‌اش مباشرت است. لوقا، نویسندهٔ انجیل، می‌گوید که یوسف و مریم، در یکی از دفعاتی که به اورشلیم رفته بودند، عیسی را گم کردند.

و سرانجام بعد از جستجویی همراه با اضطراب، او را در هیکل یافتند. در آن وقت او فقط یک پسر بچه بود اما وارد مباحثه‌ای جدی با فقها شده بود! هنگامی که ایشان علت رفتار او را از وی سؤال کردند، پاسخ داد که باید در خانه پدرش باشد و به امور پدرش بپردازد (لوقا ۲: ۴۹). خدا به راستی عیسی را فرستاد تا به کارهای او بپردازد. و عیسی می‌خواست که بلافاصله خود را وقف آن وظیفه نماید زیرا یک مباشر خوب پیش از آنکه به فکر منافع خودش باشد، باید به فکر امور مالک باشد.

خادم خدا

عیسی خداوند بود، به همین جهت حقش بود که دیگران به او خدمت کنند. اما او گفت که «نیامده است تا مخدوم باشد» بلکه تا «خدمت کند» (مرقس ۱۰:۴۵). خدا او را با عنوان «خادم من» (اشعیا ۱:۴۲) معرفی کرده است زیرا که «صورت غلام را پذیرفت» (فیلیپیان ۷:۲). مباشر خادم است و باید کاری را که ارباب به او می‌گوید انجام دهد. نقش او خدمت کردن است. و عیسی به عنوان یک خادم نیکو هرگز مطابق میل خود عمل نکرد بلکه اراده ارباب خود را در راه خدمت به ما به جا آورد (لوقا ۴۲:۲۲).

کارگر خدا

یک مباشر برای خود کار نمی‌کند، بلکه برای ارباب خود. به همان طریق عیسی آمد تا کاری را که خدا بر عهده او گذاشته بود به انجام رساند (یوحنا ۵:۳۶؛ ۹:۴). او توانست در پایان خدمتش با رضایت بگوید: «کاری را که به من سپردی بکنم، به کمال رساندم» (یوحنا ۱۷:۴). چه مباشری!

۴- برای اینکه به کسی نشان دهید که عیسی به عنوان کارگر خدا، برای ما سرمشق مباشرت است، کدام آیه را به کار خواهید برد؟

(a) اشعیا ۱:۴۲

(b) لوقا ۲:۴۹

(c) یوحنا ۱۷:۴

(d) اول پطرس ۴:۱۰

خصوصیات مباشر

عهد جدید برای مباشر سه خصوصیت ارائه می دهد. این خصوصیات عبارتند از: امین بودن، بی عیب بودن، و حکیم بودن.

امین بودن

مباشر شخصی است که مالک به او اعتماد کرده است، به همین دلیل از او انتظار می رود که امین باشد. مباشر امین کسی است که تمامی مسئولیت های خود را به انجام می رساند و مراقب منافع ارباب خود می باشد. برعکس مباشری که امین نیست، کسی است که فقط در فکر رفاه خود بوده، مایملک ارباب خود را مورد غفلت قرار می دهد و یا از آن سوءاستفاده می نماید (لوقا ۱۶: ۱). اکنون هر یک از ما مباشر مایملک خدا می باشیم و او از ما می خواهد که امین باشیم (اول قرنیا ۴: ۱-۲). به عنوان مثال اگر شما تندرست هستید و توانایی ذهنی عالی دارید، خدا از شما می خواهد که این مواهب را برای خدمت به او به کار برید و نه صرفاً برای خودتان.

بی عیب بودن

در تیطس ۷: ۱ می خوانیم که وکیل خدا می باید بی ملامت باشد. این بدین معنی است که وی به عنوان مباشر و گرداننده سرمایه یا اموال خدا باید رفتاری بی ملامت داشته باشد، یعنی باید به طریقی زندگی کند که هیچ کس نتواند کوچکترین عیبی در او یافته، وی را به آن متهم سازد.

گاهی اوقات مردم ممکن است نظر نامساعدی نسبت به مالک پیدا کنند زیرا که مباشر یا گرداننده امور او شخص بدی است. شاید آنان فقط با مباشر سر و کار داشته باشند و اصلاً مالک را نشناسند. مالک ممکن است شخصی نیکو و سخاوتمند باشد، اما مدیر او شخصی است سختگیر و خشن. روت در مورد بوعز چه می اندیشید اگر مباشر او به وی اجازه نمی داد که وارد ملکش شود؟ (روت ۷: ۲). مردمی که

فرزندان‌شان را نزد عیسی می‌آوردند چه می‌اندیشیدند اگر او خشونت شاگردانش را مورد سرزنش قرار نمی‌داد؟ (مرقس ۱۰: ۱۳-۱۶). اما اگر مردم بتوانند کارهای نیکی که به‌عنوان مباشرین خدا انجام می‌دهیم ببینند، ایشان مطمئناً مالک آسمانی را تسبیح خواهند گفت (متی ۱۶: ۵).

می‌توانیم بگوییم که امین بودن، رفتار درست یک مباشر در رابطه با ارباب خود می‌باشد. بی‌عیب بودن نیز رفتار درست مباشر در رابطه با سایر افراد است. عیسی سرمشقی است از هر دو این خصایل زیرا که وی «نزد خدا و مردم ترقی می‌کرد» (لوقا ۲: ۵۲). بنابراین باشد که وظیفه خود را در قبال خدا به‌جا آوریم و در ضمن در برابر انسان‌ها معرف خوبی برای او باشیم.

۵- شاگردان عیسی در واقعه‌ای که در مرقس ۱۰: ۱۳-۱۶ توصیف شده است، رفتار بی‌عیبی نداشتند زیرا که

دانا بودن

برای اینکه کسی مباشر خوبی باشد، بسیار مهم است که دانا و خرداندیش باشد. مباشر دانا کسی است که سرمایه ارباب خود را درست به‌کار می‌اندازد، از هدر رفتن آن ممانعت به‌عمل می‌آورد، برای رفع نیازها اموال را به‌درستی تقسیم کرده، همه چیز را ثبت می‌کند، و از فرصت‌های خوب استفاده مناسب را می‌نماید. بدین طریق او باعث افزایش سرمایه اربابش می‌شود.

درست است که شخص برای اینکه مدیر خوبی شود باید تا حدی از دانش مدیریت آگاهی داشته باشد، اما دانایی و حکمت چیزی نیست که بتوان با گذراندن دوره‌ای تحصیلی کسبش کرد. تا آنجا که من می‌دانم، هیچ کس در پایان یک سری تحصیلات، مدرک «فرد دانا و حکیم» را دریافت نکرده است! اما مباشر مسیحی می‌تواند دروس دانایی و حکمت را در مکتب بهترین استاد فرا گیرد (یعقوب ۱: ۵).

این حکمت مطمئناً به او کمک خواهد کرد تا نقش مباشرت خود را به بهترین نحو ایفا نماید.

یوسف نمونه چشمگیری از یک مباشر حکیم بود؛ او در مکتب خدا تعلیم دیده بود. او به هر کاری که دست می‌زد، چه به عنوان خادم فوطیفار و چه به عنوان یک زندانی در زندان، کامیاب می‌شد (پیدایش ۲: ۳۹-۳، ۲۳: ۲۲). مدیریت خردمندانه یوسف باعث شد که مصر و جهان آن روزگار از گرسنگی نجات یابد (پیدایش ۴۱: ۵۴-۵۷).



عیسی به ناظر دانایی اشاره می‌کند که «مولای او وی را بر سایر خدام خود گماشته باشد تا آذوقه را در وقتش به ایشان تقسیم کند» (لوقا ۱۲: ۴۲). خدا همچنین از ما انتظار دارد که اموالی که او نزد ما به ودیعه گذاشته است، با خردمندی اداره کنیم. باشد که ما شبیه به آن دولتمند نادانی نباشیم که فقط از اداره امور دنیوی و بی‌ارزش آگاهی داشت، ولی به اموری که ارزش ابدی داشتند بی‌اعتنا بود (لوقا ۱۹: ۱۶-۳۱).

۶- توصیف‌ها یا نمونه‌های مربوط به هر یک از خصائل مباشر خوب را با کلمه مناسب از ستون چپ انطباق دهید.

(a) خصلتی که مربوط به بهترین کاربرد سرمایه می‌شود.
(b) شاگردان عیسی یک بار به‌خاطر نداشتن این خصیصه مورد سرزنش قرار گرفتند.

(c) مربوط به دلسوز بودن نسبت به منافع مالک می‌شود.

(d) یوسف سرمشق خوبی از این خصیصه بود.

(e) مربوط به رفتار مباشر در قبال مردم می‌شود.

(۱) امین بودن

(۲) بی‌عیب بودن

(۳) دانا بودن

مسئولیت‌های مباشر

پیروی از دستورالعمل‌ها

قبلاً دیدیم که نحوه عمل با سرمایه و مایملک را مالک تعیین می‌کند، نه مباشر. فرض کنید که مزرعه‌داری تصمیم می‌گیرد که در زمین خود گندم بکارد. حال اگر مباشر، به‌جای خرید تخم گندم، گاو بخرد، آیا مالک این کار را خواهد پسندید؟ آیا در این صورت مباشر را از کارش عزل نخواهد کرد؟ قطعاً خواهد کرد، زیرا که مسئولیت مباشر پیروی از دستورات مالک در مورد چگونگی استفاده از ملکش می‌باشد. او نباید بر طبق خواست و عقیده خود تصمیماتی اتخاذ کند. به همین شکل، ما نیز باید تصدیق کنیم که خدا کسی است که در مورد چگونگی استفاده از مایملکش تصمیم می‌گیرد. ما باید صرفاً از دستورات پیروی کنیم.

ممکن است از خود بپرسید که از کجا بفهمیم که دستورات و خواست خدا چیست؟ برای آگاهی از خواست خدا و دستورالعمل‌های او در امور مختلف، باید به

کتاب مقدس رجوع نماید زیرا که در آن دستورالعمل‌های خاص در ارتباط با چگونگی اداره امور مختلف خدا مکشوف شده است. به عنوان مثال، آیا می‌خواهید بدانید که از فکر خود چگونه استفاده کنید؟ در این صورت به فیلیپیان ۸:۴ رجوع نمایید. در مورد وقت‌تان، باید به افسسیان ۱۶:۵ مراجعه نمایید. و در مورد بشارت انجیل، باید آنچه را که مرقس ۱۵:۱۶ می‌گوید مورد ملاحظه قرار دهید.

یک مباشر و یا مدیر، کار دیگری به جز پیروی از دستورات مالک نمی‌تواند انجام دهد. این یکی از وظایف اوست. به همین دلیل است که پولس رسول فرمود: «زیرا هر گاه بشارت ندهم...!» (اول قرنتیان ۱۶:۹). این کار، جزئی از مباشرت او بود (اول قرنتیان ۱۷:۹) و او می‌خواست که آن را به خوبی به انجام رساند.

درخواست هدایت بیشتر

مباشر و گرداننده امور مالک، باید در فواصل زمانی معین با مالک گفتگو کند تا رهنمودهای بیشتری از او دریافت کند. به همان طریق ما نیز باید در دعا با مالک آسمانی مان گفتگو کنیم و از او طلب هدایت نماییم. خدا تمامی رهنمودها و دستورات خود را یکباره به ما نمی‌دهد بلکه تدریجاً این کار را می‌کند. به عنوان مثال، او به ابراهیم فرمود که شهر اور را ترک کرده، به سرزمینی برود که بعداً به او نشان خواهد داد (پیدایش ۱۲:۱). او شهر را بدون آنکه بداند که به کجا می‌رود، ترک گفت (عبرانیان ۸:۱۱). خداوند به سولس فرمود که برخیزد و به دمشق برود (اعمال ۶:۹) چون در آنجا خدا به او خواهد گفت که چه باید بکند. سال‌ها بعد سولس، که اکنون پولس رسول نامیده می‌شد، می‌بایست بار دیگر به انتظار دستورات خدا می‌نشست پیش از آنکه موعظه انجیل را ادامه دهد (اعمال ۱۶:۶-۱۰).

- ۷- جملاتی را که وظیفه مباشرت را به درستی توصیف می کند، مشخص کنید.
- (a) هنگامی که با موقعیت جدیدی مواجه می شوم، منتظر رهنمودهای بیشتری از جانب خدا می شوم.
- (b) به هنگام تصمیم گیری در مورد آنچه که باید با اموال انجام دهم، از رهنمودها و توصیه های افراد دنیوی پیروی می کنم.
- (c) در کتاب مقدس تفحص می کنم تا دریابم که خدا چه رهنمودهایی برای من به عنوان مباشرش دارد.
- (d) پیش از آنکه دست به کاری بزنم، از خدا انتظار دارم که راهنمایی تمام و کمالی مقابل رویم قرار دهد.

سرمایه گذاری

سرمایه گذاری عبارتست از خرید چیزی با هدف کسب سود. اگر خانه ای بخرید که به اتفاق خانواده تان در آن زندگی کنید، این را هزینه جاری می نامند. اما اگر خانه ای بخرید تا بعداً آن را بفروشید، دست به سرمایه گذاری زده اید.

مباشر باید دست به سرمایه گذاری هایی بزند تا دارایی مالکش افزایش بیابد. در مثل سه غلام می خوانیم که این کاری است که دو تن از غلامان انجام دادند (متی ۲۵: ۱۴-۲۳). این همان کاری است که ما نیز باید با سرمایه هایی که خدا در اختیار ما گذاشته است انجام دهیم.



سرمایه گذاری به شیوه مسیحی

مباشر وظیفه سرمایه گذاری خود را چگونه باید انجام دهد؟ سرمایه گذاری کردن یعنی خرج کردن یا دادن آنچه که داریم؛ آیا چنین نیست؟ اگر بذری نکارید، محصولی برداشت نخواهید کرد. لذا وقتی که به عنوان مباشر خدا سرمایه گذاری

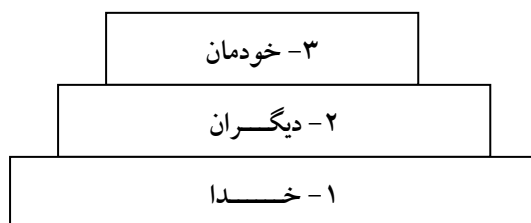
می‌کنید، چیزی را که دارید می‌دهید. ممکن است زندگی‌تان، وقت‌تان، قابلیت‌های‌تان، پول‌تان و یا چیز دیگری را بدهید. اما شما این کار را با این اطمینان انجام می‌دهید که بعداً سرمایه بیشتری نصیب‌تان شود. و این آن چیزی است که اتفاق می‌افتد! خدا به شما بیشتر خواهد داد تا شما هم بیشتر سرمایه‌گذاری کنید (دوم قرنتیان ۹:۶ و ۸).



وقتی مال خود را صرف می‌کنیم، نباید فراموش کنیم که صرفاً آنچه را که از خدا دریافت کرده‌ایم، اداره می‌کنیم. به عبارت دقیق‌تر، چون همه چیز از آن خداست، خود چیزی نداریم که بدهیم (اول تواریخ ۱۴:۲۹ و ۱۶).

نقشه خدا برای سرمایه‌گذاری

خدا نقشه‌ای برای سرمایه‌گذاری دارد که ما به عنوان مباشران او باید از آن پیروی نماییم. بر طبق این نقشه ما باید هر چیزی را که خدا به ما به امانت سپرده است، به سه بخش تقسیم کنیم. سپس باید هر بخش را به شخصی بدهیم که باید آن را دریافت کند، همانگونه که در نمودار ذیل مشاهده می‌کنید:



۱ - **خدا** - از نعمت‌هایی که خدا به ما ارزانی می‌دارد، موارد ذیل را به‌طور خاص برای خود محفوظ می‌دارد: (a) اولین؛ به‌عنوان مثال پسران نخست‌زاده از آن او هستند (خروج ۱۳:۲)؛ نوبر محصول (تثنیه ۱۶:۴-۱۷:۶)؛ و اولین شهر فتح شده (یوشع ۶:۱۷-۱۹). (b) بهترین‌ها؛ (پیدایش ۴:۴، خروج ۵:۱۲، لاویان ۳:۱). (c) یک هفتم وقت‌مان؛ روز استراحت (خروج ۹:۲۰-۱۰:۱). (d) یک دهم درآمد؛ عشر (لاویان ۲۷:۳۰ و ۳۲). به همین طریق هر چه را که وقف خدا می‌کنیم به او تعلق دارد (لاویان ۲۷:۱-۲۵). بهترین سرمایه‌گذاری این است که آنچه را که به خدا تعلق دارد، به او بدهیم!

۸- بر طبق خروج ۹:۲۰-۱۰، ما باید یک هفتم خود را به خدا بدهیم.

۲ - **دیگران** - خدا خیلی به این نکته توجه دارد که ما آنچه را که از او دریافت کرده‌ایم، در راه بهزیستی دیگران سرمایه‌گذاری نماییم (امثال ۲۷:۳-۲۸، اول پطرس ۴:۱۰). عیسی فرموده است: «مفت یافته‌اید، مفت بدهید» (متی ۸:۱۰). هیچ کس آنقدر فقیر نیست که چیزی برای دادن نداشته باشد (اعمال ۳:۶). هیچ کس آنقدر بی‌کفایت نیست که حداقل یک قابلیت و استعداد دریافت نکرده باشد که آن را سرمایه‌گذاری نکند (متی ۱۵:۲۵). در امر نیکوکاری، خدا از ما می‌خواهد نیازهای همسایه‌مان را به ترتیب ذیل در نظر گیریم: اولاً خانواده‌مان (اول تیموتائوس ۵:۸). دوم، ایمانداران یا خانواده‌ایمانی‌مان (غلاطیان ۶:۱۰). سوم، سایرین: فقرا (لاویان ۱۹:۱۰)، یتیمان و افراد بیوه (یعقوب ۱:۲۷)، و هر نیازمند دیگری (متی ۲۵:۳۵-۴۰).

۳ - **خودمان** - آیا خدا چیزی هم برای ما می‌گذارد؟ بله! ما برگزیدگان او هستیم که به‌صورت او و شبیه او آفریده شده‌ایم. درست است که خدا از ما می‌خواهد که فقط به بهزیستی خودمان توجه نکنیم و به بهزیستی همسایه‌مان نیز بیندیشیم، اما او حقیقتاً علاقه خاصی نیز به بهزیستی ما دارد (مزمور ۱۰:۳۴، متی ۳۱:۶-۳۳، فیلیپیان ۱۹:۴، اول پطرس ۵:۷). چه ارباب شگفت‌انگیزی است خدا! اگر ما به‌عنوان مباشر

مراقب مایملک مالک الهی باشیم، او نیز از ما که مباشران او هستیم مراقبت خواهد کرد!

۹- در زیر، سه نوع سرمایه‌گذاری که می‌توانید بکنید آمده است. آنها را به ترتیبی که باید انجام دهید از یک تا سه شماره‌گذاری نمایید.

(a) کمک به یتیمان شهر

(b) کمک به دیگر ایمانداران

(c) مراقبت از خانواده

(۱) اول

(۲) دوم

(۳) سوم

گزارش دادن

مباشر در مواقع خاص، معمولاً یکبار در سال، باید به مالک گزارش دهد. او باید به مالک بگوید که موقعیت مالی از چه قرار است. عیسی با اشاره به این عمل می‌آموزد که هر شخصی باید در مورد مباشرت خود، به خدا گزارش دهد (متی ۲۵: ۱۴-۳۰). مباشرین خوب پاداش خواهند دید و مباشرین تنبل مجازات خواهند شد (لوقا ۱۲: ۴۱-۴۸).

ما نیز به‌عنوان ایماندار باید به خدا گزارش دهیم. ما باید به او بگوییم که با آنچه که او به ما داده است، چه کرده‌ایم (اول قرنتیان ۳: ۱۳-۱۵). پولس رسول فرموده است: «وای بر من اگر بشارت ندهم» (اول قرنتیان ۹: ۱۶)؛ با این گفته، او سنگینی بار مسئولیت خود را احساس کرده بود. ما چگونه این کار را انجام می‌دهیم؟ بکشیم تا مبدا مالک آسمانی به طور غیر منتظره ما را در حال هدر دادن مایملکش غافلگیر کند (لوقا ۱۶: ۱-۲)! بکشیم تا مسئولیت‌های خود را به طریقی به انجام برسانیم که شایسته آن گفتار شگفت‌انگیز باشیم که می‌گوید: «آفرین ای غلام نیک متدین! بر

چیزهای اندک امین بودی، تو را بر چیزهای بسیار خواهم گماشت. به شادی خداوند خود داخل شو!» (متی ۲۵:۲۱).

۱۰- کدام آیه از کتاب مقدس به ما می آموزد که هر شخصی دست کم یک قابلیت دارد تا برای خداوند سرمایه گذاری نماید؟

(a) امثال ۳:۲۷

(b) متی ۲۵:۱۵

(c) دوم قرنتیان ۹:۶

(d) اول تیموتائوس ۵:۸

۱۱- کدام یک از عبارات زیر، این جمله را به درستی تکمیل می کند؟ زمانی کار مباشرت خود را به خوبی انجام می دهیم که:

(a) به خاطر داشته باشیم که باید به خدا بگوییم که با سرمایه ای که در اختیار من گذاشته است چه کرده ام.

(b) پیش از رسیدگی به نیازهای خانواده ام، به نیازهای ایمانداران کلیسایم برسم.

(c) در مورد کاربرد عطایایی که خدا به من داده است، به میل خود رفتار کنم.

(d) آنچه که به خدا تعلق دارد به خدا بدهم، به خانواده ام و دیگران کمک کنم، و به خدا اعتماد داشته باشم که به نیازهای من رسیدگی کند.

خودآزمایی

۱- مباشر کسی است که:

- a) می تواند مایملک مالک را هر طور بخواهد مورد استفاده قرار دهد.
- b) در مورد آنچه که باید با مایملک مالک انجام دهد تصمیم می گیرد.
- c) باید از خواست مالک پیروی کند.

۲- جملات درست را مشخص کنید:

- a) با وجود آنکه اسرائیلیان قوم خدا بودند، ایشان از ایفای نقش خود به عنوان مباشرین خدا قاصر ماندند.
- b) اسرائیلیان می بایست سرزمین خود را ترک می گفتند زیرا که آنجا غذای کافی برای ایشان وجود نداشت.
- c) عیسی تعلیم داد که انسان مالک قابلیت هایی است که خدا به او داده است.
- d) هر ایماندار عطیه ای از خدا دریافت کرده است که باید در مورد آن حساب پس بدهد.

۳- هنگامی که والدین عیسی او را در هیکل مشغول گفتگو با رهبران مذهبی یافتند، او توضیح داد که علت حضورش در آنجا، رسیدگی به امور

- a) هیکل بود.
- b) پدر آسمانی اش بود.
- c) رهبران مذهبی بود.

۴- کدام جمله زیر به بهترین وجه مباشری را توصیف می کند که دارای خصوصیت دانایی و خرداندیشی می باشد؟

- a) اموال مالک را طوری اداره می کند که فزونی یابد.
- b) وی همواره منافع مالک را در اولویت قرار می دهد.
- c) هیچ کس نمی تواند او را به خطایی متهم کند.

۵- کدام آیات کتاب مقدس مربوط به خصلت امین بودن مباشر می باشد؟

(a) مرقس ۱۰:۱۳-۱۶

(b) لوقا ۱۲:۴۲

(c) اول قرنتیان ۴:۱-۲

(d) یعقوب ۱:۵

۶- در سمت چپ، وظایف یک مباشر نیکو قید شده است. هر یک از آن وظایف را با نمونه آن در سمت راست انطباق دهید.

(a) از آنچه که خدا به من می گوید، اطاعت می کنم.

(b) می دانم که روزی باید به خدا گزارش دهم که با آنچه که به من داده است چه کرده ام.

(c) از وقت و قابلیت به کار خدا اختصاص می دهم.

(d) آنچه که به خدا تعلق دارد به او می دهم.

(e) از خدا می طلبم که به هنگام مواجه شدن با فرصتی جدید به من نشان دهد که چه باید بکنم.

(۱) پیروزی از دستورالعمل ها

(۲) درخواست هدایت بیشتر

(۳) سرمایه گذاری کردن

(۴) گزارش دادن

۷- کدام آیات به بهترین وجه این تعلیم را می دهند که خدا از ما انتظار دارد که

دست به سرمایه گذاری بزنیم؟

(a) متی ۲۵:۱۴-۲۳

(b) مرقس ۱۰:۴۵

(c) اول قرنتیان ۹:۱۶

(d) فیلیپیان ۳:۸

۸- فرض کنید کسی به شما می‌گوید که خدا چیزی به او نداده تا سرمایه‌گذاری کند. در مقابل چنین ادعایی، شما چه می‌کنید؟

a) به او خواهید گفت که اشتباه می‌کند زیرا که کتاب مقدس می‌گوید که او و هر کس دیگری باید در مورد چگونگی سرمایه‌گذاری اموالش، مادامی که بر روی زمین می‌زیسته است، حساب پس بدهد.

b) بر مبنای کتاب مقدس به او نشان دهید که حتی جان و وقتش اموال ارزشمندی هستند. برای او آیه‌هایی را بخوانید که می‌گوید که هر شخصی دارای عطیه‌ای از سوی خداست که می‌تواند برای او سرمایه‌گذاری کند.

این آخرین درس از بخش اول این کتاب درسی می‌باشد. بعد از اتمام این خودآزمایی، دروس ۱ و ۲ را مرور کرده، به سؤالات آزمون میانی ۱ پاسخ دهید. از رهنمودهای داده شده پیروی کنید.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۶- (a) ۳- دانا بودن

(b) ۲- بی‌عیب بودن

(c) ۱- امین بودن

(d) ۳- دانا بودن

(e) ۲- بی‌عیب بودن

۱- (b) منوچهر به مالک گزارش می‌دهد که چه مقدار سیب‌زمینی برداشت شده است.

۷- (a) هنگامی که با موقعیت جدیدی مواجه می‌شوم، منتظر رهنمودهای بیشتری از جانب خدا می‌شوم.

(c) در کتاب مقدس تفحص می‌کنم تا دریابم که خدا چه رهنمودهایی برای من به‌عنوان مباشرش دارد.

۲- (c) ایمانداران باید به خدا، مالک حقیقی اموال‌شان، پاسخگو باشند.

۸- وقت

۳- (d) لوقا ۱۹: ۱۱-۲۷

۹- (a) ۳- سوم

(b) ۲- دوم

(c) ۱- اول

۴- (c) یوحنا ۱۷: ۴

۱۰- (b) متی ۲۵: ۱۵

۵- ایشان او را در مقابل انسان‌ها بد معرفی کردند.

۱۱- a) به خاطر داشته باشم که باید به خدا بگویم که با سرمایه‌ای که در اختیار من گذاشته، چه کرده‌ام.

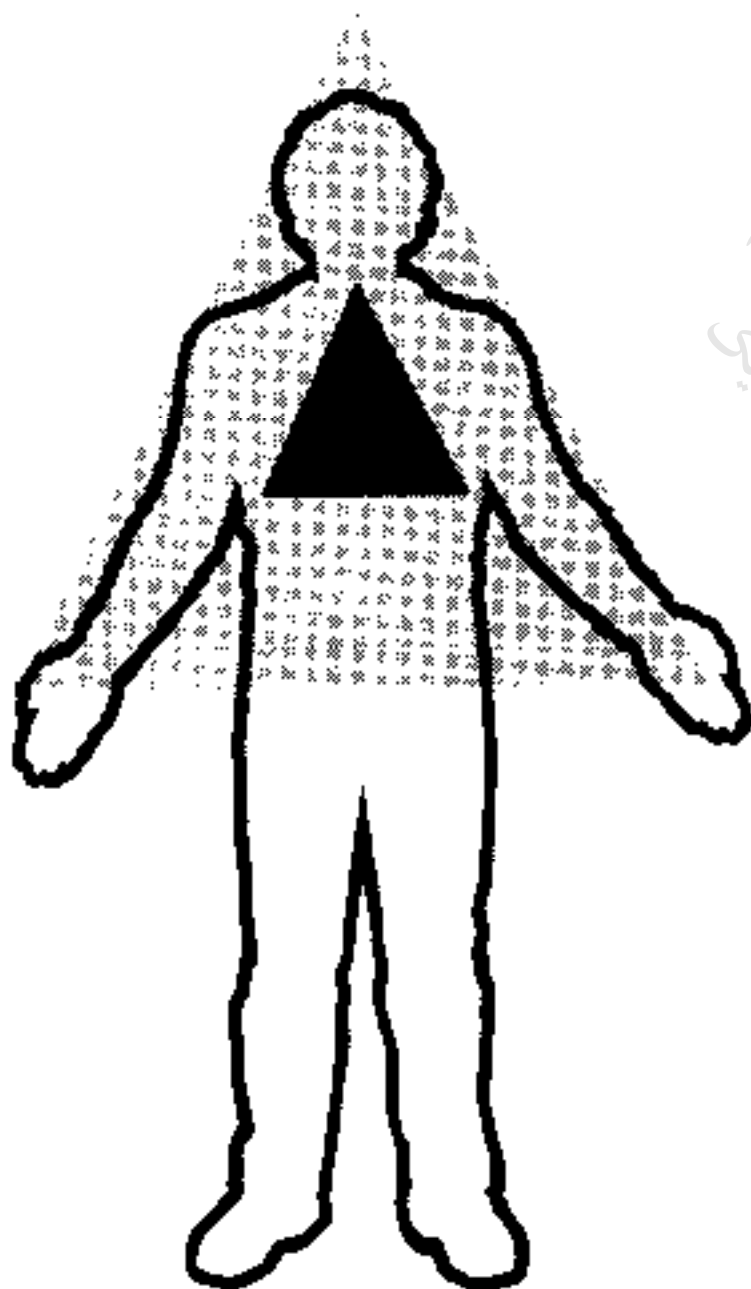
d) آنچه که به خدا تعلق دارد به خدا بدهم، به خانواده‌ام و دیگران کمک کنم، و به خدا اعتماد داشته باشم که به نیازهای من رسیدگی کند.

انتشارات ایلام
نسخه الکترونیکی

بخش دوم

رابطه مباشر با زندگی و وجود خود

انتشارات ایلام
نسخه الکترونیکی



زندگی خود را چگونه اداره کنیم؟

در دو درس اول، آموختیم که مالک واقعی همه چیز خدا است و انسان مباشر اموال و مایملک الهی است. همچنین آموختیم که ما در مقام ایماندار، به گونه‌ای خاص مباشر مایملک خدا هستیم. هدف بنیادین زندگی یک ایماندار، اداره کردن اموالی است که خدا طبق اراده‌اش در اختیار او گذاشته است.

حال در بخش دوم این کتاب، به بررسی این مطلب می‌پردازیم که ما ایمانداران به عنوان مباشرین خدا چگونه می‌توانیم جنبه‌های مختلف زندگی و وجود خود را برای این خدمت تربیت کنیم و به کار ببریم.

در این درس، که نخستین درس از بخش دوم است، خواهیم آموخت که زندگی‌مان را چگونه بر طبق خواست خدا اداره کنیم. برای بریدن چوب با اره، باید از قسمت تیز و دنداندار آن استفاده کرد. این نحوه درست استفاده از اره است. اگر قرار باشد که اره به طرز سودمندی به کار برده شود، باید بر طبق منظور سازنده آن مورد استفاده قرار گیرد. به همان طریق، زندگی شما نیز هنگامی مؤثر خواهد بود که آن را بر طبق نقشه خدا اداره کنید.

رئوس مطالب

نقشه خدا

نقشه ابدی خدا و جایگاه ما در آن

ارتباط نقشه خدا با تولد ما

ارتباط نقشه خدا با دعوت ما

سهم ما

درک نقشه خدا

آماده شدن برای پیروی از نقشه خدا
زندگی بر طبق نقشه خدا



اهداف درس

- پس از مطالعه این درس، باید بتوانید:
- گام‌های مختلفی را که به منظور کشف و تحقق نقشه خدا می‌توانید بردارید، قید نمایید.
- درک کنید که پیروی از نقشه خدا شادمانی می‌آورد.

فعالیت‌های یادگیری

- ۱- این درس را مانند درس‌های قبلی، مطالعه کنید، به اهداف درس توجه نموده، متن درس و آیه‌های قید شده را خوانده، به سؤالات پاسخ دهید.
- ۲- به تصاویر توجه زیادی مبذول دارید. این‌ها کمک می‌کنند تا مفاهیم مهم درس را بهتر درک کنید.
- ۳- بعد از مطالعه و مرور درس، خودآزمایی را انجام دهید. پاسخ‌های خود را با پاسخ‌هایی که در انتهای کتاب آمده، مقایسه کنید.

نقشه خدا

چیزهای بسیاری وجود دارند که بدون داشتن نقشه قابل اجرا و تحقق نیستند. به عنوان مثال شما نمی توانید ساعتی بسازید مگر آنکه قطعات لازم آن را داشته باشید. به همین ترتیب، وقتی که خدا جهان را آفرید، این کار را برطبق نقشه‌ای انجام داد (پیدایش ۱:۳-۳۱). نظم شگفت‌آور عالم این واقعیت را تأیید می‌کند. اما مهم‌تر از همه، خدا برای هر شخصی نقشه‌ای خارق‌العاده دارد. ما این نقشه را مرحله به مرحله مطالعه خواهیم کرد.

نقشه ابدی خدا و جایگاه ما در آن

کتاب مقدس می‌فرماید که خدا انسان را شبیه خود آفرید و به او بر کل زمین اقتدار بخشید (پیدایش ۱:۲۶، ۲۸؛ مزمور ۸:۶-۸). خدا مالک جهان بود و انسان مباشر او. حتماً به‌خاطر می‌آورید که در درس اول آموختید که انسان به پیروی از وسوسه شیطان، علیه خدا عصیان ورزید. از آن هنگام به بعد، انسان دیگر کاملاً شبیه خدا نبوده است.

شیطان بر این باور بود که نقشه خدا را به‌گونه‌ای جبران‌ناپذیر نابود ساخته است. اما چنین نبود. خدا همه چیز را می‌داند، حتی آنچه که در آینده اتفاق خواهد افتاد. لذا خدا پیش از آفرینش جهان می‌دانست که انسان لغزش خواهد خورد. به همین دلیل، او از قبل نقشه‌ای برای بازگشت و رستگاری او طرح‌ریزی کرد. در رومیان ۸:۲۹-۳۰ خلاصه‌ای از این نقشه پرشکوه را ملاحظه می‌کنیم:

۱- برگزیده شدن

۲- کنار گذاشته شدن

۳- فرا خوانده شدن

۴- عادل شمرده شدن در حضور خدا

۵- سهیم شدن در جلال خدا

من و شما به عنوان مسیحی، جزئی از این نقشه هستیم. پطرس رسول می‌فرماید که ما از پیش بر طبق منظور خدا برگزیده شده بودیم (اول پطرس ۱:۲). پولس رسول نیز همین حقیقت را مورد تأکید قرار داده، بیان می‌دارد که خدا پیش از آفرینش جهان ما را برگزیده است (افسیسیان ۱:۴). خدا ما را برگزید زیرا از پیش می‌دانست که ما او را خدمت خواهیم کرد!

اما ممکن است بپرسید که قصد خدا از این نقشه چیست؟ در جواب باید گفت که او غایت خیریت را برای انسان می‌خواهد. در وهله اول خدا می‌خواهد که شباهت خود را به انسان بازگرداند. عیسی صورت و شباهت خدا است (کولسیان ۱:۱۵؛ عبرانیان ۳:۱). به همین دلیل خدا از ما می‌خواهد که شبیه پسرش شویم (رومیان ۸:۲۹، افسسیان ۴:۱۳، اول یوحنا ۳:۲). در وهله دوم، خدا می‌خواهد که خانواده بزرگی از فرزندان تشکیل دهد که عیسی نخست‌زاده این خانواده می‌باشد (رومیان ۸:۲۹). و سرانجام، خدا می‌خواهد که تمامی فرزندان به همراه او تا ابدالابد حکومت کنند (مکاشفه ۵:۲۲). آیا این اهداف حقیقتاً شگفت‌آور نیستند؟

اما خدا در این نقشه هدفی نیز برای خود دارد. او عالم و خود انسان را برای جلال خویش آفرید (مکاشفه ۴:۱۱؛ اشعیا ۴۳:۷). به همان طریق او تصمیم گرفت که ما را بازگشت دهد و احیاء کند تا جلالش را بستانیم (افسیسیان ۱:۶، ۱۲:۱۴؛ مکاشفه ۵:۱۱-۱۳).

۱- هر یک از محل‌های آیات را با جمله‌ای که مضمون آن را بیان می‌دارد، انطباق دهید.

(a) توضیح می‌دهد که هدف خدا برای خودش چیست.

(b) خلاصه‌ای از نقشه خدا را ارائه می‌دهد.

(c) می‌گوید که از میان تمام انسان‌ها چه کسی شبیه خدا است.

(d) به ما می‌فهماند که خدا می‌خواهد که ما شبیه پسرش شویم.

(۱) رومیان ۸: ۲۹-۳۰

(۲) عبرانیان ۱: ۳

(۳) مکاشفه ۴: ۱۱

ارتباط نقشه خدا با تولد ما

آیا هرگز به این فکر نیفتاده‌اید که زندگی بی‌معنی است؟ اینکه در این جهان شخص بی‌فایده‌ای بوده‌اید؟ اینکه بهتر می‌بود که متولد نمی‌شدید؟ ممکن است پیش از پذیرش عیسی به عنوان نجات‌دهنده‌تان، چنین افکاری داشته‌اید. آن موقع نمی‌دانستید که اگر به دنیا آمده‌اید، به این علت بوده که خدا چنین خواسته است، زیرا که او نقشه‌ای برای زندگی‌تان دارد.

کتاب مقدس نمونه‌های بسیاری از افرادی را به ما معرفی می‌کند که خدا پیش از به دنیا آمدن‌شان برای زندگی‌شان نقشه‌ای داشته است. خدا چنین نقشه‌ای برای زندگی موسی داشت. مادر موسی از روی ایمان این نقشه را دریافت و مانع کشته شدن فرزندش به دست سربازان مصری شد (عبرانیان ۱۱: ۲۳).

خدا همچنین نقشه‌ای برای زندگی شمشون (داوران ۱۳: ۱-۵)، ارمیا (ارمیا ۱: ۴-۵)، یحیی‌ای تعمیددهنده (لوقا ۱: ۵-۱۷) و زندگی دیگران داشته است.

خدا به ابراهیم فرمود: «تو برکت خواهی بود» (پیدایش ۱۲: ۲). ابراهیم برای ملل جهان باعث برکت بوده است، چرا که از نسل او خدا مسیح را فرستاد. اما در تاریخ،

نام کسانی ثبت شده که زندگی‌شان نه برکت، بلکه لعنتی برای بشریت بوده است. یکی از ایشان آتیلا، پادشاه هون‌ها است. با وجود آنکه برخی مورخان او را «غضب خدا» نامیده‌اند، زندگی مملو از جنگ و جنایت او، آن چیزی نیست که خدا برای بشر در نظر دارد. خدا می‌خواهد که هر موجود انسانی در زندگی زمینی‌اش یک برکت باشد. این دنیا اغلب مکانی بسیار غم‌انگیز است، اما هر یک از ما می‌تواند کاری کند که آن را قابل تحمل‌تر گرداند.

شاید گاه و بی‌گاه می‌شنویم که می‌گویند: «بدبخت بینوا! حتماً سرنوشتش چنین بود!» گاهی اوقات برای ابراز همدردی با یک مجرم یا شخصی خطاکار که دچار مرگی اسف‌بار گردیده، چنین جمله‌ای بیان می‌شود. اما خدا چنین سرنوشتی را برای آن شخص برنامه‌ریزی نکرده بود! خدا نمی‌خواهد که هیچ کس هلاک شود؛ برعکس، او خواهان این است که همه نجات یابند (حزقیال ۲۳:۱۸، اول تیموتائوس ۴:۲، دوم پطرس ۹:۳). گاه انسان‌ها نقشه خدا را با آنچه که خودشان با زندگی می‌کنند، اشتباه می‌گیرند.

۲- فرض کنید می‌خواهید برای کسی نمونه‌ای بیاورید از شخصی که خدا برایش حتی پیش از تولدش نقشه‌ای داشته است. کدام آیات برای این منظور مناسب است؟

(a) مزمو ۸:۶-۸

(b) لوقا ۱:۵-۱۷

(c) رومیان ۸:۲۹-۳۰

(d) دوم پطرس ۳:۹

ارتباط نقشه خدا با دعوت ما

نقشه‌ای که خدا برای زندگی ما دارد، هنگامی وارد مرحله قطعی می‌شود که به دعوت او پاسخ می‌دهیم و عیسی را به عنوان نجات‌دهنده خود می‌پذیریم. در چنین موقعی است که خدا شروع می‌کند به بازگرداندن شباهتش در ما (دوم قرنتیان ۱۸:۳؛ کولسیان ۱۰:۳). و در همین مرحله است که خدا شروع می‌کند به تحقق هدف و منظور خاصش در ما، هدفی که برای آن ما را به دنیا آورده است.

خدا ابراهیم را فرا خواند تا بانی قومی برگزیده شود (پیدایش ۱۲:۱-۲)؛ موسی را خواند تا رهایی‌بخش قومش از اسارت باشد (خروج ۱۰:۳-۱۰)؛ اشعیا را خواند تا یک نبی باشد (اشعیا ۸:۶-۱۰)؛ و سولس را دعوت کرد تا یک رسول باشد (اعمال ۱۵:۲۶-۱۸). خدا مرا برای منظور خاصی خوانده است. و بدون شک شما را نیز همچنین!

رنج، بخش مهمی از نقشه خدا برای زندگی ما بر روی زمین است. همانند مجسمه‌سازی که سنگ را با چکش و سایر وسایل می‌تراشد و هموار می‌کند تا آن را به شکل مورد نظرش در آورد، خدا نیز رنج را بر ما نازل می‌کند تا زندگی ما مطابق نقشه او گردد. یوسف را در نظر بگیرید (پیدایش ۳۷:۱-۳۶؛ ۳۹:۱-۲۳) و پولس را (دوم قرنتیان ۱۱:۲۳-۲۸). ایشان مردان بزرگ خدا بودند، اما زندگی‌شان مملو از رنج بود. خود عیسی «رنج و درد را تحمل نمود» (اشعیا ۵۳:۳). او اطاعت را از طریق رنج فرا گرفت (عبرانیان ۵:۸). لذا تعجب نکنید اگر زندگی شما تا این لحظه به نظر تان شبیه به تجربه عیسی در مسیر جلجتا بوده است. بدون شک خدا شما را آماده کرده است تا به طریقی که او می‌خواهد، مورد استفاده قرار گیرید. اما رنجی که به عنوان بخشی از آمادگی تان متحمل می‌شوید، در مقابل آن شادمانی که بعداً دریافت خواهید داشت، هیچ شمرده می‌شود (رومان ۸:۱۸).

۳- هر جنبه از نقشه خدا را با هر یک از جملاتی که به بهترین وجه آن را توصیف می کنند، منطبق نمایید.

(a) خدا عملاً شروع می کند به بازگرداندن شباهتش در ما.

(b) خدا می خواهد که فرزندان با او حکومت کنند.

(c) خدا نقشه خاصی برای زندگی هر یک از ما دارد.

(d) خدا می خواهد که فرزندان شبیه عیسی گردند.

(e) ما به دنیا آمدیم زیرا که خدا چنین می خواست.

(۱) نقشه ابدی خدا

(۲) نقشه خدا در ارتباط با تولد ما

(۳) نقشه خدا در ارتباط با دعوت ما

سهم ما

درک نقشه خدا

تا اینجا دانستیم که خدا مالک زندگی ما می باشد و ما فقط باید آن را اداره کنیم. همچنین می دانیم که این مالک است که تصمیم می گیرد که اموال ما چگونه مورد استفاده قرار گیرد؛ مباشر یا ناظر فقط این تصمیمات را به اجرا در می آورد. از آنجا که خدا نقشه ای برای زندگی ما دارد، بسیار مهم است که آن را درک کنیم و دریابیم. در این صورت می توانیم زندگی ما را به طریقی که او می خواهد اداره کنیم. به همین دلیل ضروری است که گام های زیر را برداریم.

۱ - **موقعیت خود را بررسی کنید.** ممکن است که تا این لحظه فکر کرده اید که خدا شما را فقط فرا خوانده است که صرفاً یک عضو منفعل کلیسا باشید. فکر می کنید که دیگران می توانند کارهای زیادی برای خدا انجام دهند، اما نه شما. فکر می کنید که رفتن به کلیسا فعالیت اصلی زندگی مسیحی شما است. در واقع وضع

شما با شخصی که به عنوان یک بازديد کننده به کلیسا می رود، تفاوت چندانی ندارد. شما خود را با این موقعیت سازگار کرده اید، اما به مرور زمان یکنواختی باعث خستگی و دلزدگی تان خواهد شد، تا به حدی که شاید حتی طی جلسات چرت بزنید! این آن چیزی نیست که خدا برای شما می خواهد! مطمئناً او چیز بهتری برای شما در نظر دارد!

شاید فکر کنید که خدا کار مهمی برای شما در نظر نگرفته است زیرا که از او غفلت ورزیده اید. شاید زندگی تان را تلف کرده، خود را شبیه به یک کوزه شکسته احساس می کنید. اما خدا متخصص در تعمیر کوزه های شکسته است (ارمیا ۱۸: ۱-۸). او همواره برای کسانی که لغزش خورده اند، نقشه ای دارد. یعقوب را در نظر آورید که پدرش را که تقریباً کور بود فریب داد (پیدایش ۲۷: ۱-۳۵)؛ موسی یک مصری را کشت (خروج ۱۱: ۲-۱۵)؛ داود مرتکب زنا شد (دوم سموئیل ۱۱: ۱-۲۷)؛ و پطرس خداوندش را انکار کرد (متی ۲۶: ۶۹-۷۵). آنان هر کدام لغزش خوردند، اما خدا ایشان را بخشید؛ و حتی بیشتر، آنان را دوباره به کار گرفت! خدا می تواند همواره شما را نیز دوباره به کار گیرد.

۲- نقشه های خود را رها کنید. شما پیش از توبه و ایمان، خود را مالک زندگی تان می پنداشتید و هر چه میل داشتید می کردید. اما از آن به بعد شروع کردید به انجام آنچه که خدا می خواهد، یا لاقلاً در این مسیر فکر کرده اید. با این حال امکان دارد که شخص فکر کند که نقشه های خودش همان نقشه های خدا است. موسی فکر کرد که نقشه خدا این است که قومش را به واسطه خشونت آزاد سازد (اعمال ۷: ۲۳-۲۵)؛ سولس فکر می کرد که با شکنجه و آزار مسیحیان به خدا خدمت می کند (اعمال ۸: ۳؛ ۹: ۱-۲؛ فیلیپیان ۳: ۶). آنان هر دو اشتباه می کردند. اگر می خواهید نقشه های خدا را برای زندگی تان درک کنید، ابتدا باید نقشه های خود را رها سازید.

۳- **خداوندی مسیح را تصدیق نمایید.** هنگامی که سولس بر زمین افتاد، صاحب صدایی را که با او صحبت می‌کرد، «خداوند» خطاب نمود (اعمال ۹: ۵-۶). او دریافت که صدا و قدرتی که او را بر زمین افکنده است، هر دو به شخص واحدی تعلق دارد. تعاقب‌کننده مسیحیان تسلیم شد. او نقشه‌های خود را مبنی بر دستگیری ایمانداران در دمشق رها ساخت. اکنون او مایل بود خداوند را اطاعت کند. هر کس که بخواهد نقشه خدا را برای زندگی‌اش بداند، باید به این نقطه برسد. بدون تصدیق خداوندی مسیح و تسلیم شدن کامل به او، نخواهید توانست نقشه خدا را بشناسید.

۴- بر طبق بحث بالا، دو امری را که برای شناختن نقشه خدا برای شما ضروری است بیان کنید.

۴- **از خداوند بپرسید که چه باید بکنید.** سولس پرسید: «خداوندا، چه کنم؟» (اعمال ۲۲: ۱۰). چه سؤال مهمی! اگر سه گام اول را برداشته باشید، برای پرسیدن همان نوع سؤال از خدا آماده هستید. ممکن است که در دعا از او بپرسید که نقشه‌ای را که برای زندگی شما دارد به شما نشان دهد.

۵- **آماده باشید که نقشه خدا را بپذیرید.** در همان حالت دعا، آماده باشید که آنچه را که خدا برای زندگی‌تان می‌خواهد بپذیرید. خدا برای همه نقشه واحدی ندارد. درست همانگونه که ما را متفاوت با یکدیگر آفریده است، به همان ترتیب نیز نقشه جداگانه‌ای برای هر یک از ما دارد. شاید شما را بدل به یک شبان یا مبشری کارآمد سازد؛ یا ممکن است بخواهد کارگری خوب، کارمندی وفادار، یا یک متخصص فنی باشید. ممکن است شخص مشهوری شوید، اما امکان دارد ناشناخته نیز باقی بمانید. خدا، سولس را رسول و نویسنده‌ای بزرگ گرداند؛ اما حنانيا، شاگردی ناشناس در کلیسای دمشق باقی ماند. شمعون پطرس مشهور شد، اما برادرش اندریاس چنین نشد. اما این اندریاس بود که شمعون را نزد عیسی آورد (یوحنا ۱: ۴۰-۴۲)؛ حنانيا نیز سولس را در اولین گام‌هایش در زندگی مسیحی هدایت کرد (اعمال ۹: ۱۰-۱۷).

۶- به صدای خدا گوش فرا دهید. اکنون که از خداوند خواسته‌اید که نقشه‌اش را برای زندگی‌تان آشکار سازد، باید منتظر پاسخ باشید. خدا می‌تواند آن را به طرق مختلفی بر شما مکشوف نماید. به برخی از آنها توجه نمایید:

الف) با صدایی قابل شنیدن (اعمال ۱۰:۲۲).

ب) به واسطه یک فرشته (اعمال ۲۶:۸).

ج) توسط رؤیا یا تجلی حضور خدا (خروج ۱۰:۳-۱۰؛ اعمال ۱۶:۹-۱۰).

د) در خواب (متی ۲۰:۱-۲۱).

ه) به واسطه نبوت (اعمال ۱۳:۱-۲؛ ۲۲:۱۵-۱۶).

و) با صدای روح القدس از طریق یک ایماندار (اعمال ۸:۲۹؛ ۱۰:۱۹).

طرق مذکور در بالا از سوی خداوند به کار گرفته شده‌اند تا رهنمودهای خاصی را ارائه دهند. خدا همچنین از طرق دیگر نیز استفاده می‌کند، اما فقط برای هدایت ما در درک نقشه‌اش برای زندگی‌مان. این طرق ممکن است کتاب مقدس باشد، یا یک موعظه، یا یک کتاب مسیحی، یا توصیه یک ایماندار که در سلوکش با خدا به بلوغ رسیده باشد. به عنوان مثال، کتاب مقدس، رهنمودهای کلی می‌دهد که در مورد تمامی ایمانداران قابل اعمال است؛ اما نمی‌گوید که شما به طور اخص باید در کلیسای‌تان یک شماس یا یک رهبر باشید.

اگر بعد از طرح سؤال‌تان از خداوند، پاسخ فوری دریافت نکردید، شکیبایی خود را از دست ندهید. منتظر شوید. به خاطر آورید که خدا مالک شما است و شما فقط ناظر و مباشر هستید. هنگامی که پاسخی دریافت کردید، مطمئن شوید که آن مخالف کتاب مقدس یا عقل سلیم نیست (غلاطیان ۸:۱-۹). اگر به نظر می‌آید که خداوند فقط نشانه‌های اندکی از نقشه‌های خود را آشکار کرده است، از همان‌ها پیروی کنید و او بعداً نشانه‌های دیگری را بر شما آشکار خواهد ساخت (اعمال ۹:۶).

ممکن است که نبوتی را شنیده باشید که رهنمودهایی را در مورد زندگی‌تان به شما می‌دهد. منتظر شوید تا روح القدس آن را شخصاً برای شما تأیید کند. اگر رؤیایی

دیده‌اید که به‌نظر تان مکاشفه‌ای از سوی خدا آمده است، خود آن را تعبیر نکنید. از شبان خود یا دیگر ایمانداران بالغ بخواهید که نظرشان را به شما ابلاغ دارند.

۵- کدام یک از اشخاص مذکور در عبارات زیر، از گام‌هایی که در این درس برای درک نقشه خدا پیشنهاد شده، پیروی کرده است؟

(a) جمشید شبان شده است. برادرش جهان فکر می‌کند که باید از سرمشق برادرش پیروی نماید و تصمیم می‌گیرد که او نیز شبان شود.

(b) سوزان رؤیایی دید که به او القا کرد که باید یک مبشر شود. او بی‌آنکه نظر دیگران را پرسد، نقشه‌های خود را برای منشی شدن رها کرد.

(c) نرگس می‌خواهد که اراده خدا را برای زندگی‌اش بداند. لذا اوقاتی را در دعا صرف کرده، از خدا می‌پرسد که چه باید بکند. او صبورانه منتظر پاسخ خدا می‌شود و آماده است که آن را بپذیرد.



آماده شدن برای پیروی از نقشه خدا

آمادگی ضروری است

وقتی از نقشه خدا برای زندگی تان مطمئن شدید، لازم است که خود را آماده سازید. بسیاری از کارها مستلزم آمادگی قبلی و کافی است. کار خدا یکی از آنها است. عیسی سه سال وقت صرف کرد تا کسانی را که می‌بایست رهبران اولیه کلیسا باشند، آماده سازد. تمام زندگی ما بر روی زمین، در واقع دوره آمادگی است برای ابدیت!

گاهی اوقات نقشه خدا با خواست خودتان همسویی دارد. این اتفاقی بود که برای موسی افتاد. خدا برنامه‌ریزی کرد تا او آزادکننده قومش باشد. اما موسی عجله داشت؛ او مردی بود خشن که بدون فکر قبلی از روی غریزه عمل می‌کرد (خروج ۱۱:۲-۱۴). چهل سال گذشت و طی آن خدا او را آماده ساخت تا مردی فروتن گردد (اعداد ۳:۱۲). آیا مشتاق هستید که خادم خداوند شوید؟ کاری عالی را خواهان هستید (اول تیموتائوس ۱:۳)؛ بنابراین خود را آماده سازید طوری که از تمامی چیزهایی که کتاب مقدس برای این کار اقتضا می‌کند، برخوردار باشید (اول تیموتائوس ۲:۳-۷). اگر زمان آمادگی به نظرتان طولانی بیاید، مأیوس نشوید. چوب سخت درخت بلوط وقت بیشتری را لازم دارد تا ساخته شود تا چوب نرم درخت کاج!

۶- عیسی مدت سه سال شاگردانش را آماده ساخت زیرا که ایشان

(a) مایل نبودند که بلافاصله از او پیروی کنند.

(b) احتیاج داشتند بیاموزند که نقشه او را چگونه عملی سازند.

(c) نمی‌توانستند خود را وقف کار او کنند.

خط‌مشی برای زندگی

عیسی، در لوقا ۱۴: ۲۸-۳۲ به‌طور ضمنی به ما می‌آموزد که داشتن برنامه و نقشه اهمیت دارد، طوری که بتوانیم مطمئن شویم که به اهدافمان خواهیم رسید. اما ممکن است بگویید: آیا نمی‌بایست از نقشه‌های خود دست می‌کشیدم تا بتوانم نقشه خدا را برای زندگی‌ام بشناسم؟ آیا نباید به جای پیروی از نقشه‌های خود، از نقشه خدا پیروی کنم؟ خوب، درست است؛ خدا به‌عنوان مالک زندگی‌مان دستورات کلی را ارائه می‌دهد که باید از آنها پیروی کنیم، اما جزئیات را بر عهده خودمان می‌گذارد. در غیر این صورت، به جای اینکه مباشرین مسئولی برای او باشیم، شبیه به ماشین‌هایی در دست خدا می‌بودیم. اگر یعقوب ۴: ۱۳-۱۵ را به‌طور سطحی بخوانیم، ممکن است به‌نظر آید که گویا خدا مخالف این است که ما برنامه‌هایی برای خود داشته باشیم. اما اگر به‌طور دقیق به آن بنگریم، مشاهده می‌کنیم که آنچه که خدا می‌خواهد، این است که نقشه‌های ما مورد تأیید او باشند. توجه داشته باشید که یعقوب ۴: ۱۵ می‌فرماید: «اگر خدا بخواهد، زنده می‌مانیم و چنین و چنان می‌کنیم.» خدا چنین نقشه‌هایی را برکت خواهد داد (امثال ۱۶: ۳).

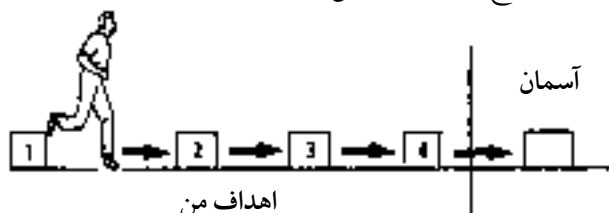
۷- کدام یک از عبارات زیر به بهترین وجه رابطه میان نقشه‌های ما و نقشه‌های خدا را توصیف می‌کنند؟

- (a) نقشه‌های خدا برای ما عبارتند از دستورات عمومی‌اش. برای عملی ساختن نقشه‌های خدا، این ما هستیم که باید راه‌های خاصی طرح کنیم.
- (b) بر طبق یعقوب ۴: ۱۳-۱۵، نباید هیچ برنامه‌ای برای زندگی خود داشته باشیم، زیرا که خدا از قبل نقشه‌های خود را برای ما طرح‌ریزی کرده است.
- (c) ما نباید اصلاً برنامه‌ریزی کنیم زیرا آنچه خدا از ما می‌خواهد، معمولاً با آنچه که ما فکر می‌کنیم، به‌کلی متفاوت است.

تا اینجا، این واقعیت روشن شد که ما می‌توانیم و باید در زندگی مسیحی‌مان برنامه‌ریزی کنیم. اکنون می‌توانیم استراتژی‌ای تهیه کنیم برای اداره این زندگی که

خدا به ما داده است. این استراتژی دارای سه جزء است که عبارتند از: اهداف، اولویت‌ها، و برنامه‌ها. اگر قرار باشد در مسابقه‌ای شرکت کنید، مهم‌ترین آرزوی‌تان رسیدن به هدف است. زندگی مسیحی نیز شبیه به یک مسابقه است با مراحل معین (عبرانیان ۱۲:۱)؛ لازم است که تعدادی هدف میانی را پشت سر بگذاریم تا به هدف نهایی که آسمان است برسیم. پولس رسول امیدوار بود که به آن هدف برسد (فیلیپیان ۱۴:۳). او توانست در پایان زندگی‌اش با خشنودی بگوید: «به جنگ نیکو جنگ کرده‌ام و دوره خود را به کمال رسانیده‌ام» (دوم تیموتائوس ۷:۴). لذا می‌توانیم بگوییم که هدف عبارت است از بیان آنچه در نظر دارید که در زندگی‌تان به انجام رسانید.

چه متوجه باشیم و چه نباشیم، همه ما برای زندگی خود هدفی تعیین می‌کنیم. البته اکنون که می‌خواهید خود را آماده خدمت خداوند کنید، اهداف شما باید تابع نقشه خدا باشد. به عنوان مثال اگر خدا می‌خواهد که شما واعظ شوید، یکی از اهداف‌تان می‌تواند این باشد که کتاب مقدس را خوب بدانید. هدف دیگر می‌تواند این باشد که در یک کالج الهیات تحصیل کنید.



اهداف برای اینکه مفید باشند، باید مشخص و ملموس باشند. هدف نباید کلی باشد، مانند اینکه بگوییم: «هدف من این است که مسیحی خوبی باشم». چنین اهدافی آنقدر کلی است که دیگر قابل اجرا نیست. به علاوه، هدف باید قابل حصول باشد. مثلاً هدایت و دعوت ۵۰ نفر به کلیسا در هفته بعد هدفی غیر قابل حصول است، اگر تاکنون ۵ نفر را هم با خود نبرده باشید. اما دعا برای اینکه بتوانید یک نفر را پیدا کنید و به کلیسا هدایت نمایید، بیشتر ملموس و قابل حصول است.

۸- هدفی مفید است که و باشد.

اکنون می‌توانید بنشینید و فهرستی از تمام اهدافی که می‌خواهید به آنها برسید تهیه کنید. آیا تعداد آنها زیاد است؟ در این صورت شما شخص بلندپروازی هستید! به شما تبریک می‌گوییم. اما در سرزمین من ضرب‌المثلی هست که می‌گوید: «کسی که به همه چیز چنگ می‌زند، اکثر آنها را از دست می‌دهد». شاید فرصت نکنید که به همه اهداف خود برسید و بعداً متوجه خواهید شد که تنها به اهدافی رسیده‌اید که از اهمیت کمتری برخوردار بوده‌اند. در چنین موقعیتی خود را مأیوس و شکست‌خورده احساس خواهید کرد. اگر چندین هدف را پیش روی دارید، لازم است که اولویت‌ها را در نظر بگیرید. یا به عبارت دیگر لازم است مشخص کنید که میل دارید ابتدا کدام اهداف را متحقق سازید. برای این کار، می‌توانید برای اهداف خود اولویت قائل شوید: الف) هدف‌های بسیار مهم؛ ب) هدف‌های مهم؛ ج) هدف‌های کم‌اهمیت.

در درس دوم، نمونه‌ای از چگونگی سرمایه‌گذاری بر طبق نوعی از اولویت‌ها را مشاهده کردید که در واقع سیستم کتاب‌مقدسی اولویت‌ها بودند. شما می‌توانید آن را در مورد بقیه اهداف زندگی‌تان نیز به کار برید.

۹- کدام یک از این اشخاص اولویت‌ها را در نظر گرفته‌اند؟

- a) جورج می‌خواهد کتاب مقدس را در ظرف یک سال بخواند. لذا تصمیم می‌گیرد که در هر ماه مقدار معینی از کتاب مقدس را بخواند.
- b) ماری تصمیم می‌گیرد بر حسب نیازش در یک مدرسه تحصیل کند. لذا هر شب یک ساعت را به مطالعه اختصاص می‌دهد.
- c) هانری تصمیم می‌گیرد که پیش از شروع به پس‌انداز برای خرید چیزهای مورد نیازش، یک سال را به تحصیل در کالج الهیات اختصاص دهد.

۱۰- اهداف ذیل را بر طبق ترتیب اولویت‌های آمده در درس ۲ منظم کنید.

- (a) رسیدگی به نیازهای خانواده‌تان
 - (b) خرید تعدادی لباس اضافی برای خودتان
 - (c) رفتن به جلسات کلیسای‌تان
 - (d) عیادت از دوستی بیمار
 - (e) صرف وقت به دعا و مطالعه کتاب مقدس
- (۱) اول
- (۲) دوم
- (۳) سوم

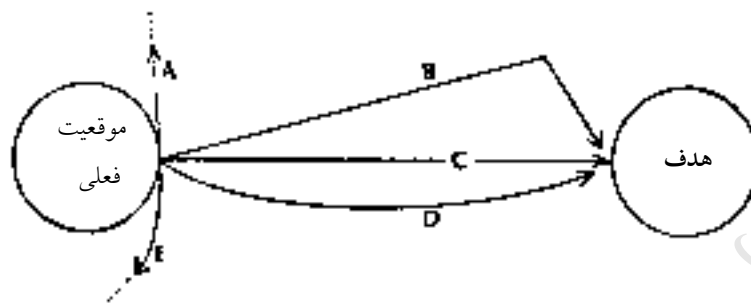
وقتی مهم‌ترین اهداف‌تان را تعیین کردید، لازم است که برنامه‌هایی برای حصول آنها تنظیم کنید. ممکن است طرق بسیاری برای رسیدن به یک هدف وجود داشته باشد، اما برنامه به ما کمک می‌کند که بهترین طریق را بیابیم. بدون برنامه ممکن است هرگز به هدفی که در نظر گرفته‌اید، نرسید. یا اگر هم به آن برسید، ممکن است وقت بیش از حد ضروری را صرف آن کرده باشید زیرا که مشکل‌ترین طریق را انتخاب کرده‌اید. می‌دانیم که افرادی هستند که قصد دارند به آسمان برسند، اما راه غلطی را انتخاب کرده‌اند.

اکنون برای تهیه برنامه برای نیل به هدف، خط‌مشی‌یی را پیشنهاد می‌کنیم. در درس‌های بعدی، برخی طرق عملی را خواهید یافت که بر حسب آنها می‌توانید این خط‌مشی را در موقعیت‌های متفاوت زندگی‌تان پیاده کنید. خط‌مشی پیشنهادی ما چنین است:

- ۱- موقعیت کنونی خود را تشریح نمایید.
- ۲- هدف خود را مشخص کنید و آن را بیان نمایید.
- ۳- عواملی را که به شما کمک می‌کنند تا به هدف‌تان برسید مشخص کرده، از آنها استفاده کنید.

۴- موانع نیل به هدف را توصیف کرده، آنها را مرتفع سازید.

۵- گام‌های لازم برای رسیدن به هدف را یادداشت نمایید.



از بین طرق مشخص شده توسط فلش در بالا، بهترین آنها مستقیم‌ترین می‌باشد، یعنی C: این بهترین برنامه‌ریزی است. توجه کنید که راه‌های A و E ابداً در جهت نیل به هدف حرکت نمی‌کنند؛ و راه‌های B و D غیرمستقیم و طولانی‌تر از حد لازم هستند.

البته به‌هنگام برنامه‌ریزی، لازم است که در دعا باشید. دعای شما باید شبیه به گفتگوی مباشر با مالک باشد. در این صورت، از هدایت الهی برخوردار خواهید شد (امثال ۱۶:۹).

۱۱- کدام یک از این اشخاص از برنامه خوبی برای رسیدن به هدف‌شان پیروی کرده‌اند؟

a) سهراب تصمیم می‌گیرد که معلم شود. او متوجه می‌شود که در شهر مجاور یک مدرسه تربیت معلم خوبی وجود دارد. به آنجا می‌رود اما بعد از یک ماه تحصیل به‌خاطر فقدان پول مجبور به ترک آن می‌گردد.

b) فرید می‌خواهد معلم شود. تحقیق می‌کند که به چه مقدار پول برای رفتن به مدرسه تربیت معلم احتیاج دارد. او برای یکسال پول پس‌انداز می‌کند و به مدرسه می‌رود و دوره را به اتمام می‌رساند.

۱۲- در تمرین شماره ۱۱، شخصی که از برنامه خوبی پیروی نکرد، مرتکب اشتباهی شد. آن اشتباه چه بود؟
(a) او موقعیت واقعی خود را توصیف نکرد و موانع را مرتفع ننمود.
(b) او هدف خود را توصیف نکرد و از عواملی که به او کمک می‌کردند تا به آن هدف برسد بهره نبرد.

زندگی بر طبق نقشه خدا

برای اینکه مطابق نقشه خدا زندگی کنید، لازم نیست منتظر بمانید تا دوره آمادگی‌تان به پایان برسد. ما باید همیشه برای خداوند زندگی کنیم و نه برای خودمان زیرا که به او تعلق داریم (رومیان ۷:۱۴-۸). مباشرت و نظارت بر زندگی بر این اساس استوار است.

زیستن برای خداوند نتایج خوبی در بردارد. هنگامی که برای او زندگی می‌کنیم، او را به عنوان مالک زندگی مان تکریم می‌کنیم. نتیجتاً او نیز ما را که مباشرین امین او هستیم، تکریم خواهد نمود (اول سموئیل ۲:۳۰).

کار کردن بخش مهم زندگی مسیحی است. هنگامی که خدا انسان را آفرید، او را در باغ عدن نهاد تا آن را کشت و زرع کند (پیدایش ۲:۱۵). اگر او باغ را آماده زراعت نموده، از آن مراقبت می‌کرد، باغ خوراک لازم را به بار می‌آورد (پیدایش ۲:۱۶). پولس رسول هنگامی که فرمود: «اگر کسی خواهد کار نکند، خوراک هم نخورد» (دوم تسالونیکیان ۳:۱۰)، به همین اصل اشاره می‌کرد. اما خدا همچنین می‌خواهد که ما کار کنیم تا بتوانیم به نیازمندان کمک نماییم (افسیان ۴:۲۸).



۱۳- آیا درست است که انسان پیش از سقوط، کاری نداشت که انجام دهد؟

اگر مشغول فعالیت‌های غیرکلیسایی هستید، فراموش نکنید که باز هم برای خداوند کار می‌کنید. کارفرمای شما در واقع او است. لذا باید کار خود را در نهایت امانت و از صمیم دل انجام دهید (افسیسیان ۵:۶-۷؛ کولسیان ۳:۲۳)، درست مثل اینکه برای خداوند باشد. اما اگر در خدمت کلیسا هستید، فراموش نکنید که این «کار» شما است. طوری خدا را خدمت کنید که همه بدانند که شما نیز مانند دیگران مشغول «کار» می‌باشید. برخی ایمانداران فکر می‌کنند که شبانان «کار» نمی‌کنند و می‌گویند: «خوش به حال شبانان و کشیشان. راحتند و کاری نمی‌کنند.» گاهی اوقات اتفاق می‌افتد که خود فرزندان خادمین نیز نمی‌دانند که خدمت مسیحی، «کار» است. معلمی از پسر یک شبان پرسید: «پدرت چه کاری می‌کند؟» پسر پاسخ داد: «پدر من کار نمی‌کند!»

برخی افراد که کارشان را دوست ندارند و امکان تغییر آن را هم ندارند، احساس سرخوردگی می‌کنند. اگر شما در چنین موقعیتی قرار دارید، خوب است که مانند عیسی به مسائل نگاه کنید. او به شاگردانش گفت که خوراک او این است که اراده فرستنده خود را انجام دهد و کاری را که بر عهده او گذاشته است به انجام رساند (یوحنا ۴:۳۴). عیسی بسر بردن در این دنیای شریر را راحت نمی‌یافت، اما به‌جا آوردن اراده پدرش را دوست داشت (مزمور ۸:۴۰). ما نیز در این جهان هستیم تا کاری را که خدا بر عهده ما گذاشته است انجام دهیم. اما اگر کار شما متناسب با نقش شما به‌عنوان مباشر خدا نیست، تردید نکنید. می‌توانید کارتان را رها سازید و خدا مطمئناً کار دیگری به شما خواهد داد که رضایت و آرامش باطنی شما را تأمین کند.

- ۱۴- کدام یک از عبارات زیر حالتی را که یک مسیحی باید در قبال کار داشته باشد بیان می‌دارد؟
- (a) من باید کار خود را حفظ کنم حتی اگر نوع کاری که انجام می‌دهم آن چیزی نباشد که یک مسیحی باید انجام دهد.
- (b) از آنجا که کارفرمای من مسیحی نیست، در واقع اهمیتی ندارد که به‌هنگام انجام کار چگونه عمل می‌کنم.
- (c) اگر کاری غیرکلیسایی انجام می‌دهم، باید آن را حتی‌الامکان خوب انجام دهم، زیرا می‌دانم که در واقع برای خداوند کار می‌کنم.

خودآزمایی

۱- کدام یک از عبارات زیر به بهترین وجه نقشه خدا را در ارتباط با دعوت شدگی مان بیان می‌دارد؟

- (a) خدا برای اینکه ما را شبیه عیسی سازد، گاهی اوقات اجازه می‌دهد که در معرض تجربه‌ها و رنج‌ها قرار گیریم تا ما را آماده سازد که اراده او را به جا آوریم.
- (b) پیش از آفرینش جهان، خدا قصد داشت که خانواده‌ای از فرزندان را خلق کند تا روزی به همراه او حکومت کنند.
- (c) خدا می‌خواهد که هر شخصی برکتی برای جهان باشد و نقشه‌ای برای زندگی هر فرد دارد.

۲- فرض کنید که دوستی به شما می‌گوید که فکر نمی‌کند که خدا بتواند او را به کار گیرد زیرا که لغزش خورده است. به او چه باید بگویید؟

- (a) توضیح دهید که خدا برای همه نقشه واحدی ندارد. به او بگویید که می‌تواند عضو خوبی برای کلیسا باشد حتی اگر خدا او را برای کار دیگری به کار نبرد.
- (b) افرادی از کتاب مقدس نظیر داود و موسی را مثال بزنید که علیرغم لغزش‌شان خدا ایشان را به کار گرفت. او را تشویق کنید که همچنان اراده خدا را برای زندگی خود جستجو کند.

۳- فرض کنید که از خداوند پرسیده‌اید که چه می‌خواهد که انجام دهید. هنوز پاسخی دریافت نکرده‌اید. گام بعدی شما چه باید باشد؟

- (a) برای رهنمودهای خاص، کتاب مقدس را تفحص کنید.
- (b) همچنان منتظر خداوند باشید.
- (c) با نقشه‌های خاص خود به پیش روید.

۴- خدا مدت ۴۰ سال موسی را آماده نمود زیرا او:

- (a) نقشه دیگری برای زندگی خود داشت.
 - (b) برای خدمت خداوند بسیار جوان بود.
 - (c) احتیاج داشت که بدل به مردی شود تا خدا بتواند او را به کار گیرد.
- ۵- کدام یک از عبارات زیر توسط شخصی عنوان می‌شود که رابطه میان نقشه‌های ما و نقشه خدا را درک کرده است؟
- (a) نقشه خدا برای من مهم است. لذا من برنامه‌ریزی نخواهم کرد تا مبدا از آنچه که خدا می‌خواهد، دور بیفتم.
 - (b) نقشه خدا این است که من شبیه عیسی شوم. لذا من به نوبه خود برنامه‌هایی می‌ریزم تا زندگی‌ام طوری باشد که باعث برکت دیگران گردد.
 - (c) یعقوب ۱۳:۴-۱۵ می‌فرماید که زندگی ناپایدار است؛ لذا بهترین کار این است که هیچ برنامه‌ای نداشته باشیم، چون نمی‌دانیم که آیا می‌توانیم آنها را متحقق سازیم یا نه.

۶- عبارات سمت چپ را با جمله‌ای که آن را توصیف می‌کند، منطبق سازید.

- (a) تصمیم‌گیری در مورد مهم‌ترین و کم‌اهمیت‌ترین هدف‌ها.
- (b) روش‌هایی که گام‌های لازم برای رسیدن به هدف‌تان را ارائه می‌دهند.
- (c) فهرستی از اهدافی که می‌خواهید در وهله اول به آنها برسید.
- (d) بیان جمله‌ای در مورد آنچه که در عمل می‌خواهید به‌انجام رسانید.

(۱) اهداف

(۲) اولویت‌ها

(۳) برنامه‌ها

۷- مریم می‌خواهد با دوختن لباس‌هایی برای فرزندان یک خانواده فقیر در کلیسا به ایشان کمک کند. کدام برنامه از خط‌مشی پیشنهاد شده در درس پیروی می‌کند؟

(a) مریم ابتدا به خانواده می‌گوید که می‌خواهد تمام لباس‌های مورد نیاز فرزندان‌شان را تهیه کند. سپس تصمیم می‌گیرد که چه تعداد لباس باید تهیه کند. سپس در نظر می‌گیرد که چه مقدار لباس دارد یا می‌تواند آنها را بخرد.

(b) مریم ابتدا بررسی می‌کند که چه مقدار لباس داشته یا می‌تواند آنها را بخرد. سپس تصمیم می‌گیرد که چه تعداد لباس خواهد توانست تهیه کند. و سرانجام لباس‌ها را تهیه کرده آنها را به خانواده می‌دهد.

۸- فرض کنید که یک نوایمان به شما بگوید که اکنون که مسیحی شده است، نیازی به کار کردن ندارد. او می‌گوید که دیگر ایماندارانی که امکانات بیشتری دارند، باید احتیاجات او را برآورده سازند. بهترین پاسخ کدام مورد زیر است؟

(a) به او بگویید که کتاب مقدس در پیدایش ۱۵:۲ می‌فرماید که انسان باید کار کند زیرا که از خدا نافرمانی کرده و گناه ورزیده است. به او بگویید که به همین دلیل درست است که هیچ انسانی نمی‌تواند از کار کردن بگریزد.

(b) به او نشان دهید که از آغاز اراده خدا این بود که انسان کار کند، چنانکه در پیدایش ۱۵:۲ مشهود است. توضیح دهید که چگونه افسسیان ۲۸:۴ به ما نشان می‌دهد که هر فردی باید برای کمک به خود و دیگران کار کند.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۸- مشخص، قابل حصول.

۱- (a) ۳- مکاشفه ۱۱:۴

(b) ۱- رومیان ۸:۲۹-۳۰

(c) ۲- عبرانیان ۱:۳

(d) ۱- رومیان ۸:۲۹-۳۰

۹- (c) هانری (وی تصمیم گرفت سعی کند به یکی از دو هدف ممکن برسد. ماری و جورج اصلاً هدفی تعیین نکرده و برنامه‌ریزی نکرده بودند که به آنها برسند.)

۲- (b) لوقا ۱:۵-۱۷

۱۰- (a) ۲- دوم

(b) ۳- سوم

(c) ۱- اول

(d) ۲- دوم

(e) ۱- اول

۳- (a) ۳- نقشه خدا در ارتباط با دعوت مان

(b) ۱- نقشه ابدی خدا

(c) ۳- نقشه خدا در ارتباط با دعوت مان

(d) ۲- نقشه خدا در ارتباط با تولد مان

(e) ۱- نقشه ابدی خدا

(f) ۲- نقشه خدا در ارتباط با تولد مان

۱۱- b) فرید می خواهد معلم شود. تحقیق می کند که برای رفتن به مدرسه تربیت معلم به چه مقدار پول احتیاج دارد. او برای یکسال پول پس انداز می کند و به مدرسه می رود و دوره را به اتمام می رساند.

۴- لازم است که a) نقشه های خود را رها کنید و b) خداوندی مسیح را تصدیق کرده، خود را تماماً تسلیم او کنید.

۱۲- a) او موقعیت واقعی خود را توصیف نکرد و موانع را مرتفع ننمود. (جان دانست که هدفش چیست. لیکن نتوانست موقعیت واقعی خود را توصیف کند: چه مقدار پول برای رفتن به مدرسه داشت. او مانع را مرتفع ننمود: نداشتن پول کافی برای پرداختن هزینه تحصیل).

۵- c) نرگس. پاسخ a) نمی تواند درست باشد. جهان باید به خاطر می آورد که ممکن است خدا برای او نقشه ای متفاوت از برادرش داشته باشد. او باید اراده خدا را برای زندگی خودش جستجو کند. پاسخ b) نیز نمی تواند صحیح باشد. سوزان با نطلبیدن نظر مسیحیان بالغ تر، در تعبیر رؤیایش مرتکب اشتباه شد.

۱۳- خیر. کار مراقبت از باغ عدن بر عهده او گذاشته شده بود.

۶- b) احتیاج داشتند بیاموزند که نقشه او را چگونه عملی سازند.

۱۴- c) اگر کاری غیر کلیسایی انجام می دهیم، باید آن را حتی الامکان خوب انجام دهیم، زیرا می دانم که در واقع برای خداوند کار می کنم.

۷- a) نقشه های خدا برای ما عبارتند از دستورات عمومی اش. برای عملی ساختن نقشه های خدا، این ما هستیم که باید راه های خاصی طرح کنیم.

شخصیت خود را چگونه اعتلا بخشیم؟

در درس گذشته آموختیم که هدف خدا این است که بار دیگر ما را به شباهت خود درآورد. چه هدف خارق‌العاده‌ای! این امر هنگامی صورت می‌پذیرد که شخصیت ما رشد کند.

از بین تمام چیزهایی که خدا به ما سپرده، شخصیت ما ارزشمندترین آنها است. این همان چیزی است که ما را انسان می‌سازد و باعث می‌شود که از دیگر حیوانات متفاوت باشیم. همچنین این همان چیزی است که ما را تاج خلقت و شاهکار آفرینش خدا گردانده است.

لذا به‌عنوان مباشرین خدا مسئولیت خطیر و گریزناپذیر اداره و فادارانه آنچه که او به ما داده است، بر عهده ما می‌باشد. در ارتباط با شخصیت‌مان، مسئولیت ما حفظ و رشد و اعتلای آن می‌باشد تا زمانی که شبیه مسیح شویم.

شخصیت ما متشکل از سه بخش عمده است که عبارتند از: نیروی عقلانی، اراده، و عواطف. هدف این درس این است که به ما کمک کند تا هر یک از این بخش‌ها را رشد دهیم. در این درس پیشنهادهای سودمندی در مورد طرق غنا بخشیدن به نیروی عقلانی، تقویت اراده، و کاربرد عواطف را برای جلال خدا خواهید یافت.

رئوس مطالب

نیروی عقلانی ما

اراده ما

عواطف ما



اهداف درس

- پس از مطالعه این درس، باید بتوانید:
- درک کنید که مباشرت در امر شخصیت‌مان یعنی چه.
 - با چندین راه برای رشد نیروی عقلانی، اراده، و عواطف خود آشنا شوید.
 - درک کنید که تحقق هدف خدا در مورد هر یک از بخش‌های شخصیت‌تان چقدر با ارزش است.

فعالیت‌های یادگیری

- ۱- همان گام‌هایی را که برای دروس قبلی برداشتید، برای مطالعه این درس نیز بردارید. متن درس و اهداف را به دقت مطالعه کرده، به تمرین‌ها پاسخ دهید.
- ۲- بعد از آنکه پاسخ‌های خود را با پاسخ‌های آمده در انتهای درس مقایسه کردید، کل درس را مرور نمایید. سپس به خودآزمایی پرداخته، پاسخ‌های خود را کنترل کنید.

نیروی عقلانی ما

نیروی عقلانی یا ذهن، ما را قادر به اندیشیدن، درک کردن، به‌خاطر آوردن یا تصور کردن می‌نماید. کاربرد نامناسب آن یکی از علل عمده بیماری‌ها و خطاهایی است که گریبانگیر جهان شده است. اما اگر قوای عقلانی درست به‌کار گرفته شود، می‌تواند برکت عظیمی برای نوع بشر باشد. به همین دلیل لازم است که آن را طوری تمرین دهیم که مورد پسند خدا واقع شده، نهایت کمال خود را حاصل کند (اول قرن‌تین ۱۲:۱۳، کولسیان ۱۰:۳).

به آنچه نیکوست، بیندیشید

یکی از طرق تمرین دادن ذهن‌مان، فکر کردن است. در واقع، فکر کردن فعالیت عمده ذهن ما است. اندیشه‌های ما، شخصیت ما را تعیین می‌کنند زیرا که: «چنانکه (یک انسان) در دل خود فکر می‌کند، خود او همچنان است» (امثال ۲۳:۷). به همین دلیل خدا از ما می‌خواهد که در مورد چیزهایی بیندیشیم که نیکو است و مورد پسند او است (فیلیپیان ۴:۸؛ مزمور ۱۹:۱۴). اما این امر چگونه انجام می‌پذیرد؟ دو کار است که باید انجام دهیم.

۱ - لازم است که ذهن خود را تغذیه کنید. اگر ذهن خود را با افکار خوب تغذیه کنیم، یعنی اگر به چیزهای خوب بیندیشیم، می‌تواند خوب کار کند. افکار بد برای ذهن به مثابه سم برای معده است.

کتاب مقدس بهترین خوراک برای ذهن ما است (متی ۴:۴). افکار موجود در کتاب مقدس افکار خدا است. لذا هر گاه آن را بخوانید یا آن را بشنوید، به ذهن خود اجازه می‌دهید که مملو از بهترین افکار شوند (اشعیا ۵۵:۸-۹). و آنگاه ذهن شما نیز

قادر خواهد شد که بر روی کلام خدا تعمق نماید و در مورد آن فکر کند (مزمور ۹۷:۱۱۹ و ۹۹:۱).

روح القدس منبع دیگری از خوراک خوب برای ذهن ما می باشد. اگر به او توجه کنید، خصوصاً به هنگام دعا، او به شما حقایق گرانبهائی را خواهد آموخت (اول قرنتیان ۸:۱۲؛ اول یوحنا ۲:۲۷).

۱- تعمق در مورد کلام خدا بدین معنی می باشد که

همچنین می توانیم ذهن خود را با خواندن چیزهای خوب تغذیه کنیم. پولس به فیلیپیان گفت که ذهن خود را با «چیزهای راست، مجید، عادل، پاک، جمیل و نیک نام» پر کنیم (فیلیپیان ۴:۸). علاوه بر کتاب مقدس، کتب مسیحی می توانند اندیشه های عالی برای فکر کردن در اختیارمان بگذارند.

اگر مرتباً در جلسات کلیسایی شرکت کنید، پیام هایی که در موعظه ها می شنوید، خوراک ذهنی لازم را برای تعمق در طول هفته در اختیارتان خواهند گذاشت (یعقوب ۱:۲۱).

و بالاخره، گفتگوی سالم نیز می تواند منبعی باشد برای افکار نیکو. به همین دلیل باید خود را از افرادی که افکار بد را به شما القاء می کنند، دور نگاه دارید (مزمور ۱:۱؛ دوم تیموتائوس ۲:۱۶). در مقابل، طالب گفتگو با افرادی باشید که باعث بنای روحانی شما می گردند (افسیان ۴:۲۹).

۲- در زیر فهرستی از مواردی که به ذهن شما کمک می‌کنند تا به چیزهای نیکو بیندیشید، آمده است. کدام یک از این کارها را انجام می‌دهید؟ در مقابل آن مواردی که انجام می‌دهید، در ستون اول علامت بزنید. کدام یک را می‌توانید شروع به انجام دادن نمایید؟ در مقابل این نوع موارد، در فضای مربوطه در ستون دوم علامت بزنید. در صورت تمایل، می‌توانید مواردی را که در فهرست نیامده است، اضافه کنید.

می‌توانم انجام دهم	انجام می‌دهم	
		خواندن یا مطالعه کتاب مقدس گوش فرا دادن به روح القدس خواندن کتب خوب گوش فرا دادن به موعظه‌ها (پیام‌ها) گفتگوهای سالم سایر موارد:

۲- لازم است که ذهن خود را منضبط سازید. از زمانی که عیسی را به عنوان نجات‌دهنده تان پذیرفتید، صاحب ذهن جدیدی شده‌اید و آن را با افکار نیکو تغذیه کرده‌اید. با وجود این، متوجه می‌شوید که گاهی اوقات اندیشیدن در مورد امور نیکو، بسیار سخت می‌شود. همه مسیحیان این تجربه را دارند. گاهی اوقات این‌ها ناشی از امیال انسانی خودمان است. اما ممکن است که ابداً از آن شما نباشند بلکه ناشی از شیطان باشند که سعی می‌کند آنها را در ذهن شما جای دهد. او همین کار را با نخستین زن انجام داد (پیدایش ۳:۱-۳)؛ و نیز با عیسی (لوقا ۴:۳-۹). زن لغزش خورد، اما عیسی فائق آمد. و از آنجا که ذهن مسیح را دارید (اول قرن‌تین ۲:۱۶)، شما نیز می‌توانید فائق آیید.

هنگامی که در معرض اندیشه پلیدی قرار می‌گیرید، چند نکته است که انجام آنها می‌تواند سودمند واقع شوند:

الف- آن را نپذیرید. کسی چنین گفت: «نمی‌توانم مانع پرواز پرنده‌ها بر بالای سرم شوم، اما می‌توانم مانع شوم که بر روی سر من لانه‌ای بسازند.»
ب- دعا کنید و از خدا بخواهید که به شما کمک کند تا بر آن فکر پلید پیروز شوید.

ج- بلافاصله به چیزهای نیکو بیندیشید (فیلیپیان ۸:۴).
د- آیه‌های کتاب مقدس را نقل قول کنید. این کاری بود که عیسی کرد (متی ۴:۳-۱۱).

ه- سرودی بخوانید که اندیشه‌ای نیکو را به ذهن شما آورد.

۳- ما می‌توانیم از تجربه مسیح که در لوقا ۳:۴-۹ آمده است یاد بگیریم که:

- (a) می‌توانیم با کاربرد کلام خدا بر افکار پلید فائق آییم.
- (b) به واسطه افکار بد وسوسه نشویم.
- (c) می‌توانیم برای پیروز شدن بر افکار پلید، بر حکمت و خرد خودمان تکیه کنیم.



مطالب مفید را مطالعه کنید

ما بخش مهمی از زندگی خود را صرف آموختن می‌نماییم. وقتی که کودک بودیم، مواقعی پیش می‌آمد که آموختن را دوست نداشتیم. اما اکنون متوجه شده‌ایم که چقدر این کار ارزشمند بوده است. به همین دلیل بسیاری از ایمانداران که تحصیلات خود را در کودکی متوقف کرده بودند، در بزرگسالی آن را ادامه می‌دهند. کسانی نیز که هرگز به مدرسه نرفته‌اند، با رفتن به مدارس شبانه، به کسب دانش می‌پردازند.

ممکن است که تا امروز هیچ کاری را برای خدمت خداوند انجام نداده باشید، زیرا که بر این باورید که آمادگی لازم را ندارید. این فرصتی است برای شما، زیرا که می‌توانید مطالعه کتاب مقدس را به همراه دیگر کتب مسیحی آغاز کنید و این امر به شما کمک خواهد کرد تا با کتاب مقدس بهتر آشنا شده، ایماندار بالغ‌تری شوید و به‌طری مؤثر خدمت کنید (اعمال ۱۷:۱۱؛ دوم تیموتائوس ۲:۱۵). این واقعیت که شما مشغول مطالعه این دوره درسی هستید، خودش بیانگر آن است که در این راه گام برداشته‌اید. پس چرا سایر موضوعاتی را مطالعه نکنید که آشنایی با آنها خوب بوده، به شما کمک خواهد کرد تا کاری را که متعهد آن شده‌اید انجام دهید؟



افراد غیرمسیحی غالباً ایمانداران را جاهل و تحصیل‌نکرده به حساب می‌آورند. گاهی اوقات حق با ایشان است زیرا که برخی ایمانداران در جهت تعلیم و تربیت خود گامی بر نمی‌دارند. درست است که عیسی نزد افراد تحصیل‌نکرده آمد (متی ۲۵:۱۱-۲۶)، اما او آمد تا ایشان را تعلیم دهد تا از جهل خود رها شوند! در این صورت چرا ما خود را آماده هر نوع کاری نسازیم که از طریق آن بتوانیم برای خداوند مفید باشیم و او را تکریم کنیم؟ مالکی خردمند همچون خدا احتیاج به مباشرین آماده‌ای دارد.

البته تحصیل کردن فقط مستلزم اندیشیدن نیست بلکه به کار فکری بیشتری نیاز دارد. اما چه سرمایه‌گذاری خوبی! در انتهای تحصیلات تان قوای ذهنی تان بیشتر رشد یافته، چیزهای بیشتری خواهید دانست. و اگر فکر می‌کنید که استعداد ذهنی کافی برای تحصیلات ندارید، از خدا بخواهید که به شما کمک کند. او یقیناً چنین خواهد کرد (یعقوب ۵:۱). در حین مطالعه کتاب مقدس، او شما را در درک آن مدد خواهد رساند (افسیان ۱:۱۸، اول یوحنا ۵:۲۰).

۴- فرض کنید که دوستی از شما سؤال می‌پرسد که «در شرایطی که خدا بسیاری از چیزها را بر انسان‌های تحصیل نکرده آشکار می‌سازد، چرا من باید تحصیل کنم؟» بهترین طریق پاسخگویی چه خواهد بود؟

(a) به او اطمینان دهید که اگر نمی‌خواهد شبان شود، نباید در مورد مطالعه کتاب مقدس یا تحصیلات بالاتر نگران باشد.

(b) به او تأکید کنید که با وجود آنکه خدا امور را بر افراد تحصیل نکرده آشکار ساخته است، از ما انتظار دارد که کلام او را بیاموزیم تا بتوانیم همانطور که دوم تیموتائوس ۱۵:۲ می‌فرماید، او را خوب خدمت کنیم.

(c) به او توضیح دهید که بسیاری از مردم جهان فکر می‌کنند که مسیحیان بی‌سواد و فاقد تحصیلات عالی می‌باشند. بنابراین مهم است که به ایشان ثابت کنیم که از تحصیلات برخوردار می‌باشیم.

با عقل خود دعا کنید

چنین تصور می‌شود که پیش از هر صحبتی، شخص عقل خود را به کار می‌اندازد تا فکر کند که چه باید بگوید. شاید گاهی اوقات ما این کار را نکرده باشیم و بعداً پشیمان شده‌ایم. آنچه که مطمئن هستیم این است که در دعا، در واقع با خدا صحبت می‌کنیم. و طبیعی است که برای سخن گفتن با خدا باید عقل خود را به کار بیندازیم.

پولس رسول در این ارتباط می‌فرماید: «... با عقل خود ... دعا خواهم کرد» (اول قرنتیان ۱۴:۱۵).

با این حال به نظر نمی‌رسد افرادی که با جملات بی‌مورد و طولانی دعا می‌کنند و فرمول‌ها و کلمات بی‌اهمیت را تکرار می‌کنند، خیلی عقل خود را به کار می‌اندازند. عیسی این عمل را محکوم کرده است (متی ۷:۶). اگر هنگامی که با مقامی بلندپایه صحبت می‌کنیم، به تک‌تک کلمات مان فکر می‌کنیم، چقدر بیشتر باید فکر کنیم وقتی با مالک عالم هستی صحبت می‌کنیم!

کتاب مقدس دعا‌های بسیاری را ثبت کرده است. این‌ها می‌توانند پیشنهادات مفیدی باشند تا فکرتان را به‌هنگام دعا در حضور خدا نظم ببخشید و متمرکز سازید. به‌عنوان مثال، در کتاب مقدس این دعاها را در اختیار داریم: دعا‌های ابراهیم (پیدایش ۱۸:۲۳-۳۲)، موسی (خروج ۱۱:۳۲-۱۳)، حنا (اول سموئیل ۱:۱۱)، مزامیر، دعا‌های ایلیا (اول پادشاهان ۱۸:۳۶-۳۷)، عزرا (عزرا ۹:۶-۱۵)، لاویان (نحمیا ۵:۹-۳۷)، دانیال (دانیال ۴:۹-۱۹)، حبقوق (حبقوق ۱:۳-۱۹). در عهدجدید، دعایی را که عیسی تعلیم داد در اختیار داریم (متی ۹:۶-۱۳)، و نیز دعای شاگردان را (اعمال ۴:۲۴-۳۰)، و بسیاری از تسبیحات که در کتاب مکاشفه یافت می‌شود.

۵- به هنگام دعا، به کار بردن عقل به چه معنی است؟

(a) تکرار آنچه که می‌گوییم تا مطمئن شویم که خدا صدای ما را شنیده است.

(b) فکر کردن در مورد اینکه چگونه می‌توانیم دعا‌های خود را طولانی کنیم.

(c) فکر کردن دقیق در مورد آنچه که می‌خواهیم بگوییم.

دیگران را در دانش خود سهیم کنید

اگر آنچه را که می‌دانیم با دیگران تقسیم کنیم، فکر و اندیشه ما می‌تواند خدا را جلال داده، برکتی برای دیگران باشد. برخی از طرق انجام این کار شهادت دادن در مورد آن چیزی است که مسیح در زندگی ما انجام داده است (اعمال ۱۱:۲۳)، یا

موعظه (اعمال ۸:۴)، و تعلیم کلام خدا (اول تیموتائوس ۴:۶). همچنین می‌توانید مطلب خاصی را که می‌دانید، برای دیگران خوانده یا در اختیارشان قرار دهید. آیا نواختن یک آلت موسیقی را می‌دانید؟ این را به دیگران در کلیسای تان آموزش دهید. آیا خیاطی، بافندگی یا گلدوزی می‌دانید؟ می‌توانید برخی کلاس‌ها را ترتیب دهید و این هنرها را به گروهی از بانوان کلیسای تان بیاموزید.



۶- چه مهارت یا دانش خاصی دارید؟ با چه کسانی می‌توانید آن را تقسیم کنید؟

حساس باشید

کسی گفته است که "آنچه که ما عقل سلیم می‌نامیم، ظاهراً به‌هیچ‌وجه سلیم نیست!" کلام خدا این گفته را تأیید می‌کند. پولس رسول لازم دید این نکته را به این شکل به مسیحیان قرن‌س متذکر شود: «در فهم اطفال مباشید ... بلکه در فهم رشید باشید» (اول قرنتیان ۱۴:۲۰).

می‌گویند طی جنگ جهانی دوم، بمبی به درون حیاط یک بیمارستان افتاد. خوشبختانه بمب به ساختمان صدمه‌چندانی وارد نیاورد، اما باعث وحشت بیماران روانی گردید. یکی از ایشان چنین تفسیر کرد: «چه خبر شده؟ به‌نظر می‌آید که دنیا دیوانه شده است!» چه بصیرتی در این تفسیر نهفته است! در واقع بسیاری چیزها در جهان اتفاق می‌افتد که نشانی از عقل در آن مشاهده نمی‌شود زیرا که انسان‌ها عقل خود را در مسیری که خدا می‌خواهد به‌کار نمی‌برند.



ما به عنوان مباشرین خدا مسئولیت داریم که از لحاظ ادراک و نیروی عقلانی رشد کنیم. یعنی باید قوای ذهنی خود را پرورش دهیم تا به بلوغ برسیم (عبرانیان ۱۱:۵-۱۴).

۷- کدام یک از اشخاص زیر رفتار درستی را در قبال توانایی‌های ذهنی‌اش در پیش گرفته است؟

- (a) مریم در کودکی عیسی را پذیرفت. او اکنون خیلی بزرگتر شده است، اما همچنان مطالعه کتاب مقدس را ادامه می‌دهد تا بتواند طرق خدا را بهتر درک کند.
- (b) ناصر مدت یکسال به مدرسه کتاب مقدس رفت. او فکر می‌کند که به اندازه کافی مطلب فرا گرفته است و دیگر لزومی ندارد که کتاب مقدس را بیشتر مطالعه کند.

اراده ما

اراده ما، آن بخش از شخصیت ما است که امیال و تصمیمات ما از آن ناشی می‌شود. ما به عنوان مباشرین خدا تصدیق می‌کنیم که او مالک اراده ماست. به همین دلیل ما مسئولیت داریم که آن را به طریقی که او می‌خواهد به کار بریم. اما چگونه می‌توانیم این کار را انجام دهیم؟ در اینجا برخی اطلاعات وجود دارد که می‌تواند برای شما سودمند باشد.

اطاعت از خدا

اطاعت از خدا یعنی مطیع ساختن اراده‌مان به او. به این طریق است که نشان می‌دهیم که پذیرفته‌ایم مباشر اراده خود نیز باشیم. این بهتر از هر کار دیگری است که می‌توانیم انجام دهیم تا مورد پسند خدا واقع شویم (اول سموئیل ۲۲:۱۵).

اراده برای اینکه مطیع خدا شود، نیاز به کمک عقل دارد. اگر ما در عقل و ذهن خود ندانیم که خدا از ما چه می‌خواهد، نمی‌توانیم اراده خود را مطیع او گردانیم. لازم است که ذهن ما با کلام خدا پر شود و تحت تعلیم و هدایت روح القدس قرار گیرد. در این صورت می‌تواند به اراده ما بیاموزد که از خدا اطاعت کند.

	عقل ما
	+
اراده ما = اطاعت از خدا	کلام خدا
	+
	روح القدس

برخی ایمانداران ظاهراً غیر ممکن می‌دانند که بتوانند در برخی شرایط مطیع خدا باشند. اما آنچه که این ایمانداران باید درک کنند این است که ایشان «به مسیح پیوسته‌اند» (دوم قرنتیان ۱۷:۵). خدا ما را از نو آفریده است و به همین دلیل ما برای اطاعت از او مجهز هستیم.

اطاعت از خدا کمک می‌کند تا اراده ما قوی شود. افرادی که از خدا اطاعت نمی‌کنند، خود را در موقعیتی می‌یابند که مجبور می‌شوند آنچه که دیگران می‌گویند انجام دهند؛ ایشان گرچه نمی‌خواهند از آنان اطاعت کنند، اما از تهدید یا تمسخر آنان می‌هراسند. در اینجا توجه داشته باشید که رسولان با موفقیت در برابر تهدیدات دشمنان‌شان مقاومت کردند (اعمال ۴:۱۸-۲۰؛ ۵:۲۸-۲۹). هزاران ایماندار در طی

قرن‌ها همان تجربه را داشته‌اند. دشمنان خدا می‌دانند که قوی‌ترین اراده‌ها متعلق به مسیحیان مطیع است!

اراده ما به خودی خود نمی‌تواند مطیع خدا باشد. اطاعت را باید آموخت. و خدا این مسئولیت را بر عهده ما نهاده است تا اراده را به مدرسه بفرستیم! این کاری است که در تمام طول عمر ما دوام می‌یابد. ممکن است بسیاری از مواقع مجبور شویم بگوییم که «نه اراده من بلکه اراده تو بشود» (لوقا ۲۲:۴۲). مادامی که می‌آموزیم، می‌توانیم بر روی کمک روح‌القدس حساب کنیم تا قادر شویم بگوییم: «در به‌جا آوردن اراده تو ای خدای من رغبت می‌دارم!» (مزمور ۸:۴۰).

۸- طبق اول سموئیل ۲۲:۱۵ درسی را که می‌توانیم از زندگی شائول بیاموزیم کدام است؟

(a) خدا از قومش قربانی نمی‌خواهد.

(b) تصمیم در مورد اینکه چه مقدار از احکام خدا را اطاعت بکنیم یا نکنیم، با خودمان است.

(c) بسیار اهمیت دارد که کاملاً از خدا اطاعت کنیم.

پرهیز از هر نوع بدی

ممکن است گاهی اوقات متوجه شوید که کشمکشی در درون شما جریان دارد. عقل شما می‌داند که چه چیزی نیکوست (رومیان ۷:۲۳)، اما اراده شما در اطاعت از دستوراتی که عقل‌تان صادر می‌کند، ضعیف است (رومیان ۷:۱۵ و ۱۹). آیا این کشمکش باید در تمام طول زندگی‌تان ادامه یابد؟ آیا گزارش ما به خدا بیشتر در مورد شکست‌هایمان است یا در مورد پیروزی‌هایمان؟ خدا را شکر که چنین نیست! او آن نوع مالکی نیست که مباشرش را به‌حال خود رها سازد.

پولس رسول، همان شخصی که در رومیان ۷ لغزش‌هایش را بیان می‌کند، طریق پیروزی را در رومیان ۸ به ما نشان می‌دهد. روح‌القدس به کمک ما می‌شتابد، به

کمک ما که اینقدر ضعیف هستیم (رومیان ۸:۲۶). وقتی که ضعیف هستیم، قدرت خدا بیشتر عمل می‌کند (دوم قرنتیان ۱۲:۹). با این اطمینان، می‌توانیم جزو کسانی باشیم که «از ضعف توانایی یافتند» (عبرانیان ۱۱:۳۴). بنابراین جای تعجب نیست که پولس بگوید: «از هر نوع بدی احتراز نمایید» (اول تسالونیکیان ۵:۲۲). این آن چیزی است که خدا برای ما می‌خواهد. وقتی در وسوسه هستیم، او قوت را برای ما مهیا می‌سازد تا آن را پشت سر گذاریم، و بدین ترتیب راه خروجی را برای ما فراهم می‌کند (اول قرنتیان ۱۰:۱۳). اما ما باید اراده خود را پرورش دهیم تا کمک او را دریافت کند.

۹- آیا برای ما این امکان وجود دارد که بر وسوسه غالب آییم حتی اگر ضعیف باشیم؟ چرا؟

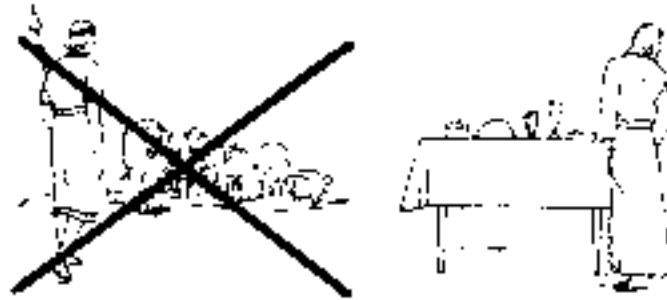
آنچه که درست است انتخاب کنید

هنگامی که خدا به انسان اراده داد، به او چیز بسیار خطرناک و حساسی را سپرد. مثل این است که به او اسلحه فوق‌العاده قوی داده باشد - زیرا که اراده انسان آزاد است. او قدرت انتخاب دارد. مباشر به واسطه اراده‌اش می‌تواند حتی به سر حد عصیان علیه مالک برسد (یوحنا ۵:۴۰)! پس چقدر مسئولیت ما در اداره اراده‌مان بر طبق طریق خدا خطرناک است!

انتخاب کردن مستلزم تصمیم‌گیری است. شما تصمیم گرفته‌اید که مسیح را رد نکنید، بلکه به او ایمان آورید. شما تصمیم گرفته‌اید که امروز صبح به جای ماندن در رختخواب، برخاسته، این کتاب را بخوانید، و نه کتاب دیگری را. خدا هنگامی که می‌گوید: «اگر خواهش داشته، اطاعت نمایید... اما اگر ابا نموده، تمرد کنید...» (اشعیا ۱۹:۱ و ۲۰).

آنچه که هستیم، نتیجه تصمیمات خوب و بد ماست. البته خدا از ما می‌خواهد که همواره آنچه را که درست است انتخاب کنیم (تثنیه ۳۰:۱۹). اگر اراده‌مان را درست

اداره کنیم، تصمیمات نیکویی را به جا می آورده، حال آنکه اراده ای که بد هدایت شده، می تواند منتهی به تصمیمات بدی شود. شما یک مباشر را بر مبنای تصمیماتی که می گیرد، قضاوت می کنید! به عنوان مثال، دانیال تصمیم خوبی گرفت (دانیال ۸:۱)، اما تصمیم شاول غلط بود (اول سموئیل ۹:۱۵-۱۱).



۱۰- اصول سمت چپ را با آیه های سمت راست انطباق دهید.

(a) تثنيه ۱۹:۳۰

(b) اشعيا ۱:۲۰، ۱۹

(c) روميان ۸:۲۶

(d) اول قرنتيان ۱۰:۱۳

(e) دوم قرنتيان ۱۲:۹

(۱) هنگامی که ضعیف هستیم خدا به ما کمک می کند.

(۲) قدرت انتخاب داریم.

- شخص چگونه می تواند تصمیمات خوبی اتخاذ کند؟ اگر در موقعیتی قرار بگیرید که ندانید باید چه بکنید، می توانید از توصیه های زیر الگو بگیرید:
- ۱- مشخص کنید که کتاب مقدس در مورد موقعیت تان چه می گوید.
 - ۲- دعا کنید تا خدا شما را هدایت نماید.
 - ۳- با شبان یا ایماندار بالغ تری مشورت نمایید.

۴- به موقعیتی مشابه که در گذشته داشته‌اید فکر کنید و تصمیمی را که آن موقع گرفتید، تجزیه و تحلیل نمایید. اگر آن تصمیم درست نبوده است، چرا باید دوباره مرتکب همان اشتباه شوید؟

۵- تصمیماتی را که دیگران در برابر همان موقعیت یا موقعیت مشابه گرفته‌اند، از نظر بگذرانید. نتایج تصمیمات ایشان را تجزیه و تحلیل نمایید.

۱۱- به هنگام تصمیم‌گیری، اراده‌مان را چگونه باید به کار اندازیم؟

(a) منتظر شویم تا کسی به ما بگوید که چه بکنیم.

(b) بر پایه کلام خدا و هدایت او تصمیم درستی بگیریم.

(c) درک کنیم که خدا نمی‌خواهد که ما سر خود تصمیم بگیریم.

نیکویی کنید

بسیاری از مردم نیت و افکار خوبی دارند، اما هرگز آنها را در عمل پیاده نمی‌کنند. خدا از ما می‌خواهد که اراده‌مان را نه فقط برای به بار آوردن افکار و نیت‌های خوب، بلکه بالاتر از همه، برای انجام کارهای نیک به کار ببریم (یعقوب ۲۲:۱، متی ۱۶:۵). پولس فرموده است: «با جمیع مردم احسان بنماییم...» (غلاطیان ۱۰:۶)!

چقدر باید از آن مباشرین امین سپاسگزار باشیم که اراده قوی خود را به کار برده‌اند تا کارهای نیک را ترغیب کنند و انجام دهند! این جهان به‌خاطر وجود آنان مکان بهتری شده است. در روزگار ما وجود بسیاری از نهادهای خیریه در جامعه عادی و طبیعی به‌نظر می‌رسد. اما آنها از این جهت تشکیل شده‌اند که مردان و زنان مسیحی اراده خود را در خدمت به خدا و بشریت قرار داده‌اند.

۱۲- به کدام چهار طریق می‌توانیم اراده خود را به کار گیریم تا خداوند را جلال

دهیم؟

عواطف ما

عواطف یا احساسات بخش بسیار مهم دیگری از شخصیت انسانی می باشد. خدا به انسان طبیعتی عاطفی داده است اما او عواطف خود را بسیار بد اداره کرده است. نتیجتاً این عواطف از کنترل خارج شده و منحرف گردیده اند. خشم بدل به نفرت شده است؛ محبت و شادی به آنچه که بد است متصل گردیده و نه به چیزهای خوب. مسیح آمد تا احساسات ما را تحت کنترل قرار داده، در مسیر صحیح خود به جریان بیندازد. بنابراین ما به عنوان مباشرین خدا مسئولیت داریم که مراقب باشیم که عواطف ما مطابق میل او حفظ شوند و رشد کنند.

در پرستش خدا

طبق خواست خدا، یکی از طرق به کارگیری عواطف، عبادت و پرستش اوست. ما محبت خود را به او ابراز می کنیم زیرا که این مطبوع خداست (متی ۲۲:۳۷). ما او را دوست می داریم زیرا که اول او ما را محبت نمود (اول یوحنا ۴:۱۹). هنگامی که حضور شگفت آور او را احساس کرده، بر روی برکات بی شمار او تعمق می کنیم، نمی توانیم بی تفاوت باقی بمانیم! شادی که دل ما را سرشار می سازد، باعث می شود که تسبیح خدا از دل ما جاری شود (لوقا ۱۹:۳۷؛ اعمال ۷:۸-۸).

برخی افراد بر این باورند که عواطف و هیجانات در جلسات عبادتی جایی ندارند. اما شاید همین افراد به خاطر مرگ عزیزی گریه کنند، در یک میهمانی با صدای بلند بخندند، و طی یک مسابقه ورزشی در نشان دادن هیجان و شور و شوق خود تردیدی به خود راه ندهند. پس چقدر بیشتر خدا سزاوار این است که احساسات دل خود را به او ابراز بداریم! پاسخ عیسی به کسانی که می خواستند شوق و شور جمعیتی را که با صدای بلند خدا را تسبیح می گفتند سرکوب کنند، حائز اهمیت و شایسته توجه است: «به شما می گویم اگر این ها ساکت شوند، هر آینه سنگ ها به صدا آیند» (لوقا ۱۹:۴۰).

کتاب مکاشفه به ما نشان می‌دهد که چگونه هیجانات فدیهدگان در پرستش خدا به اوج خود می‌رسد. شور و شوق ایشان لبریز خواهد شد (مکاشفه ۹:۷-۱۰؛ ۱۴:۲-۳) و شادی آنان غیرقابل وصف خواهد بود (مکاشفه ۶:۱۹-۷). لذا اجازه دهید که هیجانات خود را با اطمینان برای جلال خدا به کار ببریم.

۱۳- برای کسی که از صدای بلند پرستش مردم در جلسات عبادتی برآشفته می‌شود، کدام آیه را بهتر است ارائه دهیم؟

(a) متی ۳۷:۲۲

(b) لوقا ۴۰:۱۹

(c) اول یوحنا ۱۹:۴

(d) مکاشفه ۲:۱۴-۳

در رشد روحانی

عواطف و احساسات نقش بسیار مهمی در رشد روحانی ما ایفا می‌کنند. با ملاحظه دو جنبه این رشد، این امر را مشاهده خواهیم کرد.

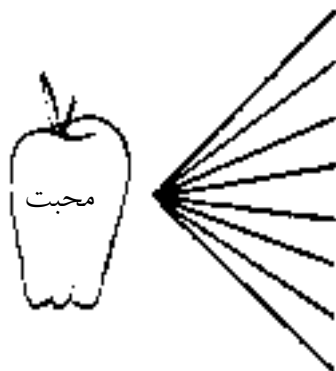
ثمره روح

خدا به ما همانند مورد آدم، اجازه داده است که از باغی زیبا مراقبت نماییم. باغ مزبور، باغ وجود عاطفی ماست. ما مسئولیت داریم که «کرکاس‌ها» را ریشه‌کن کنیم، یعنی: تلخی، شهوت، خشم و دیگر احساسات نفرت‌انگیز (افسیان ۴:۳۱، کولسیان ۳:۸). اما روح القدس که در ما ساکن است، اوست که باغ را پرورش می‌دهد تا آن «میوه» زیبا به بار آید (غلاطیان ۵:۲۲-۲۳).

اما ممکن است بگویید: آیا امکان دارد که رشد روحانی مان به رشد عاطفی ما مربوط شود؟ هر چند که باور کردن این امر ممکن است دشوار باشد، اما حقیقت دارد. محبت را نمی‌توان یک فکر یا یک میل دانست. محبت یک عاطفه است،

رفیع‌ترین تمامی عواطف! به‌علاوه، توجه داشته باشید که چگونه سایر اجزاء ثمره روح که در غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳ قید شده است نیز عواطف هستند.

آنها بر طبق اول قرن‌تین ۱۳: ۴-۷ به طرز تنگاتنگی مربوط به محبت می‌شوند. نمودار ذیل این امر را متصور می‌سازد:



با راستی شادی می‌کند (شادی)
خشم نمی‌گیرد (آرامش)
حلیم است (صبر)
مهربان است (شفقت)
از ناراستی خوشوقت نمی‌شود (نیکویی)
وفادار است (امانت)
کبر و غرور ندارد (تواضع)
اطوار ناپسندیده ندارد (تسلط بر نفس)

هنگامی که محبت به اعلا‌ترین درجه خود می‌رسد، می‌توانیم خدا را با تمامی دل و نیز همسایه‌مان را همچون خودمان دوست بداریم (لوقا ۱۰: ۲۷). محبت نسبت به همسایه‌مان از طریق دوست داشتن برادران و خواهران‌مان در خداوند (اول یوحنا ۳: ۱۴)، بیگانه‌ها (لوقا ۱۰: ۳۰-۳۵)، و حتی دشمنان‌مان (متی ۵: ۴۴) بروز می‌یابد.

طرز فکر مسیح

وقتی به جایی رسیدیم که «طرز فکر» و «حالت» مسیح را در خود یافتیم، در واقع به قلّه رشد عاطفی‌مان رسیده‌ایم (فیلیپیان ۲: ۵). مسیح همدلی عمیقی با گمشدگان، بیماران و گرسنگان احساس می‌کرد (متی ۹: ۳۶، ۱۴: ۱۴، ۳۲: ۱۵). مرثیه او برای اورشلیم چقدر تأثرآور بود (لوقا ۱۹: ۴۱-۴۴)! محبت او نسبت به ما چقدر عظیم بود که زندگی‌اش را برای ما داد! (مکاشفه ۱: ۵). این طرز فکری بود که باعث شد میلیون‌ها ایماندار انجیل را موعظه کنند.

۱۴- رشد روحانی ما به عواطف ما مرتبط است زیرا که:

(a) هنگامی که مسیح را می‌پذیریم، دیگر احساسات بد از ما دور می‌شود.

(b) رشد عاطفی ما مهم‌تر از شناخت کتاب مقدس است.

(c) ثمره روح با عواطف ما سرو کار دارد.

انتشارات ایلام
نسخه الکترونیکی

خودآزمایی

۱- منضبط کردن ذهن به چه معنی است؟

(a) ممانعت از فکر کردن

(b) فقط خواندن کتاب مقدس

(c) فائق آمدن بر افکار بد

۲- مزمور ۱:۱، افسسیان ۲۹:۴، و دوم تیموتائوس ۱۶:۲ چه چیزی را در مورد گفتگو به ما می آموزد؟

(a) لزومی ندارد که از گوش کردن به صحبت های بد بپرهیزیم، تنها چیزی که لازم است این است که در واقع توصیه بد را پیروی نکنیم.

(b) لازم است که از صحبت هایی که افکار و ایده های بدی را القاء می کند بپرهیزیم و صحبت های سودمند را بجوییم.

۳- تحصیلات برای یک مسیحی ارزشمند است زیرا که:

(a) تنها افراد تحصیل کرده می توانند امور خدا را درک کنند.

(b) او را بدل به مباشر بهتری برای خداوند می کند.

(c) لازم است که مسیحیان نشان دهند که بهتر از دیگران هستند.

۴- کدام یک از اشخاص زیر عقل خود را در دعا به کار انداخته است؟

(a) سهراب دعاها را در کتاب مقدس مطالعه می کند. وقتی که دعا می کند، برخی از مفاهیمی که از آنها فرا گرفته، به او در دعا کمک می کند.

(b) رامین شروع به دعا کردن می نماید و هر چه که به ذهنش می رسد می گوید. او اندیشه هایش را بارها تکرار می کند تا دعایش طولانی شود.

۵- در کدام یک از آیات ذیل با کاربرد کلمات بی معنی به هنگام دعا مخالفت شده است؟

(a) اول سموئیل ۱۱:۱

(b) دانیال ۹:۴-۱۹

(c) متی ۶:۷

(d) اول قرنتیان ۱۴:۱۵

۶- عبارات درست را مشخص کنید.

(a) لزومی ندارد که شخص بعد از نجات، چیز دیگری را بیاموزد.

(b) لازم است که فرد مسیحی قوای ذهنی خود را به کار برده، همواره در این زمینه رشد نماید.

(c) اگر یک مسیحی بالغ باشد، دیگر نیازی ندارد که از لحاظ روحانی رشد کند.

۷- فرض کنید که به گروهی از نوایمانان می آموزید که رشد نیروی عقلانی اهمیت دارد. کدام آیات برای این آموزش بسیار مناسب است؟

(a) متی ۹:۱۳-۱۳

(b) متی ۱۱:۲۵-۲۶

(c) اعمال ۴:۲۴-۳۰

(d) عبرانیان ۵:۱۱-۱۴

۸- نمونه های زیر را از سمت راست، با عباراتی که بیانگر کاربرد اراده فرد طبق خواست خدا می باشد، انطباق دهید.

(a) جمشید خود را از مکان هایی که وی را وسوسه می کند تا کارهای خطا انجام دهد، دور نگاه می دارد.

(b) مریم برای یک خانواده فقیر خوراک می برد.

(c) مهرداد کاری را انجام می دهد که خدا می خواهد، با وجود اینکه خودش میل دارد کار دیگری انجام دهد.

(d) کاوه تصمیم می‌گیرد که کتابی را مطالعه کند که به وی کمک نماید تا مسیحی بهتری شود.

(e) جمشید با انجام دادن برخی تعمیرات در خانه یک بیوهٔ سالخورده، به او کمک می‌کند.

(۱) اطاعت از خدا

(۲) پرهیز از بدی

(۳) انتخاب کار درست

(۴) نیکویی کردن

۹- جملات درست را مشخص سازید.

(a) خدا اصرار ندارد که ما محبت خود را نسبت به او ابراز داریم زیرا که او از قبل می‌داند که چه احساسی داریم.

(b) یک مسیحی بالغ نیازی به این ندارد که به‌طور ظاهری احساسات خود را به خدا نشان دهد.

(c) خدا از ما می‌خواهد که به‌هنگام عبادت او، احساسات پرستشی و شور و شوق خود را نشان دهیم.

۱۰- داشتن طرز فکر مسیح بدین معنی است که.....

(a) بی‌گناه و کاملاً مطیع باشیم.

(b) علاقهٔ عمیقی نسبت به نجات نیافتگان داشته باشیم.

(c) فقط مسیحیان را دوست داشته باشیم.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۸- c) بسیار اهمیت دارد که کاملاً از خدا اطاعت کنیم.

۱- تفکر در مورد آن و توجه به معنی آن.

۹- بله، زیرا که خدا به ما قوت تحمل آن را خواهد داد.

۲- پاسخ خودتان. آیا تحت عنوان «می‌توانیم انجام دهم» برخی از اقلام فهرست را علامت زده‌اید؟ امیدوارم که به‌زودی قادر شوید که برای همه اقلام پاسخ «انجام می‌دهم» را بدهید!

۱۰- a) ۲- ما قدرت انتخاب داریم.

b) ۲- ما قدرت انتخاب داریم

c) ۱- وقتی که ضعیف هستیم خدا به ما کمک می‌کند.

d) ۱- وقتی که ضعیف هستیم خدا به ما کمک می‌کند.

e) ۱- وقتی که ضعیف هستیم خدا به ما کمک می‌کند.

۳- a) می‌توانیم با کاربرد کلام خدا بر افکار پلید فائق آییم.

۱۱- b) بر پایه کلام خدا و هدایت او تصمیم درستی بگیریم.

۴- b) اشاره به اینکه خدا امور را بر تحصیل نکردگان آشکار می‌کند ... بهترین پاسخ خواهد بود. پاسخ a) خوب نیست زیرا که لازم است تمام ایمانداران کلام خدا را بدانند. پاسخ c) دلیلی را ارائه می‌دهد، اما دلیلی است ضعیف. مسیحیان باید از این جهت کارهایی را انجام دهند که خدا می‌خواهد، و نه صرفاً به‌خاطر اینکه جهان را تحت تأثیر قرار دهند.

۱۲- اطاعت از خدا، پرهیز از هر نوع بدی، انتخاب آنچه که درست است و نیکویی کردن.

۵- c) فکر کردن دقیق در مورد آنچه که می‌خواهیم بگوییم.

۱۳- b) لوقا ۴۰:۱۹. این بهترین آیه کتاب مقدسی است که می‌توان ارائه داد. زیرا نشان می‌دهد که عیسی سعی نمی‌کند کسانی را که خدا را تسبیح می‌کردند ساکت کند. او آن نوع پرستش را پذیرفت.

۶- پاسخ خودتان. امیدوارم که طرقی را بجوید که مهارت‌ها یا دانش‌تان را برای کمک به دیگران به کار گیرید.

۱۴- c) ثمره روح با عواطف ما سرو کار دارد.

۷- a) مریم. طرز فکر او نشان می‌دهد که وی می‌خواهد چنانکه عبرانیان ۵:۱۱-۱۴ اشاره می‌کند، قوای عقلانی‌اش را رشد دهد.

از بدن خود چگونه مراقبت کنیم؟

اگر کسی وسائل خانه و مبلمان زیبایی داشته باشد، ولی آنها را در خانه‌ای کثیف و مخروبه قرار دهد، در مورد او چه فکری خواهید کرد؟ آیا به نظرتان غیر منطقی نمی‌آید؟ اما این درست شبیه به رفتار برخی از افراد است. ایشان به شخصیت خود رسیدگی می‌کنند، اما بدن خود را مورد غفلت قرار می‌دهند.

بدون شک می‌پذیرید که شخصیت فقط یک بخش از وجود ما را تشکیل می‌دهد. بخش دیگر آن بدن ما است. همانطور که در درس گذشته دیدیم، رشد دادن و اعتلا بخشیدن به شخصیت بسیار مهم است؛ اما در عین حال، لازم است که مباشر خوبی برای بدن خود نیز باشیم.

این درس با این هدف ویژه نوشته شده است که به شما کمک کند تا مباشرت را در مورد بدنتان نیز به کار ببرید. در این درس توصیه‌های سودمندی خواهید یافت در مورد اینکه چگونه بدنتان را برای جلال خدا به کار ببرید و از آن به درستی مراقبت کنید، و در حضور دیگران به طرزی شایسته ظاهر شوید.

رئوس مطالب

زندگی اخلاقی

بدن خود را تحت کنترل در آورید

بدن خود را برای جلال خدا به کار ببرید

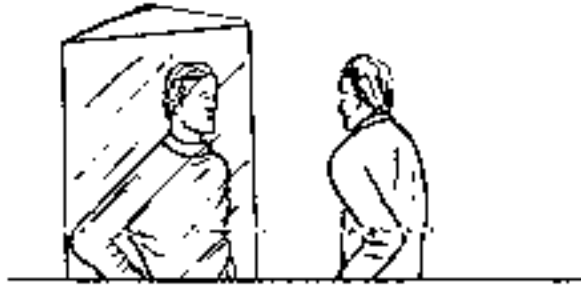
حفظ تندرستی

قواعد تندرستی را رعایت کنید

اصول ایمنی را رعایت کنید

از عادات بد دوری کنید

از احساسات زیانبار بپرهیزید
برخورداری از ظاهری شایسته
به پاکیزگی بدن خود توجه کنید
لباسی شایسته بپوشید



اهداف درس

- پس از مطالعه این درس، باید بتوانید:
- توضیح دهید که مباشر بدن خود بودن چه معنی می‌دهد.
- چند طریق برای حفظ تندرستی را توصیف کنید.
- اصول کتاب مقدسی مربوط به شیوه لباس پوشیدن یک ایماندار را در مورد زندگی خود پیاده کنید.

فعالیت‌های یادگیری

- ۱- مطالعه خود را ادامه دهید. متن درس را به دقت خوانده، مطمئن شوید که پیش از نگاه کردن به پاسخ‌ها، به تمام سؤالات پاسخ داده‌اید. هر آیه قید شده را در کتاب مقدس‌تان یافته، آن را بخوانید.
- ۲- بعد از اتمام درس و مرور آن، به خودآزمایی بپردازید. پاسخ‌های خود را با پاسخ‌های نوشته شده در انتهای کتاب مقایسه کنید.



متن درس

پیروان مذاهب گوناگون در جهان، معابد خود را مکان‌های مقدسی می‌دانند. لذا این اماکن مورد حرمت بسیار واقع شده‌اند و هیچگونه کفر و بی‌حرمتی نسبت به آنها مجاز نمی‌باشد.

بر طبق کتاب مقدس، بدن ما نیز یک معبد است، یعنی معبد روح القدس (اول قرنتیان ۱۹:۶، کلمه "هیكل" در ترجمه قدیمی به معنی معبد می‌باشد). بدن ما به عنوان حرم مطهر خدا، به خدا تعلق دارد و نه به ما.

تا آنجا که به ما مربوط می‌شود، ما فقط مباحثان بدن خود می‌باشیم، یا به عبارت دیگر، نگهبانان آن هستیم. مسئولیت ما این است که از بدن مان مراقبت نموده، اجازه ندهیم که چیزی به آن آسیب رسانده، آن را بی‌حرمت سازد. در ادامه درس، رهنمودهایی را خواهید یافت که به شما کمک خواهند کرد تا به خوبی از عهده این مسئولیت برآیید.

۱- پایه این ادعا که بدن ما متعلق به خداست چیست؟

زندگی اخلاقی

بدن خود را تحت کنترل در آورید

هر کس که هنوز خدا را به عنوان مالک خود و خداوندش نپذیرفته، در اشتباه زندگی می‌کند. ارباب او گناه است، اما فکر می‌کند که خودش ارباب خویش است. اینگونه تفکر و اعتقاد، باعث می‌گردد که وی خود را تسلیم گناه کند (افسیسیان ۱۹:۴)

و لذا فاسد شود (رومیان ۱: ۲۴-۲۶ و ۲۷). با وجود آنکه گاهی اوقات عقلش او را از بردگی اش آگاه می‌سازد، اما اراده‌اش از کنترل امیال گناه‌آلود بدنش ناتوان است (رومیان ۷: ۲۳-۲۴).

موقعیت ایماندار بسیار متفاوت است. خدا مالک اوست، و مسیح خداوندش می‌باشد و روح‌القدس در وی زیست می‌نماید (اول قرنتیان ۳: ۱۶). این بدین معنی است که گناه دیگر ارباب او نمی‌باشد، زیرا که روح‌القدس او را از سلطه آن آزاد کرده است (رومیان ۸: ۲). اکنون او قدرت دارد که ارباب بدنش باشد به جای آنکه برده آن باشد. به همین دلیل نباید اجازه دهد که گناه به واسطه شهوات بدن بر او حکومت کند (رومیان ۶: ۱۲ و ۱۴؛ اول پطرس ۲: ۱۱). در مقابل او باید بدن خود را تحت کنترل کامل قرار دهد (اول قرنتیان ۹: ۲۷). این یکی از مسئولیت‌های او به عنوان مباشر می‌باشد.

۲- کدام جمله زیر دلیلی است بر تفاوت میان ایماندار و بی‌ایمان در کنترل بدن‌شان؟

(a) بی‌ایمان نمی‌تواند بدنش را کنترل کند زیرا که از بردگی اش به گناه واقف نیست. ایماندار می‌تواند این کار را انجام دهد زیرا که خدا او را آزاد ساخته است تا مالک بدنش باشد.

(b) بی‌ایمان نمی‌تواند بدنش را کنترل کند زیرا که در واقع برده گناه است. ایماندار می‌تواند زیرا که روح‌القدس او را از حاکمیت و سلطه گناه آزاد کرده است.

۳- فرض کنید که به کسی می‌گویید که ما ایمانداران قدرت داریم که بدن‌مان را کنترل کنیم. کدام آیه در کتاب مقدس را به کار خواهید برد تا نشان دهید که چرا ما این قدرت را داریم؟

(a) رومیان ۱:۲۴

(b) رومیان ۸:۲

(c) اول قرنتیان ۹:۲۷

(d) اول پطرس ۲:۱۱

بدن خود را برای جلال خدا به کار برید

افرادی که مالکیت خدا را بر زندگی خود نپذیرفته‌اند، از بدن خود به درستی استفاده نمی‌کنند. کتاب مقدس دقیقاً کاربرد غلط بدن را در رومیان ۳:۱۳-۱۵، یعقوب ۳:۶-۸، و دوم پطرس ۲:۱۴ توصیف می‌نماید.

اما ما ایمانداران خدا را به عنوان مالک بدن‌مان تصدیق کرده‌ایم. همچنین می‌دانیم که بدن ما هیکل روح القدس است. بنابراین نباید بدن خود را در امور گناه‌آلود به کار بریم. این کار کفر خواهد بود! دستان ما نباید برای دزدی یا مضروب ساختن همسایه‌مان مورد استفاده قرار گیرند (افسسیان ۴:۲۸)، پاهای ما نباید به مکان‌های مشکوک قدم گذارد، و زبان ما نباید دروغ گفته و کلمات قبیح و زیانبار به کار برد (افسسیان ۴:۲۵ و ۴:۵). نباید چشمان‌تان را برای خیره شدن به امور غیراخلاقی و بی‌شرمانه یا نگریستن به زنی با نظر شهوت به کار برید (متی ۵:۲۸)؛ از بدن‌تان نباید برای بی‌عفتی‌های جنسی استفاده کنید (اول قرنتیان ۶:۱۳، ۱۸).

بهترین طریق برای نشان دادن حق مالکیت خدا بر بدن خود، وقف آن به او می‌باشد (رومیان ۶:۱۳؛ ۱:۱۲). این وقف‌شدگی مستلزم کاربرد اعضای بدن‌مان برای پرستش و خدمت خدا می‌باشد (رومیان ۶:۱۹؛ اول قرنتیان ۶:۲۰).

۴- هر آیه زیر بیان می‌دارد که چگونه هر بخش از بدن ما می‌تواند برای جلال خدا به‌کار رود. برای پر کردن جدول از این رهنمودها پیروی کنید: (۱) هر آیه را در کتاب مقدس تان یافته، بخوانید. (۲) در کنار آن بخش از بدن که در آن آیه از آن نام برده شده یا به آن مربوط می‌شود، محل آیه را بنویسید. (۳) در فضای نزدیک به محل آیه، بنویسید که آن آیه در مورد چگونگی کاربرد آن جزء از بدن برای جلال خدا چه می‌گوید. اولین آنها برای نمونه نوشته شده است. همه آیه‌ها را به‌کار ببرید. برای هر بخش بیش از یک آیه می‌توانید به‌کار ببرید.

امثال ۲۰:۳۱	اعمال ۴۶:۱۰	غلاطیان ۱۱:۶	یعقوب ۹:۳
متی ۹:۱۳	اعمال ۶:۱۹	افسیان ۲۸:۴	مکاشفه ۷:۲
مرقس ۱۸:۱۶	رومیان ۹:۱۰-۱۰	اول تیموتائوس ۸:۲	
اعمال ۴:۲	رومیان ۱۵:۱۰	عبرانیان ۱۵:۱۳	

اجزا بدن	محل آیات	نحوه کاربرد برای جلال خدا
گوش	متی ۹:۱۳ مکاشفه ۷:۲	گوش کردن به عیسی و روح القدس
زبان، لب، یا دهان		
دست		
پا		

همچنین می‌توانید اعضای بدن تان را برای اهداف درست به‌کار ببرید طوری که خدا جلال یابد. لطفاً به این نکته توجه فرمایید: اگر بدن تان را برای خدمت خداوند به‌کار ببرید، او مایحتاج بدن تان را فراهم خواهد کرد (اول قرنتیان ۱۳:۶). این بدین معنی است که خدا نیازهای جسمانی کسانی را که بدن شان را وقف او می‌کنند، برآورده می‌سازد. او قوت ایشان را احیا کرده (اشعیا ۲۹:۴۰ و ۳۱)، به ایشان خوراک و پوشاک خواهد بخشید (متی ۳۱:۶-۳۳) و آنها را در تندرستی نگه می‌دارد (خروج ۲۶:۱۵).

حفظ تندرستی

قواعد تندرستی را رعایت کنید

یک بدن سالم خدا را جلال داده، او را مکرم می‌دارد و بهتر می‌تواند برای خدمت به او مفید واقع شود. خدا وعده داده است که بیماری‌های ما را شفا دهد (مزمور ۱۰۳:۳)؛ اما از طرفی ما را مسئول مراقبت از سلامتی‌مان می‌داند. در اینجا برخی قواعد ساده وجود دارد که به شما کمک خواهند کرد تا تندرستی خود را حفظ کنید.

۱ - **خورد و خوراک خوب.** این بدان معنی نیست که پرخوری کنید، بلکه از یک رژیم غذایی متعادل پیروی کنید. مواد خوراکی حاوی ویتامین‌های مختلف است. رژیم غذایی نامتعادل، باعث می‌شود که بدن دچار کمبود برخی از ویتامین‌ها شود. لذا سلامتی‌تان به مخاطره خواهد افتاد.

۲ - **ورزش.** ورزش نکردن می‌تواند منتهی به افزایش وزن گردد و این برای سلامتی زیان دارد. به همین دلیل لازم است که انسان ورزش کند. البته بهترین ورزش برای بدن، کار بدنی است. اما اگر به کار فکری اشتغال دارید و بیشتر اوقات روز را در حالت نشسته بسر می‌برید، به ورزش نیاز خواهید داشت. یکی از بهترین ورزش‌ها، پیاده‌روی است.

۳ - **استراحت کافی.** کار افراطی چه فکری و چه بدنی، بدون تردید اثر بدی بر روی سلامتی انسان می‌گذارد. بدن شما نیاز به استراحت دارد. عیسی نیز تأیید فرمود که روز استراحت برای سلامت و بهزیستی انسان در نظر گرفته شده است (مرقس ۲:۲۷). در نتیجه، شخص باید صرفاً طی ساعاتی معین کار کند، و حدود هشت ساعت را به خواب اختصاص دهد.

۴ - **حفظ پاکیزگی.** قابل توجه است که خدا در کتاب لاویان قواعد دقیقی را برای پاکیزگی اسرائیلیان وضع فرمود. ایشان می‌بایست مکرراً استحمام کرده،

لباس‌های خود را شسته، خانه‌ها را تمیز کنند و غذای پاک خورده، همچنین محل اردوی خود را نیز پاکیزه نگاه دارند. با وجود اینکه زندگی در بیابان از بهترین امکانات بهداشتی برخوردار نیست، اما اسرائیلیان سالم باقی ماندند (مزمور ۱۰۵: ۳۷). بدون شک اگر امروز نیز هر ایمانداری از همان قواعد پیروی کند، از سلامتی عالی برخوردار خواهد شد.

اصول ایمنی را رعایت کنید

تصادف می‌تواند صدمات جدی به بدن شما وارد آورده، آن را برای خدمت خداوند بی‌مصرف گردانند. لذا اهمیت دارد که حتی الامکان از آنها اجتناب کنید. برای این کار لازم است که گام‌های ضروری برای تضمین ایمنی خود در خانه، در خیابان و در محل کارتان بردارید. برخی افراد، مستعد حوادث می‌باشند. یعنی به‌نظر می‌رسد که ایشان بیش از اکثریت مردم دچار حوادث می‌شوند. اگر احياناً مستعد حوادث هستید، این را با خداوند در میان گذاشته، از او بخواهید که شفای خود را در این زمینه زندگی شامل حال‌تان گرداند.

۵- نمونه‌هایی از افراد را که از قواعد حفظ سلامتی پیروی می‌کنند، مشخص نمایید.

(a) بهرام دانشجوی کالج الهیات است، اما هر روز بخشی از وقت مطالعه خود را به نوعی ورزش اختصاص می‌دهد.

(b) ژوزف دوست دارد که نان و پنیر بخورد. این مواد چندان گرانقیمت نیست و او از عهده تهیه آنها بر می‌آید، لذا از مواد خوراکی دیگر کمتر می‌خورد.

(c) سهراب گرفتار کمک به شبانش می‌باشد. ندرتاً اتفاق می‌افتد که بیش از پنج ساعت در شب بخوابد زیرا که کارش زیاد است.

(d) مهتاب برای شستن لباس‌ها و نظافت خانه وقت صرف می‌کند، با وجود آنکه تعداد کمی از همسایگانش این کار را می‌کنند.



از عادات بد دوری کنید

بدن ما به عنوان هیكل روح القدس باید سالم و مقدس نگاه داشته شود. قرار دادن بدن در معرض چیزهایی که به آن ضرر رسانده، بی حرمت کرده، یا نابود می سازد، توهین به آن است. و خدا با کسانی که به هیكل او اهانت می کنند، به شدت برخورد می نماید (اول قرنیتان ۱۷:۳). به همین دلیل است که ایمانداران خود را از عاداتی نظیر سیگار کشیدن، نوشیدن مشروبات الکلی و مصرف مواد مخدر دور نگاه می دارند. گاه آگهی ها و تبلیغات، آنها را به عنوان عادات خوب معرفی می کنند. اما اثرات نابودکننده آنها بر روی بدن انسان امری بدیهی است.

دلیل دیگر اینکه نباید اسیر عادات بد شویم، این است که مسیح، خداوند و ارباب ماست. اگر ما به این عادات اجازه بروز بدهیم، می توانند بدل به اربابان ما گردند. اما عیسی به روشنی فرموده است که «هیچ کس دو آقا را خدمت نمی تواند کرد» (متی ۲۴:۶). وضع کسانی که تحت سلطه عادات قید شده در بالا زندگی می کنند، چه دلخراش است! آنان خواهان ترک آن عادات هستند، اما متوجه می شوند که نمی توانند. اگر شما اسیر یکی از این عادات هستید، اکنون زمان شکستن اسارت فرا رسیده است. به روح القدس اجازه دهید که زندگی شما را تحت حاکمیت خود بگیرد. او به شما کمک خواهد کرد تا بر نفس خود تسلط پیدا کنید (غلاطیان ۲۳:۵ و ۲۵). در این صورت شما نیز قادر خواهید شد همانند پولس رسول بگویید: «نمی گذارم که چیزی بر من تسلط یابد» (اول قرنیتان ۱۲:۶).

ایمانداران به عنوان مباشر بدن خود باید امیال جسمانی و طبیعی شان را نیز کنترل کنند. اگر اینها را کنترل نکنند، همانا می توانند بدل به عادات زیانباری گشته، ارباب ما

شوند. ایمانداران نباید غلام پرخوری (اشعیا ۵۶:۱۱) یا شهوت پرستی شوند (اول قرتیان ۷:۱-۵).

از احساسات زیانبار پرهیزید

بدیهی است که برخی هیجانات برای سلامتی مضر می باشند. به عنوان مثال خشم در سیستم اعصاب اختلال ایجاد می کند؛ اضطراب باعث زخم معده می گردد؛ و کینه ورزی و نفرت و حسادت یا پروراندن بدخواهی بر روی کبد اثر می گذارد. بنابراین ما باید از این احساسات و دیگر هیجاناتی نظیر عصبانیت و اضطراب و ترس پرهیز کنیم. در مقابل، به روح القدس اجازه دهیم که «میوه» پر بار و رسیده خود را چنانچه در درس ۴ مطالعه کردیم، در زندگی ما پدید آورد. نتیجه آن بدنی سالم خواهد بود که تکریم و جلال را برای مالک آن به ارمغان می آورد.

۶- جملاتی را که دلیلی است برای پرهیز ایماندار از عادات زیانبار، مشخص کنید.

- (a) عادات بد، به بدن که هیکل روح القدس است صدمه وارد می آورد.
- (b) برای شخص خوب نیست که اصلاً عادتی را در خود شکل دهد.
- (c) یکبار که شخص گرفتار عادتی شد، دیگر امکان ترک آن وجود ندارد.
- (d) عادات بد می توانند بدل به ارباب شخص شوند، در حالی که تنها مسیح باید ارباب یک ایماندار باشد.

بر خور داری از ظاهری شایسته

وقتی می دانیم که خدا به دل انسان می نگرد، چرا باید ظاهر خوبی داشته باشیم؟ (اول سموئیل ۱۶:۷). دقیقاً به خاطر اینکه مردم بر خلاف خداوند، به دل نگاه نمی کنند بلکه به ظاهر. اگر معبد روح القدس - یعنی بدن شخص - طوری باشد که گویی کسی از آن مراقبت نکرده زیرا که مباشر آن، آن را مورد غفلت قرار داده است،

مردم نیز به آن بی توجهی خواهند کرد؛ در این صورت، خدا مورد بی احترامی قرار خواهد گرفت. لذا لازم است مراقب باشیم که ظاهرمان نیز خدا را جلال دهد.

به پاکیزگی بدن خود توجه کنید

ایماندار به عنوان مباشر امور الهی، مسئولیت دارد که معبد روح القدس را پاکیزه نگاه دارد. این بدین معنی است که بدن و لباس های او باید پاکیزه باشند. اگر نوع کار شما باعث می شود که به راحتی خاکی شوید، باید بعد از کار استحمام کرده، لباس های خود را عوض کنید. هیچ بهانه ای برای اشتباه گرفتن تواضع با عدم پاکیزگی مورد قبول نیست! متأسفانه گاهی اوقات چنین اتفاقی می افتد و نتیجه آن اهانت به خدا می باشد.

لباسی شایسته بر تن کنید

مباشرین خدا چگونه باید لباس بپوشند؟ در کلیسای اولیه در این زمینه رهنمودهایی داده می شد (اول قرنتیان ۲: ۱۵-۱۱؛ اول تیموتائوس ۲: ۹؛ اول پطرس ۳: ۱-۳). اما اگر به آغاز بشریت رجوع کنیم، متوجه یک اصل کلی می شویم. در واقع در پیدایش ۷: ۳ مشاهده می کنیم که مرد و زن سعی کردند آن طور که به نظر خودشان مناسب می آمد خود را بپوشانند (پیدایش ۳: ۲۱). اما خدا این را نپسندید و خودش پوشاکی مناسب برای ایشان تدارک دید. پس ما نیز باید به طریقی لباس بپوشیم که مورد پسند خدا واقع شود و نه مورد پسند خودمان یا دنیا. فراموش نکنیم که موضوع بحث ما پوشاندن «معبد خدا» است.

در راستای اصلی که هم اینک قید شد، اجازه دهید که اکنون چهار اصل دیگر را که باید بر شیوه لباس پوشیدن ایمانداران اثر گذارد، مورد ملاحظه قرار دهیم. این اصول عبارتند از تمایز، تواضع، سادگی، و شایستگی. نمونه هایی که نشان می دهند که این چهار اصل چگونه در کلیسای اولیه پیاده شدند، در تعالیم پطرس و پولس رسول یافت می شود.

تمایز

در تثبیه ۵:۲۲ چنین می‌خوانیم: «متاع مرد بر زن نباشد و مرد لباس زن را نپوشد، زیرا هر که این کار را کند مکروه یهوه خدای توست.» در این آیه خدا برای اسرائیلیان معین می‌کند که میان زن و مرد از لحاظ شیوه لباس پوشیدن باید تمایزی وجود داشته باشد. این اصل تمایز، همراه با دیگر اصول، ظاهراً یکی از مواردی بود که پولس در مورد کلیسای قرنتس اعمال کرد (اول قرنتیان ۱۱:۲-۱۵). ما نیز به عنوان ایمانداران امروزی باید این اصل را تصدیق کرده، آن را به طریقی هماهنگ با فرهنگ مان و آنگونه که روح القدس ما را هدایت می‌کند پیاده نماییم. از آنجا که ما مباشرین معبد او هستیم، باید مراقب باشیم که با آن به طریقی که مورد تأیید خدا نیست، برخورد ننماییم.

سادگی

سادگی بدین معنی است که ایمانداران باید به شیوه‌ای ساده لباس پوشیده، تجملات و زینت‌آلات را به‌طور افراطی به‌کار نبرند. توجه کنید که پولس و پطرس چگونه این اصل را در مورد ایمانداران کلیسای اولیه به‌کار بردند (اول تیموتائوس ۹:۲، اول پطرس ۳:۳).

عیسی و یعقوب هر دو به مردان ثروتمندی که لباس‌های گرانبه‌ای به تن می‌کردند، اشاره می‌کنند (لوقا ۱۶:۱۹؛ یعقوب ۲:۲). به‌نظر نمی‌آمد که ایشان از شیوه لباس پوشیدن آنان ایرادی گرفته باشند. با این حال، لباس‌های گرانبه‌ای این مردان دولتمند در تضاد فاحش با بی‌نواهی فقرا بود. لباس‌های پر زرق و برق، ایشان را به‌عنوان افرادی به نمایش می‌گذاشت که به خود رسیدگی کرده، دیگران را مورد بی‌اعتنایی قرار می‌دهند. این یقیناً شیوه لباس پوشیدن مباشرین خدا نیست.

پاکدامنی و عفت

پولس به روشنی معین می‌کند که پاکدامنی و عفت اصل مهمی برای پیروی کردن می‌باشد (اول تیموتائوس ۲: ۹). این بدین معنی است که ایمانداران نباید طوری لباس بپوشند که بدن‌شان به نحوی شهوت‌انگیز نمایان شود. همچنین نباید از کسانی که بدین شیوه لباس می‌پوشند تقلید کنند. مسیحیان باید در خاطر داشته باشند که بدن‌شان باید در خدمت خداوند به کار رود (اول قرنتیان ۶: ۱۳). باشد که بدن ما برای جلال خدا به کار رود، نه اینکه باعث لغزش دیگران گردد (اول قرنتیان ۱۰: ۳۱-۳۲)! انحطاط اخلاقی روزگار ما آنقدر عظیم است که این نکته را هر چقدر مورد تأکید قرار دهیم، کم گفته‌ایم.



شایستگی

در مقابل اصلی که هم اینک قید شد، اصل مربوط به شایستگی بیشتر به شرایط فرهنگی، زمانی، و محلی اشاره می‌کند. یعنی آنچه که در یک فرهنگ، در یک عصر یا مکان براننده است، در فرهنگ، زمان و مکان دیگر می‌تواند شایسته نباشد. پولس رسول در اول قرنتیان ۱۱: ۱۳ به اصل شایستگی اشاره کرده است: برای زنان قرن‌تس شایسته و براننده نبود که خداوند را با سر نپوشیده پرستش کنند. گاهی اوقات، رفتار خاصی می‌تواند نامناسب باشد بی‌آنکه ضرورتاً گناه‌آلود باشد. به عنوان مثال، به پا داشتن کفش ایرادی ندارد، اما برای موسی ناشایست بود که در حضور خدا کفش یا نعلین به پا داشته باشد (خروج ۳: ۵). حتی امروز نیز در برخی کشورها، ایمانداران باید پیش از داخل شدن به کلیسا، کفش‌های خود را در آورند. همچنین برای یک مرد به سر داشتن کلاه در داخل کلیسا ناپسند شمرده می‌شود. اما در عوض، یهودیان همواره طی جلسات عبادی‌شان کلاه مخصوصی به سر دارند. به

همان ترتیب، پوشیدن لباس خواب در اتاق خواب شایسته و مناسب است، اما نه در کلیسا. روح القدس یقیناً می‌تواند به ایماندار کمک کند تا به مناسب‌ترین طریق در هر موقعیتی رفتار نماید. با پوشیدن لباس مناسب هم مطبوع خداوند واقع می‌شوید و هم برای دیگران برکتی خواهید بود.

۷- موقعیت‌های سمت راست را با اصلی که باید برای اصلاح آن به‌کار رود (از سمت چپ) انطباق دهید.

(a) حمید مستقیم از یک پیک‌نیک به کلیسا آمد بی‌آنکه به خود زحمت دهد که لباس مناسبی بپوشد.

(b) مهربان همان نوع لباس‌های بدن‌نمایی را به تن می‌کند که دوست غیر مسیحی‌اش مهوش می‌پوشد.

(c) گیتی جواهرات بسیار گرانبه‌ای می‌خرد و به خود آویزان می‌کند؛ بنابراین، پولی برای کمک به دیگران برایش باقی نمی‌ماند.

(d) سیمین از مدی پیروی می‌کند که می‌گوید زن‌ها می‌توانند لباس مردها را بپوشند.

(e) جعفر کت و شلوارها و کفش‌های بسیار گرانبه‌ای می‌پوشد تا نشان دهد که فرد ثروتمند و مرفهی شده است.

(۱) تمایز

(۲) سادگی

(۳) عفت

(۴) شایستگی

خودآزمایی

۱- ایماندار برخلاف بی‌ایمان قادر است بدنش را تحت کنترل گیرد زیرا که او

(a) دیگر تحت قدرت گناه نمی‌باشد.

(b) در مقایسه با بی‌ایمانان، با مشکلات بیشتری روبرو می‌شود.

(c) می‌داند که ارباب بدنش نیست.

۲- فرض کنید که دوستی از شما این سؤال را می‌پرسد: «خدا به کسانی که بدن

خود را وقف او می‌کنند چه وعده‌ای داده است؟» هر آیه‌ای را که می‌توانید برای

پاسخ به او به کار ببرید، مشخص کنید.

(a) خروج ۲۶:۱۵

(b) امثال ۲۰:۳۱

(c) اشعیا ۴۰:۲۹ و ۳۱

(d) متی ۶:۳۱-۳۳

(e) مرقس ۱۶:۱۸

(f) اول فرتیان ۱۳:۶

(g) یعقوب ۹:۳

۳- نرگس می‌خواهد که از اولین قاعده حفظ سلامتی یعنی خورد و خوراک

خوب پیروی کند. این بدین معنی است که او باید.....

(a) به کرات مقادیر زیادی غذا بخورد.

(b) مقدار زیادی از غذاهایی که دوست دارد بخورد.

(c) از مواد خوراکی گوناگون استفاده کند.

۴- جملات درست را مشخص کنید.

- (a) هیجانات اثر بسیار اندکی بر روی بدن می‌گذارند.
 (b) لزومی ندارد که ایمانداران واقعاً نگران کنترل امیال جسمانی طبیعی‌شان که خدا به ایشان داده است باشند.
 (c) از هیجاناتی نظیر اضطراب و بدخواهی باید اجتناب شود زیرا که برای سلامتی مضر هستند.

- ۵- اصل کلی مربوط به نحوه لباس پوشیدنِ مباشرین خدا که در ابتدای کتاب مقدس می‌یابیم، کدام است؟
 (a) عقیف بودن
 (b) مورد پسند خدا واقع شدن
 (c) تمایز داشتن
 (d) اجتناب از بدن‌نمایی
 (e) شایسته بودن

۶- فرض کنید که به برخی از جوانان اصولی را می‌آموزید که باید بر شیوه لباس پوشیدنِ ایمانداران حاکم باشد. در کنار هر اصل مذکور در زیر، محل آیه‌هایی را که برای این منظور به کار خواهید برد بنویسید. می‌توانید از برخی آیه‌ها برای اثبات بیش از یک اصل استفاده کنید.

- (a) مقبول خدا واقع شدن
 (b) تمایز
 (c) سادگی
 (d) عفت
 (e) شایستگی

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۴- طریق ذیل یکی از طرقی است که می‌توانید بر مبنای آن جدول را پر کنید. ممکن است که آیه‌ها را به ترتیب متفاوتی در کنار هر بخش قرار داده باشید، اما در هر حال باید با موردی که در مورد آن صحبت می‌شود، منطبق باشند.

اجزا بدن	محل آیات	نحوه کاربرد برای جلال خدا
گوش	متی ۹:۱۳، مکاشفه ۷:۲	گوش کردن به عیسی و روح القدس
زبان، لب، یا دهان	اعمال ۲:۱۰، ۴:۱۹، ۶:۴۶ رومیان ۱۰:۱۰-۱۰۹ عبرانیان ۱۳:۱۵ یعقوب ۳:۹	به واسطه روح صحبت کردن اقرار اینکه عیسی خداوند است تسبیح خدا شکرگزاری و تسبیح خدا
دست	امثال ۳۱:۲۰ مرقس ۱۶:۱۸ غلاطیان ۶:۱۱ افسیسیان ۴:۲۸ اول تیموتائوس ۲:۸	سخی بودن قرار دادن آنها بر روی بیماران نوشتن کتب کتاب مقدس کار بالا بردن آنها در دعا
پا	رومیان ۱۰:۱۵	رفتن و موعظه انجیل

۱- اول قرن‌تین ۶:۱۹ می‌گوید که معبد روح القدس است.

۵- نمونه‌ها عبارتند از (a و d)

۲- توصیف (b) دلیل آن است. آیا انتخاب آن دشوار بود؟ در توصیف (a) دو چیز غلط است: (۱) یک بی‌ایمان گاهی اوقات از اسارت خود آگاه است؛ و (۲) خدا ایماندار را آزاد نکرده است تا مالک بدنش باشد، زیرا که خدا مالک است. با این وجود به او قدرت داده است تا ارباب آن باشد.

۶- جملات (a) و (d) دلایل درست می‌باشند. جمله (b) نمی‌تواند پاسخ صحیح باشد زیرا برخی عادات (نظیر رعایت بهداشت و نظافت) سودمند می‌باشند. جمله (c) نیز درست نیست، زیرا که برای شخص این امکان وجود دارد که یک عادت بد را به کمک روح القدس ترک نماید.

۳- (b) رومیان ۲:۸

۷- (a) ۴) شایستگی

(b) ۳) پاکدامنی و عفت

(c) ۲) سادگی

(d) ۱) تمایز

(e) ۲) سادگی

امکانات شخصی خود را چگونه به کار بگیریم؟

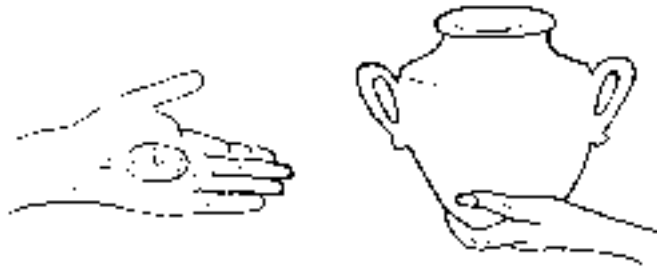
تا اینجا ما اداره عناصری را مطالعه کردیم که در وجودمان قرار دارند، یعنی عقل، اراده، عواطف، و بدنمان. اکنون اداره دو سرمایه بسیار مهم دیگر را که خدا به ما واگذار کرده است، مورد مطالعه قرار خواهیم داد، یعنی وقت و قابلیت‌هایمان. این عوامل در مفهومی بسیار خاص، شخصی هستند، زیرا که به طرز تنگاتنگی مربوط به خودمان می‌شوند. زیرا این امری مسلم است که هیچ کس نمی‌تواند بدون داشتن وقت و قابلیت‌ها به هستی خود ادامه دهد.

لازم است که شما به عنوان مباشر خدا بهترین استفاده را از سرمایه‌هایی که به شما واگذار کرده است بنمایید. این درس با همین هدف تهیه شده است. اولین بخش به شما ایده‌هایی در مورد چگونگی استفاده نیکو از وقت را ارائه می‌دهد و بخش دوم به شما می‌آموزد که چگونه قابلیت‌های خود را کشف کرده، آنها را شکوفا سازید و برای جلال خدا به کار ببرید.

رئوس مطالب

- استفاده مناسب از وقت
- تأملی در مورد زمان و وقت
- سازماندهی وقت
- استفاده از قابلیت‌ها
- تأملی در مورد قابلیت‌ها
- کشف قابلیت‌های پنهان خود

پرورش دادنِ قابلیت‌هایمان
وقف قابلیت‌های خود به خدا



اهداف درس

- پس از مطالعه این درس، باید بتوانید:
• گام‌هایی را که می‌توانید در جهت کمک به کشف و شکوفایی قابلیت‌های‌تان بردارید فهرست‌وار بیان کنید.
- ارزش سرمایه‌های شخصی یعنی وقت و قابلیت‌ها را که خدا به شما داده است درک کرده، آنها را وقف خدا نمایید.

فعالیت‌های یادگیری

- ۱- این درس می‌تواند زندگی شما را متبدل سازد! می‌تواند به شما کمک کند که یک استعداد یا قابلیت پنهان را در خود کشف کرده، آن را در راه خداوند به کار گیرید. آن را به دقت مطالعه کنید. همه آیه‌های ارائه شده را بیابید و بخوانید.
- ۲- به تمرین‌های درس پاسخ داده، پاسخ‌های خود را کنترل کنید. بعد از اتمام درس، آنها را مرور کنید، سپس به خودآزمایی پرداخته، پاسخ‌های خود را کنترل کنید.
- ۳- بخش دوم کتاب، یعنی درس‌های ۳ تا ۶ را مرور کنید و پس از آن، آزمون میانی شماره دو را بگذرانید.

استفاده مناسب از وقت

تأملی در مورد وقت و زمان

کیفیات عجیب زمان

زمان چیز بی نهایت عجیبی است. شبیه به یک جاده است اما با برخی تفاوت ها. در یک جاده می توانیم به عقب و جلو برویم، در حالی که در زمان فقط می توانیم به جلو برویم. ما همواره به سوی آینده در حرکتیم و هرگز به گذشته باز نمی گردیم. ما می توانیم به شهری که در دوران کودکی در آن زندگی کرده بودیم باز گردیم، اما هرگز نمی توانیم کودک شویم! بر روی یک جاده می توانیم اندکی درنگ کنیم، اما نمی توانیم در زمان متوقف شویم. شما نمی توانید خود را در جوانی ثابت نگاه دارید. باید در زمان پیش بروید، به سوی سالخوردگی، مرگ، و ابدیت.

وقت و زمان، مایملکی بسیار ارزشمند است. اما برخلاف دیگر اموال، نمی توانیم وقت بیشتری را از کسی خریداری نموده، یا وقت خود را بفروشیم. چقدر از مردم حاضرند تمام ثروت خود را بدهند فقط برای اینکه چند سال بیشتر زندگی کنند! همچنین نمی توانیم وقت را پس انداز کنیم تا بعداً از آن استفاده نماییم؛ اگر از آن بهره مند نشویم، آن را از دست می دهیم.

از برخی لحاظ به نظر می رسد که زمان و وقت نسبی است. برای دانشجو طولانی تر به نظر می رسد تا برای استاد. همچنین برای شنوندگان طولانی تر احساس می شود تا برای واعظ!

طول عمر ما

وقتی را که برای زندگی بر روی زمین دارا هستیم، توسط خدا تعیین می شود، چنانچه تجربه حزقیای این را نشان می دهد (دوم پادشاهان ۱:۲۰-۶). بدینسان می بینیم

که خدا مالک وقت ماست. او به هر یک از ما وقت مخصوص به خودمان را می‌دهد. و فکرش را بکنید که برخی افراد می‌گویند که برای خدا وقت ندارند! هر موجود انسانی در مورد نحوه سپری کردن عمر خود در قبال خدا مسئول است. کسی که سال‌های سال به خدمت خدا مشغول بوده، با کسی که در آخرین لحظات زندگی خود، خدا را می‌پذیرد، یکی نیست. پولس (دوم تیموتائوس ۴: ۶-۸) و مجرمی که بر روی صلیب توبه کرد (لوقا ۲۳: ۴۱-۴۳) قابل مقایسه نیستند. هر دو نجات یافتند، اما اولی، بهترین سال‌های عمرش را تقدیم خدا کرد، و دومی باقیمانده فرصتش را. و خدا همواره سزاوار اولین و بهترین است!

۱- کدام جمله ماهیت مسئولیت انسان در قبال وقتش را به بهترین وجه توصیف می‌کند؟

(a) مهم نیست که شخص عملاً با وقتش چه می‌کند، به شرط اینکه بداند سرانجام به آسمان می‌رود.

(b) از آنجا که وقت شخص از سوی خدا به او داده شده است، باید در مورد چگونگی کاربرد آن به خدا حساب پس بدهد.

(c) از آنجا که شخص نمی‌تواند وقت را پس‌انداز کرده یا مقدار بیشتری بدست آورد، نباید زیاد در مورد آنچه که با آن می‌کند نگران باشد.

۲- کدام جمله زیر توصیف مناسبی است از زمان؟ زمان.....

(a) جاده‌ای است که شخص می‌تواند بر روی آن به جلو و عقب برود.

(b) مایملکی ارزشمند است که ما مالک آن هستیم.

(c) سرمایه‌ای است که خدا اجازه اداره آن را به ما داده است.

سازماندهی وقت

دیدیم که عمر ما سرمایه‌ای است که خدا به دستان ما سپرده است؛ بنابراین، منطقی‌ترین کاری که می‌توانیم انجام دهیم، استفاده از آن بر طبق دستورات او می‌باشد (افسیان ۱۶:۵؛ کولسیان ۵:۴). برای انجام این کار، باید وقت خود را سازمان دهیم و تنظیم کنیم. هر یک از ما ساعاتی از روز را در محل کار صرف می‌کنیم؛ به همین دلیل، پیشنهادهای ما برای سازماندهی وقت، فقط مربوط به اوقاتی می‌شود که آزاد هستیم. در زیر پیشنهادهای و توصیه‌هایی را در این زمینه ارائه می‌دهیم.

مسئولیت‌های خود را یادداشت کنید

آیا درس دوم و سه دسته از سرمایه‌گذاری‌ها را به خاطر می‌آورید: یعنی خدا، دیگران، و خودمان؟ همچنین آیا خط‌مشی هدف‌ها، اولویت‌ها، و برنامه‌های درس سوم را به یاد می‌آورید؟ خوب، اکنون می‌توانید آنها را طوری پیاده کنید که یک بخش از وقت‌تان را برای هر یک از مسئولیت‌های مختلف‌تان کنار بگذارید.

۱- **وقت برای خدا.** این مسئولیت اصلی و اولین اولویت ما می‌باشد. خدا مقرر کرده است که یک هفتم وقت ما مخصوصاً وقف او شود (خروج ۹:۲۰-۱۰). اما همچنین وقتی وجود دارد که لازم است آن را برای عبادت خصوصی اختصاص دهیم. نمونه عیسی را در مرقس ۳۵:۱ مورد توجه قرار دهید. لازم است که وقتی را برای تنها بودن با خدا، دعا و مطالعه کلام او کنار بگذاریم. اگر ما این کار را نکنیم یا این کار را متوقف کرده باشیم، از لحاظ زمانی به خدا مقروض خواهیم بود و باید آن را به او باز گردانیم. آیا غیر از این است؟ چه فکر می‌کنید؟

۳- در مرقس ۳۵:۱ نمونه‌ای از مسیح آمده است. به چه روش خاصی می‌توانید این نمونه را در زندگی خودتان پیاده کنید؟

۲- **وقت برای دیگران.** در وهله اول، اگر ازدواج کرده باشیم، لازم است که وقتی را برای گفتگو با همسرمان در مورد امور مشترکمان کنار بگذاریم. ما با همسر خود یک تن هستیم (پیدایش ۲: ۲۴)، و هر دو به یکدیگر نیازمندیم. گاهی اوقات اتفاق می افتد که دو نفر زیر یک سقف زندگی می کنند در حالی که کاملاً با یکدیگر بیگانه اند. وقت نگذاشتن برای یکدیگر می تواند اولین گام در جهت از هم گسیخته شدن پیوند ازدواج در مراحل بعدی باشد.

در وهله دوم لازم است که برای فرزندانمان وقت بگذاریم. آنها نیز نیازها و مشکلات خود را دارند و با اختصاص وقت به ایشان، می توانیم این مشکلات را کشف کرده، به جستجوی راه حلی بپردازیم. طی این اوقات می توانیم آنان را راهنمایی کرده، بفهمانیم که به ایشان علاقه و توجه داریم.

سپس نوبت به وقت گذاشتن برای برادران و خواهران ایمانی مان می رسد؛ وقتی برای عبادت خداوند و مطالعه دسته جمعی کتاب مقدس؛ وقتی برای ایجاد دوستی و رفاقت؛ وقتی برای برقراری دوستی گرم با دیگر ایمانداران.

و در آخر لازم است که وقتی برای دیگر افراد بگذاریم. این وقتی است که به کار خداوند اختصاص می دهیم. وقت شهادت دادن، موعظه، تعلیم یا مشاوره. طی این وقت می توانیم به دیگران نیکویی کنیم.

۳- **وقت برای خودمان.** این نکته ممکن است خودخواهانه به نظر برسد، چنین نیست؟ اما هر کسی احتیاج دارد که وقتی را به استراحت، تفریح یا تفکر و تعمق و برنامه ریزی اختصاص دهد! بدین طریق در موقعیت بهتری برای خدمت خداوند قرار خواهیم گرفت.

۴- یکی از صفحات دفتر یادداشتان را همانطور که در جدول زیر مشاهده می کنید، به سه بخش تقسیم کنید: وقت برای خدا، برای دیگران، و برای خودتان. در هر بخش، مسئولیت هایی را که دارید بنویسید.

وقت برای خدا	وقت برای دیگران	وقت برای خودم

از تقویم استفاده کنید

یک بار که فهرست قرار ملاقات های خود را تهیه کردید، لازم است که آن را در یک تقویم بنویسید. دفترچه های دقیق تری نیز هست که می توان قرارها را برای هر نیم ساعت در آن نوشت. یک دفترچه ساده قرار ملاقات چندان گران نیست و برای نوشتن قرارهای یک خادم مسیحی مناسب می باشد.

علاوه بر قرار ملاقات ها، برنامه هایی را که می خواهید در روزهای مشخصی از هفته انجام دهید، در تقویم یادداشت کنید. مثلاً از قبل می توانید وقت گفتگو با همسران یا با فرزندان تان را تعیین کنید و در تقویم یادداشت نمایید. اگر مایلید به ملاقات بیماری بروید، روز و ساعتش را از قبل تعیین کنید و آن را بنویسید. اگر مسئولیتی در کلیسا دارید، آن را هم بنویسید.

ممکن است بپرسید که داشتن تقویم یا دفترچه قرار ملاقات برای یک خادم مسیحی چه مزایایی در بردارد؟ به پاسخ های زیر توجه فرمایید:

۱- در صورت ثبت قرارهای ملاقات، آنها را فراموش نخواهید کرد. (من قبل از استفاده کردن از یک دفترچه قرار ملاقات، یکبار فراموش کردم که قرار بود در کلیسایی موعظه کنم!)

۲- مانع از این خواهد شد که در ساعتی که قبلاً به کاری اختصاص داده اید، وقت ملاقات دیگری بگذارید.

۳- به شما اجازه خواهد داد که وقت خود را از خیلی قبل برنامه‌ریزی نمایید.

۴- و مهم‌تر از همه این است که اگر به استفاده از تقویم یا دفترچه یادداشت ملاقات‌ها و برنامه‌ها عادت کنید، در واقع خود را به برنامه‌ریزی عادت داده‌اید. و این برای یک خادم، مهم‌ترین عادت است که از پیش، برای هفته یا هفته‌های آینده برنامه‌ریزی کند.

البته برای به‌یاد آوردن قرار ملاقات‌های‌تان لازم است که هر روز به تقویم یا دفترچه قرارها مراجعه کنید. وقتی که آنها را انجام دادید، می‌توانید آنها را خط بزنید. این به شما کمک خواهد کرد تا بدانید که به کدام قرار ملاقات باید بروید یا اینکه آنها را به وقت دیگری موکول نمایید.

۵- در دفتر یادداشت‌تان، قرار ملاقات‌های خود را برای هفته بعد نوشته، روز و وقت آن را مشخص کنید.

برنامه زمانی تهیه کنید

ممکن است به‌نظر تان غیر ضروری بیاید که در دفترچه قرار ملاقات‌تان کارهایی را بنویسید که به‌طور معمول آنها را انجام می‌دهید: مثل دعا کردن، حضور در کلیسا، رفتن به سر کار و غیره. در این صورت سودمند خواهد بود که فهرستی از برنامه‌های یک روز را تهیه کنید. این فهرست برنامه‌ای به شما کمک خواهد کرد که چیزهایی را که لازم است در وقت بخصوصی از روز انجام دهید به‌خاطر بیاورید. برنامه زمانی شما همچنین به دیگران کمک خواهد کرد تا دریابند که اوقات خاصی را قبلاً برای منظور خاصی کنار گذاشته‌اید. به‌عنوان مثال، هیچ کس موقعی که قصد دارید به سر کارتان بروید به دیدن شما نخواهد آمد. اما گاهی اوقات اتفاق می‌افتد که دوستی یا یکی از بستگان وقتی که آماده رفتن به کلیسا شده‌اید، به دیدن‌تان بیاید.

برنامه‌های زمانی پیشنهادی در ذیل برای ایمانداری می‌باشد که به عنوان کارمند مشغول به کار است، و یک زن خانه‌دار مسیحی. البته شما می‌توانید آنها را با رسوم کشور خود یا بر حسب نیازهای تان تطبیق دهید.

برنامه برای یک زن خانه‌دار	برنامه برای یک کارمند
ساعت ۶:۰۰ - برخاستن از خواب	ساعت ۶:۰۰ - برخاستن از خواب
۶:۳۰ - دعا	۶:۳۰ - دعا
۶:۴۵ - تهیه صبحانه	۷:۰۰ - صبحانه
۷:۰۰ - صبحانه	۷:۱۵ - حرکت به طرف محل کار
۷:۱۵ - صرف وقت با فرزندان، فرستادن آنها به مدرسه	۸:۰۰ - کار
۷:۳۰ - مطالعه کتاب مقدس	۱۲:۰۰ - نهار
۸:۰۰ - کار خانه و خرید	۱۲:۳۰ - مطالعه
۱۲:۰۰ - ناهار	۱:۰۰ - کار
۱۲:۳۰ - شستن ظروف و نظافت	۵:۰۰ - بازگشت به خانه
۱:۰۰ - کار با کودکان؛ ملاقات	۵:۴۵ - استحمام
۴:۳۰ - تهیه شام	۶:۱۵ - شام
۶:۰۰ - استحمام	۶:۴۵ - وقت آزاد
۶:۴۵ - نظافت	۷:۰۰ - رفتن به کلیسا
۷:۰۰ - رفتن به کلیسا	۹:۳۰ - بازگشت به خانه
۹:۳۰ - بازگشت به خانه	۱۰:۰۰ - دعا و رفتن به رختخواب
۱۰:۰۰ - دعا و رفتن به رختخواب	

۶- در دفتر یادداشت تان یک برنامه زمانی روزانه برای خود بنویسید. از نمونه ارائه شده در درس استفاده کنید تا ایده‌هایی به شما بدهد. برای اینکه به خاطر داشته باشید که برای هر یک از مسئولیت‌های تان وقتی را کنار بگذارید، از فهرستی که برای پاسخ به تمرین ۴ تهیه کردید، استفاده نمایید.

فهرستی از کارهایی که باید انجام دهید تهیه کنید

روشی که به ما کمک خواهد کرد تا استفادهٔ درستی از وقت مان بنماییم، این است که هر روز برای آنچه که روز بعد انجام خواهیم داد، برنامه‌ریزی کنیم. این روش مخصوصاً برای شخصی که شغل آزاد دارد، یا خادم مسیحی تمام وقت است یا یک زن خانه‌دار، سودمند می‌باشد. برای این کار لازم است که تمام چیزهایی را که باید در روز بعد انجام دهید، بنویسید. برخی افراد معمولاً فهرست ساده‌ای تهیه می‌کنند، اما اگر کارها گوناگون و متعدد باشد، بعضی ترجیح می‌دهند که فهرست خود را به دسته‌های مشخص تقسیم کنند. در اینجا نمونه‌ای از فهرستی که به دسته‌ها تقسیم شده است ارائه می‌شود:

نوشتن نامه به:	ملاقات:
شبان کلیسای م.	برادر ج.ن.
خزانه‌دار کلیسا	آقای ل.ه.
مادر م	خانوادهٔ م.
خریدها:	پرداخت‌ها:
۳ عدد لامپ	قبض برق
تمبر	کتاب برای کانون شادی

داشتن فهرستی از کارهایی که باید انجام شود، به شما کمک خواهد کرد که کارها را به موقع انجام دهید. چرا باید پاسخ نامه‌ای را آنقدر دیر بدهیم که مجبور شویم عذرخواهی کنیم؟ یا اینکه به عیادت فرد بیماری برویم که دیگر حالش خوب شده است؟ یا اینکه پرداخت یک قبض را به آخرین روز موکول کنیم و مجبور شویم در صفی طولانی ساعت‌ها با دیگر افرادی که همین سهل‌انگاری را کرده‌اند بایستیم؟ به علاوه، فهرست تهیه شده بر حسب دسته‌بندی به شما کمک خواهد کرد که یک کار مهمی را که می‌توانستید همزمان با رسیدگی به کار دیگری انجام دهید، فراموش

نکنید. چرا باید مجبور شوید که دوباره برای پست کردن یک نامه یا خریدی که فراموش کرده‌اید، به شهر بروید؟

۷- در دفتر یادداشت‌تان یا بر روی یک صفحه کاغذ جداگانه، فهرستی از کارهایی که باید انجام دهید، تهیه کنید. آیا دو یا سه کار است که می‌توانید همزمان انجام دهید؟ در این صورت آنها را توأمأً دسته‌بندی کرده، از نمونه آمده در درس پیروی نمایید.

۸- آقای نادری متوجه می‌شود که در همان ساعتی که قرار ملاقاتی با یک دوست برای مطالعه کتاب مقدس گذاشته است، به پسرش نیز وعده داده است که او را به گردش ببرد. آقای نادری می‌تواند در آینده از مسائلی نظیر این اجتناب کند به شرط آنکه:

- (a) یک فهرست برنامه‌ای روزانه تهیه نماید.
- (b) فهرستی از چیزهایی که باید انجام دهد، داشته باشد.
- (c) یک دفترچه قرار ملاقات تهیه کند.

وقت‌شناس باشید

بعضی افراد بر مخترع ساعت نفرین می‌فرستند، چون به باور ایشان، این وسیله انسان را بدل به یک برده ساخته است. نتیجتاً ایشان همواره به هر کجا که روند، دیر می‌رسند. عده‌ای دیگر وقت خود را سازماندهی نمی‌کنند و کارها به موقع انجام نمی‌پذیرد.

عادت دیر رسیدن ممکن است دقیقاً نتیجه رفتاری باشد که ما پیش از شناختن مسیح داشته‌ایم. ما همانند بسیاری از افراد فکر می‌کنیم که برای تسویه حساب با خدا وقت بسیار است. اما درک این نکته مهم است که خدا امور را به موقع انجام می‌دهد (غلاطیان ۴:۴؛ تیطس ۱:۲-۳). عیسی نیز دوست داشت که کارها را به موقع انجام دهد و می‌خواست که پیروانش نیز همین کار را انجام دهند (لوقا ۱۴:۲۲، یوحنا ۶:۷).

ما به عنوان مباشرین وقت خود، باید کارها را دقیق انجام داده، و به موقع سر قرار ملاقات‌های مان حاضر شویم. این امر همچنین نشان خواهد داد که ملاحظه دیگران را کرده‌ایم. اگر با کسی سر ساعت ۱۰ صبح قرار ملاقات داریم، چرا باید ساعت ۱۰:۳۰ در محل ملاقات حاضر شویم، و نیم ساعت وقت او را تلف کنیم؟ یک کارمند سعی می‌کند که به موقع سر کارش حاضر شود. ما نیز باید سعی کنیم که جلسات را به موقع شروع کرده، برای هر کاری، سر وقت حاضر شویم.



از اوقات انتظار استفاده مثبت بکنید

شما می‌توانید از اوقاتی که در اتاق انتظار، یا در اتوبوس، یا در قطار، یا هر موقع دیگری که به خاطر انتظار دست می‌دهد، استفاده کنید. می‌توانید کتاب بخوانید، درس‌تان را مرور کنید، به شخص مقابل‌تان در مورد مسیح شهادت دهید یا در مورد موضوعی بناکننده فکر کنید. می‌توانید همین کار را به هنگام انتظار کشیدن در صف خرید تمبر یا پرداخت یک فیش انجام دهید.

۹- در دفتر یادداشت‌تان، برخی طرق استفاده از وقت را به هنگام انتظار فهرست‌وار بنویسید.

استفاده از قابلیت‌ها

تأملی در مورد قابلیت‌ها

چنانکه در درس ۲ خواندیم، عیسی در متی ۱۴:۲۵-۳۰ به ما آموخت که همه ما مباشر خدا می‌باشیم. مثلی که او در آنجا آورد، از سه عنصر تشکیل شده است که عبارتند از: الف) آن مرد یا ارباب، مظهر خداست؛ ب) غلامان یا مدیران، مظهر هر موجود انسانی است؛ و ج) قنطارها، معرف استعدادها یا قابلیت‌ها می‌باشند.

این مثل چهار درس به ما می‌آموزد:

۱- خدا به هر کسی استعداد و قابلیت‌هایی داده است. هر خادمی مقداری قنطار دریافت کرده است.

۲- هر شخص متفاوت است. برخی بسیار قابل هستند، شاید حتی بتوان گفت که نوعی نبوغ دارند. عده‌ای دیگر یعنی اکثریت در حد متوسط قرار دارند یعنی قابلیت‌های عادی دارند. و عده‌ای دیگر شاید کمتر از گروه‌های قبلی قابلیت داشته باشند.

۳- خدا می‌خواهد که هر موجود انسانی قابلیت‌هایی را که او بر طبق نقشه‌اش به وی داده است، شکوفا سازد. هر خادم باید قنطارهایش را سرمایه‌گذاری کند، طوری که مالک سود ببرد.

۴- هر موجود انسانی باید در مورد طریقه کاربرد قابلیت‌هایی که خدا به او داده است، به خدا حساب پس بدهد. خادمینی که قنطارهایشان را سرمایه‌گذاری کردند، پاداش دریافت نمودند و بقیه که این کار را نکردند، تنبیه شدند.

برخی افراد استعدادی خاص برای نقاشی دارند و برخی دیگر استعداد موسیقی، عده‌ای دیگر نیز اشخاصی فنی هستند. برخی معلم به دنیا می‌آیند و عده‌ای نیز شمع تجاری دارند. اگر از نویسندگان، موسیقی‌دانان، شاعران، افراد فنی، و هنرمندان برجسته سؤال کنیم که راز موفقیت ایشان چه بوده است، بسیاری از ایشان چنین

پاسخ خواهند داد: «یک بخش آن مربوط به تلاش خستگی ناپذیر خودم بوده، اما بخش دیگر آن مربوط به استعدادی است که خدا به من داده است.»

۱۰- عباراتی را که مؤید تعلیم عیسی در مورد قابلیت‌ها در متی ۱۴:۲۵-۳۰ می‌باشند، مشخص کنید.

(a) افرادی که قابلیت‌های اندکی دارند، دقیقاً همانقدر برای استفاده از آنها مسئول هستند که کسانی که قابلیت‌های بسیار دارند.

(b) لازم است که هر کسی استعدادهای خود را چه خرد و چه کلان شکوفا سازد.

(c) در واقع تعداد بسیار اندکی از افراد دارای استعداد یا قابلیت می‌باشند.

(d) افراد آزاد هستند که در مورد چگونگی کاربرد قابلیت‌هایشان به خدا حساب پس بدهند یا ندهند.

(e) همه از استعدادها و قابلیت‌های یکسانی برخوردارند.

۱۱- مثل مسیح در متی ۱۴:۲۵-۳۰ متشکل از سه عنصر است که مظهر این موارد می‌باشند:

(a) خدا، انسان و خادمین

(b) خادمین، مدیران و مالک

(c) خدا، هر موجود انسانی، و قابلیت‌ها

(d) مالک، سکه‌های نقره، و قنطارها

کشف قابلیت‌های پنهان خود

برخی افراد فکر می‌کنند که هیچ نوع استعدادی ندارند و شکایت دارند از اینکه نمی‌توانند کاری برای خداوند انجام دهند. اما بر طبق تعلیم مسیح، هیچ کس نیست که مطلقاً ناتوان بوده، دست کم یک قابلیت و استعداد دریافت نکرده باشد. حقیقت موضوع این است که این افراد قابلیت‌هایی دارند که کشف نکرده‌اند. شاید استعدادهای ایشان در عمق وجودشان خفته باشد و منتظر فرصتی باشند برای

شکفتن. اگر فکر می کنید که شما چنین شخصی هستید، توصیه می کنم که این سه گام را بردارید:

۱ - *از خداوند سؤال کنید.* در درس ۳ این واقعیت را مطالعه کردید که خدا نقشه ای برای زندگی تان دارد. بدون شک خدا استعداد و قابلیت لازم را برای انجام نقشه اش به شما داده است. لذا از او بخواهید که شما را راهنمایی کرده، کمک نماید تا آن استعدادها را کشف کرده، بتوانید برای جلال او به کار برید.

خواهری از این بابت نگران بود که هیچ استعداد و قابلیت ندارد. وقتی که مسأله خود را با خداوند در میان گذاشت، به خاطر آورد که می تواند یک نوع شیرینی خوش مزه بپزد. او یکی از معلمین کانون شادی را دعوت کرد تا در خانه او جلسه ای برای کودکان برگزار کند. وقتی شیرینی را پخت و لیموناد تهیه کرد، از کودکان همسایه دعوت نمود تا در یک میهمانی شرکت کنند. وقتی کودکان آمدند، معلم کانون شادی به ایشان چند سرود یاد داد و یکی از ماجراهای کتاب مقدس را به ایشان تعلیم داد. میهمانی با استقبال زیادی مواجه شد، طوری که آن خواهر به استفاده از استعدادش در این راه ادامه داد. به مرور زمان، خانه آن خواهر بدل به یک مرکز تبشیری برای آن بخش از شهر گردید.



۲ - *به اطراف خود بنگرید.* به هنگام این کار، متوجه بسیاری از نیازها در کلیسای تان، در همسایگی تان، و در شهرتان خواهید شد. نتیجتاً فرصت های بسیاری برای کار خیر مشاهده خواهید کرد. این فرصت ها یکی از طرقی است که خدا برای کمک به ما در کشف استعدادهای مان و کاربرد آنها بر طبق اراده اش، مورد استفاده

قرار می‌دهد. به دنبال مشاهده نیازهای عظیم در بین کودکان بود که رابرت ریکز (Robert Raikes) اولین کانون شادی (مدرسه یکشنبه) را تأسیس کرد و رابرت بادن‌پاول (Robert Baden-powell) رابرت بادن‌پاول پیشاهنگی پسران را بنیان نهاد.

۳- دست به فعالیت‌های جدید بزنید. در کشور من ضرب‌المثلی است که می‌گوید: «کسی که ریسک نمی‌کند، نمی‌تواند از رودخانه رد شود.» این بدین معنی است که لازم است شما ریسک این را بکنید که دست به کار متفاوتی بزنید تا ببینید که آیا قابلیت انجام آن را دارید یا نه. یک بانوی سالخورده که بیش از هشتاد سال داشت، برای سرگرمی نقاشی کردن را آموخت. او هرگز تصور نمی‌کرد که از طریق نقاشی‌هایش به شهرت جهانی نائل خواهد آمد. چه سال‌های بسیاری استعداد خفته‌ای را با خود حمل کرده بود! تجربه شخصی من از این قرار بود که می‌بایست نه برای گذر از یک رودخانه، بلکه برای پیمودن اقیانوس اطلس ریسک می‌کردم تا آمده، این دوره درسی را بنویسم. من همواره از تدریس لذت می‌بردم، اما بیست سال پیش هرگز فکر نمی‌کردم که دست به نوشتن کتاب خواهم زد.

آیا علاقه خاصی به نوعی فعالیت دارید؟ جسور باشید! شاید خدا استعدادی در آن زمینه به شما داده است.

۱۲- عباراتی را که حاکی از اینند که شخصی با پیروی از گام‌های ارائه شده در این درس، استعدادهای خود را کشف کرده است، مشخص کنید.

(a) مهران فکر نمی‌کند استعدادی داشته باشد که بتواند از آن برای خدمت خداوند استفاده کند. اما هنگامی که در این مورد دعا می‌کند، به‌خاطر می‌آورد که می‌تواند کار تعمیرات ساختمانی انجام دهد. پس داوطلب می‌شود که برخی از تعمیرات مورد نیاز در ساختمان کلیسا را انجام دهد.

(b) مهربی از موسیقی لذت می‌برد و نمی‌داند که آیا در این زمینه استعدادی دارد یا نه. یکی از رهبران کلیسایش از او می‌خواهد که گروه سرود را در کانون شادی

رهبری کند. اما او نمی‌پذیرد زیرا از این می‌ترسد که در برابر دیگران اشتباهی از او سر بزند.

c) حمید متوجه شده که کانون شادی کلیسایش برای پسران ۱۲ تا ۱۵ ساله کلاسی ندارد. در این مورد با شبانش صحبت می‌کند و ایشان تصمیم می‌گیرند که کلاس‌هایی برای ایشان دایر کنند. چیزی نمی‌گذرد که تعدادی از پسرها در کلاس‌های جدید حضور یافتند.

۱۳- شاید شما نیز استعدادهای پنهانی داشته باشید. آیا هرگز برای یافتن آنها کوشش کرده‌اید؟ در دفتر یادداشت‌تان به سؤالات ذیل پاسخ دهید:

a) آیا دعا کرده‌ام که خدا مرا راهنمایی کند تا استعدادها یا قابلیت‌هایی را که به من داده است کشف کنم؟

b) در اطرافم، در کلیسایم، در همسایگی‌ام یا در شهرم چه نیازهایی وجود دارد؟ آیا امکان یا فرصتی برای نیکویی کردن وجود دارد؟

c) چه فعالیت‌های جدیدی هست که به آنها علاقه دارم و می‌توانم برای انجام آنها دست به ریسک بزنم؟

پرورش دادن قابلیت‌های مان

پرورش دادن امری ضروری است

هر کسی قابلیت فطری برای انجام برخی کارها را داراست، اما اگر او آن را به کار نگیرد، یعنی آن را شکوفا نسازد و پرورش ندهد، ممکن است آن استعداد و قابلیت هدر برود (متی ۲۵: ۲۸). غلام بی‌فایده نوعی قابلیت داشت و به همین دلیل اربابش به او یک قنطار داد. شما نیز قابلیت‌هایی دارید که خدا به شما واگذار کرده است و از شما انتظار دارد که آنها را پرورش و توسعه دهید.

پرورش و توسعه امکان‌پذیر است

شما می‌توانید استعدادهای خود را در دو مرحله پرورش و توسعه دهید. اولین مرحله این است که به‌دقت به توصیه‌های کسانی توجه کنید که می‌دانند بهترین طریق فراگیری آن موضوع خاص چیست، و سپس از آنها تقلید کرده، تمرین نمایید. هیچ کس از بدو تولد همه چیز را نمی‌دانسته است، اما همگی ما با قابلیت فراگیری بسیاری از چیزها به دنیا آمده‌ایم. از بین این چیزهای بسیار، یکی راه رفتن و دیگری حرف زدن می‌باشد. و ما این کار را آموخته‌ایم. آیا چنین نیست؟ همچنین اگر شما قابلیت انجام کاری را دارید، خواهید توانست چگونگی انجام آن را با این روش ساده فرا گیرید. آیا می‌خواهید تدریس را فرا گیرید؟ به یک معلم خوب گوش فرا دهید و از او تقلید کنید. آیا می‌خواهید نواختن یک آلت موسیقی را بیاموزید؟ می‌توانید این کار را بدون آموختن نت‌خوانی انجام دهید! اگر گوش خوبی داشته باشید، کافی است که به‌دقت به نحوه اجرای یک موسیقی‌دان توجه کرده، به برخی از توصیه‌هایش گوش دهید و سپس تمرین کنید و باز هم تمرین کنید. مأیوس نشوید! اگر در ابتدا اجرای شما چندان دلنواز نباشد، تمرین را ادامه دهید و در وقت مناسب یک خبره خواهید شد.

مرحله دوم بسط دادن استعدادهای تان می‌باشد که می‌تواند گذراندن دوره‌هایی باشد تا دانش و مهارت بیشتری در انجام آنچه که قبلاً تمرین کرده‌اید بدست آورید. ممکن است بخواهید که دوره‌ای را بدون داشتن هر گونه تمرین قبلی آغاز کنید. اما اجازه بدهید فقط به یک نکته اشاره کنم و آن این است که اگر چیزی را که می‌آموزید از آن استفاده‌ای نکنید، این کار نقش چندانی در پرورش و گسترش استعدادهای تان نخواهد داشت. شما چکش زدن را با کوبیدن فرا می‌گیرید، حتی اگر در آغاز به انگشتان تان صدمه بزنید!

۱۴- اگر بخواهید به دوستی توضیح دهید که چرا اهمیت دارد که استعدادهایش را پرورش دهد، کدام متن از کتاب مقدس برای ارائه به او از همه بهتر است؟

(a) خروج ۱:۳۱-۱۱

(b) متی ۲۸:۲۵

(c) اول پطرس ۴:۱۰

وقف قابلیت‌های خود به خدا

برخی افراد استعدادهایی را که خدا به ایشان داده است، در راه‌های پلید به کار می‌برند. عده‌ای دیگر آنها را برای منافع شخصی خود به کار می‌گیرند. اما خوشابه‌حال کسانی که آنها را وقف خداوند می‌کنند تا در خدمت او به کار رود! آیا خدا به شما صدای خوبی داده است؟ آن را برای جلال او به کار ببرید. آیا یک نجار یا بنا هستید؟ استعداد شما اگر وقف خدا شود، می‌تواند برکتی برای ساختمان کلیسا یا تعمیر آن باشد.

۱۵- میل دارید کدام قابلیت‌های خود را وقف خدا کنید؟ می‌توانید آنها را در دفترتان یادداشت کنید.

یک مرد جوان مسیحی متوجه شد که همه نوع آگهی در اتوبوس‌های کشورش چسبانده شده است، اما هیچ تبلیغی در مورد مسیح یا کلیسا وجود ندارد. این امر باعث شد که تصمیم بگیرد استعدادی را که خدا به او داده است، به کار گیرد. لذا تابلوهایی بر اساس انجیل درست کرد تا در اتوبوس‌ها به نمایش گذاشته شوند. امروزه او مؤسسه بزرگی را اداره می‌کند که کارش توزیع آرم‌های مسیحی در بسیاری از نقاط جهان می‌باشد.

نمونه تابیتا (یا دورکاس، اعمال فصل ۹) به هزاران زن مسیحی الهام بخشید تا استعدادهای خود را وقف کار خداوند نمایند. دست‌ها، میل‌های بافتنی، و نخ‌های ایشان برای پیشبرد ملکوت خدا و نیکوکاری به دیگران به کار رفت. خدا از ما

می‌خواهد که استعدادهایی را که به ما داده است، بدین طریق به کار بریم (اول پطرس ۱۰:۴).

خدا می‌تواند قابلیت مخصوصی به کسانی که استعدادهای خود را وقف او می‌کنند بدهد. او می‌تواند به ایشان حکمت و مهارت مافوق طبیعی بدهد تا در خدمت روحانی خود به کار برند. توجه کنید به اینکه در خروج ۱:۳۱-۱۱ و ۳۵:۳۰-۱:۳۶ خدا چگونه دو صنعت‌کار ماهر را با روح خود پر کرد. اگر دعا کرده، از خدا طلب کنید، شما نیز می‌توانید به همین طریق برکت یابید.

۱۶- آقای منصوری می‌خواهد قابلیت خود را در تعمیر ماشین‌های مکانیکی وقف خدا کند. این بدین معنی است که او باید.....

- (a) دوره تعمیر ماشین‌های مکانیکی را بگذراند.
- (b) کار تعمیراتی را تمرین کند.
- (c) قابلیت خود را در طرقی به کار برد که باعث تکریم خدا شود.

خودآزمایی

- ۱- اگر نادر بر این باور باشد که خدا مالک وقت اوست:
 - (a) نهایت استفاده از وقتش را خواهد کرد تا گزارش خوبی به خدا دهد.
 - (b) بر روی این هدف متمرکز خواهد شد که آخرین سال‌هایش را به خدا بدهد.
 - (c) نگران وقتش نخواهد بود زیرا که به خدا تعلق دارد.
- ۲- وقت ما شبیه به دیگر سرمایه‌های مان نمی‌باشد زیرا که:
 - (a) ذخیره نامحدودی از آن داریم.
 - (b) چیزی نیست که به خاطر آن مستقیماً پاسخگو باشیم.
 - (c) خدا خیلی علاقمند است بداند که با آن چه می‌کنیم.
 - (d) نمی‌توانیم وقت بیشتری را خریداری کرده، یا وقت خود را بفروشیم.
- ۳- فعالیت‌های سمت راست را با نوع مسئولیتی که معرف آن است (از سمت چپ) انطباق دهید.
 - (a) صحبت با فرزندان
 - (b) حضور در یک جلسه دعا
 - (c) بردن فرزندان‌تان به گردش
 - (d) خواندن کتاب مقدس و دعا
 - (e) صحبت با همسر در مورد مسأله‌ای
 - (f) وقت گذاشتن برای تفریح
 - (g) برنامه‌ریزی برای آینده
 - (h) عیادت از دوستی که بیمار است
 - (۱) وقت برای خدا
 - (۲) وقت برای دیگران
 - (۳) وقت برای خودتان

۴- در زیر، در ستون سمت راست، فهرستی از مشکلات آمده است. اگر شخص وقت خود را به یکی از طرق ارائه شده در سمت چپ تنظیم کند، این مشکلات حل خواهد شد. شماره طرق را مقابل هر مشکلی که به حل آن کمک خواهد کرد، بنویسید.

- (a) دوست خانم نازنین هنگامی که او عازم کلیسا است به دیدن او می‌آید.
 (b) کشیش نوربخش متوجه می‌شود که به دو کلیسا در ساعت واحد قول موعظه داده است.
 (c) مریم باید دوباره به شهر برود تا چند تمبر را که فراموش کرده بود، خریداری نماید.
 (d) آقای صادقی باید به همراه تمام کسانی که پرداخت قبض‌شان را به آخرین روز موکول کرده‌اند، در صف طولی بایستد.
 (e) برادر بهمن فراموش می‌کند که قرار بود گروه سرود را در جلسه کلیسا رهبری کند.

(۱) تهیه یک تقویم یا دفترچه قرار ملاقات

(۲) داشتن یک برنامه روزانه دقیق

(۳) تهیه فهرستی از چیزهایی که باید انجام شود

- ۵- مثل قید شده در متی ۱۴:۲۵-۳۰ به ما می‌گوید که خادمین باید در مورد چگونگی سرمایه‌گذاری‌شان، به مالک حساب پس بدهند. این بدین معنی است که:
 (a) استعدادهای یک فرد در واقع به خدا تعلق دارند و او باید گزارش دهد که چگونه آنها را به کار برده است.
 (b) مثل مربوط به کسانی می‌شود که واقعاً خادم هستند و نه به کسانی که شغل آزاد داشته، کارفرمای خود می‌باشند.
 (c) مالک معرف والدین شخص یا رهبران کلیسا است.

۶- خواهر مهرانگیز مایل است که توانایی اش را در امر تدریس سرمایه گذاری کند؛ این بدین معنی است که او باید:

- a) دعا کرده، از خدا بخواهد که به او نشان دهد که قابلیت هایش چه می باشند.
- b) از قابلیتش به دقت مراقبت کند، زیرا این تمام چیزی است که دارد.
- c) تدریس را بیاموزد و آنچه را که فرا می گیرد تمرین کند.

این آخرین درس از بخش دوم می باشد. بعد از انجام این خودآزمایی، دروس ۳-۶ را مرور کرده، به سؤالات آزمون میانی شماره ۲ پاسخ دهید. از رهنمودهای داده شده پیروی کنید.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۹- پاسخ خودتان.

(b) از آنجا که وقت شخص از سوی خدا به او داده شده است، او باید در مورد چگونگی کاربرد آن به خدا حساب پس بدهد.

(a-۱۰) و (b)

(c-۲) سرمایه‌ای است که خدا اجازهٔ ادارهٔ آن را به ما داده است.

(c-۱۱) خدا، هر موجود انسانی همگان و قابلیت‌ها. چنانکه درس اشاره می‌کند، سه عامل عبارتند از مالک، مدیران و سکه‌های نقره. آنها معرف خدا، هر موجود انسانی و قابلیت‌ها هستند. سه عامل را با آنچه که آنها معرف آن هستند اشتباه نگیرید.

۳- پاسخ خودتان. به احتمال زیاد نیاز به کنار گذاشتن وقتی منظم در هر روز برای دعا و مطالعهٔ کلام خدا را قید کرده‌اید.

(a-۱۲) و (c). به نظر شما کدام پیشنهاد ارائه شده در درس به مهری کمک خواهد کرد؟

۴- پاسخ خودتان. آیا شخص یا فعالیتی را که مهم است از قلم انداخته‌اید؟

۱۳- امیدوارم که واقعاً برای پاسخ به این سؤالات دقیقاً فکر کرده باشید! پاسخ‌های شما می‌توانند منتهی به این شوند که شما برخی از قابلیت‌هایی را که فکر نمی‌کردید داشته باشید، کشف کنید. و شاید متوجه برخی نیازهای اطراف‌تان شده باشید که می‌توانید در جهت پاسخ به آنها قدم بردارید.

۵- پاسخ خودتان. آیا چیزهایی که قبلاً وعدهٔ انجام آنها را داده‌اید، یادداشت کرده‌اید؟ آیا مسئولیت‌های دیگری نیز وجود دارند که لازم باشد وقتی را به آنها اختصاص دهید؟ در این صورت وقتی برای آنها پیدا کرده، آنها را نیز یادداشت کنید.

۱۴- b) متی ۲۵:۲۸. می‌توانیم از این آیه بیاموزیم که این امکان برای یک شخص وجود دارد که اگر به پرورش و کاربرد یک استعداد نپردازد، آن را از دست بدهد. خروج ۱:۳۱-۱۱ بیشتر مربوط به مهارت خاصی می‌شود که خدا به افراد می‌دهد و اول پطرس ۴:۱۰ مربوط به چگونگی کاربرد قابلیت‌ها می‌شود.

۶- پاسخ خودتان. آیا فراموش نکرده‌اید که وقتی را برای خداوند کنار بگذارید؟ برای خانواده‌تان و دیگران؟ برای خودتان؟

۱۵- پاسخ خودتان. آیا متوجه برخی طرق شده‌اید که بر طبق آنها می‌توانید از رفت و آمدهای غیرضروری اجتناب کنید؟ آیا متوجه شده‌اید که برخی چیزها وجود دارند که رسیدگی به آنها همین حالا اهمیت دارد؟

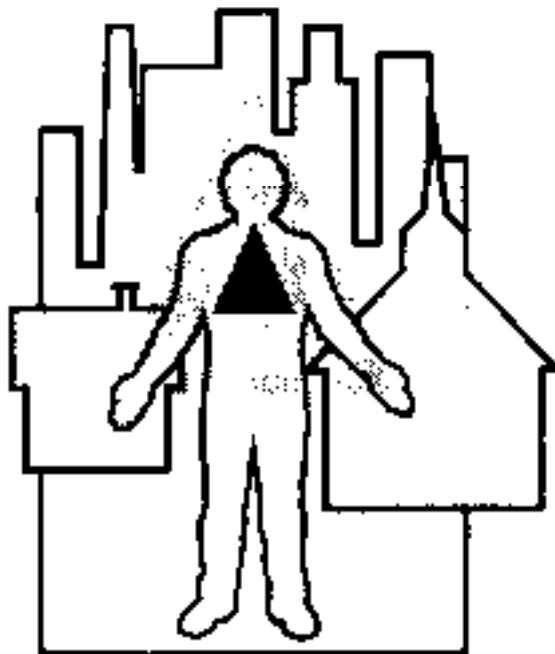
۱۶- c) پاسخ‌های a) و b) بیشتر مربوط به پرورش استعدادهايش می‌شود تا وقف کردن آنها.

۸- c) تهیه یک دفترچه قرار ملاقات. آقای نادری باید بنویسد که چه هنگام در نظر دارد که پسرش را به گردش ببرد. او با نگرستن به دفترچه یادداشتش مشاهده خواهد کرد که باید در وقت دیگری دوستش را برای مطالعه کتاب مقدس ملاقات نماید.

بخش سوم

مسئولیت‌های ما در مقام مباشر

انتشارات ایلام
نسخة الكترونيكي



مسئولیت ما در قبال پول و دارایی مان

آنچه که تاکنون آموختید، مربوط می‌شد به اداره آن دسته از عوامل و قابلیت‌هایی که در درون ما به ودیعت گذاشته شده است، یعنی نیروی تعقل، اراده، عواطف، بدن، وقت و قابلیت‌هایمان. اما چنانکه می‌دانید، اینها یگانه موهبت‌هایی نیست که خدا به ما داده است. نوع دیگری از مواهب نیز وجود دارد که پول و اموال، جزئی از آن می‌باشد. این درس به این مواهب می‌پردازد.

بسیار مهم است که بدانید چگونه پول و اموالی را که خدا به دست شما سپرده است، اداره کنید. با در نظر گرفتن این موضوع، این دروس به شما خواهد آموخت که چه اصولی را باید راهنمای خود قرار دهید، چه طرز فکر و نگرشی باید داشته باشید، و چه فنونی را باید بدانید که شما را در انجام وظایف‌تان یاری دهد.

رئوس مطالب

یادآوری اصول

ادعاهای خدا در مورد مالکیت

تعالیم عیسی

تعالیم مردان خدا

نگرش درست نسبت به پول و دارایی

دو رذیلت که باید از آنها اجتناب شود

دو فضیلت که باید پرورش داد

اداره اموالی که خدا به ما می‌دهد

کسب درآمد

تنظیم بودجه

خدا را در رأس قرار دهید
پول خود را خردمندانه خرج کنید



اهداف درس

پس از مطالعه این درس، باید بتوانید:

- توضیح دهید که کتاب مقدس در مورد انسان و پول چه تعلیمی می‌دهد.
- اصولی را که باید راهنمای یک مباشر مسیحی در کسب مال و اداره آن باشد، در زندگی خود پیاده کنید.

فعالیت‌های یادگیری

- ۱- این یک درس عملی است، حاوی پیشنهادهای بسیار برای کمک به شما در اداره پول و اموال‌تان. لطفاً همه تمرین‌های درس را انجام دهید.
- ۲- بعد از اتمام درس، آن را مرور نمایید، سپس به خودآزمایی پرداخته، پاسخ‌های خود را کنترل کنید.

یادآوری اصول

در درس ۱ و ۲، مفاهیم مربوط به مالک بودن خدا و مباشر بودن انسان را مورد ملاحظه قرار دادیم. این مفاهیم با پول و اموال رابطه و مناسبت بیشتری دارند، زیرا ما عادت کرده‌ایم که مباشر را معمولاً کسی بدانیم که پول و اموال را اداره می‌کند.

ادعای خدا در مورد مالکیت

در این جهان، ثروت انسان به پول و اموال اوست. اما خدا در مورد پول که تجسم ملموس آن از ایام باستان در طلا و نقره مشهود بوده است، می‌فرماید: «همه نقره و طلای جهان از آن منست» (حجی ۸:۲)؛ و در مورد دارایی و اموال که زمین نمونه بارز آن است، می‌فرماید: «زمین به خداوند تعلق دارد» (خروج ۲۹:۹). شایسته توجه است که خدا در لاویان ۲۳:۲۵ به اسرائیلیان حق استفاده از زمین را می‌دهد، اما عنوان مالکیت را برای خود نگاه می‌دارد. مالک زمین خدا است، نه انسان!

۱- با در نظر گرفتن ادعای مالکیت خدا، رفتار ما در قبال اموال مان چگونه باید باشد؟

تعالیم عیسی

بخش اعظم تعالیم خداوند عیسی، به انسان و ثروت او نیز مربوط می‌شود. از میان این تعالیم، موارد زیر بسیار برجسته هستند:

- ۱- ما نباید ثروت خود را در این دنیا ذخیره کنیم (متی ۱۹:۶-۲۱). این کار، رفتاری است احمقانه (لوقا ۱۲:۱۶-۲۱؛ مرقس ۸:۳۶).
- ۲- نمی‌توانیم هم خدا و هم پول را خدمت کنیم (متی ۲۴:۶).

۳- ما باید ثروت را در جهت کمک به فقر به کار ببریم. با این کار، گنجی عظیم در آسمان ذخیره خواهیم کرد (متی ۶:۲۰؛ ۱۹:۲۱؛ لوقا ۱۲:۳۳؛ ۱۶:۹).

۴- بسیار سخت است که دولتمندان وارد ملکوت خدا شوند (لوقا ۱۸:۱۸-۲۵). همه این تعالیم، حقیقت ذیل را آشکار می‌سازند: انسان باید ثروت را نه به طریقی که خود آن را درست می‌پندارد، بلکه به طریقی که خدا از او می‌خواهد، به کار برد. این امر بسیار منطقی است، با توجه به این واقعیت که خدا و نه انسان مالک حقیقی همه ثروت‌های جهان است. علاوه بر این، عیسی در مَثَل سه غلام (متی ۱۴:۲۵-۳۰)، ناظر زیرک (لوقا ۱۶:۱-۱۸)، و قنطارها (لوقا ۱۱:۱۹-۲۶)، به روشنی این واقعیت را تشریح می‌کند که انسان فقط مباشر و اداره‌کننده ثروت خود می‌باشد. در هر سه مورد، غلامان فقط مسئول اداره اموال مالک بودند.

تعالیم مردان خدا

در ایام قدیم، داود پادشاه یکی از مردانی بود که به روشن‌ترین وجه به معنی مباشرت اموال پی برد. او گفت که خدا مالک حقیقی ثروت‌هاست (اول تواریخ ۱۲:۲۹ و ۱۶). و وقتی غنایمی را که خود و بنی‌اسرائیل برای بنای هیکل جمع‌آوری کرده بودند به کار می‌برد، گفت که آنچه را که متعلق به خدا بوده است به او باز می‌گرداند (اول تواریخ ۱۴:۲۹، ۱۶-۱۷).



شاگردان اولیه نیز خود را مالک آنچه که داشتند نمی دانستند (اعمال ۳۲:۴)، بلکه با پیروی از تعلیم عیسی، از اموال خود برای دستگیری از فقرا بهره می جستند (اعمال ۳۴:۴؛ ۴۵:۲).

به همان طریق پولس رسول نیز اعلام کرد که ما مالک دارایی های دنیوی خود نمی باشیم؛ ما فقط استفاده کننده هستیم زیرا که «در این دنیا هیچ نیاوردیم و واضح است که از آن هیچ نمی توانیم برد» (اول تیموتائوس ۷:۶).

۲- کدام عبارات زیر بیانگر حالت کسی است که از تعلیم کتاب مقدس در مورد پول و اموال پیروی می کند؟

a) رامین برای کسب درآمد سخت کار کرده است. از آنجا که طبیعی می داند که آن پول متعلق به او باشد، آن را هر طور که می خواهد خرج می کند.

b) مهرانگیز مقداری از پول خود را برای کمک به خانواده فقیری صرف می کند تا برای فرزندان شان پوشاک بخرند.

c) آقای مانی تمام پول خود را در مکان امنی نگاه می دارد و به آن هم می افزاید تا بیشتر پول داشته باشد.

d) جمشید از هدایت خدا برای شبان شدن پیروی می کند، هر چند که می داند که به عنوان شبان پول زیادی در نخواهد آورد.

نگرش درست نسبت به پول و دارایی

دو ردیلت که باید از آنها اجتناب کرد

طمع

گناه طمع میلی است سیری ناپذیر برای داشتن مال بیشتر. گروهی از خبرنگاران روزنامه با یک میلیارد در مصاحبه کردند. یکی از ایشان پرسید: «به نظر ما شما به تمام جاه طلبی های خود رسیده اید. آیا چیز دیگری هم هست که در زندگی آرزویش را

داشته باشید؟» میلیاردر پاسخ داد: «آقای جوان، آرزویم این است که کمی بیشتر از آنچه دارم، به دست بیاورم!» ثروت، بدل به چه ارباب مستبدی شده است! آیا مسیح حق نداشت بگوید که: «زنهار از طمع پرهیزید، زیرا اگر چه اموال کسی زیاد شود، حیات او از اموالش نیست» (لوقا ۱۲: ۱۵)؟

پولس رسول گفته است که طمع همچون عبادت بت‌ها یا خدایان دروغین است (کولسیان ۳: ۵)، و آن را در رده جاهلان‌ترین گناهان قرار داده است (افسیسیان ۵: ۳-۵). در جای دیگر گفته است: «آنانی که می‌خواهند دولتمند شوند، گرفتار می‌شوند در تجربه و دام و انواع شهوات بی‌فهم و مضر» (اول تیموتائوس ۶: ۹). این بدین معنی است که طمع گناهی نیست که فقط گریبان دولتمندان را بگیرد. این گناهی است که هیچ کس نمی‌خواهد آن را اقرار کند. به علاوه پولس گفته است که پول دوستی، ریشه همه بدی‌هاست (اول تیموتائوس ۶: ۱۰). کاش اطمینان حاصل کنیم که مالک را دوست داریم، نه اموالی را که او به ما واگذار کرده است!

۳- چرا مسیح به ما هشدار داد که در مورد طمع هوشیار باشیم؟

غصه خوردن

احساس زیانبار نگرانی و غصه همطراز طمع می‌باشد. گاهی اوقات به نظر می‌رسد که یکی از این دو، آن دیگری را در پی دارد. مسیح مطالب زیادی در مورد نگرانی افراطی برای نیازهای مادی تعلیم داد. او در متی ۲۵: ۶-۳۴ سه دلیل آورد که چرا نباید غصه بخوریم:

۱- زندگی و بدن‌مان را خدا به ما داده است. این دارایی‌ها با ارزش‌تر از خوراک و پوشاکی است که باعث بقای زندگی و حفظ بدن می‌باشند. اگر زندگی و بدن را خدا به ما عطا فرموده، یقیناً هر چیز دیگری را که برای بقا و حفظ آنها ضروری است، خواهد داد. او اجازه نخواهد داد که از گرسنگی بمیریم یا برهنه بمانیم. او اجازه نمی‌دهد که این اتفاق برای پرندگان و گل‌ها بیفتد، چه برسد به ما که مباشرین او هستیم!

۲- خدا می‌داند که ما به خوراک و پوشاک نیاز داریم و آماده است تا این چیزها را به ما بدهد.

۳- هر روز نگرانی خاص خود را دارد. بنابراین بی‌فایده است که به غصه‌های امروز نگرانی‌های فردا را نیز بیفزاییم.

پولس رسول نیز می‌فرماید که نباید در مورد چیزی نگران شویم بلکه باید نیازهای خود را در دعا به حضور خداوند ببریم (فیلیپیان ۴:۶). او کاملاً اطمینان داشت که خدا تمام نیازهای ما را برآورده خواهد ساخت (فیلیپیان ۴:۱۹).

پطرس رسول توصیه‌ی مشابهی کرده، می‌فرماید: «تمام اندیشه‌ی خود را به وی واگذارید زیرا که او برای شما فکر می‌کند» (اول پطرس ۵:۷). بهتر است به جای نگرانی برای نیازهای مان، نگران این باشیم که مقبول کسی واقع شویم که نیازهای ما را به ما می‌دهد.

حدود نوزده سال پیش، روزی به‌طور ناگهانی متوجه شدم که من و خانواده‌ام برای اولین بار در زندگی مان برای ظهر هیچ خوراکی نداریم. هیچ چیز در خانه نداشتیم که بخوریم. من و همسرم مصمم بودیم که اگر خواست خدا چنین است، گرسنگی را تحمل کنیم (فیلیپیان ۴:۱۲). اما نمی‌توانستم درک کنم که چرا دختر یکساله‌ام باید همین تجربه را بگذراند. چاره‌ی دیگری نبود. اما شرایط به همان شکل باقی نماند. خدا از ده روز پیش ترتیباتی داده بود و در همان روز آنقدر مواد غذایی دریافت کردیم که برای یک ماه ما کافی بود! حقیقتاً خدا به نیازهای فرزندان‌ش پاسخ داده، از آنها مراقبت می‌کند. اگر دوره‌ای را می‌گذرانید که با مشکلات مالی عظیمی دست به گریبانید، خدا می‌تواند همان کاری را که برای ما کرد برای شما نیز بکند.

۴- آیا چیزهایی هستند که در مورد آنها نگران شده باشید؟ آنها را در دفتر یادداشت‌تان نوشته، دعا کنید که خداوند به شما کمک کند تا به او اعتماد کنید تا آنها را بر طرف سازد. در دعا به او بگویید که این نگرانی‌ها را به او واگذار کرده‌اید، لذا لزومی ندارد که خود نگران آنها باشید. چرا ما باید نگرانی‌های مان را به خدا بسپاریم؟

دو فضیلتی که باید پرورش داد

قناعت و رضایت

قناعت عبارتست از قانع و راضی بودن به آنچه که داریم، چه زیاد و چه کم (عبرانیان ۵:۱۳). این فضیلت درست در نقطه مقابل رذیلت طمع قرار دارد. با این حال نباید تصور کرد که این فضیلت به معنی تسلیم شدن به فقر می‌باشد (امثال ۹-۸:۳۰).

بر طبق متی ۱۵:۲۵، خدا نعمت‌های خود را بر حسب قابلیت هر یک از مباشرینش در میان ایشان تقسیم می‌کند که آنها را اداره کنند. به برخی بیشتر می‌دهد و به بعضی دیگر کمتر. اما اگر مباشری در اداره نعمات اندک امین باشد، خداوند چیزهای بیشتری را به او واگذار خواهد کرد (متی ۲۱:۲۵). بنابراین، باید به آنچه که خدا به ما داده است راضی باشیم (اول تیموتائوس ۶:۶ و ۸) و به او اعتماد داشته باشیم که در موقع مناسب، بیشتر به ما خواهد داد.

مباشر مسیحی باید میان نیازها و خواسته‌هایش تمایز قائل شود. خدا به ما قول داده که نیازهای مان را برطرف سازد (فیلیپیان ۱۹:۴)؛ اما قول نداده که هر چه میل داریم، به ما بدهد (یعقوب ۳:۴). از آنجا که او از ما مراقبت می‌نماید، پس می‌داند که چه چیز برای ما بهترین است. اگر یک ایماندار به اندازه نیازش داشته باشد، باید که به این قناعت کند و راضی و قانع باشد.

سخاوت

فضیلت سخاوت یعنی بخشش از صمیم قلب. این یکی از صفات خداست (اول تیموتائوس ۱۷:۶)، زیرا حتی پسرش را برای ما داد (یوحنا ۱۶:۳). سخاوت همچون رضایت، در نقطه مقابل طمع است. شخص طماع اموال را برای خود می‌اندوزد، اما شخص سخی و گشاده‌دست، اموالش را برای خیر دیگران می‌بخشد (اعمال ۴۵:۲؛ ۳۷-۳۴:۴).



در درس ۲ آموختیم که دادن یعنی سرمایه‌گذاری و به‌کار بردن مواهب و اموالی که متعلق به خداست؛ به عبارت دیگر، دادن، بخش مهم مباشرت مسیحی است. در این معنا، می‌توانیم بگوییم که شخص طماع اموال خدا را برای خود برداشته، آنها را مطابق میل خود مورد استفاده قرار می‌دهد، اما شخص سخی آنها را به‌درستی اداره کرده، به طریقی که خدا می‌خواهد به‌کار می‌برد.

اراده خدا این است که همه مباشرینش سخی باشند. سخاوت مباشر در وهله اول باید در رابطه‌اش با خدا مشهود گردد (خروج ۵:۳۵). هیچ کس نباید با دستان خالی نزد خدا آید (تثنیه ۱۶:۱۶-۱۷).

۵- در دفتر یادداشت‌تان، چند طریقی را بنویسید که به‌واسطه آنها می‌توانید سخاوت خود را نسبت به خدا نشان دهید.

یک نمونه برجسته سخاوت، مریم است (یوحنا ۳:۱۲). او هدیه گرانمایی به عیسی تقدیم کرد. اما نکته مهم، گران بودن آن هدیه نبود، بلکه ارزش آن از این جهت بود که مریم عمیق محبت خود را نسبت به خداوند نشان داد. و عیسی فرمود که هر جا که انجیل موعظه شود، کار مریم به‌یاد آورده خواهد شد.



سؤال مهمی که باید مورد ملاحظه قرار دهیم، این است: آیا یک شخص فقیر می‌تواند سخی باشد؟ بله، بر طبق آنچه که کتاب مقدس به ما می‌آموزد، می‌تواند. در عهدعتیق، خدا این قاعده را مقرر ساخت که اگر کسی نتواند گوساله یا بره یا بز نر قربانی کند، می‌تواند یک جفت فاخته یا دو جوجه کبوتر به عنوان قربانی بگذراند (لاویان ۱: ۱۴؛ ۵: ۷؛ ۱۲: ۸). یوسف و مریم دو کبوتر قربانی کردند، و این نشان فقر آنان بود (لوقا ۲: ۲۴).

نمونه بیوه‌ای که دو سکه ناچیز مسی تقدیم کرد (لوقا ۲: ۲۱-۴)، این واقعیت را تأیید می‌کند که افراد فقیر می‌توانند خیلی سخاوتمند باشند. او بسیار فقیر بود، اما با دادن آن دو سکه ناچیز، در واقع تمام دارایی خود را داد. به همان طریق، ایمانداران مقدونی حتی با وجود زیادتى فقرشان، سخاوتی بی‌نهایت بزرگ کردند و فوق طاقت خود دادند (دوم قرنتیان ۸: ۱-۳).

- ۶- فرض کنید که برخی از دوستان شما جملات ذیل را عنوان کنند. بر پایه آنچه که در این درس آموخته‌اید، جملاتی را که با آنها موافقت، مشخص کنید.
- (a) امکان ندارد که افراد فقیر طماع باشند.
 - (b) کتاب مقدس می‌گوید که ریشه تمامی بدی‌ها پول است.
 - (c) عیسی به مردم تعلیم داد که نگران نیازهای مادی‌شان نباشند.
 - (d) فرق میان افراد طماع و افراد سخی در مقدار اموالی است که دارند.
 - (e) این امکان وجود دارد که شخص فقیر سخاوتمند باشد.

۷- در تمرین شماره ۶، با برخی از جملات موافق بودید و با بعضی دیگر مخالف. همه جملات را دوباره بخوانید. در جدول زیر، در کنار حروف مربوط به هر جمله از تمرین ۶، موافقت و مخالفت خود را بنویسید. در محل بعدی، محل حداقل یک آیه را که پشتوانه پاسخ شماست، قید کنید. به اولین مورد به عنوان نمونه پاسخ داده شده است.

جملات	موافق یا مخالف	محل آیه پشتوانه
(a) (b) (c) (d) (e)	مخالف	اول تیموتائوس ۹:۶

اداره اموالی که خدا به ما می دهد

کسب درآمد

عنوان بالا عجیب به نظر می آید، چنین نیست؟ اما پول در آوردن الزاماً به معنی انباشتن ثروت نیست. در مثل سه غلام می خوانیم مالک به غلامانی که سود کسب کرده بودند، پاداش داد و غلامی را که چنین نکرد، مجازات نمود. این به ما نشان می دهد که خدا از ما می خواهد که درآمدی داشته باشیم، زیرا که پول در آوردن بخشی از مباشرت ماست.

اما ممکن است بگویید: آیا پول چیز بدی نیست؟ البته که نه. عده ای هستند که می گویند که پول کثیف و پلید است؛ اما آنچه که پلید است، عشق به پول است؛ و آنچه که کثیف و پست است، استفاده پلید از آن می باشد. پول به خودی خود می تواند یک برکت باشد. می تواند باعث رونق کار خدا در دنیا، کمک به فقرا، و برآورده

ساختن نیازهای انسان‌ها شود. اگر مبادری با در نظر داشتن این اهداف، کسب سود نماید، خدا به او برکت خواهد داد. ابراهیم، اسحاق و ایوب مردان مقدسی بودند و خدا ایشان را برکت داد (پیدایش ۱۲:۵؛ ۱۲:۲۶-۱۳؛ ایوب ۱:۱-۳؛ ۱۲:۴۲). با این حال لازم است که مباشر خدا به هنگام پول در آوردن، از برخی اصول متابعت نماید.

۱- **مباشر مسیحی باید با کار کردن، پول در بیاورد.** این طریق شرافتمندانه کسب درآمد است (افسیان ۲۸:۴؛ دوم تیموتائوس ۵:۲). پولس رسول نیز تعلیم داد که ایمانداران باید برای تأمین معیشت خود کار کنند (دوم تسالونیکیان ۱۲:۳) و «اگر کسی خواهد کار نکند، خوراک هم نخورد» (دوم تسالونیکیان ۱۰:۳). رابطه میان کار و کسب درآمد از سوی خداوند مقرر شده است. او فرموده است که کارگر مستحق مزد خود می‌باشد (لوقا ۷:۱۰). اما اگر ایماندار خود را تسلیم سستی و کاهلی نماید، چه فقری گریبان او را خواهد گرفت و چه توهینی به خدا خواهد شد (امثال ۱۳:۴؛ ۴:۲۰؛ ۳۰:۲۴-۳۴)!

۸- در دفتر یادداشت‌تان، چند طریق را که به واسطه آنها پول می‌تواند یک برکت باشد نام ببرید.

با این حال، مباشر مسیحی اگر قرار است که به‌طور شرافتمندانه کسب درآمد کند، باید به‌طور جدی به این مورد فکر کند که برای چه کسی کار می‌کند: آیا برای کامیابی کسی کار می‌کند که الف) او را وادار می‌نماید تا با دروغ و فریب و کلاه‌گذاری بر سر همسایه‌اش، مرتکب خطا شود؟ یا ب) در تجارت یا فروش محصولاتش وارد شده که به زندگی همسایه‌اش صدمه می‌زند یا آن را نابود می‌سازد، نظیر مثلاً خرید و فروش مشروبات الکلی، سیگار، و اسلحه؟

۲- **مباشر مسیحی نباید از طرق نامشروع پول در بیاورد.** پولس رسول تعلیم داد که خادم مسیحی به‌عنوان مباشر خدا نباید طماع پول باشد (اول تیموتائوس ۳:۳؛ تیطس ۷:۱). نتیجتاً یک ایماندار نباید از طرق ذیل پول به‌دست آورد:

الف- دزدی. عقیده دزدی از ثروتمندان، در برخی نقاط جهان به عنوان عملی عادلانه رایج است؛ اما کتاب مقدس تمایزی میان انواع عادلانه یا غیرعادلانه دزدی قائل نمی شود (خروج ۱۵:۲۰؛ افسسیان ۴:۲۸).

ب- تجارت نادرست. بعضی بر این عقیده اند که در تجارت هر چیزی مجاز است. ایشان رابطه ای میان تجارت و اخلاقیات نمی بینند. استثمار افراد، احتکار، تقلب و کلاهبرداری جزوی از روال تجارت به حساب می رود.

ج- قمار، شرط بندی، و بلیط بخت آزمایی. برخی سازمان ها علناً با اعلام اینکه شرط بندی و قمار و لاتاری (بلیط های بخت آزمایی) کوتاه ترین راه برای ثروتمند شدن است، طمع را تشویق می کنند. حقیقت این است که ایشان عده اندکی را به قیمت فقیر کردن بسیاری از افراد ثروتمند می کنند. شرط بندی کسانی را که در آن شرکت می کنند، آلوده می سازد، و بر اصل غیرشرافتمندانه کسب پول زیاد با سرمایه گذاری بسیار اندک استوار است.

۹- جملاتی را که بیانگر راه درست کسب درآمد بر طبق کتاب مقدس است، مشخص کنید.

a) آقای ها کوپیان حقوق ناچیزی دارد. وی تصمیم می گیرد که مقداری از آن را برای بلیط بخت آزمایی استفاده کند تا شاید بتواند پول بیشتری به دست آورد تا به خداوند بدهد.

b) خواهر ناهید در فروشگاهی کار می کند. صاحب فروشگاه به او گفته است که در بسته های ۵ کیلویی برنج، ۴/۵ کیلو برنج بریزد و برای فروش روی طبقات بگذارد. در ضمن به او گفته است که اگر این کار را نکند، اخراج خواهد شد. خواهر ناهید تصمیم می گیرد که کارش را ترک کرده، به دنبال کار دیگری بگردد.

c) همسایه آندره از او خواسته که در تاریکی شب، همراه او برود تا از درخت هایی که متعلق به یک خانواده ثروتمند است میوه بچینند. خانواده فقیر آندره

میوه خیلی دوست دارند، اما آندره چون این فکر را برخلاف کتاب مقدس می داند، با پسر همسایه همراه نمی شود.

تنظیم بودجه

مشکلی که بسیاری از مردم با آن روبرو هستند، خرج کردن پولی است که به دست می آورند. معمولاً مردم بیش از آنچه که در می آورند، خرج می کنند. نتیجتاً مقروض شده، از اینکه نمی توانند قرض های خود را پرداخت کنند، مضطرب می شوند.

بودجه فهرستی است که هزینه ها را بر اساس درآمد تنظیم می کند. بودجه به شخص کمک می کند تا با موقعیت مالی واقعی اش مواجه شود؛ اگر مخارج او بیش از درآمدش باشد، باید مخارج را کاهش دهد.

برای تدوین یک بودجه می توانید ابتدا درآمد ماهانه یا هفتگی تان را روی یک ورق کاغذ بنویسید. پس از مشخص شدن مجموع درآمدهای تان، مخارج مختلف تان را بنویسید و آنها را نیز جمع بزنید. جمع مخارج تان نباید از جمع درآمدها بیشتر باشد.

در اینجا یک نمونه ساده از یک بودجه بندی را به عنوان مثال عرضه می داریم. این نمونه گرچه قطعاً با واقعیت شرایط شما تفاوت دارد، اما به شما نشان خواهد داد که بودجه چگونه تنظیم می شود.

مخارج		درآمد	
۴۸۰ دلار	دهیک و هدایا	۳۰۰۰ دلار	حقوق ثابت
۱۲۰۰ دلار	اجاره خانه	۵۰۰ دلار	متفرقه
۹۰ دلار	آب و برق	۳۵۰۰ دلار	جمع
۱۱۰۰ دلار	خوراک		
۱۲۰ دلار	پوشاک		
۵۰ دلار	مخارج تحصیلی فرزندان		
۳۰۰ دلار	ایاب و ذهاب		
۱۶۰ دلار	پس انداز		
۳۵۰۰ دلار	جمع		

به دلیل تورم، هر چند وقت یک بار مجبور خواهید شد که بودجه خود را برحسب موقعیت جدید تعدیل کنید. اما اگر به جای مبالغ واقعی، مخارج خود را به صورت درصدی از درآمدها تنظیم کنید، احتیاجی نخواهد بود که مکرراً به تعدیل و تنظیم مجدد بودجه بپردازید.

۱۰- در دفتر یادداشتان، با پیروی از مثال عرضه شده در درس، بودجه ای را برای خود تنظیم کنید.

خدا را در رأس قرار دهید

شاید توجه کردید که در نمونه فوق، دهیک و هدایا در فهرست مخارج، اولین قلم بودند. شایسته است که چنین باشد. خدا در زندگی ما باید در رأس باشد. در واقع هر چه داریم، از او داریم. او به ما فرموده که بخشی از درآمدمان را برای پیشبرد کار او در این جهان کنار بگذاریم. این بخش شامل دهیک و هدایا می‌شود. دهیک طبعاً یک دهم درآمد ماست، اما هدایا می‌تواند به هر میزانی باشد.

منشأ و تاریخچه دهیک

ما نمی‌دانیم که رسم دهیک دادن چه هنگام آغاز شد، اما می‌دانیم که از روزگار هابیل و قائن هدیه دادن به خدا مرسوم بوده است (پیدایش ۴:۳-۵). دهیک برای اولین بار در روزگار ابراهیم قید شده است. در واقع او دهیک خود را به ملکیصدق، کاهن و پادشاه اورشلیم داد (پیدایش ۱۴:۲۰). از مطالب کتاب مقدس چنین بر می‌آید که دهیک یک رسم استقرار یافته بود؛ هیچ سندی وجود ندارد که نشان دهد دهیک نخستین بار در همین زمان مقرر شده باشد. علاوه بر این، بر طبق شواهد، کلدانی‌ها یعنی قومی که ابراهیم از بین ایشان برخاست، از دوران بسیار قدیم به دهیک دادن عمل می‌کردند.

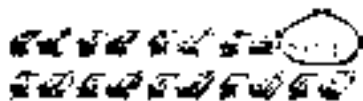
در پیدایش ۲۲:۲۸ مشاهده می‌کنیم که یعقوب با تشریفات جدی وعده می‌دهد که دهیک هر آنچه که خدا به او داده است را به خدا می‌دهد. قرن‌ها بعد، عمل دهیک دادن از سوی خداوند به عنوان حکمی از شریعت مقرر شد (لاویان ۲۷:۳۰-۳۲). دهیک از سوی خداوند عیسی به رسمیت شناخته شد (متی ۲۳:۲۳). او رهبران مذهبی را به خاطر دهیک دادن سرزنش نکرد، بلکه به این خاطر که چیزهای مهم‌تر را مورد غفلت قرار می‌دادند، در حالی که در مورد دهیک بسیار دقیق و مراقب بودند. لذا عیسی به روشنی گفته است: «می‌بایست آنها را (تعالیم اخلاقی و معنوی شریعت) به جا آورده، اینها را (دهیک‌ها) نیز ترک نکرده باشید.»

پولس رسول به کلیساها تعلیم داد که بر طبق اصول دهیک، بخشش کنند (اول قرنیتیان ۱۶:۱-۲). او به همه ایمانداران تعلیم داد که الف) مقداری پول، ب) هر یکشنبه (یعنی دوره‌ای)، و ج) به نسبت درآمدشان (دهیک نسبتی از درآمدهاست)، کنار بگذارند. بدینسان، به‌نظر می‌رسد که برای دادن منظم به خدا، طرحی بهتر از دهیک دادن وجود نداشته باشد.

۱۱- کتاب مقدس موضوع دهیک را برای اولین بار چه هنگام عنوان می‌کند؟

محاسبه دهیک

اگر شما پول نداشته و بجای آن صاحب احشام و تولیدات زراعی باشید، می‌توانید دهیک خود را به همان شکلی که اسرائیلیان در ایام عهدعتیق می‌پرداختند، پردازید. به‌عنوان مثال اگر طی یکسال ۲۷ بره داشته باشید، دهیک شما ۳ بره خواهد بود. اگر شغل آزاد داشته باشید، دهیک شما ۱۰٪ درآمدتان خواهد بود. اگر درآمد شما به شکل حقوق یا مستمری مثلاً ۳۰۰۰ دلار باشد، دهیک شما ۳۰۰ دلار خواهد بود. امکان دارد که گاهی اوقات علاوه بر حقوق‌تان، منابع مالی دیگری نیز داشته باشید. کار درست این است که دهیک این درآمدها را نیز پردازید. آنها برکات خدا می‌باشند! نکته مهم به یاد داشتن این امر است که اگر بذر اندکی بکارید، محصول اندکی برداشت خواهید کرد؛ اما اگر بذر بیشتری بکارید، محصول بیشتری درو خواهید کرد (دوم قرنیتیان ۹:۶).



برکات ناشی از دهیک

در ملاکی ۳:۱۰ خدا به ما می‌آموزد که همه نوع برکاتش را بر کسانی که دهیک می‌دهند به فراوانی فرو خواهد ریخت. و اگر در این مورد شک دارید، خدا خود می‌گوید: «مرا به این طور امتحان نمایید!» کسانی که دهیک می‌دهند، فقط به‌خاطر

اینکه نه دهم از اموالشان را به نیازهایشان اختصاص می‌دهند، فقیرتر نخواهند شد. یک ایماندار را به من نشان دهید که از نداشتن پول کافی برای زندگی شکایت می‌کند و من به شما نشان خواهم داد که او دهیکش را به خداوند نداده است. در واقع، آن عده از ما که دهیک می‌دهند، از روی تجربه می‌دانند که نه دهم مال به‌همراه برکت خدا، خیلی بیش از ده دهم بدون دهیک تکافوی نیازها را می‌کند (امثال ۹:۳).

سرانجام، مهم است که حالت خود را به‌هنگام دادن به خدا مورد ملاحظه قرار دهیم. در دوم قرنتیان ۷:۹ می‌خوانیم که ما نباید «به حزن و اضطراب» بدهیم؛ «زیرا خدا بخشنده خوش را دوست می‌دارد.» اگر به‌هنگام دادن، ناخشنود باشیم یا اینکه صرفاً خود را مجبور به دادن بپنداریم، آنگاه خود را از برکت کامل خدا محروم می‌سازیم. اما اگر با خوشی بدهیم و به‌عنوان عملی پرستشی و عبادتی، راه را برای وفور برکات خدا می‌گشاییم.

۱۲- اگر حقوق کسی ۲۰۰۰ دلار باشد و درآمدهای متفرقه‌اش نیز ۳۱۲ دلار

باشد، دهیک او چقدر خواهد بود؟

(a) ۲۰۰ دلار

(b) ۲۱۰ دلار

(c) ۲۳۰ دلار

(d) ۲۳۲ دلار

۱۳- عبارات مربوط به دهیک (سمت راست) و محل آیات (سمت چپ) را با یکدیگر انطباق دهید.

(a) به کسانی که دهیک می پردازند، وعده برکت داده شده است.

(b) پولس رسول تعلیم داد که کلیساها طبق اصول مربوط به دهیک، هدیه بدهند.

(c) ابراهیم دهیک پرداخت.

(d) یعقوب به خدا وعده داد که دهیک خواهد پرداخت.

(e) عیسی دهیک را تأیید کرد.

(۱) پیدایش ۲۰:۱۴

(۲) پیدایش ۲۲:۲۸

(۳) ملاکی ۱۰:۳

(۴) متی ۲۳:۲۳

(۵) اول قرنتیان ۱۶:۱-۲

۱۴- دوم قرنتیان ۹:۶-۱۵ را بخوانید. در دفتر یادداشتان فهرستی از تمام چیزهای نیکویی تهیه نمایید که نصیب ایمانداری می شود که با حالت و برخوردی درست به خدا هدیه می دهد.

پول خود را خردمندانه خرج کنید

حتی المقدور نقد خرید کنید

اگر جنسی را به طور اقساط خریداری کنید، همیشه برای تان گران تر تمام می شود زیرا شخصی که آن را به شما می فروشد، بهره پول را نیز به قیمت آن می افزاید. و اگر وضعی اضطراری پیش بیاید که نتوانید اقساط را بپردازید، ممکن است که هم کالایی را که خریداری کرده اید از دست بدهید و هم قسطهای پرداخت شده را.

از قرض کردن پرهیزید

کتاب مقدس به ما می‌گوید که مدیون هیچ کس نباید بود (رومیان ۸:۱۳). این امر حقیقت بزرگی است. قرض گرفتن، به‌نظر راه حلی ساده برای مشکلات مالی می‌رسد، اما گاهی اوقات این مداوا می‌تواند بدتر از بیماری باشد. اگر به‌موقع دین خود را ادا نکنید، هم شهادت بدی داده‌اید، هم دوستان را از دست می‌دهید، و شاید حتی گاه از سلوک مسیحی‌تان دور شوید. بسیاری از ایمانداران به‌خاطر اینکه نتوانسته‌اید قرض برادری را پس بدهند، از شرمساری دیگر به کلیسا نرفته‌اند تا با او روبرو نشوند! خیلی بهتر است که نیازهای مان را در دعا نزد خدا ببریم. او مطمئناً به آن پاسخ خواهد داد.

اما اگر بدهی دارید، آنها را به‌موقع پردازید. و اگر به‌خاطر یک وضعیت اضطراری نتوانستید به قول خود عمل کنید، از دیدن کسی که به شما پول قرض داده است پرهیز نمایید. نزد او بروید و موقعیت خود را توضیح دهید. بدون شک او چند روز بیشتر هم صبر خواهد کرد، و شما با نشان دادن اینکه فرد مسئولی هستید، شهادت نیکویی بر جای خواهید گذاشت.

۱۵- اگر به کسی بدهی دارید و نمی‌توانید آن را به‌موقع پردازید، چه باید بکنید؟

چیزهایی را بخرید که ضروری است

در مخارج خود اولویت‌ها را در نظر بگیرید. به‌عنوان مثال چرا باید پول‌تان را برای کالاهای تجملی تلف کنید و چیزهایی را که واقعاً نیاز دارید نخرید؟ یک زن و شوهر و دو فرزندشان مجبور بودند که در یک تخت‌خواب بخوابند، اما یک تلویزیون رنگی خریدند!

صرفه‌جویی نمایید

پیش از خرید، قیمت‌ها را کنترل کنید. اگر در پشت ویتترین مغازه‌ای چیزی را می‌بینید که برای‌تان جالب است، بدانید که گاهی اوقات می‌توانید همان جنس را چند

خیابان پایین تر، به قیمت نازل تری خریداری نمایید. اما فکر نکنید اگر چیز ارزانی را با کیفیتی پایین خریدید، استفاده مالی کرده‌اید. گاهی اوقات چیزهای ارزان تر در بلندمدت گران تر تمام می‌شوند!

حتی‌الامکان از چیزهایی که دارید، بهترین استفاده را بنمایید. از پوشاک و وسایل تان تا آنجا که دوام می‌آورند، مراقبت کنید. آب و برق را هدر ندهید. چرا باید هزینه بیشتری برای برق بپردازید؟

اگر زن خانه‌دار هستید، می‌توانید آشپزی را به‌طور سنجیده‌ای انجام دهید طوری که پس‌مانده‌ای نماند. اگر غذا اضافی آمد، آن را دور نریزید. می‌توانید آنها را بار دیگر در خوراک دیگری مورد استفاده قرار داده یا به شخص نیازمندی بدهید. تعلیم عیسی هنگامی که نان و ماهی را برکت داده، کثیر نمود، در این ارتباط بسیار به‌جا و مناسب است (یوحنا ۶:۱۲-۱۳).

۱۶- عباراتی را که بیانگر حالت فردی است که از اصول ارائه شده در درس در مورد استفاده خردمندانه از پول پیروی می‌کند، مشخص کنید.

a) خانم منصوری به‌طور دقیق برنامه‌ریزی می‌کند تا بیش از ظرفیت اشتهای خانواده، غذا نپزد.

b) جلال مقداری پول به ساسان بدهکار است. او نمی‌تواند قرض خود را پس بدهد، لذا از رفتن به کلیسایی که هر دو عضو آن هستند، خودداری می‌کند.

c) سوزان پوشاکی را که فرزندانش بدان نیاز دارند از اولین فروشگاه‌ای که به آن می‌رسد، می‌خرد.

d) حمید میل دارد یک رادیوی جدید بخرد. اما ابتدا نیازهای اولیه‌اش را در نظر می‌گیرد و سپس پولی را که باقی می‌ماند برای خرید رادیو کنار می‌گذارد.

خودآزمایی

- ۱- عباراتی را که با تعلیم کتاب مقدس در مورد ثروت توافق دارد، مشخص کنید.
 - (a) امکان ندارد که دولتمندان وارد ملکوت خدا شوند.
 - (b) داود پادشاه گفت که از اموال شخصی خود به خدا می‌دهد.
 - (c) کارهایی را که برای دیگران انجام می‌دهیم، به گنجینه ما در آسمان می‌افزاید.
 - (d) ثروت‌های زمینی متعلق به خداست، اما او زمین را به نوع بشر داده است.
 - (e) شخصی که ثروت می‌اندوزد، کاری نابخردانه می‌کند.
- ۲- جملات زیر را از سمت راست، با حالتی که به آن اشاره می‌کند (از سمت چپ) انطباق دهید.
 - (a) حالتی که باعث می‌شود شخص بیشتر و بیشتر بخواهد.
 - (b) حالتی که به منزله پرستش بت‌ها یا خدایان دروغین است.
 - (c) در متی ۲۵:۶-۳۴ عیسی به ما دلایل مربوط به اینکه چرا نباید چنین رفتاری را داشته باشیم ارائه می‌دهد.
 - (d) در اول پطرس ۵:۷ می‌خوانیم که چرا نباید این حالت را داشته باشیم.
 - (۱) طمع
 - (۲) غصه خوردن
- ۳- جملات حاکی از شخصی را که نگرشش نسبت به پول و اموال، مطابق با کتاب مقدس است، مشخص سازید.
 - (a) چنگیز با وجود آنکه هر چیز مورد نیازش را دارد اما ناخشنود است زیرا که چیزهای دیگری نیز وجود دارد که او میل دارد صاحب آنها شود.
 - (b) سوزان حقوق بسیار ناچیزی می‌گیرد، اما برای زندگی کافی است و او از داشتن آن خشنود است.

(c) سعید چیزهای بسیار اندکی دارد، لذا فکر نمی‌کند که لازم باشد چیزی را با دیگران تقسیم نماید.

۴- در زیر عباراتی آمده که با اصول کتاب مقدس در مورد کسب پول توافق ندارند. در مقابل هر یک، محل آیه‌های کتاب مقدس را که نادرستی این جملات را نشان می‌دهد، بنویسید.

- (a) یک مباشر مسیحی نباید در پی کسب سود باشد.
- (b) اگر کسی پولی را که در می‌آورد برای خداوند به کار ببرد، دیگر راه کسب آن پول مهم نیست.
- (c) یک شخص عادل می‌تواند با دزدیدن از اغنیا، عدالت را برقرار نماید.
- (d) اگر ایمان‌داری نمی‌خواهد کار کند، دیگران باید از او مراقبت نموده، به او خوراک دهند.

(e) برکت خدا شامل چیزهای مادی نمی‌شود.

۵- آرتور و همسرش احتیاج دارند مبلمان جدیدی برای خانه‌شان خریداری کنند. اما به اندازه کافی پول ندارند که آنها را نقداً خریداری نمایند. بر طبق اصول مربوط به صرف خردمندانه پول که در درس ارائه شده است ایشان باید:

- (a) دوستی را پیدا کنند که به ایشان پول لازم را قرض بدهد.
- (b) کل کالاها را به طور اقساط بخرند.
- (c) فقط وسایلی را بخرند که بتوانند نقداً پول آن را بپردازند.
- (d) از پس اندازی که برای مواقع اضطراری کنار گذاشته‌اند استفاده نمایند.

- ۶- فرض کنید که در سؤال ۵ در بالا، آرتور و همسرش تصمیم می‌گیرند که شق الف را انتخاب کنند یعنی دوستی را ببندند که به ایشان پول لازم را قرض بدهد. این انتخاب مستقیماً علیه کدام اصل می‌باشد؟
- (a) خرید نقد تا آنجا که امکان‌پذیر باشد.
- (b) اجتناب از مقروض شدن.
- (c) خرید آنچه که ضروری است.
- (d) صرفه‌جویی کردن.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۹- (b) خواهر ناهید ...

(c) همسایه آندره ...

۱- باید آنها را متعلق به خدا بدانیم نه به خودمان.

۱۰- پاسخ خودتان. آیا مخارج شما بیشتر از درآمدهای شما می‌باشد؟ در این صورت

آیا می‌توانید برخی مخارج را کاهش دهید؟

۲- (b) مهرانگیز ...

(d) جمشید ...

۱۱- کتاب مقدس دهیک را برای اولین بار در روزگار ابراهیم قید می‌کند.

۳- زندگی حقیقی یک شخص وابسته به اموالش نیست.

۱۲- جواب d درست است. اگر مورد c را انتخاب کنید، مبلغی را انتخاب

کرده‌اید که تقریباً درست است. (۱۰٪ آن مقدار به‌طور دقیق ۲/۲۳۱ دلار خواهد بود.

در پاسخ d، مبلغ دهیک، یک رقم به‌طرف مبلغ بالاتر گرد شده است.)

۴- زیرا که خدا از ما مراقبت می‌نماید.

۱۳- (a) ۳ ملاکی ۱۰:۳

(b) ۵ اول قرن‌تین ۱۶:۱-۲

(c) ۱ پیدایش ۲۰:۱۴

(d) ۲ پیدایش ۲۲:۲۸

(e) ۴ متی ۲۳:۲۳

۵- به احتمال زیاد، نکاتی نظیر دادن سخاوتمندانه از پول، وقت و

استعدادهای‌تان را به خدا نوشته‌اید.

۱۴- پاسخ شما باید امور ذیل را فهرست وار بیان کند:

- (a) هر چه که نیاز دارید خواهید داشت (آیه های ۸-۱۰).
 (b) خدا به اندازه کافی به شما خواهد داد طوری که همواره بتوانید سخاوتمند باشید (آیه ۱۱).
 (c) دیگران به خاطر هدایایی که داده اید، از خدا سپاسگزار خواهند شد (آیه های ۱۱ و ۱۲).
 (d) کسانی که به واسطه بخشش شما برکت یافتند، برای تان دعا خواهند کرد (آیه ۱۴).

۶- (c) عیسی به مردم تعلیم داد که نگران نیازهای مادی شان نباشند.

(e) این امکان وجود دارد که شخص فقیر سخاوتمند باشد.

۱۵- باید نزد شخصی که به شما پول قرض داده است بروید و موقعیت خود را توضیح دهید.

۷- (a) مخالف- اول تیموتائوس ۹:۶ (افراد فقیر نیز می توانند بخواهند که ثروتمند شوند).

(b) مخالف- اول تیموتائوس ۱۰:۶ (این عشق به پول است و نه خود پول که ریشه همه بدی هاست).

(c) موافق- متی ۲۵:۶-۳۴.

(d) مخالف- اعمال ۲:۴۵؛ ۴:۳۴-۳۷؛ و دوم قرنتیان ۸:۱-۳. (تفاوت در رفتار ایشان در قبال اموال و مواهب و آنچه که با آن می کنند می باشد).

(e) موافق- لوقا ۲۱:۴-۲؛ دوم قرنتیان ۸:۱-۳.

۱۶- (a) خانم منصوری ...

(d) حمید ...

۸- پاسخ شما می تواند شامل اینها باشد: می تواند آنچه را که برای کار خدا لازم است تهیه نماید، به فقرا رسیدگی کند، و در برآورده ساختن نیازهای شخصی مدد رساند.

انتشارات ایلام
نسخه الکترونیکی

مسئولیت ما در قبال خانه‌مان

آگاهی از چگونگی اداره پول و اموال یگانه شرط مهم برای یک خادم نمی‌باشد. پولس رسول می‌فرماید که یکی از شرایط اساسی برای یک رهبر یا خادم کلیسا، مباشرت درست در امر خانواده می‌باشد. در واقع استدلال او بسیار ساده است: اگر مردی نداند که چگونه خانواده خود را اداره کند، چگونه خواهد توانست امور کلیسای خدا را اداره کند (اول تیموتائوس ۵:۳)؟ طبیعی است که منظور پولس در اینجا اداره خانواده بر طبق خواست خدا می‌باشد.

شما به عنوان یک خادم مسیحی یا ایماندار، باید بدانید که چه کنید تا مباشر خوبی برای خانواده‌تان باشید. هدف این درس این است که به شما کمک کند تا به این نیاز پاسخ دهید. از طریق مطالعه این درس، فرا خواهید گرفت که چگونه خانواده خود را اداره کرده، خانه‌تان را بر طبق خواست خدا مورد استفاده قرار دهید. همچنین خواهید توانست که کلیسا یا جماعت مذهبی‌تان را در این تعلیمات سهیم گردانید.

رئوس مطالب

خانواده مسیحی

بنیان‌گذار آن

الگوی آن

وظایف اعضای آن

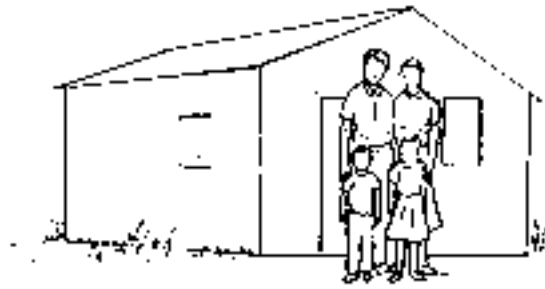
نقش مباشر آن

خانه مسیحی

مکانی برای حضور خدا

پناهگاهی برای میهمانان

شهادتی برای جماعت



اهداف درس

پس از مطالعه این درس، باید بتوانید:

- وظایف هر عضو خانواده مسیحی و نیز وظایف مباشر آن را توصیف نمایید.
- چند طریقی را که به تبع آن می‌توانید خانه‌تان را برای جلال خدا مورد استفاده قرار دهید بیان کنید.
- اهمیت اعمال مباشرت را در خانه خود دریابید.

فعالیت‌های یادگیری

۱- درس را به دقت مطالعه کنید.

۲- به تمرین‌ها پاسخ داده، پاسخ‌های خود را با پاسخ‌های داده شده مقایسه کنید. بعد از اتمام درس، آن را مرور نمایید. سپس به خودآزمایی پرداخته، پاسخ‌های خود را کنترل کنید.

۳- به‌هنگام مطالعه این درس، از خداوند بخواهید که به شما کمک کند تا حقایق را که در آن فرا می‌گیرید، بخشی از زندگی‌تان شود. ممکن است برخی اصول را کشف کنید که می‌توانید همین الآن شروع به پیاده کردن آنها نمایید!

خانوادهٔ مسیحی

بنیان‌گذار آن

خدا بانی خانواده است. او این نهاد را هنگامی که آدم و حوا را آفرید بنیان گذاشت (پیدایش ۱: ۲۷) و به ایشان حکم کرد که صاحب فرزندان بسیار شوند (پیدایش ۱: ۲۸). خدا به‌عنوان بانی خانواده دارای حق مالکیت بر آن می‌باشد. آن، خانوادهٔ اوست و بنابراین او مالک آن است.

۱- خدا بانی و مالک خانواده است زیرا که او.....

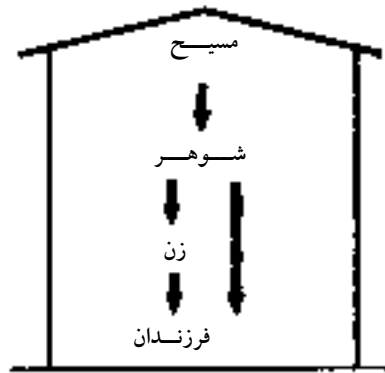
(a) می‌دانست که انسان لغزش خواهد خورد.

(b) آن را ایجاد کرد.

(c) به آن حکم کرد که از او اطاعت نماید.

الگوی آن

خانواده مسیحی خانواده‌ای است که اعضای آن بر طبق الگوی مقرر شده توسط خدا با هم زندگی می‌کنند. برای مشاهدهٔ اصول الهی حاکم بر روابط در خانواده، اول قرنتیان ۳: ۱۱ و افسسیان ۵: ۲۲-۴: ۶ را بخوانید. مسیح به‌عنوان سر شوهر و شوهر به‌عنوان سر زن معرفی شده است. فرزندان نیز باید تابع والدین خود باشند. به عبارت دیگر، هر عضو خانواده تابع مرجع قدرتی است که خدا برای هر یک مقرر کرده است. این روابط را می‌توان در نمودار ذیل مشاهده کرد.



اما مفهوم آن چیزی بیش از این است. این آیه‌ها همچنین نشان می‌دهند که این اقتدار چگونه باید در درون خانواده عمل کند. الگو، رابطه میان مسیح و کلیساست. کسانی که در خانواده اعمال اقتدار می‌کنند، باید از سرمشق مسیح در زمینه اقتدار رهبری و محبت پیروی نمایند. مسیح هرگز یک رهبر مستبد خودرأی نبود. الگو و سرمشقی که او در زمینه اعمال اقتدار و رهبری به شاگردان خود داد، الگویی مبتنی بر محبت و ایثار تا پای جان بود.

بالتر از همه، مسیح باید به عنوان اقتدار اعلا از سوی تمام اعضای خانواده به رسمیت شناخته شود. تنها در آن صورت است که خانواده آن گونه که خدا در نظر داشته است عملکرد خواهد داشت. در واقع، غیر ممکن خواهد بود که یک خانواده را واقعاً مسیحی بنامیم بی آنکه مسیح سر آن باشد.

۲- در دفتر یادداشت‌تان، الگوی یک خانواده مسیحی را در دو یا سه جمله به زبان خود بنویسید. محل آیات مربوطه را نیز قید کنید.

وظایف اعضای آن

برای اینکه خانواده بر طبق نقشه خدا عملکرد داشته باشد، هر یک از اعضای آن باید وظایف مخصوص به خود را متحقق سازد.

زوج‌ها

خدا در نقشه خود برای خانواده، احتیاجات زن و مرد را در نظر گرفت. او فرمود: «خوب نیست که آدم تنها باشد. پس برایش معاونی موافق وی بسازم» (پیدایش ۱۸:۲). خدا زن را از بدن مرد به وجود آورد و سپس مقرر فرمود که مرد و زن به واسطه ازدواج دوباره یک بدن شوند (پیدایش ۲۴:۲)! چه راز عمیقی در تمام این مطلب نهفته است (افسیان ۵:۳۲-۳۳)!

خدا برای حفظ این یگانگی، برخی قواعد را وضع کرده است که هر یک از دو طرف در ازدواج باید رعایت کنند. این قواعد از این قرار می‌باشند:

۱- **از یکدیگر جدایی مگزینید.** این را پولس رسول در اول قرن‌تین ۷:۳-۵ در اشاره به روابط جنسی مطرح ساخت. آیا این امر شما را متعجب می‌سازد؟ کتاب مقدس مطالب زیادی در مورد سوءاستفاده از روابط جنسی تعلیم می‌دهد، اما این تقریباً تنها آیه‌ای است که رابطه درست جنسی را عنوان می‌کند. و طبعاً رابطه درست جنسی محدود به دایره زناشویی می‌گردد.

ازدواج با وحدت جسمانی زوج آغاز می‌شود (پیدایش ۲۴:۲). لذا بسیار طبیعی است که کتاب مقدس هنجاری را برای تداوم این یگانگی ارائه دهد. بر طبق این هنجار، هر یک از طرفین باید نیازهای جنسی طرف مقابل را برآورده سازد، زیرا آن دو، دیگر مالک بدن خود نیستند، بلکه متعلق به یکدیگرند. اگر زوج از این اصل اطاعت کنند و از هنجار ناشی از آن پیروی نمایند، ازدواج ایشان موفق‌تر بوده، و احتمال خیانت بسیار کم خواهد شد.

۳- اول قرن‌تین ۷:۳-۵ را خوانده، در دفتر یادداشت‌تان به سؤالات ذیل پاسخ دهید.

- (a) تنها وقتی که طرفین می‌توانند از رابطه جنسی پرهیز کنند، چه هنگام می‌باشد؟
(b) چه شرطی باید بر این امر حاکم باشد؟

۲- نسبت به یکدیگر وفادار باشید. هنگامی که مرد و زن از طریق ازدواج مسیحی به یکدیگر پیوند می‌یابند، قول می‌دهند که نسبت به هم وفادار باشند. اما خدا می‌خواهد که این عهد و قول در زندگی مشترک‌شان محترم شمرده شود. زن و شوهر باید به‌خاطر داشته باشند که بدن‌شان در وهله اول به خداوند تعلق دارد و بعد به همسرشان.

پولس رسول تأکید می‌کند که اگر ایمان‌داری بدن خود را به بدن یک فاحشه بپیوندد، او آن بخش از بدن مسیح را، بخشی از بدن فاحشه می‌گرداند! زیرا که بدن او بخشی از بدن مسیح است (اول قرن‌تین ۶:۱۵-۱۷). به همان طریق، اگر زن و شوهر، بدن خود را با دیگری یکی کنند، بدن همسر خود را با بدن آن شخص یکی کرده‌اند! زیرا که بدن ایشان به همسرشان تعلق دارد و بدن هر دو آنها، یک تن است. بدینسان خیانت در زناشویی نوعی ناهنجاری است؛ تعجبی ندارد که این امر اینقدر در رابطه زناشویی ایجاد آشفتگی کند.

۳- آنچه را که خدا یکی کرده است جدا مسازید. عیسی فرمود که از لحظه‌ای که مرد و زن به‌صورت زن و شوهر در می‌آیند، دیگر دو تن نمی‌باشند. از آن به بعد آنها یکی هستند زیرا که خدا ایشان را یکی کرده است (متی ۱۹:۶). این امر، طلاق را نیز بَدَل به نوعی ناهنجاری می‌گرداند، زیرا که این دخالت انسان است در امور خدا. همسران نباید از یکدیگر طلاق بگیرند، زیرا که حق ندارند آنچه را که خدا پیوند داده است جدا کنند.

با وجود آنکه طلاق در عهدعتیق مجاز شمرده شده است، ما نباید فراموش کنیم که مسیح گفته است که این اجازه از این رو داده شده بود که انسان‌ها به سختی تعلیم می‌پذیرند و سختدلند. هنجار مقرر شده توسط خدا از آغاز، هرگز باطل نمی‌شود.

۴- یکدیگر را دوست بدارید. این نظر که مرد و زن به دنبال عشقی متقابل با یکدیگر ازدواج کنند، وسیعاً در روزگار ما پذیرفته شده است. عشق، کششی متقابل میان مرد و زن محسوب می‌شود. و هنگامی که این کشش از بین می‌رود، مردم تصور می‌کنند که این دلیلی است موجه برای ابطال ازدواج. اما کتاب مقدس در عوض حکم می‌کند که زن و شوهر باید یکدیگر را دوست بدارند (افسیان ۵:۲۵؛ تیطس ۲:۴). لذا اگر زوجی فکر می‌کنند که چون دیگر یکدیگر را دوست ندارند بنابراین ازدواج‌شان به پایان رسیده است، دقیقاً موقع آن فرا رسیده که شروع کنند به دوست داشتن یکدیگر، یعنی اطاعت از آنچه که خداوند به ایشان گفته است.

مفهوم کتاب مقدسی عشق چیست؟ مطمئناً معنی آن صرفاً یک کشش صرفاً جسمانی و هیجانی نمی‌باشد. در عشق جسمانی، مقدار زیادی رضایت خودخواهانه نهفته شده است. در مقابل، عشقی که کتاب مقدس تعلیم می‌دهد، عشقی است فداکارانه. هر یک از دو طرف به این می‌اندیشد که چگونه می‌تواند طرف مقابل را خشنود سازد. این عشقی است که پولس در اول قرنیتان ۴:۱۳-۷ تعلیم می‌دهد. این عشقی است که کشتی ازدواج را در امواج متلاطم و طولانی زندگی حفظ می‌کند و به بندر نجات می‌رساند.

۵- نسبت به یکدیگر متعهد باشید. تعهد در ازدواج مسیحی اساسی است. این تعهد شامل تعهد نسبت به یکدیگر و تعهد به این امر است که خدا جزئی از زندگی مشترک باشد؛ یعنی تعهد به یافتن راهی برای حل مشکلات تفاهم و رابطه با یکدیگر که همه ما را در نقطه‌ای از زندگی زناشویی مان‌آزار می‌دهد. تنها هنگامی شالوده‌ای برای هماهنگی و ثبات زناشویی وجود خواهد داشت که پایه ازدواج بر روی تعهد

باشد. تعهد مسیح نسبت به خاصان خود، سرمشق زیبایی را در زمینه خصلت پایدار این نوع تعهد به ما ارائه می‌دهد (یوحنا ۱۳:۱).

۶- به یکدیگر احترام بگذارید. زوج ازدواج کرده باید به یکدیگر احترام متقابل بگذارند، حتی هنگامی که به نظر می‌رسد که طرف مقابل شایسته آن نیست (افسیان ۳۳:۵؛ اول پطرس ۷:۳). طرفین باید به یکدیگر به دیده احترام نگاه کنند. هیچ یک از طرفین نباید دیگری را حقیر و خوار بشمارد، چرا که یک تن می‌باشند؛ این مثل این است که فرد، نفس خویش را خوار شمارد. زن باید به شوهرش احترام بگذارد زیرا که او مرجع قدرتی است که خدا بالای سر او گذاشته است؛ و شوهر باید به زنش احترام بگذارد زیرا که او یار و معاونی است که خدا به او داده و کسی است که عطیه حیات را به همراه او از خدا دریافت خواهد کرد (اول پطرس ۷:۳).

۴- عباراتی را که در مورد ازدواج مطابق تعلیم کتاب مقدس می‌باشند، مشخص کنید.

(a) زوج‌هایی که دیگر یکدیگر را دوست ندارند نباید سعی کنند که به زندگی زناشویی خود ادامه دهند.

(b) زن یا شوهر نباید از برآورده ساختن نیازهای جسمانی همسر خود امتناع ورزد.

(c) طلاق اشتباه است، در وهله اول به خاطر اینکه فرزندان معمولاً در اثر آن آسیب می‌بینند.

زنان

کتاب مقدس دو وظیفه خاص را برای زن مسیحی مورد تأکید قرار می‌دهد.

۱- مطیع شوهران خود باشید. در روزگار قدیم، زن برده شوهرش بود. اما در بین اسرائیلیان زن از موقعیت خیلی بهتری برخوردار بود. با این حال، در مسیح است که زن از موضع واقعاً ارجمندی برخوردار می‌شود، زیرا که در مسیح «تفاوتی» میان

زن و مرد وجود ندارد (غلاطیان ۳:۲۸). اما در امر ازدواج، خدا الگوی خاصی را برای رابطه، مسئولیت و اقتدار ارائه داده است.

در افسسیان ۵:۲۲-۳۳ مشاهده می‌کنیم که در جایی که به شوهر مسئولیت رهبری و ارشاد خانواده واگذار شده است، زن وظیفه دارد که خود را مطیع رهبری و اقتدار شوهر نماید، درست همانطور که کلیسا مطیع رهبری مسیح است (افسسیان ۵:۲۲ و ۲۴؛ کولسیان ۳:۱۸؛ تیطس ۲:۵؛ اول پطرس ۳:۱ و ۵).

برای برخی زنان بسیار مشکل است که درک کنند که مطیع بودن به چه معنی است. ایشان فکر می‌کنند که باید در تمام زمینه‌های زندگی تساوی کامل میان زن و مرد وجود داشته باشد. اما این امر واقع‌گرایانه نیست، زیرا که زن و مرد از بسیاری لحاظ متفاوتند. درست است که هر یک در برابر خدا دارای حقوق مساوی و مسئولیت هستند. اما این هم درست است که در یک کشور، افرادی که از حقوق یکسانی برخوردارند، آزادانه رهبرانی را انتخاب می‌کنند و آزادانه مطیع ایشان می‌شوند. به همان ترتیب در ازدواج نیز زن آزادانه تصمیم می‌گیرد که بخشی از خانواده شده، مطیع مرجع اقتداری شود که طبق الگوی الهی است. خدا در نظر نداشته است که مرد و زن با یکدیگر رقابت کنند، بلکه یکدیگر را کامل نمایند (اول قرنتیان ۱۱:۱۱-۱۲). اطاعت زن از شوهر به معنی پایین‌تر بودن طبیعت زن از مرد نیست، بلکه فقط به خاطر نقشی است که زن و مرد طبق سرشتی که خدا در نهاد هر یک گذارده است، ایفا می‌کنند. نیکبختی و هماهنگی فقط هنگامی میسر است که این اصل رعایت شود.

۲- زنان خانه‌دار خوبی باشید. یکی دیگر از وظایفی که خدا بر عهده زنان گذاشته است، این است که از خانه مراقبت کنند (تیطس ۲:۵). به تمجیدی که در امثال ۳۱:۱۰-۳۱ از چنین زنی به عمل آمده، توجه نمایید.

۵- فرض کنید که زن جوانی از شما این سؤال را بپرسد: «چرا باید مطیع شوهرم باشم در حالی که غلاطیان ۲۸:۳ می‌گوید که تفاوتی میان زن و مرد وجود ندارد؟» در دفتر یادداشت‌تان پاسخ سؤال او را بر اساس آیات کتاب مقدس بنویسید.

شوهران

خدا مسئولیت مهمی بر عهده شوهران گذاشته است: زن خود را دوست بدارید (افسسیان ۲۵:۵؛ کولسیان ۱۹:۳)! اما ویژگی‌های این نوع محبت چیست؟ اجازه دهید که آنها را در پرتو کتاب مقدس مورد بررسی قرار دهیم.

۱- محبت شوهر نسبت به زنش، محبتی فداکارانه است. او باید آماده باشد حتی زندگی‌اش را به‌خاطر زنش بدهد، درست همانطور که مسیح جان‌ش را برای کلیسا فدا کرد، زیرا که محبت او نسبت به کلیسا بسیار عظیم است (افسسیان ۲۵:۵). چنین محبتی قطعاً محبتی شهادت‌آمیز است، محبتی که به کامل‌ترین شکل خود بیان شده است.

۲- محبت شوهر نسبت به زنش، محبتی است نسبت به نفس خود. این به‌نظر عجیب می‌رسد، آیا چنین نیست؟ حتی بیشتر، به‌نظر می‌رسد که با اظهار قبلی در تضاد باشد، اما همان چیزی است که کتاب مقدس می‌گوید: «هر که زوجه خود را محبت نماید، خویشتن را محبت می‌نماید» (افسسیان ۲۸:۵). او به شخص دیگری محبت نمی‌کند، بلکه خود را محبت می‌کند؛ محبت مرد به همسرش، مشابه محبت انسان به همسایه (یا هم‌نوع) خود نیست. او باید زنش را همانطور دوست بدارد که خود را دوست می‌دارد، زیرا که در نهایت آن دو یک تن هستند (افسسیان ۲۹:۵). او نیازها و دغدغه‌های زنش را در نظر می‌گیرد، درست مثل مسیح که نیازها و دغدغه‌های کلیسا را مورد ملاحظه قرار می‌دهد. با این کار او به طریقی عمل می‌نماید که مسیح در مورد کلیسا که بدنش می‌باشد، عمل می‌کند.

۳- محبت شوهر نسبت به زنش محبتی سرشار از ملایمت است. شوهر نباید با خشونت با همسرش رفتار کند (کولسیان ۱۹:۳)، بلکه با ملایمت، زیرا که ضعف زن را در نظر می‌گیرد (اول پطرس ۷:۳). شوهر، زن را با محبت و شفقت هدایت می‌کند. شوهری که با چنین محبتی زنش را دوست بدارد، به سهولت از اطاعت زن برخوردار خواهد شد. یا به عبارت دیگر، زنی که شوهری دارد که او را این چنین دوست می‌دارد، مشکلی در اطاعت از او نخواهد داشت.

۶- در کنار هر عبارت زیر، در صورت درست بودن جمله، کلمه درست را بنویسید و در غیر این صورت کلمه غلط را بنویسید. سپس حداقل یک آیه کتاب مقدسی را به عنوان پشتوانه پاسخ‌تان بنویسید.

a) وقتی که شوهری زنش را دوست می‌دارد، در واقع خودش را دوست داشته است زیرا که ایشان یکی هستند.

b) وظیفه مهمی که خدا بر عهده شوهران گذاشته است، این است که به زنان خود بگویند که چه بکنند.

c) از آنجا که محبت شوهر نسبت به زنش محبتی فداکارانه است، لذا نمی‌تواند محبتی نسبت به خود محسوب شود.

توجه داشته باشید که کتاب مقدس زن را موظف به اطاعت از شوهر و شوهر را موظف به دوست داشتن اینارگانه زن خود می‌سازد. خیلی مهم است که شوهر و زن مسئولیت‌های خاص خود را بپذیرند و سعی نکنند که طرف مقابل را وادار به عمل کردن به وظیفه‌شان کنند. یعنی شوهر نمی‌تواند و نباید زن خود را مجبور کند که مطیع او باشد. چنین امری امکان‌پذیر نیست! همچنین زن نیز نمی‌تواند شوهر خود را مجبور به دوست داشتن خود نماید. هر یک باید مسئولیت خاص خود را به‌جا آورد و بگذارد که دیگری نیز مسئولیت خودش را انجام دهد. در غیر این صورت، زن ممکن است تا زمانی که شوهر نسبت به او محبتی نشان نداده، از اطاعت او امتناع

ورزد؛ یا شوهر تا زمانی که زنش مطیع او نشده، محبت خود را از وی دریغ دارد. این امر منتهی به منطق «اول تو» شده، مانع از این می‌گردد که الگوی خدا متحقق گردد.

فرزندان

بر طبق دستور الهی، وظیفه فرزندان اطاعت از والدین می‌باشد (افسیان ۶: ۱-۳؛ کولسیان ۳: ۲۰). اساس اقتدار والدین بر پایه اقتدار خداست که ایشان در خانه نمایندۀ او هستند. آیه‌هایی که ذکر کردیم، چهار دلیل برای اطاعت فرزندان از والدین ارائه می‌دهد:

- ۱- اطاعت وظیفه مسیحی ایشان است.
- ۲- اطاعت کاری است درست.
- ۳- اطاعت پسندیده خداست.
- ۴- به کسانی که به والدین خود احترام می‌گذارند، وعده کامیابی و عمر طولانی داده شده است.

مسیح خود اعلاترین نمونه اطاعت است. او از پدر آسمانی خود (فیلیپیان ۸: ۲) و نیز از والدین زمینی خود (لوقا ۲: ۵۱) اطاعت نمود.

والدین

به والدین حکم شده است که فرزندان خود را تعلیم دهند، منضبط نمایند، و دوست بدارند (افسیان ۶: ۴؛ تیطس ۲: ۴).

- ۱ - **فرزندان خود را تعلیم دهید.** والدین باید طریق زندگی را به فرزندان خود بیاموزند (امثال ۶: ۲۲). تعلیم ایشان باید مشتمل باشد بر موارد ذیل:
الف - کلام خدا (تثنیه ۶: ۷). این شالوده تمامی تعلیم است.
ب - اطاعت (پیدایش ۱۸: ۱۹). فرزندان اصل اقتدار را آموخته، بدّل به شهروندانی خواهند شد که به قانون احترام می‌گذارند.

- ج- کار. والدین باید مانع از این شوند که ایشان عاطل و باطل گشته، سرانجام بزه‌کار شوند.
- د- مباشرت. این امر باعث خواهد شد که فرزندان در برابر خدا و انسان‌ها افرادی مسئول گردند.



آموزش برای اینکه مؤثر مواقع شود، باید مورد اجرا واقع شود. یکی از طرق این کار، وضع مقرراتی است تا فرزندان از آن اطاعت کنند. اما مراقب باشید! مقرراتی را وضع نکنید که خودتان نتوانید آنها را به‌جا آورید (رومیان ۲: ۲۱-۲۲). پشتوانهٔ تعلیم شما باید سرمشق خود شما باشد. اگر چنین نکنید، فقط باعث سردرگمی و بی‌زاری فرزندان‌تان خواهید شد (کولسیان ۳: ۲۱).

۲- فرزندان خود را منضبط سازید. اگر فرزندان از مقررات وضع شده توسط والدین‌شان اطاعت نکنند، ایشان را باید انضباط و تأدیب کرد (امثال ۱۹: ۱۸؛ ۱۷: ۲۹). تنبیه کردن نشانهٔ محبت نسبت به فرزندان است (امثال ۱۳: ۲۴). به عبارت دیگر فقدان تنبیه گواه بر این است که والدین فرزندان خود را دوست نمی‌دارند.

کتاب مقدس تنبیه بدنی را مجاز می‌شمارد (امثال ۱۳: ۲۳-۱۴). اما والدین باید مراقب باشند که تنبیه بدنی را به‌طور افراطی و انحصاری به‌کار نبرند، یعنی در هر مورد فقط به تنبیه بدنی دست نزنند، بلکه راه‌های دیگری را نیز برای هدایت و تأدیب ایشان به‌کار گیرند. تنبیه بدنی و انحصاری می‌تواند باعث اوقات تلخی، خشم و کینه نسبت به والدین گردد (افسیسیان ۴: ۶). انضباط مستلزم راهنمایی با محبت است. تنبیه

بدنی فقط هنگامی توصیه می‌شود که دیگر روش‌ها با شکست مواجه شده باشند. اما اگر مکرراً مواجه با نافرمانی فرزندان تان می‌شوید، بدانید که نباید زمانی دست به تنبیه بزنید که کاسه صبرتان لبریز شده است، چرا که در این صورت تنبیه را فقط برای تخلیه خشم خود به کار برده‌اید، نه برای اصلاح آنان. آنها را هر وقت که نافرمانی می‌کنند تنبیه کنید، چون در این صورت نافرمانی آنان بدل به الگوی تثبیت شده‌ای نمی‌گردد.

۷- چرا فکر می‌کنید که تنبیه و انضباط فرزندان نشانه محبت والدین است؟

در امر انضباط فرزندان، این امر اهمیت دارد که والدین اقتداری واحد را اعمال کنند. یعنی اگر پدر فرزند را تنبیه کند، مادر نباید به جانبداری از ایشان برآید، و بالعکس. در این صورت، اقتدار را در خانه متزلزل خواهید کرد و فرزندان نخواهند دانست که از چه کسی باید اطاعت کنند. همچنین اگر هر یک از شما متوجه نافرمانی شد، باید آن را اصلاح کند و هیچگاه نگوید «هر وقت پدرت (یا مادرت) بیاید، خدمت‌تان خواهیم رسید.» اگر عملی سزاوار تنبیه است، فوراً تنبیه کنید.

هنگامی که تنبیه ضرورت پیدا می‌کند، مهم است که به کودک بگویید که دقیقاً به چه علت تنبیه می‌شود و اینکه در آینده چگونه باید رفتار کند. بعد از تنبیه، والدین باید محبت و بخشش نشان داده، کودک را بپذیرند. کودک نباید هرگز احساس کند که حتی وقتی که رفتارش اصلاح شده است، باز مطرود است. گذشته از همه اینها، آیا خداوند هنگامی که لغزش می‌خوریم، ما را نمی‌بخشد؟ (نحمیا ۹:۱۷، میکا ۷:۱۸، لوقا ۳۶:۷-۵۰).

با فرزندان تان ارتباط برقرار کنید. به نیازها، افکار، و حتی شکایات ایشان گوش فرا دهید. گوش باز اغلب به شما کمک می‌کند که مشکلات را پیش از آنکه تنبیه لازم شود، برطرف کنید. به فرزندان تان گوش فرا دهید و به نقطه نظرات آنان، فکورانه و در دعا توجه نمایید. گاهی اوقات در خواهید یافت که ایشان امور را به همان خوبی شما یا حتی بهتر از خود شما درک می‌کنند!

۳- **فرزندان خود را دوست بدارید.** پولس رسول به مسیحیان می‌آموزد که فرزندان خود را دوست بدارند (تیتس ۲:۴). همچنین این مفهوم را مطالعه کردیم که منضبط کردن، شکلی از محبت به فرزندان است. اما این تنها شکل و روش نیست. فرزندان نباید در محیطی خشک و خشن تربیت شوند. همان دستی که آنان را تنبیه می‌کند، همچنین می‌تواند برای نشان دادن محبت نیز به کار رود.

گاهی اوقات فرزندان فقط به‌خاطر جلب توجه، نافرمانی می‌کنند. والدین باید مراقب این حالت بوده، به فرزندان گوش فرا دهند. ایشان می‌توانند وقتی را اختصاص دهند که با ایشان باشند. اگر والدین خیلی گرفتار امور و فعالیت‌های خود باشند، طوری که برای فرزندان وقتی نداشته باشند، ممکن است روزی متوجه شوند که دیگر نفوذی بر روی ایشان ندارند. و فرزندان ممکن است به بزهکاری کشیده شوند.

خادمین خداوند از این قاعده مستثنی نیستند. برخی خدا را به‌طرزی پر شور دوست داشته، برای نجات گناهکاران سخت کار می‌کنند، اما فرزندان خود را از دست می‌دهند. ایشان به نجات دیگران بیش از نجات اهالی خانه خود علاقه نشان می‌دهند! روزی ایمان‌داری در مورد مرد جوانی که زندگی گناه‌آلودی داشت چنین گفت: «او آنقدر شرور است که گویی پسر واعظ است!» اگر شما خادم خداوند هستید، اجازه ندهید که چنین چیزی اتفاق بیفتد.

۸- اگر صاحب فرزند هستید، شاید بخواهید بدانید که چقدر به عنوان یک پدر یا مادر کارتان را خوب انجام داده‌اید. در کنار هر جمله در ستون افقی ذیل، علامتی در محل مناسب زیر جملات ستون عمودی بگذارید.

وظایف من به عنوان والد	بسیار زیاد بسیار کم	بسیار زیاد بسیار کم	بسیار زیاد بسیار کم
به فرزندانم کلام خدا را تعلیم می‌دهم. به فرزندانم اطاعت را می‌آموزم. به فرزندانم مباشرت را می‌آموزم. فرزندانم را تنبیه و اصلاح می‌کنم. به فرزندانم نشان می‌دهم که هر دو ما به عنوان والدین اقتداری واحد داریم. من برای فرزندانم سرمشقی هستم از آنچه که باید باشند. من رفتاری محبت‌آمیز با فرزندانم داشته، به ایشان وقت می‌دهم.			

نقش مباشرت آن

خدا به نجات خانواده‌ها بسیار علاقه‌مند است (اعمال ۱۴:۱۱؛ ۳۱:۱۶-۳۳). وقتی اعضای خانواده نجات یافتند، این مباشرت است که باید رهبری را بر عهده گیرد طوری که همه خدمت خداوند را ادامه دهند.

چنانکه قبلاً مشاهده کردید، مباشر خانواده مسیحی نقش مضاعفی را ایفا می‌کند: یعنی هم شوهر همسرش می‌باشد و هم پدر فرزندانش. مسئولیت مباشر، مخصوصاً خادم مسیحی، اداره خانواده‌اش می‌باشد (اول تیموتائوس ۳:۴ و ۱۲). اجازه دهید که سه جنبه این مسئولیت را مورد ملاحظه قرار دهیم.

۱- مباشر در حضور خدا مسئول اتحاد خانواده‌اش می‌باشد. در اکثر مواردی که خانواده‌ها متلاشی شده‌اند، علت آن مدیریت بد بوده است.

۲- مباشر مسئول رفتار فرزندان‌ش نیز می‌باشد. او همانند حنّا باید تصدیق کند که فرزندان را خدا به او داده است. بنابراین باید ایشان را وقف خدا کرده، بکوشد که ایشان را به‌سوی خدا هدایت نماید (اول سموئیل ۱: ۲۷-۲۸). یقیناً خدا می‌خواهد که فرزندان‌ش ایماندار بوده، رفتار نیکو داشته باشند (اول تیموتائوس ۳: ۴؛ تیتس ۱: ۶). او خطای عیسی را بر ملاء کرد زیرا که با وجود آنکه می‌دانست پسرانش رفتار شریانه‌ای دارند، ایشان را اصلاح ننمود (اول سموئیل ۲: ۲۲-۳۶؛ ۳: ۱۱-۱۴). مورد داود از این هم اسف‌بارتر بود. او می‌دانست که کشورش را چگونه با عدالت اداره کند، اما نمی‌دانست که خانواده‌اش را چگونه اداره نماید.

۳- و بالاخره، مباشر مسئول پاسخ به نیازهای خانواده‌اش می‌باشد. خدا به‌عنوان پدری عادل، مراقب رفاه و سلامت فرزندان‌ش می‌باشد. در این صورت و به همان دلیل، مباشر نیز باید همین کار را در قبال خانواده‌اش انجام دهد (متی ۲۴: ۴۵). زیرا که رفتار کردن برخلاف این، به‌مثابه انکار ایمان است و منشی است بدتر از منشی یک بی‌ایمان (اول تیموتائوس ۵: ۸).

۹- جمالتی را که بیانگر حالت درست فرد به‌عنوان مباشر خانواده می‌باشد، مشخص کنید.

a) آقای هاگوپیان بخش اعظم وقت خود را بیرون از خانه می‌گذراند و می‌گذارد که همسرش مسئول رفتار فرزندان‌شان باشد.

b) آقای تهرانی کارگر خوبی است و به اندازه کافی پول در می‌آورد تا زن و خانواده‌اش خوراک و پوشاک کافی داشته باشند.

c) خواهر ناهید، همسر برادر وحید، از زندگی زناشویی‌اش احساس خشنودی نمی‌کند. برادر وحید به احساس همسرش توجه نشان داده، گام‌هایی برمی‌دارد تا مشکل را حل کند.

۱۰- در سؤال ۹ در بالا، برادر وحید نمونه‌ای از مردی است که یک جنبه از مسئولیتش را به عنوان مباشر خانواده به جا می‌آورد. جملاتی را که این حالت را بیان می‌دارد، علامت بزنید.

(a) اتحاد خانواده

(b) رفتار فرزندان

(c) مایحتاج خانواده

خانه مسیحی

مکانی برای حضور خدا

در برخی از خانه‌ها تابلویی با این مضمون نصب شده است: «مسیح سر این خانه است، میهمانی نادیدنی بر سر هر سفره، شنونده‌ای ساکت در هر گفتگو.» این شعار از این جهت نیکوست که به ما یادآوری می‌کند که مسیح در خانه‌های ما حاضر است. در این صورت، باید مراقب باشیم که همه چیز تمیز و مرتب بوده، کودکان رفتار نیکویی داشته باشند، و گفتگوها نیز سالم و بناکننده باشند.

شادمانی زکی و شتاب او برای خوش‌آمدگویی به میهمان عالی‌قدرش، عیسی، چقدر عظیم بود (لوقا ۱۹: ۵-۶). احساسی که ما در خانه‌مان داریم، باید حتی قوی‌تر از آن باشد زیرا که مسیح همواره با ماست. خانه ما باید جایگاه شادی و آرامش باشد. با اندوه باید گفت که به نظر نمی‌رسد که همه ایمانداران به این نکته ایمان داشته باشند. ایشان بیشتر عقیده دارند که عیسی فقط در کلیسا زندگی می‌کند، در جایی که رفتار ایشان بسیار مقدس‌گونه است. فرزندان آنان چقدر مغشوش و سردرگم می‌شوند وقتی که می‌بینند که والدین‌شان در خانه مانند کلیسا مقدس نیستند.

یک راه خوب برای اینکه حضور مسیح را در خانه واقعی گردانیم، این است که دعاهای خانوادگی ترتیب دهیم. والدین و فرزندان در وقتی که مورد توافق همگی

باشد، باید برای مطالعه کلام خدا و پرستش دستجمعی گرد آیند. عبادت خانوادگی باعث اتحاد زن و شوهر و اطاعت فرزندان از والدین می‌شود.

۱۱- به هنگام عبادت خانوادگی، اعضای خانواده چه می‌کنند؟

پناهگاهی برای میهمانان

کتاب مقدس به ما می‌آموزد که غریب‌نوازی یک برکت است، زیرا اتفاق افتاده است که برخی با این کار از فرشتگان پذیرایی کرده‌اند، بی‌آنکه خود بدانند (عبرانیان ۲:۱۳).

متی بعد از آنکه ایمان آورد، ضیافتی ترتیب داد و دوستانش را به همراه عیسی و شاگردان دعوت نمود. بدون شک او می‌خواست که دوستانش آمده، عیسی را بشناسند. ما نیز می‌توانیم همان نوع کار را انجام دهیم. می‌توانیم دوستی را دعوت کنیم تا با او در مورد مسیح صحبت کنیم؛ یک نوایمان را دعوت کنیم تا او را در ایمانش تشویق نماییم؛ جوانان را دعوت کنیم تا تجربیات‌مان را در اختیارشان گذاریم؛ و کلاً برادران و خواهران‌مان را پذیرایی کنیم تا محبت و رفاقت مسیحی‌مان تقویت شود. بیوه‌زنی مسیحی به‌خاطر از دست دادن تنها دخترش، خود را بسیار تنها و رها شده احساس می‌کرد. در یک روز یکشنبه او زن جوانی را که بسیار دور از وطن و خانه‌اش بود و از فراق وطن احساس دل‌تنگی می‌کرد، برای شام دعوت کرد. ایشان از مصاحبت یکدیگر بسیار لذت بردند طوری که قرار گذاشتند که هر یکشنبه یکدیگر را ملاقات کنند. این رابطه منتهی به دوستی صمیمانه‌ای گشت و زن جوان بعد از مدتی، عیسی را به‌عنوان نجات‌دهنده‌اش پذیرفت.

ما به‌عنوان مباشرین خدا، وظیفه و امتیاز این را داریم که در قبال شبانان، مبشرین و دیگر خادمین خداوند میهمان‌نواز باشیم (اول پطرس ۴:۹؛ رومیان ۱۲-۱۳). مهم‌تر از همه، خادم خداوند باید به‌واسطه میهمان‌نوازی‌اش مشخص شود (اول تیموتائوس ۲:۳؛ تیطس ۸:۱). زن شونمی که اتاقی را برای الیشع نبی آماده کرد، نمونه زیبایی از

این مورد است (دوم پادشاهان ۸:۴-۱۱). و در عهدجدید، لیدیا نمونه برجسته دیگری از یک زن میهمان‌نواز است (اعمال ۱۴:۱۶-۱۵). او توجه خود را به این طریق نشان داد که خانه خود را در اختیار پولس رسول و همسفرانش گذاشت.



شهادتی برای جماعت

خانه ایمانداران باید در بین همسایگان نمونه باشد. و باید گواه بر این باشد که مسیح در خانواده‌ها چه می‌تواند بکند. ایشان باید فضایل مسیحی را به جامعه خود منعکس سازند (متی ۵:۱۶).

در ایام رسولان، خانه ایمانداران نقش مهمی را در راه‌اندازی کلیسا ایفا کرد. گروه‌های ایمانداران در خانه‌ها برای خوراک دسته‌جمعی (اعمال ۲:۴۶)، دعا (اعمال ۱۲:۱۲) و برگزاری جلسات جمع می‌شدند (رومیان ۵:۱۶ و ۲۳؛ اول قرنتیان ۱۶:۱۹؛ کولسیان ۴:۱۵). می‌توان گفت که کلیسا از خانه ایمانداران آغاز شد. به همان طریق امروزه نیز خانه مسیحیان می‌تواند نظیر چراغی باشد در تاریکی که نور انجیل را به اطراف می‌تاباند (فیلیپیان ۲:۱۵-۱۶). همانند ایام اولیه، بسیاری از کلیساهای امروزی نیز در خانه یکی از ایمانداران به راه افتاده است. شما می‌توانید خانه‌تان را به روی جلسات دعا، جلسات تبشیری یا کلاس‌های کانون شادی بگشایید. برخی از همسایگان شما که هرگز به کلیسا نرفته‌اند، شاید شنیدن پیام انجیل را در خانه شما خوشایند یابند.

۱۲- در دفتر یادداشت‌تان، آن سه جمله را که توصیف‌کنندهٔ خانهٔ مسیحی می‌باشد، بنویسید: (۱) مکانی برای حضور خداوند؛ (۲) پناهگاهی برای میهمانان؛ و (۳) شهادتی برای جماعت. برای هر یک چهار یا پنج خط را خالی بگذارید. سپس در زیر هر جمله، برخی از کارهای خاص را که می‌توانید انجام دهید تا خانه‌تان بدل به آن نوع مکان شود بنویسید. به‌عنوان مثال زیر جملهٔ «(۲) پناهگاهی برای میهمانان»، می‌توانید نام برخی از افراد را قید کنید که می‌توانید نسبت به ایشان میهمان‌نوازی نشان دهید.

خودآزمایی

۱- جملات درست را مشخص کنید.

- (a) کتاب مقدس توصیف نمی‌کند که نقش زن در خانه چیست.
 (b) برای اینکه شوهر از الگویی که خدا برای خانواده تعیین کرده است پیروی کند، باید مسئولیت خود را به‌عنوان رهبر آن به‌جا آورد.
 (c) از آنجا که شوهر رهبر خانواده است، زن نباید نگران این باشد که خواست خدا برای آن چیست.
 (d) الگویی که ازدواج مسیحی باید از آن پیروی کند، الگوی رابطه میان مسیح و کلیساست.

۲- هر آیه یا جمله از ستون سمت راست را با رابطه خانوادگی یا عضوی که مستقیم‌ترین ربط را با او پیدا می‌کند (از سمت چپ) انطباق دهید.

- | | |
|--|--|
| (a) محبت نمودن آنگونه که مسیح کلیسا را محبت نمود | (b) افسسیان ۱:۶-۳ |
| (۱) زن و شوهر | (c) آنچه را خدا پیوند داده است، انسان جدا نسازد. |
| (۲) شوهر | (d) مراقبت و رسیدگی به خانه |
| (۳) زن | (e) آموزش کلام خدا |
| (۴) فرزندان | (f) اول قرن‌تیا ۷:۳-۵ |
| (۵) والدین | (g) افسسیان ۵:۲۵ |

۳- «نقش مضاعف» مباشر خانه مسیحی بدین معنی است که مسئولیت او شامل

این موارد می‌شود:

- (a) کارگر و مدیر
 (b) معلم و رهبر
 (c) شوهر و پدر

۴- فرض کنید که به کلاسی آموزش می‌دهید که مباحثان مسیحی باید میهمان‌نواز باشند. آیات سمت راست را با جملات مربوطه در ستون سمت چپ انطباق دهید.

(a) دوم پادشاهان ۸:۴-۱۱

(b) اعمال ۱۴:۱۶-۱۵

(c) رومیان ۱۳:۱۲

(d) اول تیموتائوس ۲:۳

(e) تیطس ۸:۱

(۱) دادن سرمشقی برای میهمان‌نوازی.

(۲) نشان دادن اینکه میهمان‌نوازی جزو ویژگی‌های یک خادم مسیحی است.

(۳) نشان دادن اینکه از مسیحیان خواسته می‌شود که میهمان‌نواز باشند.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۷- پاسخ شما می‌تواند چیزی نظیر این باشد: پدر یا مادری که فرزندش را منضبط کرده، او را اصلاح می‌نماید، نشان می‌دهد که نسبت به آینده کودک توجه داشته، می‌خواهد به او کمک کند تا شخصی بالغ و مسئول شود.

(b) آن را ایجاد کرد.

۸- پاسخ خودتان. آیا زمینه‌هایی را می‌بینید که بتوانید آنها را بهبود بخشید؟ از خداوند بخواهید که به شما نشان دهد که چگونه می‌توانید، والدین بهتری شوید.

۲- پاسخ شما باید شامل این مفاهیم باشد: روابط در یک خانه مسیحی در اول قرن‌تین ۳:۱۱ و افسسیان ۴:۶-۵:۲۲ توصیف شده است. این آیه‌ها به ما نشان می‌دهد که خدا اقتدار را در خانواده معین کرده است، یعنی مسیح به‌عنوان اقتدار اعلا و شوهر به‌عنوان سر زن. کسانی که اقتدار را در خانواده اعمال می‌کنند باید از سرمشق مسیح پیروی نمایند.

(b) ۹-

(c)

۳- (a) صرف وقت برای دعا

(b) باید از پیش توافق حاصل کرده باشند.

۱۰- (a) وحدت خانه و خانواده

۴- (a) غلط

(b) درست

c) غلط (با وجود اینکه فرزندان در اثر طلاق آسیب می‌بینند، غلط بودن طلاق در وهله اول بدین خاطر است که آن دخالت انسانی است در رابطه‌ای که توسط خدا مقرر شده است، چنانکه در متی ۶:۱۹ مطرح شده است).

۱۱- ایشان گرد هم می‌آیند تا کلام خدا را مطالعه کرده، متفقاً او را عبادت کنند.

۵- می‌توانید پاسخ دهید که آن اصل تساوی که در غلاطیان ۲۸:۳ آمده است، جدا از الگو برای همسران که در افسسیان ۲۲:۵-۲۴ آمده است نمی‌باشد. به علاوه، می‌توانید از دیگر آیه‌ها و دلایل کتاب مقدسی که در بخش زنان آمده است استفاده کنید.

۱۲- پاسخ خودتان. امیدوارم که آنچه که مطالعه کرده‌اید ایده‌هایی در مورد طرق استفاده از خانه‌تان را برای جلال خداوند به شما داده باشد.

۶- a) درست، افسسیان ۲۸:۵

b) غلط، افسسیان ۲۵:۵، کولسیان ۱۹:۳

c) غلط، افسسیان ۲۸:۵-۲۹. (از آنجا که هر دو یک تن هستند، شوهری که زنش را به طریقی فداکارانه دوست می‌دارد، همچنین به خود محبت می‌نماید).

مسئولیت ما در قبال کلیسای مان

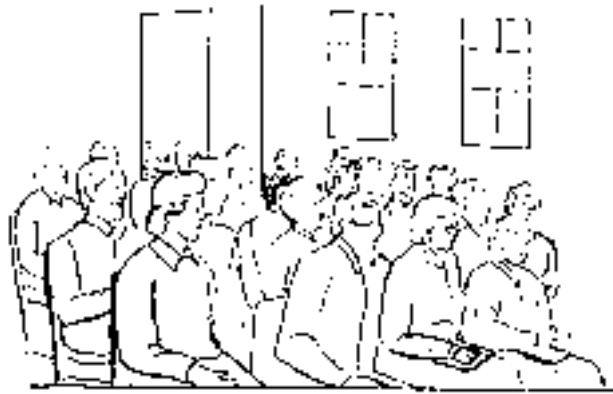
انجیل، پیام نجات خدا به واسطه عیسی مسیح است. انجیل یکی از بزرگترین مواهبی است که خدا برای کلیسا به ودیعت گذارده است. ما به عنوان اعضای کلیسا، این مسئولیت گریزناپذیر را بر عهده داریم که کسانی را که آن را دریافت نکرده اند در آن سهم گردانیم. به عبارت دیگر، وظیفه اعلای کلیسا - وظیفه ای که به عنوان مأموریت بزرگ نیز شناخته شده است - تبشیر جهان است.

شاید شما به عنوان خادم خداوند، از خود سؤال کنید که چه باید بکنید تا این مسئولیت را به انجام برسانید. این درس با این هدف نوشته شده است که به سؤال شما پاسخ دهد. در بخش اول، پیشنهاداتی را در مورد چگونگی بسیج اعضای کلیسای تان در پیشبرد مأموریت بزرگ خواهید یافت؛ در بخش دوم، ایده هایی در مورد چگونگی بهبود بخشیدن به موقعیت مالی کلیسای تان ارائه شده است. بدین طریق هزینه های ضروری برای به انجام رساندن مأموریت بزرگ مشخص می شوند.

رئوس مطالب درس

بسیج اعضا

بهبود موقعیت مالی



اهداف درس

پس از مطالعه این درس، باید بتوانید:

- طرقي را براي ايمانداران در جهت تحقق مسئوليت‌شان به‌عنوان مباشرين انجيل طرح‌ريزي نماييد.
- گام‌هاي خاصي را كه مي‌توان براي تحقق برنامه مالي خدا براي كليسا برداشت، توصيف نماييد.

فعاليت‌هاي يادگيري

۱- اين درس را به همان طريق دروس قبلي مطالعه كنيد. به هر يك از بخش‌هاي آن توجه نماييد: يعني رئوس مطالب، اهداف، نمودارها، الگوها، تمرين‌ها، و خودآزمائي‌ها.

۲- در حين مطالعه گام‌ها و الگوهاي ارائه شده در اين درس، راه‌هايي را براي انطباق آنها با موقعيت خود در نظر بگيريد. گام‌هاي ارائه شده در بسياري از كليساها مورد استفاده قرار گرفته و براي آنها سودمند بوده‌اند. آنها مي‌توانند در كليساي شما نيز مفيد واقع شوند.

بسیج اعضا

تعلیم در مورد مباشرت انجیل

برخی از کلیساها فقط به این قانع‌اند که به صورت گروهی جمع شوند و عبادت نمایند. اعضای این دسته از کلیساها علاقه‌ای به این ندارند که در جهت رشد کلیسا کار کنند. ایشان فکر می‌کنند که تنها مسئولیت‌شان رفتن به جلسات و پرداخت پول به واعظ است تا برای ایشان موعظه کند.

اشتباه این کلیساها تا حد زیادی ناشی از این واقعیت است که هیچ کس به اعضا در مورد مباشرت انجیل آموزش نداده است. برای جبران این اشتباه، شخص باید حقایق بنیادین مربوط به این مباشرت را به ایمانداران تعلیم دهد. این حقایق عبارتند از:

۱- خدا مالک انجیل است. انجیل از آن او است (رومیان ۱:۱). منشأ آن خدا است (اول تیموتائوس ۱:۱۱).

۲- ما مباشرین انجیل هستیم. ما به صورت همکار متفقاً برای خدا کار می‌کنیم (اول قرنتیان ۹:۳). او ما را مسئول حقایق سرّی خود، یعنی راز انجیل نموده است (اول قرنتیان ۱:۴؛ افسسیان ۶:۱۹). او وظیفه اعلام آن را به دیگران بر عهده ما گذاشته است (اول قرنتیان ۹:۱۷-۱۸؛ متی ۱۰:۷-۸).

۳- ما باید انجیل را بشناسیم. ما نمی‌توانیم چیزی را به دیگران اعلام کنیم که خود از آن شناختی نداریم. این مشکلی است که بسیاری از ایمانداران دارند: ایشان نمی‌دانند که انجیل را چگونه به دیگران توضیح دهند، زیرا که خود آن را درک نکرده‌اند.

یکی از طرق تعلیم انجیل به ایمانداران، بازگو کردن زندگی مسیح است، یعنی همان طریقی که مبشرین به کار می‌برند. رسولان مسیح نیز همین کار را می‌کردند

(اعمال ۲۲:۲-۲۴؛ ۳۲-۳۳؛ ۱۰:۳۶-۴۲؛ ۱۳:۲۳-۳۲؛ اول قرن‌تین ۱۵:۱-۷). حتی امروز نیز بهترین طریق معرفی انجیل در برخی کشورها، نقل حکایت عیسی برای مردم است.

طریق دیگر تعلیم انجیل، معرفی حقایق اساسی نجات است: الف) انسان گناهکار است و تحت محکومیت قرار دارد (رومیان ۳:۱۰-۱۲، ۲۳؛ ۶:۲۳)؛ ب) انسان نمی‌تواند خود را نجات دهد (ارمیا ۲:۲۲)؛ ج) تنها عیسی مسیح می‌تواند گناهکاران را نجات دهد (اعمال ۴:۱۲، اول تیموتائوس ۱:۱۵)؛ د) انسان باید به مسیح ایمان آورد تا نجات یابد (یوحنا ۳:۱۶؛ اعمال ۱۶:۳۱).

۴- ضروری است که انجیل را موعظه کنیم. سه دلیل برای این کار وجود دارد: الف) این حکم مسیح است (متی ۲۸:۱۹-۲۰؛ مرقس ۱۶:۱۵؛ لوقا ۲۴:۴۷؛ اعمال ۱:۸)؛ ب) وسیله‌ای است که خدا برای نجات گناهکاران به کار می‌برد (رومیان ۱:۱۶)؛ ج) اگر این کار را انجام ندهیم، خطایمان بسیار جدی خواهد بود (اول قرن‌تین ۹:۱۶).

۱- مباشرت انجیل بدین معنی است که کلیسا.....

a) مالک انجیل است.

b) امانت‌دار و مباشر انجیل است.

c) محلی بود که انجیل در آن شروع به کار کرد.

استفاده از عطایای روحانی

وظیفه و مسئولیتی که خدا بر عهده کلیسا نهاده است، عظیم و دشوار است. اما او به ایمانداران ابزار ضروری را برای کار مؤثرتر داده است. این ابزار، عطایای روحانی می‌باشند. برخی از آنها برای تأیید پیامی که موعظه شده، بسیار سودمند می‌باشد (مرقس ۱۶:۱۷-۱۸، ۲۰).

ممکن است که در کلیسای شما ایمانداران بسیاری باشند که برای دریافت قدرت روح القدس دعا نمی‌کنند؛ در این صورت باید آنها را در این زمینه تشویق کنید (لوقا ۴:۲۴؛ اعمال ۴:۵-۱). اگر ایمانداری سعی در تبشیر دارد اما قدرت روح القدس را نمی‌طلبد، قصور بزرگی می‌ورزد. مانند این است که کسی بخواهد قطعه زمین وسیعی را برای زراعت آماده کند. مالک برای کمک، یک تراکتور و یک بذرپاش مکانیکی در اختیار او می‌گذارد. اما او ترجیح می‌دهد که با دست شخم بزند و بذرافشانی کند، اما در عین حال، از دشواری کار دائماً شکایت کند.

خدا به هر یک از ایمانداران بدون شک بعضی از عطایای روحانی را بخشیده است. ایشان باید این عطایا را برای نجات گناهکاران و بنای بدن مسیح (رومیان ۸:۴-۱۲) به کار برند و آنها را زنده نگاه داشته، مورد غفلت قرار ندهند (اول تیموتائوس ۴:۱۴؛ دوم تیموتائوس ۶:۱). درست همانگونه که انجیل یک ودیعه است، عطایای روحانی نیز چنین است. ما مباشرین این عطایا می‌باشیم (اول پطرس ۴:۱۰-۱۱).

۲- به چه طریقی قدرت روح القدس و عطایای روحانی مربوط به مسئولیت کلیسا می‌شوند؟

- (a) آنها پیام موعظه شده می‌باشند.
- (b) آنها هدف کلیسا می‌باشند.
- (c) آنها وسایلی برای انجام کار می‌باشند.

برنامه‌ریزی فعالیت‌ها

موقعیت کلیسای خود را بررسی نمایید

تمام فعالیت‌های یک کلیسا را می‌توان در این چهار دسته گروه‌بندی نمود:

۱- عبادت	۲- خدمات
جلسات عبادی	تبشیر
جلسات دعا	ملاقات
گردهمایی دعا و تعمق	ساختمان و تعمیرات
جلسات دعای شب	فعالیت‌های موسیقی
جلسات بیداری و غیره	گروه‌های کار زنان و غیره
۳- تعلیم	۴- رفاقت (مشارکت)
کلاس‌های نوایمانان	شام گروهی
کلاس‌های تعلیم خادمین	گردش
جلسات مطالعه کتاب مقدس و غیره	تفریح، غیره

لازم است که قبل از طرح‌ریزی هر نوع برنامه‌ای برای فعالیت‌ها، ابتدا موقعیت کلیسای‌تان را بررسی کنید. باید بر طبق چهار دسته قید شده در بالا فهرستی از فعالیت‌ها تهیه کنید. از خود سؤال کنید که: آیا یک دسته از فعالیت‌ها بسیار مورد توجه است و دسته دیگر اصلاً تحقق نمی‌یابند؟ آیا کلیسا بیشتر شبیه به یک مدرسه است یا یک کلوب اجتماعی؟ آیا پرستش زیاد است و خدمات بسیار کم؟ یا اینکه خلاف آن صادق است؟ سپس سؤال دیگری از خود بپرسید: آیا ما به جلو می‌رویم یا اینکه در جا می‌زنیم؟ به هنگام شروع برنامه‌ریزی فعالیت‌ها، پاسخ به این سؤالات به شما کمک خواهد کرد تا موقعیت خود را بسنجید. به عقیده من، ترتیب دسته‌ها به صورت فوق، اهمیت نسبی هر یک از انواع فعالیت‌ها را نشان می‌دهد. این می‌تواند شما را راهنمایی کند تا در مورد میزان تأکیدی که باید بر روی هر یک بکنید، تصمیم‌گیری نمایید.

۳- در دفتر یادداشت تان، فهرستی از فعالیت‌های کلیسای تان را تهیه کرده، آنها را بر طبق پیشنهاد بالا مورد ارزیابی قرار دهید.

نشست‌هایی برای برنامه‌ریزی

بعد از بررسی موقعیت کلیسا، شبان باید به اتفاق دیگر رهبران رسمی و مسئولین خدمات مختلف، نشستی را برای برنامه‌ریزی ترتیب دهد. در این جلسه ایشان می‌توانند امور ذیل را انجام دهند.

۱- برنامه‌های شورای کلیساها را با کلیسای خود تطبیق دهید. باید در نظر داشت که این برنامه‌ها صرفاً برای بایگانی یا دور انداختن نیست.

۲- برنامه‌ای را متفقاً طرح‌ریزی کنید، یا برنامه‌های مختلف را برای فعالیت‌های کلیسا و خدمات مختلف آن هماهنگ سازید. این طریق باعث خواهد شد که خدمات بخش‌های مختلف کلیسا در جهات مخالف کار نکنند.



از آنجا که برنامه‌های شورای کلیساها معمولاً سالانه هستند، خوب است که نشست‌های مربوط به برنامه‌ریزی کلیسای محلی نیز سالانه انجام شود؛ البته همچنین ضروری است که برای برنامه‌های کوتاه‌مدت نیز نشست‌هایی ترتیب داده شود. این جلسات می‌توانند بر حسب موقعیت محلی، هر ماه یا هر دو ماه یکبار برگزار شود. یکبار که برنامه‌ها تنظیم شد، لازم است که در تقویم فعالیت‌های کلیسا نوشته شود. برخی فعالیت‌ها هستند که از همان آغاز سال، برای یک روز بخصوصی در نظر گرفته شده‌اند. اما تاریخ برنامه‌های کوتاه‌مدت را بعد از طرح‌ریزی نیز می‌توان تعیین کرد.

کاربرد استراتژی

استراتژی پیشنهاد شده در درس ۳، می‌تواند در برنامه‌ریزی فعالیت‌ها بسیار سودمند باشد. برای مثال، اهداف سالانه کلیسا ممکن است تعیین کرده باشد که ۳۰ عضو جدید به کلیسا اضافه شود، یا شعبه یا مکان موعظه دیگری افتتاح شود. در

داخل اهداف مختلف نیز می‌توان اولویت‌ها را معین کرد. البته عبادت و تبشیر باید همواره جزو اولین اولویت‌ها باشند. و سرانجام، برنامه‌هایی برای رسیدن به اهداف تعیین شده باید تنظیم شود. به عنوان مثال، برای داشتن ۳۰ عضو جدید، لازم است که خادمینی آماده کرد و برنامه‌های بشارتی ترتیب داد و کلاس‌هایی برای نوایمانان برگزار نمود و جلسات تعمید تشکیل داد.

- ۴- در زیر گام‌هایی ارائه شده که می‌توان برای طرح یک برنامه برای فعالیت‌های کلیسا از آنها استفاده کرد. این گام‌ها را به ترتیب صحیح با شماره‌گذاری از ۱ تا ۷ تنظیم نمایید. از گام‌هایی که در درس ارائه شده، استفاده کنید.
- a ... ایمانداران قابلی را بیابید که برای معلم شدن آموزش ببینند.
 - b ... همه رهبران را برای جلسه فرا بخوانید.
 - c ... متوجه می‌شوید که فعالیت‌های تعلیمی اندکی وجود دارد.
 - d ... تمام فعالیت‌های کلیسا را دسته‌بندی کنید.
 - e ... بر روی زمان جلسات تعلیمی به توافق برسید.
 - f ... در تقویم، تاریخ جلسات تعلیمی را بنویسید.
 - g ... برای تشکیل سه کلاس مطالعه کتاب مقدس، برنامه‌ریزی کنید.

اعلام پیام انجیل به جهان

یکبار که کلیسا برنامه‌های خود را تنظیم کرد، باید آنها را به انجام رساند. در برنامه‌ای که هدف اصلی آن تبشیر است، شخص باید بداند که از کجا شروع به کار کند. خداوند برای کلیسای اولیه، برنامه‌ای برای تبشیر و گسترش بر جای گذاشت که می‌تواند برای کلیسای امروزی نیز مفید واقع شود. این برنامه را در اعمال ۸:۱ می‌یابیم.

چنانکه در این آیه مشاهده می‌کنید، بهتر است در ناحیه‌ای شروع به تبشیر کنید که کلیسا در آن واقع شده است؛ سپس کم‌کم به مکان‌های دورتر بروید. برای این کار

می‌توان از روش‌های مختلفی استفاده کرد، به‌عنوان مثال: الف) تشکیل جلسات بشارتی در کلیسا؛ ب) فعالیت‌های بشارتی در حومه شهر؛ ج) تشکیل جلسات بشارتی در محل‌های جدید؛ د) تشکیل جلسات در فضای باز؛ ه) توزیع جزوات مسیحی به‌صورت خانه به خانه؛ و) عیادت افراد در بیمارستان‌ها؛ ز) خدمات در زندان‌ها؛ ح) شهادت انفرادی؛ و ط) برنامه‌های رادیویی.

تلاش‌های تبشیری نباید فقط در زمان خاصی در کلیسا انجام گردد و سپس به‌فراموشی سپرده شود. نقشه خداوند برای کلیسا این است که دائماً بشارت دهد. ایمانداران کلیسای اولیه هر روزه بشارت می‌دادند (اعمال ۴۲:۵). نتیجتاً خداوند هر روز کسانی را که نجات یافته بودند، به کلیسا می‌افزود (اعمال ۴۷:۲).

نوایمانان باید تعلیم یابند تا بشارت دهند و جان‌ها را صید کنند تا ایشان نیز به نوبه خود دیگران را صید کنند و به همین ترتیب (دوم تیموتائوس ۲:۲). کلیسا باید بشارت و تعلیم را دایره‌وار انجام دهد.

۵- فرض کنید که کلیسایی بخواهد برای رساندن پیام انجیل به اقصای عالم از برنامه ارائه شده در اعمال ۸:۱ پیروی نماید. کدام یک از فعالیت‌های ذیل برای شروع کار بهترین خواهد بود؟

a) توزیع جزوات بشارتی در خانه‌های نزدیک به کلیسا

b) ارسال مبشرین به کشور همسایه

c) برگزاری جلسات تبشیری در شهری در استان مجاور

تقسیم کار

کلیسا برای دستیابی به بهترین نتیجه تلاش‌هایش، باید تمامی اعضایش را بسیج کند. این تلاش‌ها و وظایف را نمی‌توان میان کارکنان و تماشاچیان تقسیم کرد، یعنی میان کسانی که کار می‌کنند و کسانی که کار ایشان را تماشا می‌کنند. همه اعضای کلیسا باید کار کنند.

کلیسا بدن مسیح است (اول قرن‌تین ۱۲: ۲۷). در بدن، هر عضوی نقش خاصی دارد. به عنوان مثال چشم برای دیدن است، نه برای راه رفتن. به همین ترتیب یک عضو می‌تواند به عنوان معلم افراد بزرگسال بسیار مثمر‌تر باشد، اما نه به عنوان رهبر گروه سرود. بنابراین ضروری است که کار را بر حسب قابلیت‌ها و عطا‌هایی که خدا به هر عضوی داده است، تقسیم نمود.

استعدادها و عطایای روحانی برخی افراد بسیار عیان است، حال آنکه استعدادهای برخی دیگر پنهان می‌باشند. در مورد اول، رهبر دانا مشکلی در کاربرد آن عطایا نخواهد داشت، زیرا که شخص مناسب را بر سر کار مناسب خواهد گذاشت. اما در مورد دوم، لازم خواهد بود که آن استعدادها را کشف کند. نوشتن فهرستی از فعالیت‌ها و سپس دادن یک نسخه از آن به هر عضو، می‌تواند به این امر کمک کند. بدینسان هر کسی خواهد توانست مشخص کند که میل دارد وارد کدام فعالیت شود. این را امتحان کنید! بدون تردید نتیجه خواهد داد!

۶- فرض کنید که شما رهبر کلیسایی هستید که نیاز به معلمی برای کلاس کتاب مقدس جوانان دارد. در وهله اول چه کار باید بکنید؟

(a) از کسی که برای ملاقات به بیمارستان‌ها می‌رود، بخواهید که در کلاس درس بدهد.

(b) خودتان در کلاس درس بدهید حتی اگر در عین حال مسئول چند برنامه دیگر هستید.

(c) به همه اعضا این فرصت را بدهید که علائق و قابلیت‌های خود را مشخص کنند.

بهبود موقعیت مالی

تعلیم برنامه مالی خدا برای کلیسا

نیاز به این تعلیم

برنامه مالی برای کلیسا به طرز تنگاتنگی به تحقق مأموریت بزرگ مربوط می شود. به همین دلیل است که کلیساهایی که از این برنامه آگاهی ندارند، نمی توانند مسئولیتی را که خدا بر عهده ایشان گذاشته به انجام رسانند. در واقع، عدم آموزش برنامه مالی خدا به ایمانداران، زبانی سه گانه به بار می آورد:

- ۱- زیان به ایمانداران، زیرا که ایشان را از برکتی که خدا برای شرکت کنندگان در برنامه اش در نظر گرفته است، محروم می سازد.
- ۲- زیان به کلیسا، زیرا که منابع کافی برای انجام مأموریت بزرگ نخواهد داشت.
- ۳- زیان به شبان، زیرا که به اندازه کافی مورد پشتیبانی مالی قرار نمی گیرد تا نیازهایش را برآورده سازد.

برنامه مالی خدا

برنامه مالی خدا دارای شش حقیقت اساسی است. با پاسخ به تمرین ذیل، مشاهده خواهید کرد که این حقایق از چه قرار هستند.

۷- در زیر، شش آیه یا مجموعه ای از آیه ها (سمت چپ) و شش حقیقت اساسی در مورد نقشه مالی خدا برای کلیسا (سمت راست) فهرست وار آمده است. هر آیه یا مجموعه آیات را خوانده، آن را با حقیقتی که تعلیم می دهد، انطباق دهید. ... (a) کار خدا باید به واسطه پرداخت ده یک و هدایای قوم خدا مورد پشتیبانی واقع شود.

... (b) به همان طریق، خادمین خدا نیز باید مورد حمایت قوم خدا واقع شوند.

... (c) خادمین خدا نیز باید از کار خدا حمایت کنند.

- d ... هیچ کس نباید از حمایت از کار خدا امتناع ورزد.
- e ... خدا کسانی را که از کار او و خادمین حمایت می کنند، برکت می دهد.
- f ... هزینه فعالیت های خاص در کار خدا باید از طریق هدایای خاص مورد حمایت مالی قرار گیرد.

- (۱) اعداد ۱۸:۲۵-۲۹
- (۲) امثال ۳:۹-۱۰؛ ملاکی ۳:۱۰؛ دوم قرنتیان ۹:۶-۷، ۱۰-۱۱
- (۳) لاویان ۲۷:۳۰؛ ملاکی ۳:۸-۱۰؛ اول قرنتیان ۱۶:۱-۲
- (۴) تثنیه ۱۶:۱۶-۱۷
- (۵) پیدایش ۱۴:۱۸-۲۰؛ اعداد ۱۸:۱-۲۴؛ تثنیه ۱۸:۱-۵؛ اول قرنتیان ۹:۱۱-۱۴
- (۶) خروج ۱-۲۵؛ اعداد ۷:۱-۸۹؛ عزرا ۲:۶۸-۶۹؛ رومیان ۱۵:۲۵-۲۷؛ دوم قرنتیان ۸:۱-۴

چند توصیه

بسیار خوب است که به نوایمانان اصول بنیادین مباشرت مسیحی آموزش داده شود. این تعلیم را می توان در برنامه آماده سازی ایشان برای تعمید گنجاند. به این طریق ایشان فرا خواهند گرفت که دادن، بخشی از زندگی مسیحی است، همانند دعا کردن، خواندن کتاب مقدس یا رفتن به کلیسا.

مباشرت مسیحی را می توان در جلسات مطالعه کتاب مقدس به بقیه ایمانداران تعلیم داد. این مطالعات را می توان در کل کلیسا و نیز در سایر شعبه های کلیسای مادر انجام داد.

هدف تمامی این تعالیم این است که هر ایمانداری تبدیل شود به دهیک دهنده ای امین. تنها دلیل برای نرسیدن به چنین مرحله ای، باید این باشد که شخص ایماندار هیچگونه درآمدی نداشته باشد. اما اگر مقداری درآمد داشته باشد، هر قدر هم که اندک باشد، برکتی است که خدا به او داده است و او باید دهیک آن را بپردازد.

تعیین کمیته مالی

اعمال ۱:۶-۶ به ما نشان می دهد که کلیسا هفت تن از برادران را انتخاب کرد تا به بیوه زنان رسیدگی کنند. بدین طریق رسولان فقط به دعا و موعظه پرداختند. به همان طریق برخی از کلیساها فکر می کنند که خوب است که یک کمیته مالی داشته باشند تا با شبان در مسئولیت امور مالی کلیسا سهیم گردند. کمیته مالی می تواند متشکل از خزانه دار کلیسا و برخی مشاورین باشد؛ در این میان شبان معمولاً نقش رئیس را ایفا می کند. نقش این کمیته می تواند از این قرار باشد: (۱) برنامه ریزی و اداره بودجه کلیسا؛ (۲) برنامه ریزی برای جذب کمک های مالی؛ و (۳) شمردن و ثبت دهک ها و هدایا در انتهای هر جلسه.

۸- بر مبنای درس، یکی از کارکردهای خاص کمیته مالی عبارتست از:

(a) تصمیم گیری در مورد چگونگی کاربرد منابع مالی کلیسا.

(b) تعلیم در مورد دادن دهیک به نوایمانان.

(c) برنامه ریزی در مورد چگونگی تقسیم کار کلیسا.

اداره منابع مالی

اداره منابع مالی کلیسا فرایندی است شامل جمع آوری آنها، نگهداری، و خرج کردن مناسب آنها. پیشنهادات عملی که در این بخش (و در بخش های ذیل) ارائه شده اند، بیانگر برخی روش هایی است که بعضی از کلیساها برای اداره منابع مالی، مفید تشخیص داده اند. شاید با مقداری تغییر و تبدیل، بتوانید این گام ها را برای کمک به موقعیت مالی کلیسای خودتان به کار برید.

جمع‌آوری

پولی که از طریق دهیک‌ها و هدایا جمع‌آوری می‌شود، باید توسط کمیته‌ای شمارش شود. این کمیته باید دست کم از دو و ترجیحاً از سه نفر تشکیل شده باشد. خزانه‌دار باید یکی از ایشان باشد. به‌نظر برخی کلیساها بهتر است که دهیک‌ها را در یک دفتر و هدایا را در دفتری دیگر ثبت کنند. در کتابچه دهیک‌ها، هر دهیکی را می‌توان در زیر نام دهنده آن نوشت. اگر هدیه‌ای خاص به میزان قابل توجهی دریافت شود، بهتر است که به دهنده آن رسیدی داده شود. این کار وقتی که دهنده‌ها وعده پرداخت مقدار معینی پول را در طول مدت زمانی معین می‌دهند، بسیار اهمیت دارد. هر بار که دهیک و هدایایی دریافت می‌شود، پول توسط کمیته شمرده شده، سپس به خزانه‌دار واگذار می‌شود.

نگاهداری در محلی امن

اگر کلیسا به اندازه کافی منابع مالی داشته باشد که بتواند حساب بانکی باز کند، بهتر است این کار را انجام دهد. به این ترتیب، پول از خطر دزدی و آتش‌سوزی در خانه خزانه‌دار مصون می‌ماند. حساب باید به نام کلیسا و با امضای شبان و خزانه‌دار باز شود. امضای هر دو نفر ضروری است تا ایشان بتوانند پول برداشت نمایند. در برخی نقاط دنیا، داشتن حساب بانکی غیرممکن است. در چنین موردی کلیسا باید یک گاو صندوق داشته باشد تا خزانه‌دار پول‌ها را در آن نگاه دارد. شبان یا عضو دیگری از کمیته مالی باید کلید آن را در اختیار داشته باشند. بدین طریق، به هنگام گشودن در صندوق دو نفر باید حاضر باشند.

خرج کردن

پول‌هایی که جمع‌آوری شده‌اند، باید بر طبق توافق قبلی کلیسا یا رهبران رسمی خرج شود. برای حمایت مالی شبان، کافی است که رهبران رسمی به خزانه‌دار اجازه دائمی برای پرداخت حقوق او را بدهند. برای هزینه‌های جاری و محدود نظیر آب،

برق و نظافت و غیره از همان روال پیروی می‌شود. اما برای هزینه‌های عمده، بهتر است که توافق و تأیید رهبران رسمی و در برخی موارد کلیسا جلب شود.

۹- وقتی که پولی خرج می‌شود، بدین معنی است که

اگر کلیسا دارای حساب بانکی باشد، فیش‌ها را باید با چک پرداخت نمود، اما هزینه‌های اندک را می‌توان نقداً پرداخت. هر گاه که امکان‌پذیر باشد، خزانه‌دار باید برای هزینه‌های پرداختی، سندی مطالبه کند (هر نوع رسیدی).

۱۰- جملاتی را که بیانگر فرایندی است که بر پایه رهنمودهای ارائه شده در درس قرار دارد، مشخص کنید.

a) برای کلیسا، داشتن حساب بانکی امکان‌پذیر نیست. لذا شبان پول‌های کلیسا را در محل امنی در خانه‌اش نگاه می‌دارد.

b) کمیته مالی کلیسا به خزانه‌دار اجازه دائمی برای پرداخت هزینه برق و شواژ و نظافت را می‌دهد.

c) در کلیسا، دهیک‌ها و هدایا به محض جمع‌آوری، توسط خزانه‌دار شمرده می‌شود.

درستکاری و امانت‌داری

شبان و نیز رهبران رسمی و کمیته مالی باید درک کنند که آنها فقط مباشرین پول‌های کلیسا می‌باشند (دوم قرنتیان ۸: ۱۹-۲۰). این اموال در واقع متعلق به خداوند است. و چون پول‌ها از آن خداوند است، رهبران کلیسا باید آنها را با درستکاری اداره کنند (اول قرنتیان ۴: ۲). این بدین معنی است که ایشان باید آنها را بر طبق تصمیم کلیسا اداره و خرج کنند.

همچنین رهبران باید در اعمال مباشرت خود امین باشند. درست نیست که شبانی که خود دهیک نمی‌پردازد، به ایمانداران پیاموزد که دهیک بدهند (رومیان ۲: ۲۱-۲۲). همچنین درست نیست که خزانه‌داری که از اموال خداوند مراقبت می‌کند، خود

دهیک نپردازد، زیرا مسخره است که کسی که سر خداوند کلاه می‌گذارد مسئول اموال او باشد (ملاکی ۸:۳).

اگر رهبران در انجام مسئولیت خود امین باشند و احتیاط‌های لازم را که در بخش قبلی ذکر شد به‌عمل آورند، جماعت به ایشان اعتماد کرده، با کمال میل هدایا و دهیک خواهند داد. نتیجه آن افزایش منابع مالی کلیسا خواهد بود و بدین طریق خواهد توانست مأموریت بزرگ را به‌جا آورد. فراموش نکنیم که امانت، اعتماد را ایجاد می‌کند.

۱۱- در کدام کلیسای مذکور در زیر، دارایی‌ها به شیوه‌ای درستکارانه اداره شده‌اند؟

(a) در کلیسایی ایمانداران هدایایی دادند تا به مصرف کار تبشیری برسد. کمیته مالی تصمیم می‌گیرد که بخشی از آن را برای تعمیرات مورد نیاز ساختمان کلیسا اختصاص دهد.

(b) در کلیسایی، یکی از ایمانداران که دهیک نمی‌پردازد، مایل است به سمت خزانه‌دار منصوب شود. با این حال او اجازه ندارد که به‌عنوان خزانه‌دار خدمت کند، مگر زمانی که شروع به پرداخت دهیک کند.

استفاده از دفاتر ثبت حساب‌ها

دفاتر ثبت حساب برای اداره امور مالی اساسی است. اما کلیسا مانند شرکت‌های تجاری نیست که به تعداد زیادی از آنها نیاز داشته باشد. یک دفتر ثبت نقدینه‌ها که باید تحت نظارت خزانه‌دار باشد، معمولاً مناسب است.

دفاتر ثبت نقدینه‌ها برای ثبت وجوه نقدی ماهانه به‌کار می‌رود. آنها به‌صورت دو صفحه‌ای شماره‌گذاری شده‌اند. درآمد در صفحه سمت چپ ثبت می‌شود و مخارج (پرداخت‌ها) در صفحه سمت راست. (بدیهی است که در دفاتر فارسی عکس این صادق خواهد بود-م).

درآمد معمولاً متشکل از دهیک‌ها و هدایاست. گاهی ممکن است دریافتی‌های دیگری نیز وجود داشته باشد که حاصل از فروش اموال یا پول‌های مسترد شده می‌باشد. هزینه‌ها عمدتاً برای حقوق شبان، مخارج عمومی کلیسا، و خرید برخی چیزها خواهد بود. دهیک‌های ثبت شده در دفتر دهیک‌ها، در پایان هر ماه در دفتر نقدینه‌ها وارد می‌شود. با هدایای رسیده از جلسات خارج از کلیسا نیز به همین صورت عمل می‌شود.

۱۲- هدف دفتر ثبت نقدینه‌ها چیست؟

برخی هدایا به شخصی یا نهادی مشخص داده می‌شود. به عنوان مثال، بعضی از هدایا برای واعظ میهمان، ایماندارانی نیازمند، میسیون‌ها، مدرسه کتاب مقدس، یا انجمن کتاب مقدس پرداخت می‌شود. در این موارد، بهتر است که این هدایا را در جدول درآمدها و سپس در جدول مخارج ثبت نمود. بدین طریق آنها به صورت کتبی در دفاتر حسابرسی کلیسا منعکس می‌شوند.

هر کلیسا باید دفتری نیز برای فهرست اموال داشته باشد. در این دفتر تمامی وسایل و اموال کلیسا باید ثبت شود. اگر یکی از آنها مستهلک شود، آن را علامت می‌زنند و توضیحات مربوط به آن در دفتر باقی می‌ماند. همین کار نیز باید با اموالی که خریداری، مفقود، یا فروخته می‌شود، انجام شود.

فکر خوبی است که هر چند وقت یکبار، دفتر جدیدی را به فهرست اموال اختصاص داد. هدف از این کار این است که مشخص شود که آیا تمامی اموال ثبت شده همچنان موجود است یا نه. به نفع شبان جدید کلیسا خواهد بود که این دفتر را با فهرست اموال کلیسا دریافت نمایند.

- ۱۳- هر یک از اقلام فهرست شده (سمت راست) را با دفتر یا صفحه‌ای که باید بر روی آن ثبت شود (سمت چپ)، انطباق دهید.
- a ... ۲۰ دلار هدیه برای مدرسه کتاب مقدس
- b ... خرید ۳ صندلی جدید
- c ... هدایای ماهانه جلسات خارج از کلیسا معادل ۱۵/۳۴ دلار
- d ... پرداخت ۲۷۵ دلار حقوق شبان
- e ... حواله ۲۰ دلار به مدرسه کتاب مقدس
- f ... دهیک برادر نادر: ۱۰/۵۰ دلار
- g ... فروش دو وسیله موسیقی
- (۱) دفتر دهیک‌ها
- (۲) دفتر نقدینه‌ها، صفحه سمت چپ
- (۳) دفتر نقدینه‌ها، صفحه سمت راست
- (۴) دفتر فهرست اموال

گزارش دهی

در درس دوم آموختید که یک مباشر باید در مورد مباشرت خود حساب پس بدهد. به همان طریق خزانه‌دار کلیسا نیز باید به رهبران رسمی، حساب امور مالی کلیسا را گزارش کند. فکر خوبی است که اعضاء کلیسا نیز در جریان امور مالی کلیسا قرار گیرند. گزارش به اعضاء می‌تواند یک گزارش کلی باشد مگر آنکه حضار خواهان دانستن جزئیات باشند. گزارش باید مشتمل باشد بر: (۱) فهرست دهیک دهندگان و مبالغ دهیک‌ها؛ (۲) موقعیت مالی کلیسا.

نمونه ذیل نمونه‌ای از گزارش کلیسا است:

ماه ژوئن سال ...			
درآمدها		هزینه‌ها	
۷۷/۲۰	هدایای عمومی	۵۵/۳۰	هدایای خاص
۵۵/۳۰	هدایای خاص	۱۸/۲۰	مخارج عمومی
۲۴/۷۰	هدایای جلسات خارج کلیسا	۵/۱۰	مخارج ایاب و ذهاب
۴۶۲/۰۰	دهیک‌ها	۳۴/۸۰	مخارج تعمیرات
۶۱۹/۲۰	جمع درآمدها	۲۶۰/۰۰	حقوق‌ها
۵۸/۴۰	مانده از ماه مه	۳۷۳/۴۰	جمع هزینه‌ها
۶۷۷/۶۰	جمع	۳۰۴/۲۰	نقل به ماه ژوئیه
		۶۷۷/۶۰	جمع

گزارش مشابهی را می‌توان برای جلسه سالانه کلیسا مورد استفاده قرار داد. با جمع زدن ارقام گزارش ماهانه، حصول ارقام سالانه کاری ساده خواهد بود.

۱۴- هر یک از اقلامی را که باید بر طبق نمونه ارائه شده در درس، در گزارش مالی ماهانه خزانه‌دار قید شوند، مشخص کنید.

- جمع هدایای عمومی
- فهرستی از وسایل کلیسا
- هزینه‌های کل هر ماه
- دریافت‌های حاصل از هدایای خاص
- جمع کل حقوق‌های پرداخت شده

حمایت مالی از شبان

روش‌های مختلف حمایت

در بین طرق متنوعی که برای حمایت از شبان وجود دارد، طرق عمده از این قرارند: (۱) دهیک‌های ایمانداران؛ (۲) درصدی از دهیک‌ها و هدایا؛ (۳) حق الزحمه؛ (۴) حقوق؛ و (۵) برخی هدایا.

حمایتی معقول

برای برخی کلیساها تصمیم‌گیری در مورد میزان حمایت معقول از شبان‌شان دشوار است. این امر می‌تواند ناشی از این واقعیت باشد که ایشان از ابتدا در نظر نگرفته‌اند که شبان‌شان برای زندگی به چه مقدار درآمد احتیاج دارد. البته ضروری نیست که شبان زندگی پر تجملی داشته باشد، اما درآمدش باید کافی باشد تا کارش را با «خوشی» انجام دهد و نه با «نال» (عبرانیان ۱۳:۱۷).

ایمانداران باید این واقعیت را در نظر بگیرند که شبان‌شان معمولاً میهمانان بیشتری دارد و بیش از ایشان مسافرت می‌کند. به‌علاوه او باید هر روز با لباس مناسبی ظاهر شود و برای غنای خود و تعلیم بهتر جماعت دائماً کتب جدیدی بخرد. به همان ترتیب نیازهای شبانی که خانواده بزرگی دارد، بیش از نیاز شبانی است که خانواده‌اش کوچک است.

با توجه به این عوامل، بهترین شاخص برای تصمیم‌گیری در مورد میزان درآمد شبان، می‌تواند حقوق متوسط یک کارمند دولت در کشور شما باشد.

۱۵- ایمانداران یک کلیسایی می‌خواهند تصمیم بگیرند که از شبان‌شان به چه میزانی پشتیبانی مالی کنند. بر مبنای رهنمودهای داده شده در درس، مبلغی که باید بدهند باید مشابه با کدام مورد زیر باشد؟

a) شخصی که دارای سمتی در یک اداره دولتی می‌باشد.

b) ایماندار متوسط در کلیسا.

c) یک دکتر یا وکیلی که در آن شهر زندگی می‌کند.

فعالیت بر اساس بودجه

در درس ۷ نیاز به تنظیم بودجه را برای امور مالی شخصی مورد ملاحظه قرار دادیم. اما بودجه برای نظم امور مالی کلیسا نیز بی‌نهایت مفید است. اولین گام در تنظیم بودجه، تشکیل کمیته‌ای از ایمانداران با کفایت است. ایشان بودجه‌ای را طرح‌ریزی می‌کنند و سپس به شبان و هیأت رهبران عرضه می‌دارند. البته گاهی اوقات نیز شبان و هیأت رهبران می‌توانند در کمیته تنظیم بودجه شرکت کنند. بعد از آنکه رهبران آن را دریافت کردند، کمیته آن را برای تأیید به کلیسا عرضه می‌دارد.

کمیته بودجه، تمام منابع کلیسا و نیز هدایایی را که در کوتاه‌مدت ممکن است دریافت کنند، مطالعه می‌نمایند. به همان ترتیب، به بررسی مخارج جاری پرداخته، مخارج جدید، سرمایه‌گذاری‌ها و مقادیر مربوط به مخارج غیر منتظره را به آن اضافه می‌کند. طبیعتاً هزینه‌ها در بودجه نباید بیشتر از درآمدها باشد.

بودجه معمولاً سالانه تنظیم می‌شود. اما اگر بخواهید که بودجه سالانه را برای هر ماه مورد استفاده قرار دهید، هر یک از اقلام سالیانه باید تقسیم بر ۱۲ شود. اگر به دلیل تورم، بودجه قابل اعمال نباشد، تغییرات ضروری باید صورت پذیرد. اما اگر بودجه به صورت «درصد» تنظیم شده باشد، دیگر نیازی نیست که مکرراً به تغییر و تبدیل پرداخت.

۱۶- اگر کلیسایی با بودجه‌ای معادل ۱۲۰۰ دلار در سال کار کند، درآمد ماهانه‌ای که به طور متوسط باید برای موازنه بودجه‌اش داشته باشد از چه قرار است؟

- (a) ۵۰ دلار
(b) ۱۰۰ دلار
(c) ۶۰۰ دلار
(d) ۱۲۰۰ دلار

در اینجا الگویی از یک بودجه آمده است که می‌توانید آن را با نیازها و ویژگی‌های کلیسای تان تطبیق دهید.

درآمدها	سالانه	ماهانه
دهیک‌های		
اعضای ثبت شده		
اعضای جدید		
ایمانداران متفرقه		
هدایای		
عمومی		
مخصوص		
سایر درآمدها		
از محل فروش		
هدایا		
درآمد کل		

هزینه‌ها	سالانه	ماهانه
بین‌الکلیسایی		
انجمن کتاب مقدس		
سازمان‌های بین‌الکلیسایی		
شورایی		
کمک به میسیون‌ها		
کمک به بودجه ملی		
کمک به بودجه منطقه‌ای		
کمک به مدرسه کتاب مقدس		
سطح محلی		
مخارج عمومی		
مخارج ایاب و ذهاب		
کتاب و نشریات		
بشارت		
ساختمان و تعمیرات		
حقوق‌ها		
مبللمان و تجهیزات		
امور اضطراری		
هزینه‌های کل		

در پایان یک سال کار بر اساس بودجه، لازم است که کلیسا نتایج را ارزیابی کند. آیا درآمدها به اندازه هزینه‌ها بوده است؟ آیا باید برخی مخارج را حذف کرد؟ آیا برای برخی نیازها منابع کمی در اختیار بود؟ بعد از پاسخگویی به این سؤالات و سؤالات مشابه، می‌توان بودجه‌ای را برای سال بعد تنظیم کرد.

۱۷- به نمونه درآمدها برای ماه ژوئن که در بخش استفاده از دفترهای حسابرسی آمده است بنگرید. فرض کنید که برای تمام سال، کلیسا درآمد کلی معادل ۹۰۰۰/۰۰ دلار داشته باشد (که شامل ۶۱۹/۲۰ دلار ثبت شده برای ماه ژوئن می‌شود). در دفتر یادداشت‌تان، با استفاده از نمونه عرضه شده در بالا یک بودجه سالانه معقول بنویسید.

خودآزمایی

۱- فرض کنید می‌خواهید به گروهی از ایمانداران توضیح دهید که مباشرت انجیل به چه معنی است. آیه‌های سمت راست را با جنبه‌ای از این مباشرت که در آن این آیات تعلیم یا شریح داده شده است (از سمت چپ) منطبق کنید.

(a ...) متی ۷:۸-۷

(b ...) مرقس ۱۶:۱۵

(c ...) اعمال ۴:۱۲

(d ...) اعمال ۱۰:۳۶-۴۲

(e ...) رومیان ۱:۱

(f ...) اول قرنتیان ۳:۹

(g ...) اول تیموتائوس ۱:۱۱

(۱) خدا مالک انجیل است.

(۲) ما مباشرین انجیل هستیم.

(۳) ما باید از انجیل آگاهی داشته باشیم.

(۴) لازم است که انجیل را موعظه کنیم.

۲- در دفتر یادداشت‌تان، فهرستی از فعالیت‌هایی را که می‌توانند توسط یک رهبر کلیسا برای تقسیم کار در میان ایمانداران مورد استفاده قرار گیرند، بنویسید. فهرست شما باید دست کم ۱۰ فعالیت ویژه نظیر خدمت در زندان‌ها، ترتیب دادن جلسات رفاقت (مشارکت) و غیره را در بر داشته باشد.

۳- فرض کنید که باید به گروهی از نوایمانان برنامه مالی خدا را برای کلیسا تعلیم دهید. در دفتر یادداشت‌تان، شش حقیقت عمده را باید مورد تأکید قرار دهید و دست کم یک آیه را که هر یک از آنها را تشریح می‌کند بنویسید.

۴- فرض کنید که از شما خواسته شده است که رهبر کلیسایی شوید که اعضای آن در مورد دادن ده یک، آموزش ندیده‌اند. ایشان نه طریقی را برای اداره منابع مالی‌شان می‌شناسند و نه دفاتر حسابرسی دارند. در دفتر یادداشت‌تان، گام‌هایی را که برای کمک به این کلیسا بر خواهید داشت تا بدَل به مباشر امین منابع خود شود بنویسید.

انتشارات ایلام
نسخه الکترونیک

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۹- برای تأمین هزینه‌های مختلف خرج شده است.

۱- (b) امانت‌دار و مباشر انجیل است.

۱۰- (b) کمیته مالی کلیسا به خزانه‌دار اجازه دائمی برای پرداخت هزینه برق و شوفاژ و نظافت را می‌دهد (آیا می‌توانید توضیح دهید که دو روال دیگر چه اشکالی دارند؟)

۲- (c) آنها وسایلی برای انجام کار می‌باشند.

۱۱- (b) در کلیسایی، یکی از ایمانداران که دهیک نمی‌پردازد، مایل است به سمت خزانه‌دار منصوب شود. با این حال او اجازه ندارد که به عنوان خزانه‌دار خدمت کند، مگر زمانی که شروع به پرداخت دهیک کند. (در توصیف a) کمیته مالی چگونه امانت را رعایت نکرده است؟)

۳- پاسخ خودتان. آیا کلیسای شما دارای برنامه متعادل هست؟

۱۲- در دفتر نقدینه‌ها، نقدینه هر ماه را ثبت می‌کنند - یعنی پولی که دریافت شده است و پولی که خرج شده است.

۴- (a) ۵

(b) ۳

(c) ۲

(d) ۱

(e) ۶

(f) ۷

(g) ۴

۱۳- (a) ۲ دفتر نقدینه‌ها، صفحه سمت چپ

(b) ۴ دفتر فهرست اموال

(c) ۲ دفتر نقدینه‌ها، صفحه سمت چپ

(d) ۳ دفتر نقدینه‌ها، صفحه سمت راست

(e) ۳ دفتر نقدینه‌ها، صفحه سمت راست

(f) ۱ دفتر دهیک‌ها

(g) ۴ دفتر فهرست اموال

۵- (a) توزیع جزوات بشارتی در خانه‌های نزدیک به کلیسا

۱۴- (a) جمع هدایای عمومی

(c) هزینه‌های کل هر ماه

(e) جمع کل حقوق‌های کل پرداخت شده

۶- (c) دادن فرصتی به تمامی ایمانداران تا علائق و قابلیت‌های خود را مشخص کنند. (اگر این کار را بکنید، به احتمال زیاد کسی را کشف خواهید کرد که به کمک کردن به جوانان علاقه دارد و لذا می‌توان او را برای آموزش به آنان تعلیم داد. بدین طریق کار کلیسا تقسیم خواهد شد.)

۱۵- (a) شخصی که دارای سمتی در یک اداره دولتی می‌باشد. (به هر حال حقوق یک شبان باید به حد کفایت نیازهایش و مخارج اضافی که به دلیل مسئولیت‌های خاصش داراست، پاسخ بدهد.)

۷- (a) ۳) لاویان ۳۰:۲۷؛ ملاکی ۸:۳-۱۰؛ اول قرن‌تیا ۱۶:۱-۲

(b) ۵) پیدایش ۱۴:۱۸-۲۰؛ اعداد ۱۸:۱-۲۴؛ تثنیه ۱۸:۱-۵؛ اول قرن‌تیا

۹:۱۱-۱۴

(c) ۱) اعداد ۱۸:۲۵-۲۹

(d) ۴) تثنیه ۱۶:۱۶-۱۷

(e) ۲) امثال ۹:۳-۱۰؛ ملاکی ۳:۱۰؛ دوم قرنتیان ۹:۶-۷، ۱۰-۱۱
(f) ۶) خروج ۱:۲۵-۹؛ اعداد ۷:۱-۸۹؛ عزرا ۲:۶۸-۶۹؛ رومیان ۱۵:۲۵-۲۷؛
دوم قرنتیان ۸:۱-۴

۱۶-b) ۱۰۰ دلار (۲۰۰ دلار تقسیم بر ۱۲، مساوی است با ۱۰۰ دلار)

۸-a) تصمیم‌گیری در مورد چگونگی کاربرد منابع مالی کلیسا

۱۷- پاسخ خودتان. اگر رهبر کلیسا هستید، شاید بتوانید طرقی را برای انطباق
بودجه ارائه شده در درس با موقعیت خودتان، مشاهده کنید. بودجه می‌تواند به شما
کمک کند تا طرق استفاده از منابع کلیسا را برای به انجام رساندن مسئولیتش به‌عنوان
مباشر انجیل، برنامه‌ریزی کنید.

مسئولیت ما در قبال اجتماع خود

تا اینجا اساس مباشرت مسیحی را در کتاب مقدس و کاربرد آنها را در زندگی خود و در مورد دارایی‌های مان مطالعه کردیم. امیدواریم که این حقایق را به تدریج به صورت جزئی از زندگی روحانی خود در آورده باشید! اکنون به آخرین درس این کتاب می‌رسیم؛ در این درس، به بررسی رابطه مان با اجتماعی که جزئی از آن هستیم می‌پردازیم.

ما به عنوان مباشرین خدا تعهداتی در قبال اجتماع خود داریم. برای متحقق ساختن این تعهدات، لازم است آنها را بشناسیم. هدف این درس همین است. با مطالعه دقیق آن، طرق مختلفی را کشف خواهید کرد تا بتوانید مباشرت خود را عملاً در مقام شاهد مسیح، شهروند، و همسایه خوب در اجتماع خود پیاده کنید.

رئوس مطالب

شهادت مسیحی

برخورداری از زندگی خداپسندانه

شناساندن کلیسا به مردم

مسئولیت‌های مدنی

اطاعت از مقامات حکومتی

پرداخت مالیات

دادن رأی

شراکت در امور دولت

دعا کردن برای صاحب منصبان

مسئولیت‌های اجتماعی
تأثیر مثبت بر جامعه‌مان
دوست داشتن همسایه‌مان



اهداف درس

- پس از مطالعه این درس، باید بتوانید:
- راه‌هایی را که یک مسیحی می‌تواند شهادتی در اجتماعش باشد، نام ببرید.
 - مسئولیت‌های یک مسیحی را به‌عنوان یک شهروند در قبال اجتماعش بیان کنید.
 - توضیح دهید که یک مسیحی چگونه می‌تواند همسایه‌ای خوب باشد.

فعالیت‌های یادگیری

- ۱- این آخرین درس این کتاب می‌باشد! با پیروی از روشی که در دروس قبلی به‌کار برده‌اید، آن را به دقت مطالعه کنید.
- ۲- بعد از اتمام درس و انجام خودآزمایی، بخش ۳ کتاب (درس‌های ۷ تا ۱۰) را مرور کنید. سپس آزمون میانی شماره ۳ را بگذرانید و پاسخنامه‌تان را برای مسئول دفتر آی‌سی‌آی ارسال کنید.

شهادت مسیحی

برخورداری از زندگی خداپسندانه

در جهان امروز میل وافری برای عدالت وجود دارد. مردم خواهان جامعه‌ای عادل هستند. اما آنچه که نمی‌خواهند، برخورداری از یک زندگی عادلانه و درست است. ایشان درک نمی‌کنند که یک جامعه فقط زمانی می‌تواند عادلانه باشد که افراد تشکیل‌دهنده آن عادل باشند. امکان ندارد که جامعه‌ای را با طلا ساخت، در حالی که افراد آن از گل ساخته شده‌اند.

مسیح فرمود: «خوشابه‌حال گرسنگان و تشنگان عدالت...»، یعنی آنانی که بزرگترین اشتیاق‌شان انجام خواست خداست (متی ۵: ۶). مقصود مسیح اشاره به کسانی است که اشتیاق دارند خودشان آنچه را که راست و عادلانه است به‌جا آورند، نه اینکه دیگران چنین کنند. مسیحیان باید به چنین اشتیاقی مجهز باشند.

ما به‌عنوان مسیحی می‌توانیم اثر سازنده‌ای بر اجتماع بگذاریم. ما به‌مثابه نمک بشریت هستیم (متی ۵: ۱۳). در واقع اگر جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم بیش از این به انحطاط کشیده نشده، به‌خاطر زندگی خداپسندانه مسیحیان واقعی و وقف‌شده می‌باشد. با زندگی خداپسندانه می‌توانیم نور خدا را بر مردم بتابانیم، تا کارهای خوبی را که انجام می‌دهیم ببینند و او را تمجید کنند (متی ۵: ۱۶). جامعه چقدر جای خوبی می‌شد اگر همه مسیحیان زندگی خداپسندانه‌ای می‌داشتند.

۱- کدام یک از عبارات گویای رابطه میان زندگی مسیحی و جامعه‌ای عادل می‌باشند؟

- (a) برای داشتن جامعه‌ای عادل، مسیحیان باید مقامی در حکومت داشته باشند.
- (b) بهترین راه برای اینکه یک مسیحی بتواند جامعه‌ای عادل و درستکار به وجود آورد، این است که بخواهد که دیگران آنچه را که درست است انجام دهند.
- (c) با زندگی خدایسندانه این امکان برای هر مسیحی وجود دارد که به کل جامعه کمک کند تا عادل شود.

شناساندن کلیسا به مردم

در اجتماع شما، بسیاری از مردم هنوز اطلاعی در مورد کلیسا ندارند. شاید شما که یک ایماندار هستید، چراغ را زیر سرپوش نهاده‌اید (متی ۵: ۱۵). لازم است که از روش‌های ارتباطی مختلف برای شناساندن کلیسای تان استفاده کنید. آگهی کردن از طریق روزنامه و رادیو ممکن است بسیار گران تمام شود. اما بعضی از گزارش‌های خبری وجود دارد که برای این رسانه‌ها جالب است و آن را منتشر خواهند کرد. به عنوان مثال، خبر جلسات بزرگ بشارتی، فعالیت چشمگیر مدرسه یکشنبه، افتتاح یک کلیسای جدید در گوشه‌ای از شهر، مراسم ازدواج، سخنرانی یک واعظ برجسته، یا وقایع مهم دیگر در زندگی کلیسا می‌تواند برای این رسانه‌های خبری جالب باشد و آنها را به رایگان منتشر کنند.

۲- در دفتر یادداشت‌تان، دست کم سه طریق برای شناساندن کلیسای تان را بنویسید. این طرق می‌توانند شامل وقایعی باشند که گزارش‌های خبری خوبی را تشکیل دهند.

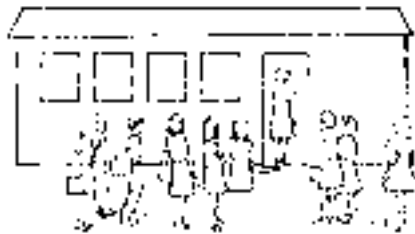
مسئولیت مدنی

اطاعت از مقامات حکومتی

پولس رسول در رومیان ۱۳:۱-۶ می‌فرماید که مقامات حکومتی از سوی خدا مقرر شده‌اند. بنابراین، مسیحی شخصی است که از افراد این مقامات اطاعت کرده، به قوانین احترام بگذارد. او با صاحب‌منصبان ضدیت نمی‌کند زیرا در این صورت، با آنچه که خدا مقرر کرده است مخالفت می‌کند. او یک انقلابی نخواهد بود، حتی اگر هدف آن عادلانه به نظر آید. او با کسانی که سعی در براندازی حکومت دارند، متحد نمی‌شود. به عنوان مثال توجه داشته باشید که داود چه احترام عمیقی برای شاول قائل بود، زیرا که شاول مسح شده خدا بود. با وجود آنکه خدا شاول را رد کرده بود، داود سعی نکرد او را از سلطنت خلع کند. داود دو بار فرصت داشت که او را بکشد، اما هر دو بار زندگی او را رها نمود (اول سموئیل ۲۴:۶؛ ۲۶:۹-۱۱). شاول را خدا بر مسند اقتدار نهاده بود. لذا مادامی که خدا او را از سلطنت عزل نکرده بود، داود سعی ننمود که آنچه را که خدا مستقر کرده است براندازد.

پرداخت مالیات

هزینه بسیاری از خدمات عمومی که از آنها برخورداریم، نظیر مدارس دولتی، روشنایی خیابان‌ها، خدمات پلیس، و جاده‌ها از محل مالیات‌هایی که می‌پردازیم تأمین می‌شود. بنابراین کسی که از پرداخت مالیات سر باز می‌زند، به اجتماع زیان می‌رساند. مسیحی باید به اجتماع خود کمک کند، نه اینکه به آن زیان رساند.



مسیح تعلیم داد که مالیات باید پرداخت شود. او فرمود: «مال قیصر را به قیصر بدهید» (متی ۲۱:۲۲). نه فقط این، بلکه او خودش با عمل کردن به این کار، سرمشقی به ما داد (متی ۲۴:۱۷-۲۷). پولس رسول نیز به روشنی می‌آموزد که ایمانداران باید مالیات خود را بپردازند (رومیان ۱۳:۶-۷).

دادن رأی

دولت در قبال خدا مسئول است زیرا که او آن را مقرر کرده است. اما همچنین در قبال مردمی که آن را انتخاب کرده‌اند نیز مسئول است. به همان شکل مردم برای انتخاب مسئولین جامعه‌شان در قبال خدا مسئول هستند. اگر دولتی بد باشد، مردمی را که آن را انتخاب کرده‌اند فریب می‌دهد. خدا می‌تواند آن را خلع کند، اما مردم هم به‌خاطر انتخاب دولت بد مقصر هستند. بنابراین، ما باید به‌هنگام رأی دادن، انگیزه‌های خود را بررسی کنیم. آیا به نامزدی رأی می‌دهیم که حقوق بیشتری به ما می‌دهد؟ یا به کسی که به ما وعدهٔ التفات شخصی را داده است؟ یا به کسی که به‌نظر می‌رسد بیشترین قابلیت را برای انجام وظیفه‌اش دارد؟ اگر به‌طور جدی به این سؤالات فکر کنیم، بعد از رأی دادن دچار پشیمانی نخواهیم شد.

ما به‌عنوان ایماندار باید در دعا از خدا بخواهیم که ما را راهنمایی کند تا خردمندانه رأی بدهیم. این امکان وجود دارد که رأی‌دهنده فریب وعده‌های کاذب کسانی را بخورد که فقط طالب قدرت هستند. حتی اتفاق افتاده است که برخی برای رسیدن به حکومت، افراد فقیر را آلت دست قرار داده‌اند، و وقتی که انتخاب شدند فقرایی را که متقاعد کرده، چاپلوسی‌شان را کرده بودند، فراموش نموده‌اند. باشد که هیچ ایمانداری فریب کسانی را نخورد که منافع خود را در پشت نقاب دروغین وعده‌های نیکو به محرومین پنهان می‌سازند. نباید فراموش کنیم که یهودای خائن و دزد، دلسوزی زیادی نسبت به فقرا نشان می‌داد (یوحنا ۱۲:۴-۶).

شراکت در امور حکومت

حکومت بی عیب بسیار نادر است، زیرا کسانی که در رأس امور هستند، معمولاً خداشناس واقعی نیستند. اما ایمانداران اگر در ادارات دولتی سمتی داشته باشند، می توانند در بهترین شدن اخلاقیات محیط خود بکوشند. البته نباید از نظر دور داشت که معمولاً وسوسه های زیادی می تواند به سراغ این قبیل افراد بیاید. اما دانیال نبی سرمشق عالی برای ماست. دانیال مردی بود بسیار متقی و در ضمن، مقام بالایی در حکومت پارس داشت (دانیال ۱: ۱-۶: ۲۸). او در درباری فاسد، به خدا وفادار ماند؛ خدا نیز او را تکریم کرد.

پولس رسول در رومیان ۲۳: ۱۶ از آرسطوس نام می برد، ایماندارانی که خزانه دار شهر بود. اگر آرسطوس توانست در آن سمت به خدا خدمت کند، شما نیز می توانید. بنابراین اگر خدا شما را بخواند تا مسئولیتی در دولت کشور خود داشته باشید، آن را بپذیرید. بدین طریق می توانید از نفوذ خود به عنوان یک مسیحی استفاده کنید تا جامعه بهتری بسازید.

دعا برای صاحب منصبان

شراکت در امور حکومتی برای ایجاد محیطی اخلاقی تر، تنها کاری نیست که می توانیم انجام دهیم. کتاب مقدس به ما می آموزد که لازم است برای صاحب منصبان دعا کنیم (اول تیموتائوس ۲: ۱-۲). لازم است که این کار را نه فقط به خاطر اینکه خدا آن را حکم کرده است، بلکه همچنین برای بهزیستی خودمان انجام دهیم، «تا به آرامی و استراحت و با کمال دینداری و وقار، عمر خود را بسر ببریم» (اول تیموتائوس ۲: ۲). روزگار آشفته ای که در آن زندگی می کنیم ما را بر آن می دارد تا درک کنیم که این کار چقدر ضروری است!

۳- رهبرانی که باید برای ایشان دعا کنید چه کسانی هستند؟ در دفتر یادداشت‌تان، فهرستی از ایشان را تهیه کرده، منظم‌اً برایشان دعا کنید. ایشان چه با تقوا باشند و چه نباشند، شما می‌توانید دعا کنید تا خداوند به ایشان خرد لازم را ببخشد تا رهبران خوبی باشند.

- ۴- به دور حرف مربوط به هر عبارت صحیح دایره‌ای بکشید.
- (a) بر طبق رومیان ۱۳:۱-۳، یک مسیحی مجبور است که دولت را اگر دولت بدی باشد، براندازد.
- (b) مسئولیت یک ایماندار در قبال حکومتی که تحت آن زندگی می‌کند، شامل پرداخت مالیات می‌شود.
- (c) اگر یک مسیحی دعا کند تا اراده خدا در حکومت به‌جا آورده شود، دیگر لزومی ندارد که رأی بدهد.

مسئولیت اجتماعی

تأثیر مثبت بر جامعه‌مان

شاگردان اولیه از نظر نظم اجتماعی حاکم، افرادی بسیار خطرناک تلقی می‌شدند؛ ایشان حتی متهم به ایجاد فتنه و آشوب شدند (اعمال ۱۷:۶). شرایط اجتماعی آن زمان با عدالت فاصله بسیار داشت، به‌همین جهت تعالیم عیسی که توسط رسول منتقل می‌شد، بی‌عدالتی زمان ایشان را برهم می‌زد.

امروز ما از مواهب اجتماعی بسیاری برخورداریم که به‌نظرمان بسیار بدیهی می‌رسد. حتی برخی از آنها جزئی از برنامه‌های اجتماعی برخی دولت‌ها می‌باشند. اما این تغییرات مثبت در اجتماع و فراهم ساختن مواهب اجتماعی، ابتکار مردان و زنان مسیحی بود. پیشگامان نهضت لغو برده‌داری، وضع قوانین برای حمایت از

کودکان، اعطای حقوق اجتماعی به زنان، احداث بیمارستان‌ها، و تأسیس صلیب سرخ همگی مسیحی بودند.

با این حال، لازم است تصدیق کنیم که نظم اجتماعی که در آن زندگی می‌کنیم، معایب بسیاری دارد. خیلی کارهاست که باید انجام شود. ایمانداران در کلیسای اولیه بر روی جامعه‌شان اثر می‌گذاشتند؛ ما نیز می‌توانیم بر جامعه خود اثر بگذاریم. می‌توانیم صدای خود را بلند کرده، در جهت انجام عدالت، بر علیه شرارت‌های اجتماعی زمان خود مبارزه کنیم. «عدالت قوم را رفیع می‌گرداند، اما گناه برای قوم، عار است» (امثال ۱۴: ۳۴).

۵- این واقعیت که یک شخص اثر خوبی بر روی جامعه‌اش بگذارد چه معنی می‌دهد؟

دوست داشتن همسایه‌مان

عیسی آموخت که دوست داشتن همسایه به اندازه دوست داشتن خدا اهمیت دارد (متی ۲۲: ۳۷-۳۹؛ مرقس ۱۲: ۳۰-۳۱). حتی بیشتر از آن، هر دو حکم به قدری به هم پیوسته‌اند که هیچ کس نمی‌تواند بدون دوست داشتن همسایه‌اش ادعا کند که خدا را دوست دارد. مثل سامری نیکو این حقیقت را به طرز زیبایی مجسم می‌سازد (لوقا ۱۰: ۳۰-۳۷). باشد که ما به عنوان ایماندار مراقب باشیم که مرتکب همان خطایی نشویم که کاهن و لاوی مرتکب شدند. ظاهراً ایشان بسیار مشغول مذهب خود بودند و در نتیجه وقت این را نداشتند که به نیازهای همسایه‌شان توجه کنند.



ما به عنوان مسیحی مسئولیت داریم که به همگان نیکویی کنیم، مخصوصاً به کسانی که متعلق به خانواده ایمانی ما می باشند (غلاطیان ۶: ۱۰). یعنی باید به آن خواهران و برادرانی که نیازمند هستند کمک کنیم (اعمال ۴: ۳۴؛ یعقوب ۲: ۱۵-۱۶؛ اول یوحنا ۳: ۱۷). به همان طریق باید به غریب ها نیز کمک کنیم (متی ۲۵: ۳۴-۴۰؛ یعقوب ۱: ۲۷). فرصت عظیم و مغتنمی است که یک ایماندار آماده کمک به همسایه اش باشد. او می تواند به بی سوادان آموزش دهد، بزهکاران، قانون شکنان، دائم الخمرها و معتادین را به راه راست هدایت کرده، خانه هایی برای نیازمندان بر پا دارد.

۶- به دور حرف مقابل هر نمونه از مسیحی که مسئولیت های خود را در جامعه به جا می آورد، دایره ای بکشید.

(a) بهرام طرقي را برای ایجاد تغییرات برای خیریت جامعه اش و نیکویی کردن به همسایگانش می یابد.

(b) خانم رحیمی وقت خود را صرف مذهبش می کند و می گذارد که دیگران به شرایط غیر عادلانه اجتماعی برسند.

(c) حمید از طریق مبارزه با حکومت وقت، در جهت اثرگذاری بر روی جامعه اش کار می کند.

اکنون این کتاب درسی به انتهای خود می رسد. اما به نوعی نیز به سر آغاز آن رسیده اید - زیرا که امیدوارم در واقع چیزهایی را که آموخته اید در زندگی تان به کار ببرید. درست است که مسئولیت های یک مباشر مسیحی عظیم است، اما پاداش هم به همان میزان عظیم است! اگر در مقام مباشر خدا، طالب تکریم و خدمت او باشید، شادی مخصوصی را تجربه خواهید کرد که مختص کسانی است که با امانت، هر آنچه را که خدا به ایشان واگذار کرده است، سرمایه گذاری و اداره می کنند. باشد که برای او زندگی کنید تا از برکات او بهره مند شوید!

خودآزمایی

۱- کدام آیه یا آیةهای کتاب مقدس بهترین نمونه است برای نشان دادن اینکه مسیحیان باید شاهدانی در اجتماع خود باشند؟

(a) اول سموئیل ۲۴:۶؛ ۲۶:۹-۱۱

(b) متی ۵:۱۳-۱۶

(c) متی ۲۲:۲۱

(d) اول تیموتائوس ۲:۱-۲

۲- در دفتر یادداشت‌تان، فهرستی از چند طریقی را نام ببرید که ایمانداران کلیسای‌تان بر مبنای آن می‌توانند شاهدانی در اجتماع‌شان باشند.

۳- فرض کنید که یکی از دوستان‌تان به شما می‌گوید که مسیحیان نباید در دولت عهده‌دار مسئولیتی باشند، زیرا که اکثر دولت‌ها فاسد هستند. در دفتر یادداشت‌تان، با استفاده از دست‌کم یک آیه، پاسخ خود را به چنین گفته‌ای بنویسید.

۴- فرض کنید می‌خواهید به کسی توضیح دهید که پنج مسئولیت عمده یک مسیحی چیست. در دفتر یادداشت‌تان هر پنج مورد را فهرست‌وار بنویسید. در کنار هر یک، آیةهایی را که آن را تعلیم داده یا تشریح می‌کنند، بنویسید.

۵- فرض کنید که می‌خواهید به دوستی توضیح دهید که یک مسیحی چگونه می‌تواند در جامعه خود یک همسایه نیکو باشد. در دفتر یادداشت‌تان، نکات عمده‌ای را که در نظر دارید، بنویسید و آیةهایی را که ضامن آن بوده، یا آن را تشریح می‌کنند، قید نمایید.

این آخرین درس از بخش سوم و نیز آخرین درس این کتاب است. بعد از اتمام این خودآزمایی، درس‌های ۷ تا ۱۰ را مرور کرده، به سؤالات آزمون میانی شماره ۳ پاسخ دهید. از رهنمودهای داده شده پیروی کنید.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۴- a) غلط

b) درست

c) غلط. یک مسیحی باید هم برای انجام اراده خدا دعا کند و هم باید رأی بدهد.

۱- c) با زندگی خداپسندانه این امکان برای هر مسیحی وجود دارد که به کل جامعه کمک کند تا عادل شود.

۵- بدین معنی است که او باعث ایجاد تغییراتی می‌شود که منتهی به چیزهای نیکو یا فوایدی برای دیگران می‌گردند.

۲- پاسخ خودتان. اگر کلیسای شما در نظر دارد که جلسه خاصی برای بزرگداشت میلاد و رستاخیز عیسی ترتیب دهد، این می‌تواند آن نوع واقعه‌ای باشد که می‌توان آن را به صورت خبر منتشر کرد. می‌توانید به طریق دیگری برای شناساندن کلیسای تان به اجتماع بیندیشید.

۶- a)

۳- پاسخ خودتان.

پاسخ خودآزمایی‌ها

درس ۱

a-۱

a-۲ و c

b-۳

d-۴

۵- b صحیح است. جمله a نمی‌تواند درست باشد چون در اعمال باب‌های ۲ و

۴ چنین چیزی نمی‌خوانیم.

c-۶ و d

d-۷

b-۸ و c

a-۹ غلط

(b) درست

(c) غلط

(d) درست

۱۰- جملات a و c نکاتی را عنوان می‌کنند که شما باید آنها را تجربه کرده

باشید. ولی پاسخ صحیح b می‌باشد.

درس ۲

c-۱

a-۲ درست

(b) غلط

(c) غلط

(d) درست

b-۳

a-۴

c-۵

۱ (a-۶)

۴ (b)

۳ (c)

۳ (d)

۲ (e)

a-۷

۸- b صحیح است. هر چند که پاسخ a صحیح است و هر کس باید از بابت سرمایه‌ای که خداوند داده، به او حساب پس بدهد، ولی بهتر خواهد بود اگر از روش b استفاده کنیم.

درس ۳

a-۱

b-۲

b-۳

c-۴

b-۵

۲ (a-۶)

۳ (b)

۲ (c)

۱ (d)

b-۷

b-۸

درس ۴

c-۱

b-۲

b-۳

a-۴

c-۵

a-۶ غلط

b درست

c غلط

d-۷

a-۸ ۲

b ۴

c ۱

d ۳

e ۴

پاسخ‌های شما ممکن است با پاسخ‌های داده شده متفاوت باشد. در هر حال همه نمونه‌ها برای نشان دادن راه‌هایی است که اراده‌های ما در جهت انجام خواست خدا پیش می‌رود.

a-۹ غلط

b غلط

c درست

b-۱۰

درس ۵

a-۱

(a-۲

(c

(d

(f

c-۳

(a-۴ غلط

(b غلط

(c درست

b-۵

(a-۶ پیدایش ۷:۳ و ۲۱

(b تثنيه ۵:۲۲؛ اول قرنیتان ۱۱:۲-۱۵

(c لوقا ۱۹:۱۶؛ اول تیموتائوس ۲:۹؛ ۱ پطرس ۳:۳؛ یعقوب ۲:۲

(d اول قرنیتان ۶:۱۳، ۱۰:۳۱-۳۲؛ اول تیموتائوس ۲:۹

(e خروج ۵:۳؛ اول قرنیتان ۱۱:۱۳

درس ۶

a-۱

d-۲

۲ (a-۳

۱ (b

۲ (c

۱ (d

۲ (e

۳ (f)

۳ (g)

۲ (h)

۲ (a-۴)

۱ (b)

۳ (c)

۳ (d)

۱ (e)

a-۵

c-۶

درس ۷

c-۱

e

۱ (a-۲)

۱ (b)

۲ (c)

۲ (d)

b-۳

a-۴ متی ۱۴:۲۵-۳۰

(b) لوقا ۱۰:۷؛ ۲ تسالونیکیان ۳:۱۲

(c) خروج ۲۰:۱۵؛ افسسیان ۴:۲۸

(d) ۲ تسالونیکیان ۳:۱۰

(e) پیدایش ۱۲:۵؛ ۱۲:۲۶؛ ایوب ۱:۱-۳، ۴۱:۴۲

c-۵

b-۶

درس ۸

(a-۱) غلط

(b) درست

(c) غلط

(d) درست

(a-۲) ۲

(b) ۴

(c) ۱

(d) ۳

(e) ۵

(f) ۱

(g) ۲

(c-۳)

(a-۴) ۱

(b) ۱

(c) ۳

(d) ۳

(e) ۲

درس ۹

(a-۱) ۲

(b) ۴

(c) ۳

(d) ۳

(e) ۱

۲(f)

۱ (g)

- ۲- پاسخ خودتان. آیا فعالیت‌هایی را که مربوط به چهار دسته از فعالیت‌های کلیسا می‌شود، در پاسخ خود گنجانده‌اید؟
- ۳- پاسخ شما باید شامل آن شش حقیقت و آیه‌های کتاب مقدس که آنها را تشریح می‌کند (از درس ۷) باشد.
- ۴- پاسخ شما باید شامل گام‌های مهم زیر شود (ترتیب آنها مهم نیست): الف) ایمانداران را در زمینه طرح مالی خدا تعلیم دهید؛ ب) از ایمانداران بخواهید که یک کمیته مالی و یک خزانه‌دار تعیین کنند؛ ج) مسئولیت‌های کمیته مالی و خزانه‌دار را به ایشان توضیح دهید؛ د) نظارت کنید که دفاتر حسابداری لازم مورد استفاده قرار می‌گیرند و پول‌ها با امانت نگهداری و حسابرسی می‌شوند؛ ه) از کمیته مالی یا کمیته بودجه بخواهید که بودجه‌ای طرح‌ریزی کنند و آن را پس از تصویب، به مرحله اجرا درآورند.

درس ۱۰

b-۱

- ۲- پاسخ خودتان. می‌توانید به نکاتی از این قبیل اشاره کنید: زندگی خداپسندانه، پیدا کردن راه‌هایی برای شناساندن کلیسای تان از طریق درج خبرهای جالب از فعالیت‌های کلیسایی، و غیره.
- ۳- پاسخ شما باید به نحوی این نکته را برساند که مسیحیان می‌توانند خدا را از طریق خدمات دولتی نیز خدمت کنند، نظیر دانیال (دانیال ۱:۱ تا ۲۸:۶) و ارسطوس (رومیان ۱۶:۲۳)، حتی اگر دولت خداشناس نباشد.
- ۴- پاسخ شما باید شامل پنج نکته‌ای باشد که در بخش مسئولیت‌های مدنی آمده است. آیه‌های مربوطه نیز باید ذکر شود.

۵- پاسخ شما باید شامل نکات و آیه‌هایی شود از این قبیل: ۱) یک مسیحی می‌تواند باعث بهبود وضع اجتماعش شود، همانطور که مسیحیان اولیه چنین می‌کردند، تا حدی که ایشان را متهم به اخلال در نظم اجتماع کردند (اعمال ۱۷:۶)؛ و ۲) یک مسیحی می‌تواند محبت خود را در عمل به همسایه خود نشان دهد، و در این راه، از سامری نیکو الگو بگیرد (لوقا ۱۰:۳۰-۳۷)، و سایر احکام و نمونه‌های مندرج در کتاب مقدس (متی ۲۲:۳۷-۳۹؛ ۲۵:۳۴-۴۰؛ مرقس ۱۲:۳۰-۳۱؛ اعمال ۴:۳۴؛ غلاطیان ۶:۱۰؛ یعقوب ۱:۲۷؛ ۲:۱۵-۱۶؛ اول یوحنا ۳:۱۷).

مسیحی مسئول

(ایماندار در مقام مباشر امور خدا)

آزمون‌های میانی

انتشارات ایلام
نسخه الکترونیکی

دانشجوی گرامی

این آزمون‌های میانی به منظور یادگیری بهتر تمامی جزئیات این کتاب درسی تهیه شده است. هر آزمون مربوط به چند درس می‌باشد. لطفاً پس از مطالعه درس‌های مشخص شده، آزمون مربوط به آنها را بگذرانید.

پاسخ‌های صحیح را در ورقه پاسخنامه علامت بزنید. پس از گذراندن هر سه آزمون میانی، ورقه پاسخنامه را برای تصحیح برای ما بفرستید.

در صورتی که مایلید این درس را به صورت رسمی امتحان دهید و یک واحد دانشگاهی کسب کنید، لطفاً جهت ثبت نام و انجام تشریفات امتحان با ما تماس حاصل فرمایید.

با آرزوی موفقیت

آزمون میانی شماره ۱

(مربوط به درس‌های ۱ و ۲)

بخش اول - سؤالات صحیح و غلط

جملات صحیح را با حرف a و جملات غلط را با حرف b مشخص نمایید.

- ۱- مالک باید به کس دیگری گزارش بدهد.
- ۲- مباشر، مالک و صاحب اموالش نیست.
- ۳- کتاب مقدس می‌گوید که مالک همه چیز خداست.
- ۴- مالک بودن خدا هرگز به چالش گرفته نشده است.
- ۵- اگر کسی چیزی دارد، این بدان معناست که او مالک آن است.
- ۶- مباشر باید از دستورالعمل‌های مالک پیروی کند.
- ۷- خدا به انسان اجازه داده تا مالک زندگی خود باشد.

بخش دوم - سؤالات چندگزینه‌ای

صحیح‌ترین پاسخ را انتخاب نمایید و علامت بزنید.

۸- کدام یک از موارد زیر بیانگر مالکین دروغین می‌باشد؟

- (a) خدا و جامعه
- (b) فرد و خدا
- (c) جامعه و فرد

۹- حاکمیت و خداوندگاری بر همه چیز، صفت و خصوصیت کدام مورد زیر

است؟

- (a) خدا
- (b) فرشتگان

(c) انسان

(d) ایمانداران

۱۰- برای درک مفهوم مباشرت مسیحی، لازم است کدام نکات زیر را از یکدیگر

تشخیص داد؟

(a) مدیریت و مباشرت

(b) برخورداری از اموال و مالک بودن

(c) خداوندگاری و اقتدار

۱۱- هر جفت از آیه‌های مذکور در اقسام زیر را از کتاب مقدس بخوانید. کدام

جفت از آیات «تفاوت» میان خدا و انسان را از نقطه نظر مالکیت بهتر نشان می‌دهد؟

(a) خروج ۵:۱۹؛ اعمال ۲۵:۱۷

(b) اول تواریخ ۱۴:۲۹؛ اول قرنتیان ۷:۴

(c) مزمو ۱:۲۴؛ حجی ۸:۲

(d) اول قرنتیان ۷:۴؛ اول تیموتائوس ۷:۶

۱۲- کدام یک از حقایق زیر در مورد خدا، بیشتر به موضوع مالکیت او مربوط

می‌شود؟

(a) او همه چیز را می‌داند.

(b) او ابدی است.

(c) او آینده را می‌بیند.

(d) او همه چیز را آفرید.

۱۳- آیات زیر را بخوانید. کدام یک از آنها «نتیجه بد» ناسپاسی نسبت به خدا را

به عنوان مالک نشان می‌دهد؟

(a) خروج ۱۲:۱۳

(b) لوقا ۴:۴۶

(c) رومیان ۲۱:۱

(d) اول تسالونیکیان ۵:۱۸

۱۴- یک تفاوت مهم میان مباشر و مالک در کدام یک از موضوعات زیر منعکس است؟

(a) گزارش دادن

(b) میزان برخورداری فرد از اموال

(c) نوع اموال و اجناسی که مورد سرمایه‌گذاری قرار می‌گیرد

(d) چگونگی استفاده از اموال

۱۵- در رابطه‌مان با خدا، باید در کدام یک از نقش‌های زیر انجام وظیفه کنیم؟

(a) مباشر و مدیر (هماهنگ‌کننده)

(b) املاک و اموال

(c) مالک و مرئوس

(d) اموال و مباشر

۱۶- مباشری که در حضور دیگران نماینده خوبی برای ارباب خود می‌باشد،

کدام یک از شرایط زیر را عملی می‌سازد؟

(a) امین بودن

(b) بی‌عیب بودن

(c) دانا بودن

۱۷- آیات زیر را بخوانید. کدام یک نمونه‌ای است از مباشری که مباشرت خود

را با خرد و دانایی انجام می‌دهد؟

(a) پیدایش ۵۴:۴۱-۵۷

(b) مرقس ۱۰:۱۳-۱۶

(c) اعمال ۱۶:۶-۱۲

(d) اول قرنتیان ۱۳:۳-۱۷

- ۱۸- مباحثی که از طرح خدا برای سرمایه‌گذاری تبعیت می‌کند،.....
- (a) به نیازهای خانواده‌اش رسیدگی می‌کند و بقیه را به خدا می‌دهد.
- (b) به فقرا کمک می‌کند، سپس به ایماندارانی که می‌شناسد، کمک می‌کند.
- (c) آنچه را که از آن خداست به خدا می‌دهد، سپس به نیازهای خانواده‌اش می‌رسد و بعد از آن به نیازهای دیگران.
- (d) همه چیز را به خدا می‌دهد و تأمین نیازهای خانواده‌اش را به دیگران واگذار می‌کند.
- ۱۹- کدام یک از چهار مسئولیت زیر در مباحثت مسیحی را پس از زندگی زمینی‌مان باید انجام دهیم؟
- (a) پیروی از دستورالعمل‌ها
- (b) درخواست هدایت
- (c) سرمایه‌گذاری کردن
- (d) گزارش دادن

آزمون میانی شماره ۲

(مربوط به درس‌های ۳ تا ۶)

بخش اول - سؤالات صحیح و غلط

- جملات صحیح را با حرف a و جملات غلط را با حرف b مشخص نمایید.
- ۱- به‌هنگام طرح خط‌مشی، نیازی به توجه به هدف نیست.
 - ۲- سه بخش عمده شخصیت ما عبارتست از عواطف، احساسات، و نیروی عقلانی ما.
 - ۳- این امکان وجود دارد که نقشه خدا برای زندگی ما با خواسته‌های شخصی خودمان منطبق باشد.
 - ۴- مطابق با رومیان ۲۹:۸-۳۰، نقشه خدا هفت جنبه عمده دارد.
 - ۵- این امکان هست که ایماندار صاحب اختیار بدن خود باشد.
 - ۶- از آنجا که خدا به قلب انسان نگاه می‌کند، مهم نیست که ایمانداران بکوشند ظاهری مناسب داشته باشند.
 - ۷- مباشرت در خصوص امکانات شخصی‌مان، شامل صرف وقت برای خودمان نیز می‌شود.

بخش دوم - سؤالات چند جوابی

صحیح ترین پاسخ را انتخاب نمایید.

۸- فرض کنید یکی از دوستان تان به شما می گوید که احساس می کند زندگی اش هیچ معنایی ندارد. آیات زیر را از کتاب مقدس بخوانید و یکی از آنها را که می توانید برای بیان هدف خدا برای زندگی او به کار ببرید، انتخاب کنید.

(a) داوران ۱۳:۵-۵

(b) لوقا ۵:۱-۱۷

(c) رومیان ۸:۲۹-۳۰

(d) عبرانیان ۱۱:۲۳

۹- برادر حمید قصد دارد معلم آموزشگاه کتاب مقدس شود. گامی که او باید بردارد، این است که.....

(a) هدفی تعیین کند.

(b) اولویت ها را تعیین کند.

(c) برنامه ریزی کند.

۱۰- فرض کنید که یکی از دوستان تان معتقد است که خدا او را خوانده تا رهبر کلیسا شود. از شما می پرسد که گام بعدی چیست. شما باید به او بگویید که.....

(a) منتظر شود تا خدا رؤیا یا خوابی در مورد گام بعدی به او نشان دهد.

(b) کتاب مقدس را تفحص کند تا دستورالعملی دقیق و مبسوط بیابد.

(c) در کلیسا به دنبال سمتی در رده های رهبری باشد.

(d) برای آماده شدن برای کار رهبری، برنامه ریزی کند.

۱۱- آن بخش از وجود ما را که باید برای «انتخاب» کار و راه درست به کار ببریم،

کدام است؟

(a) عقل مان

(b) اراده مان

(c) عواطف مان

۱۲- برای اطاعت از خدا، کدام چهار عامل در وجود ما باید در توافق با هم عمل

کنند؟

(a) اراده و عواطف و فکرمان، و کلام خدا

(b) عقل مان، کلام خدا، روح القدس، و اراده مان

(c) کلام خدا، عقل مان، عواطف مان، و روح القدس

(d) روح القدس، نیروی عقلانی مان، فکرمان، اراده مان

۱۳- فرض کنید که یکی از دوستان تان از شما می پرسد که کدام عواطف به

زندگی روحانی مان مربوط می شود. آیات زیر را بخوانید و آن را که بهترین پاسخ به

این سؤال است، انتخاب کنید.

(a) اول سموئیل ۹:۱۵-۱۱

(b) یوحنا ۱۵:۵

(c) اول قرنتیان ۱۴:۱۵

(d) غلاطیان ۵:۲۲-۲۳

۱۴- کدام یک از عبارات زیر مهم ترین دلیل را برای توجه به بدن مان و محترم

داشتن آن ارائه می دهند؟

(a) بدن ما واقعاً معبد خداست.

(b) توجه و احترام به بدن مان منتهی به تندرستی می گردد.

(c) اگر تندرست باشیم، از زندگی لذت بیشتری خواهیم برد.

(d) اگر به بدن مان توجه نشان دهیم، مورد پسند دیگران خواهیم بود.

۱۵- کدام یک از افراد ذیل قواعد تندرستی را رعایت نمی کنند؟

(a) جمشید اغلب به اماکن نادرست می رود.

(b) رامین با لباس خانه به کلیسا می رود.

(c) سوزان معمولاً هر شب کمتر از شش ساعت می خوابد.

(d) مهری از جواهرات قیمتی استفاده می کند.

۱۶- سؤال ۲۰ را بار دیگر بخوانید. کدام یک از افراد اصل «شایستگی» را رعایت

نمی کند؟

(a) جمشید

(b) رامین

(c) سوزان

(d) مهری

۱۷- کدام یک از افراد زیر در مقام مباشر وقت خود، به هر یک از سه مسئولیت

خود رسیده است؟

(a) آقای پرویزپور با فرزندان خود وقت صرف می کند، با همسر خود در خصوص موضوع های مشترک گفتگو می کند، و وقتی را نیز به استراحت اختصاص می دهد.

(b) آقای رامتین دوستان را برای رفاقت مسیحی دعوت می کند، با پسرش در مورد برنامه هایش صحبت می کند، و در جلسات کلیسایی شرکت می کند.

(c) خانم نادرپور با اعضای خانواده صحبت می کند، برای ماه آینده برنامه ریزی می کند، و به دعا و مطالعه کتاب مقدس وقت می دهد.

۱۸- کدام عبارت زیر، تعلیم موجود در متی ۱۴:۲۵-۳۰ در خصوص قابلیت‌های مان را جمع‌بندی می‌کند؟

(a) بهتر است قابلیت‌های بیشتری داشت، زیرا در این صورت پاداش بیشتری دریافت خواهیم کرد.

(b) پاداش فرد بر اساس استعدادها و قابلیت‌هایی تعیین می‌شود که از آنها برخوردار می‌باشد و به کارشان برده است.

(c) شخصی که قابلیت‌های بیشتری دارد، نسبت به کسی که قابلیت کمتری دارد، شانس بیشتری برای کسب رضایت خدا دارد.

(d) هر شخص باید قابلیت‌های خود را سرمایه‌گذاری کند، صرف‌نظر از اینکه قابلیت‌هایش کم یا زیاد باشد.

۱۹- اگر مایلید قابلیت‌های پنهان خود را کشف کنید، باید از طرحی استفاده کنید که شامل سه گام زیر می‌گردد:

(a) درخواست از خداوند، منتظر فرصت بودن، و تلاش برای انجام کارهای جدید.

(b) درخواست از خداوند، منتظر فرصت بودن، و تفحص کتاب مقدس.

(c) پیدا کردن فرصت‌های مناسب، گشتن به دنبال کارهایی که باید انجام شوند، و امتحان کردن کارهای جدید.

(d) دعا کردن برای هدایت، منتظر فرصت مناسب بودن، و یافتن نیازهایی که باید برطرف شوند.

آزمون میانی شماره ۳

(مربوط به درس‌های ۷ تا ۱۰)

بخش اول - سؤالات صحیح و غلط

جملات صحیح را با حرف a و جملات غلط را با حرف b مشخص نمایید.

- ۱- مسأله ده یک نخستین بار در عهدجدید تعلیم داده شده است.
- ۲- حتی تنگدستان نیز می‌توانند اسیر طمع باشند.
- ۳- اگر درآمد کسی کمتر از مخارجش باشد، باید از ده یک خود بکاهد.
- ۴- کتاب مقدس هیچگونه رهنمودی در خصوص الگوی خانواده مسیحی نمی‌دهد.
- ۵- حفظ اتحاد خانواده جزو مسئولیت‌های مباشر آن می‌باشد.
- ۶- برای کلیسایی که اعضایش ده یک نمی‌دهند، انجام مأموریت بزرگ بسیار دشوار است.
- ۷- مسئولیت مباشرت شخص فقط محدود به خانواده و کلیسایش می‌گردد.

بخش دوم - سؤالات چند جوابی

صحیح‌ترین پاسخ را انتخاب نمایید.

- ۸- کتاب مقدس می‌فرماید که غیرممکن است که.....
 - a) شخص ثروتمند وارد ملکوت خدا شود.
 - b) انسان بتواند هم خدا و هم پول را خدمت کند.
 - c) ایمانداران بتوانند در آسمان گنج بیندوزند.
 - d) انسان در راه‌های خداپسندانه پول خرج کند.

۹- یک مباشر مسیحی که قناعت را می‌شناسد، آموخته است که فرق میان.....

(a) استعداد و قابلیت را تشخیص دهد.

(b) وظیفه و مسئولیت را تشخیص دهد.

(c) عاطفه و احساس را تشخیص دهد.

(d) نیاز و خواسته را تشخیص دهد.

۱۰- کدام یک از عبارات زیر «مهم‌ترین دلیل» را برای ده‌یک دادنِ مباشر مسیحی ارائه می‌دهد؟

(a) خدا مالک حقیقی ثروت انسان است.

(b) خدا وعده داده است که ده‌یک‌دهندگان را برکت دهد.

(c) ده‌یک دادن سبب می‌شود که انسان خودخواه نشود.

(d) در کتاب مقدس نمونه‌هایی از افرادی که ده‌یک می‌دادند، آمده است.

۱۱- خانواده‌ای را می‌توان خانواده مسیحی نامید که در آن.....

(a) فرزندان مطیع والدین هستند.

(b) همه کتاب مقدس می‌خوانند و به کلیسا می‌روند.

(c) خودِ مسیح برترین قدرت است.

(d) هر کس حق دیگری را محترم می‌شمارد.

۱۲- وقتی خانواده‌ای نجات یافت، چه کسی بیش از دیگران مسئول است که

بیند همه اعضای خانواده به خدمت خداوند ادامه می‌دهند یا نه؟

(a) کسی که ایشان را به‌سوی خداوند هدایت کرد

(b) والدین

(c) شوهر

(d) شبان‌کلیسایی که اعضای خانواده به آنجا می‌روند

۱۳- مهم است که والدین در خانه و در کلیسا زندگی خداپسندانه‌ای داشته باشند زیرا.....

- (a) در غیر این صورت، فرزندان دچار سردرگمی می‌شوند.
 - (b) ممکن است شبان به‌طور غیرمنتظره به ملاقات ایشان برود.
 - (c) خانه و خانواده همان جایی است که کلیساهای بسیاری آغاز شده‌اند.
 - (d) خانواده باید محلی برای میهمان‌نوازی باشد.
- ۱۴- در امر برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های کلیسا، کدام مورد زیر گام «دوم» می‌باشد؟

- (a) برگزاری جلسه با همه رهبران
 - (b) دسته‌بندی کردن فعالیت‌های کلیسا
 - (c) تعیین اهداف سالیانه
 - (d) تصمیم‌گیری در مورد چگونگی نیل به اهداف
- ۱۵- آیات زیر را بخوانید. اگر کسی از شما بپرسد که آیا شبانان نیز باید از کار خدا حمایت مالی بکنند یا نه، کدام آیه بهترین جواب را ارائه می‌دهد؟

- (a) لاویان ۲۷:۳۰
 - (b) اعداد ۱۸:۲۵-۲۹
 - (c) عزرا ۲:۶۸-۶۹
 - (d) امثال ۳:۹-۱۰
- ۱۶- در امر جمع‌آوری پول‌های کلیسا، بهترین روش این است که آنها را چه کسی بشمارد؟

- (a) یکی از رهبران رسمی
- (b) خزانه‌دار
- (c) شبان کلیسا
- (d) لااقل دو نفر

۱۷- فرض کنید در دفتر نقدینه‌ها صفحه‌ای برای ماه سپتامبر دارید. مبلغ هزینه‌ها و نقل به ماه بعد در صفحه سمت راست معادل ۸۸۵/۰۰ دلار می‌باشد. جمع کدام یک از موارد زیر نیز باید ۸۸۵/۰۰ دلار شود؟

- (a) نقل به ماه اکتبر و جمع هزینه‌ها
 - (b) درآمدهای ماهیانه در ماه سپتامبر و مانده از ماه آگوست
 - (c) درآمدهای ماه آگوست و هزینه‌های ماه سپتامبر
 - (d) هزینه‌های ماه آگوست و نقل به ماه سپتامبر
- ۱۸- کدام یک از ابزار زیر بیش از همه به کلیسا کمک می‌کند تا نحوه استفاده از درآمدهایش را برنامه‌ریزی کند؟

- (a) دفتر نقدینه‌ها
 - (b) دفتر دهیک‌ها
 - (c) دفتر صورت اموال
 - (d) بودجه
- ۱۹- آیات زیر را بخوانید. کدام یک از آنها حالت ایماندار را نسبت به مقامات حکومتی بهتر از بقیه توصیف می‌کند؟

- (a) متی ۱۴:۵
- (b) مرقس ۳۰:۱۲-۳۱
- (c) رومیان ۱۳:۱-۶
- (d) رومیان ۱۶:۲۳